

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مؤسسہ فرہنگی - ہنری فقہ الثقلین

پاسخ به مسائل شرعی  
دفتر حضرت آية الله العظمى صانعی مدظله العالی

دفتر قم - تلفن: ۷۷۴۴۷۶۷ - ۷۷۴۴۰۱۰ - ۷۷۴۴۰۰۹

۷۸۳۱۶۶۲ - ۷۸۳۱۶۶۱ - ۷۸۳۱۶۶۰

نمبر: ۷۷۳۵۰۸۰ - ۰۲۵۱

نشانی: پل حجتیه، خیابان شهید محمد منتظری، کوچه ۸، پلاک ۴

دفتر تهران - تلفن: ۴ الی ۶۶۵۶۴۰۰۱  
نشانی: خیابان کارگر جنوبی، بین آذربایجان و جمهوری، کوچه کامیاب

دفتر مشهد - تلفن: ۲۲۵۱۱۵۲ - ۲۲۲۲۲۷۷ - ۲۲۱۰۰۰۲  
نمبر: ۲۲۲۲۵۷۷ - ۰۵۱۱

دفتر اصفهان - تلفن: ۴۴۸۷۶۶۲ - ۴۴۸۷۶۶۱ - ۴۴۸۷۶۶۰  
نمبر: ۴۴۶۳۳۹۱ - ۰۳۱۱

دفتر شیراز - تلفن: ۲۲۴۳۳۳۴ - ۲۲۴۳۴۹۸ - ۲۲۲۲۲۹۴  
نمبر: ۲۲۲۶۷۰۰ - ۰۷۱۱

دفتر اراک - تلفن: ۲۲۷۲۳۰۰ - ۲۲۷۲۲۰۰  
نمبر: ۲۲۵۹۷۷۷ - ۰۸۶۱

پاسخگویی به مسائل حج

همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۰۰۰۷

تلفن: ۲ - ۷۸۳۱۶۶۰

www.saanei.org

اینترنت:

Istifta @ saanei.org

Saanei @ saanei.org

۳۰۰۰۷۹۶۰

پاسخ به استفتانات

تماس با دفتر معظم له

شماره پیام کوتاه:

# مناسک حج و شہ بانوان

مطابق با فتاویٰ مرجع عالیفتہ

حضرت آیت اللہ العظمیٰ صانعی

صانعی، یوسف، ۱۳۱۶ -  
مناسک حج ویزه بانوان / مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیه الله  
العظمی حاج شیخ یوسف صانعی. - - قم: میثم تمار، ۱۳۸۸.  
۳۶۰ ص. ISBN 964-5598-59-1

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. حج. ۲. فقه جعفری - رساله عملیه. الف. عنوان.

۲۹۷/۳۵۷

BP ۱۸۸ / ۸ / ۸ م ۲۵

۱۶۱۸۸ - ۸۴ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات میثم تمار

## مناسک حج ویزه بانوان

مطابق با فتاوی مرجع عالیقدر

حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ یوسف صانعی

ناشر: انتشارات میثم تمار • لیتوگرافی: نویس

چاپ: کوثر • نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۸۸

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه • بها: ۲۲۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم - خیابان صفائیه / کوچه ۳۷ / کوچه ۵ / پلاک ۱۶۲  
صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۵۵۷ - تلفن: ۹۱ - ۷۸۳۵۰۹۰ / فکس: ۷۷۴۱۰۶۵ (۰۲۵۱)

همراه: ۰۹۱۲۱۵۳۸۸۰۸

فروشگاه اینترنتی کتاب: [www.sababook.ir](http://www.sababook.ir)

## فهرست مطالب

مقدمه .....	۱۳
مستحبات و آداب سفر .....	۱۵

### بخش اول

#### کلیات / ۲۱

فصل اول: وجوب حج .....	۲۳
شرایط وجوب حجة الاسلام .....	۲۴
الف - استطاعت مالی .....	۲۵
۱ - استطاعت با قرض .....	۲۷
۲ - استطاعت زن با ارث .....	۲۷
۳ - استطاعت زن با مهریه .....	۲۸
۴ - استطاعت زن به وسیلهٔ بذل .....	۲۹
ب: استطاعت طریقی و زمانی .....	۳۰
۱ - وجود همراه در سفر حج .....	۳۱

۳۲	۲- اجازه شوهر در حج
۳۳	ج: استطاعت بدنی
۳۴	مسائل متفرقه
۳۶	فصل دوّم: اقسام حج و صورت عمره مفرده
۳۶	الف - اقسام حج
۳۶	صورت اجمالی عمره تمتّع و حج تمتّع
۳۸	شرایط حج تمتّع
۴۰	صورت حج افراد
۴۱	صورت حج قرآن
۴۱	ب - عمره مفرده
۴۱	صورت عمره مفرده
۴۴	فصل سوّم: نیابت در حج
۴۴	شرایط نایب

بخش دوّم  
حج تمتّع / ۴۹

۵۱	فصل اوّل: عمره تمتّع
۵۱	الف) زمان عمره تمتّع
۵۲	ب) اعمال عمره تمتّع
۵۲	۱- احرام
۵۲	۱- ۱ مکان احرام (مواقیت)
۵۳	وظیفه زن حائض نسبت به احرام

۵۵.....	۲- ۱ لباس احرام.....
۵۶.....	مسائل متفرقه.....
۵۸.....	۳- ۱ مستحبات احرام.....
۶۰.....	۴- ۱ مکروهات احرام.....
۶۱.....	۵- ۱ واجبات احرام.....
۶۳.....	۶- ۱ مُحَرَّمات احرام.....
۷۴.....	۷- ۱ مقدار کفاره محرّمات احرام.....
۷۵.....	مستحبات ورود به حرم.....
۷۶.....	مستحبات دخول به مکه معظمه.....
۷۷.....	مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام.....
۸۱.....	آداب مکه معظمه و مسجدالحرام.....
۸۵.....	مستحبات خروج از مکه.....
۸۷.....	۲- طواف.....
۸۸.....	۱- ۲ شرایط طواف.....
۸۸.....	اول: نیت.....
۸۹.....	دوم: طهارت از حدث.....
۹۰.....	احکام حائض.....
۹۵.....	احکام حائض نسبت به طواف و نماز طواف.....
۹۷.....	احکام مستحاضه.....
۹۸.....	اقسام استحاضه.....
۱۰۲.....	احکام مستحاضه نسبت به طواف و نماز طواف.....
۱۰۴.....	مسائل متفرقه.....
۱۱۰.....	شک در طهارت.....

- سوم: طهارت بدن و لباس ..... ۱۱۱
- لباس طواف کننده ..... ۱۱۳
- ۲-۲ واجبات طواف ..... ۱۱۳
- احکام قطع طواف ..... ۱۱۷
- احکام شک در طواف ..... ۱۱۸
- ۲-۳ مسائل متفرقه طواف ..... ۱۲۰
- ۲-۴ آداب و مستحبات طواف ..... ۱۲۵
- ۳- نماز طواف ..... ۱۲۹
- مستحبات نماز طواف ..... ۱۳۳
- ۴- سعی بین صفا و مروه ..... ۱۳۴
- ۱-۴ کم و زیاد انجام دادن سعی ..... ۱۳۸
- ۲-۴ احکام شک در سعی ..... ۱۳۹
- ۳-۴ مسائل متفرقه سعی ..... ۱۴۰
- ۴-۴ مستحبات قبل از سعی و هنگام سعی و بعد از سعی ..... ۱۴۰
- ۵- تقصیر و احکام آن ..... ۱۴۵
- فصل دوم: مسائل متفرقه ..... ۱۴۸
- الف - احکام بین عمره و حج تمتع ..... ۱۴۸
- ب - تبدل حج تمتع به افراد ..... ۱۴۹
- فصل سوم: حج تمتع ..... ۱۵۲
- اعمال حج تمتع ..... ۱۵۲
- ۱- احرام حج تمتع ..... ۱۵۲
- ۱-۱ زمان احرام حج تمتع ..... ۱۵۲
- ۱-۲ مکان احرام حج تمتع ..... ۱۵۳



۱۵۳	۳- ۱ مستحبات احرام حج تا وقوف در عرفات
۱۵۵	۲- وقوف در عرفات
۱۵۷	مستحبات وقوف در عرفات
۱۶۳	۳- وقوف در مشعر الحرام
۱۶۴	۱- ۳ اقسام وقوف در مشعر الحرام
۱۶۵	۲- ۳ مستحبات وقوف در مشعر الحرام
۱۶۷	۴- واجبات منی در روز عید قربان
۱۶۸	اول: رمی جمره عقبه
۱۶۸	وقت رمی
۱۷۰	واجبات رمی
۱۷۱	شکایات رمی
۱۷۲	مستحبات رمی جمرات
۱۷۳	دوم: قربانی کردن (هدی) یا نحر شتر
۱۷۶	روزه بدل قربانی
۱۷۷	مسائل متفرقه قربانی
۱۷۸	مستحبات قربانی
۱۷۹	سوم: تقصیر
۱۷۹	زمان تقصیر
۱۷۹	مکان تقصیر
۱۸۱	فصل چهارم: اعمال مکه معظمه
۱۸۲	الف - تقدیم اعمال مکه
۱۸۳	ب - مسائل طواف نساء
۱۸۵	فصل پنجم: اعمال منی در ایام تشریق

الف - بیتوته در منی	۱۸۵
ب - رمی جمرات سه گانه در منی	۱۸۷
۱ - وقت رمی	۱۸۸
۲ - قضای رمی جمرات	۱۸۹
ج - مستحبات منی در ایام تشریق	۱۹۰
فصل ششم: احکام مصدود و محصور و مسائل متفرقه	۱۹۲
الف - احکام مصدود	۱۹۲
ب - احکام محصور	۱۹۴
ج - مسائل متفرقه	۱۹۵

## بخش سوم

## اعمال و آداب مدینه منوره / ۲۰۳

اعمال و آداب مدینه منوره	۲۰۵
زیارت رسول خدا ﷺ و کیفیت آن	۲۰۷
آداب زیارت	۲۰۸
اذن دخول جهت زیارت	۲۱۰
زیارت حضرت رسول ﷺ	۲۱۲
نماز زیارت و دعای بعد از آن	۲۱۶
بعضی از مستحبات مسجد النبی	۲۱۶
دعا در روضه شریفه	۲۱۶
دعا و نماز نزد ستون توبه	۲۱۹
استحباب روزه و دعا در مدینه منوره و مسجد النبی	۲۲۱

۲۲۲	..... نماز و دعا نزد مقام جبرئیل
۲۲۶	..... زیارت حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۲۲۷	..... زیارت اول حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۲۳۳	..... زیارت دوم حضرت فاطمه زهرا <small>علیها السلام</small>
۲۳۴	..... زیارت ائمه بقیع <small>علیهم السلام</small>
۲۳۹	..... زیارت امام حسن مجتبی <small>علیه السلام</small>
۲۴۱	..... زیارت امام زین العابدین <small>علیه السلام</small>
۲۴۳	..... زیارت امام محمد باقر <small>علیه السلام</small>
۲۴۶	..... زیارت امام صادق <small>علیه السلام</small>
۲۴۸	..... زیارت عباس بن عبدالمطلب
۲۴۹	..... زیارت فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۵۲	..... زیارت دختران حضرت رسول <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۵۳	..... زیارت همسران رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۵۴	..... زیارت جناب عقیل و جناب عبدالله فرزند جعفر طیار <small>علیه السلام</small>
۲۵۵	..... زیارت ابراهیم، فرزند رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۵۸	..... زیارت شهدای واقعه حرّه و شهدای احد در بقیع
۲۵۹	..... زیارت اسماعیل فرزند امام صادق <small>علیه السلام</small>
۲۶۰	..... زیارت حلیمه سعدیه
۲۶۱	..... زیارت عمه های رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۶۲	..... زیارت امّ البنین مادر حضرت ابوالفضل <small>علیه السلام</small>
۲۶۳	..... زیارت اهل قبور
۲۶۴	..... زیارت حضرت عبدالله بن عبدالمطلب <small>علیه السلام</small> پدر رسول اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small>
۲۶۵	..... زیارت دوم حضرت عبدالله بن عبدالمطلب

۲۶۶	فضیلت زیارت حضرت حمزه و سایر شهدای اُحُد
۲۷۱	زیارت شهدای اُحُد
۲۷۳	زیارت وداع رسول اکرم ﷺ
۲۷۶	زیارت وداع ائمهٔ بقیع <small>علیهم السلام</small>
۲۷۸	زیارت حضرت خدیجه <small>علیها السلام</small>
۲۷۹	زیارت حضرت ابوطالب <small>علیه السلام</small>
۲۸۰	زیارت حضرت عبدمناف جدّ پیامبر اکرم ﷺ
۲۸۰	زیارت حضرت عبدالمطلب <small>علیه السلام</small> ، جدّ پیامبر اکرم ﷺ
۲۸۲	زیارت حضرت آمنه بنت وهب، مادر پیامبر اکرم ﷺ
۲۸۳	زیارت حضرت قاسم، فرزند رسول خدا ﷺ
۲۸۴	زیارت جامعهٔ کبیره
۲۹۸	زیارت امین الله
۳۰۱	دعای عالیة المضمین
۳۰۸	دعای کمیل
۳۲۰	دعای امام حسین <small>علیه السلام</small> در روز عرفه
۳۵۲	واژه نامه

## مقدمه

«کعبه» نخستین خانه‌ای است که به امر خداوند برای هدایت مردم بنا شده است، «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»<sup>۱</sup>.

کعبه، خانه مقدسی است که به دست توانای رسولان الهی - ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام - بنا گردیده، «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۲</sup>.

کعبه، همان خانه مقدسی است که خدای جهان، ابراهیم و اسماعیل علیهم‌السلام را به تطهیر از مشرکان مأمور نموده، «وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»<sup>۳</sup>.

کعبه، خانه‌ای است که ابراهیم علیه‌السلام به امر خدای متعال مأموریت یافت که بندگان را به سوی این خانه فرا خواند، «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّلُ يَا حَلَّالاً وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ»<sup>۴</sup>.

---

۱. آل عمران، آیه ۹۶.

۲. بقره، آیه ۱۲۷.

۳. بقره، آیه ۱۲۵.

۴. حج، آیه ۲۷.

«حج» یکی از ارکان اساسی اسلام است و روح و جوهره بنیادین آن، شناخت و معرفت خداوند است.

هدف از حج این است که هر یک از بندگان خدا، در صورت داشتن استطاعت یک بار در طول زندگی به انجام آن توفیق یابند و با اعمال و مناسک و شعایر گوناگون، عبودیت و بندگی خود را به اثبات رسانند و بکوشند تا ظاهر و باطن خود را با صبغة ابراهیم علیه السلام آراسته و با آیین حنیف وی پیوند دهند.

امید آنکه از این کنگره بزرگ اسلامی که هر سال در کانون وحی و رسالت تشکیل می شود کمال بهره را برده باشیم، و زائران محترم فرصت را غنیمت شمرده و در جهت تهذیب نفس و اعتلای اسلام عزیز بکوشند و در آن مکانهای مقدس از خداوند منان، عزت مسلمین را طلب نموده و ما را از دعای خیر فراموش ننمایند.

شایان یادآوری است کتاب مناسک بانوان که توسط چند تن از فضیلتی محترم در بخش استفتائات دفتر حضرت آية الله العظمی صانعی - دام ظلّه - با سبکی جدید تهیه و تنظیم شده و با آخرین نظرات و فتاوی فقهی ایشان در مسائل حج و همچنین با حاشیه معظم له بر کتاب العروة الوثقی و تحریر الوسیله حضرت امام (سلام الله علیه) و دلیل الناسک تطبیق یافته، به خوانندگان عزیز تقدیم می گردد.

ناشر

## مستحبات و آداب سفر

برای سفر، در کتب روایی آداب و مستحبات فراوانی ذکر شده، که در اینجا به مختصری از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. نوشتن وصیت‌نامه: امام صادق علیه السلام فرموده: «مَنْ رَكِبَ زاحِلَةً فَلْيُؤِصَّ». <sup>۱</sup> هر کس عازم سفر می‌شود، باید وصیت کند.

۲. در سفر حج نفقه حج و عمره شخص از حلال‌ترین و پاک‌ترین مال باشد؛ عن أبي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام أنه قال: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ حَجِّ صَرُورَتِنَا وَمَهْورِ نَسَائِنَا وَأَكْفَانِنَا مِنْ طَهْرٍ أَمْوَالِنَا». <sup>۲</sup> امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند: اولین حج ما، و مهرهای همسران ما و کفنه‌های ما از پاک‌ترین و حلال‌ترین اموال می‌باشد. و در روایت دیگر است که اگر کسی با مال حرام به حج برود هنگامی که تلبیه می‌گوید در جواب او گفته می‌شود: «لا لبيك عبدي ولا

---

۱. الکافی، ۱۰/۵۴۲/۴؛ وسائل الشیعة، ۳۶۹/۱۱، أبواب آداب السفر، باب ۱۳/۱.

۲. الفقیه، ۱۲۰/۱، حدیث ۵۷۷؛ الوسائل، ۱۴۴/۱۱، أبواب وجوبه و شرائطه، باب ۵۲، حدیث ۲.

سعدیک».<sup>۱</sup>

۳. از مستحبات سفر حج و عمره، تودیع با فرد حج گزار و طلب سلامتی برای او در سفر و رفتن به استقبال او هنگام مراجعت است.

۴. همراه داشتن مقداری از تربت مزار مقدس حسین بن علی علیه السلام که شفای هر دردی و باعث امان ماندن از هر خوفی است.<sup>۲</sup>

۵. برخورداری از اخلاق حسنه در طول سفر.

۶. صدقه دادن<sup>۳</sup> و خواندن این دعا:

«اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَةِ سَلَامَتِي وَ سَلَامَةَ مَنْ مَعِيَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْ مَعِيَ بِبِلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ».

۷. خواندن دو رکعت نماز و گفتن این دعا:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتُوْدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَانَتِي وَ خَاتِمَةَ عَمَلِي».

۸. وقتی شخص عازم سفر است، سه مرتبه الله أكبر بگوید و این دعا

را بخواند:

«بِاللَّهِ أَخْرُجُ وَ بِاللَّهِ أَدْخُلُ وَ عَلَى اللَّهِ أَتَوَكَّلُ» (سه مرتبه) و بگوید:  
«اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي فِي وَجْهِي هَذَا بِخَيْرٍ وَ اخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ

۱. التهذيب، ۳/۸۶۹

۲. الوسائل، ۱۱/۴۲۷، أبواب آداب السفر، باب ۱/۴۴.

۳. همان، ص ۳۷۵، أبواب آداب السفر، باب ۱۵.



التَّائِمَاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذَابَّةٍ هُوَ أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا  
 إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَ أَحْسِنْ سَيْرَنَا وَ اعْظِمْ  
 غَايَتَنَا».

۹. وقتی از منزل خارج می شود، این دعا را بخواند:

«بِسْمِ اللَّهِ اٰمَنْتُ بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ  
 اَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهٗ وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَهٗ اَللّٰهُمَّ اَوْسِعْ  
 عَلَیَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ اَثِمِ عَلَیَّ نِعْمَتَكَ وَ اسْتَعْمِلْنِیْ فِی طَاعَتِكَ وَ اجْعَلْ  
 رَغْبَتِیْ فِیْمَا عِنْدَكَ وَ تَوَفَّنِیْ عَلَیْ مِلَّتِكَ وَ مِلَّةَ رَسُوْلِكَ ﷺ بِسْمِ اللَّهِ اٰمَنْتُ  
 بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ  
 غَاذَتْ مِنْهُ مَلَائِكَةُ اللَّهِ مِنْ شَرِّ هَذَا الْیَوْمِ الْجَدِیْدِ الَّذِیْ اِذَا غَابَ شَمْسُهُ لَمْ  
 یَعُدْ مِنْ شَرِّ نَفْسِیْ وَ مِنْ شَرِّ غَیْرِیْ وَ مِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِیْنَ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ  
 نَصَبَ لِاَوْلِیَاءِ اللَّهِ وَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالْاِنْسِ وَ مِنَ الشَّرِّ السَّبْعِ وَالْهَوَامِ وَ مِنَ  
 رُكُوْبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا اُجِبْرِ نَفْسِیْ بِاللّٰهِ وَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ».

۱۰. دعای هنگام سوار شدن در وسیله نقلیه:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، سپس هفت بار «سُبْحَانَ  
 اللَّهِ» بگوید، هفت بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید و هفت بار «الْحَمْدُ لِلَّهِ»  
 بگوید.

۱۱. دعای هنگام مستقر شدن در وسیله نقلیه:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا وَ حَمَلَنَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ  
 وَ فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِهِ تَفْضِيلاً» «سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرْنَا هَذَا وَ مَا كُنَّا

لَهُ مُشْرِكِينَ وَإِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
الَّذِي هَدَيْنَا وَمَنَّا عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ ﷺ ﴾.

١٢. دعای کلمات فرج هنگام اراده حج و عمره:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ  
السَّمَوَاتِ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا فَوْقَهُنَّ وَرَبِّ  
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَارًا مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَمِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ بِسْمِ اللَّهِ  
دَخَلْتُ وَبِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدَمُ بَيْنَ يَدَيْ نَسِيَانِي  
وَعَجَلْتَنِي بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسِيتُهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ  
الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا وَأَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَالْخَلِيفَةُ فِي  
الْأَهْلِ، اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَأَطْوِلْنَا الْأَرْضَ وَسَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ وَ  
طَاعَةِ رَسُولِكَ، اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَبَارِكْ لَنَا فِيمَا رَزَقْتَنَا وَقِنَا عَذَابَ  
النَّارِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَكَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ الْمُنْظَرِ  
فِي الْمَالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَالِدِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَنَاصِرِي بِكَ أَحْلُ وَبِكَ  
أَسِيرُ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي سَفَرِي هَذَا الشُّرُورَ وَالْعَمَلَ بِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي،  
اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بَعْدَهُ وَمَشَقَّتَهُ وَأَصْحِحْنِي فِيهِ وَأَخْلِفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ  
وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَهَذَا حِمْلَانُكَ  
وَالْوَجْهُ وَجْهَكَ وَالسَّفَرُ إِلَيْكَ وَقَدْ أَطَّلَعْتَ عَلَيَّ مَا لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ  
غَيْرُكَ فَاجْعَلْ سَفَرِي هَذَا كَفَّارَةً لِمَا قَبْلَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَكُنْ عَوْنًا لِي عَلَيْهِ

وَإِكْفِينِي وَعَثَّةً وَمَسَقَّتَهُ وَلَقِّنِي مِنَ الْقَوْلِ وَالْعَمَلِ رِضَاكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ  
بِكَ وَ لَكَ»<sup>۱</sup>.

۱۳. توبه

زائر خانه خدا قبل از سفر باید از گناهان و زشتیها توبه حقیقی کند، حج و عمره بدون طهارت و پاکی از آلودگیها بی ارزش است توبه، نشانه پاکی است و توبه کننده زندگی تازه ای را با طهارت آغاز می کند:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ»<sup>۲</sup>

توبه در اسلام برنامه ای برای تغییر و تحول در انسان است و یک سلاح بزرگ اخلاقی است.

توبه، اعتراف به گناه است، برای سبک شدن بار روحی و فشارهای درونی اعتراف به گناه در پیشگاه خدا اثر تربیتی بر روح و روان دارد. کسی که حاضر نیست به اشتباه و گناه خود اعتراف کند، در واقع همان گناه و فساد را ادامه می دهد.

۱۴. یاد گرفتن مناسک حج

یکی دیگر از اموری که بر بانوان محترمه لازم و ضروری است فراگیری مسائل حج است. مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است و انسان را به افق توحید نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد، مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته عمل شود و اوقات خود را

۱. همان، ص ۳۸۳، أبواب آداب السفر، باب ۱۹، ح ۵.

۲. بقره، ۲۲۲.

صرف تعلیم مناسک حج کنند.

زراره به امام صادق علیه السلام عرض می‌کند که فدایت شوم چهل سال است که در باره حج از شما سؤال می‌کنم و شما جواب و فتوای می‌دهید. حضرت فرمود: ای زراره خانه‌ای که از دو هزار سال پیش از آدم حج انجام می‌شد می‌خواهی مسائل آن در چهل سال تمام شود؟<sup>۱</sup>

---

۱. الکافی، ۴، ۴۳۹.

# بخش اول

## کلیات

شامل:

فصل اول: وجوب حج

فصل دوم: اقسام حج و صورت عمره مفرده

فصل سوم: نیابت در حج

سفید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
عمل بر رساله احکام بانوان که توسط جمعی از فضلاء محترم جمع آوری  
و تنظیم شده است، مجزی و نمره ذمه است ان شاء الله تعالی.

صفر المظفر ۱۴۱۹ هـ



## فصل اول

### وجوب حج

«مسئله ۱» وجوب حج، بر شخص مستطیع فوری است، یعنی واجب است در سال اول استطاعت به جا آورد و نباید به تأخیر بیندازد و در صورت مخالفت و تأخیر بدون عذر با وجود شرایط علاوه بر معصیت، واجب است در سال بعد انجام دهد و در صورت نافرمانی و ترک آن باید در سالهای بعد انجام دهد.

«مسئله ۲» اگر تشرّف به حج، بعد از حصول استطاعت، متوقف بر مقدماتی مانند ثبت نام و تهیه ویزا و وسایل مسافرت باشد، تحصیل آن مقدمات در همان سال بر او واجب است به طوری که بتواند در همان سال به حج برسد و در صورتی که شخص کوتاهی کند و به حج در آن سال نرسد، حج بر او مستقر می شود که باید در هر صورت بعداً به جا آورد هر چند استطاعت او از میان برود.

### شرایط وجوب حجة الاسلام

حج با چند شرط، واجب می‌شود و بدون آن شرایط، حج واجب نیست.

شرط اول و دوم: بلوغ و عقل (پس بر کودکان و دیوانه حج واجب نیست).

«مسئله ۳» نشانه‌های بلوغ در دختران عبارتست از:

۱ - رویدن موی درشت بالای عورت.

۲ - دیدن خون حیض.

۳ - چنانچه هیچ یک از علایم مذکور محقق نشد، ملاک تمام شدن

سیزده سال قمری می‌باشد.

«مسئله ۴» اگر غیر بالغ حج به جا آورد، حج او صحیح است، و

مشروعیت دارد هر چند از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.

«مسئله ۵» طفل ممیز یا غیر ممیز می‌تواند به عمره تمتع یا عمره مفرده

محرم شود، و در غیر ممیز و لیش او را محرم می‌کند و لباس احرام به او

می‌پوشاند و برای او نیت می‌کند و اگر امکان دارد تلبیه را به او تلقین کند و

گرنه خودش به جای او بگوید و او را از محرمات احرام باز دارد، و همچنین

او را وادار کند در بجا آوردن افعال حج، و در صورت عدم تمکن از طرف

او بجا آورد، پس طوافش می‌دهد و به او امر می‌کند که وضو بگیرد و نماز

طواف بخواند و اگر امکان نداشته باشد نماز طواف برایش می‌خواند و

همین طور سعیش می‌دهد و تقصیرش می‌نماید. و بعید نیست که ولی در



این امر کسی باشد که کفیل بچه و نگهدار اوست و مادر هم در امر ولیّ مانند پدر و جدّ پدری می باشد.

شرط سوم: حرّیت: بر عبد و کنیز - که قبلاً وجود داشته - حج و عمره واجب نیست.

شرط چهارم: استطاعت، استطاعت یا توانایی انجام حج، با داشتن چند امر محقّق می شود:

#### الف - استطاعت مالی

«مسئله ۶» انجام حج، اختصاص به مردان ندارد، و بر بانوانی که شرائط حج از جمله استطاعت مالی را داشته باشند حج بر آنها هم واجب است.

«مسئله ۷» استطاعت مالی، یعنی داشتن توشه راه، و وسیله رفت و برگشت، و توان اداره خود در زمان مسافرت و بعد از مراجعت به وطن، و داشتن ضروریات زندگی و آن چه را در معیشت به آن نیاز دارد نیز شرط است!

«مسئله ۸» زنی که مستطیع است و برای حج ثبت نام کرده و همسر او هم مستطیع است ولی ثبت نام نکرده، جایز نیست نوبت خود را به همسر خود بدهد، ولی اگر نوبت خود را به همسرش داد، حج همسر صحیح و از

۱. در مورد بانوانی که مخارج زندگیشان بر عهده شوهر است داشتن لوازم زندگی شرط نیست.

حجّة الاسلامش کفایت می‌کند. و باید خود زن بعداً به حج برود.

«مسئله ۹» هرگاه زنی باکار و تلاش خود می‌تواند مخارج خویش را متکفل شود و مخارج حجّش را نیز دارد، و در صورت رفتن او به حج، شوهرش برای تهیهّ مخارج به زحمت می‌افتد. در این صورت چنین زنی مستطیع نمی‌باشد و حج بر او واجب نیست.

«مسئله ۱۰» اگر زنی لوازم ما زاد بر زندگی را «مانند فرش و لباس و جواهرات و اشیای قیمتی» دارد به گونه‌ای که قیمت آنها به اندازه هزینه سفر حج است و سایر شرایط را نیز دارا باشد واجب است به حج برود.

«س ۱۱» زنی مقداری زیور آلات گران بها دارد اگر آنها را بفروشد می‌تواند به زیارت خانه خدا برود آیا مستطیع است یا اینکه زیور آلات، استثناء شده است؟

ج - اگر نیاز آن زن به زیور آلات به حسب متعارف و شئون زندگی‌اش با تبدیل بر طرف می‌شود و آن چنان فرقی بین گران قیمت و ارزان آن برایش نمی‌باشد و همان ما به التفاوت برای مخارج حج و حصول استطاعت کافی باشد، یا به خاطر پیر شدن، نیاز او از آنها بر طرف شده، فروش آنها لازم و حج، واجب است. اما اگر به حسب معمول و متعارف زنان، از نظر موقعیت اجتماعی و سایر شرایط در سطح هم هستند و داشتن زیور آلات برایشان لازم باشد در این صورت، فروش یا تبدیل لازم نیست، چون صدق استطاعت نمی‌کند و استطاعت مالی محقق نشده است.

﴿ س ۱۲ ﴾ خانمی استطاعت مالی برای حج را داراست در حالی که شوهر او در ماههای حج وفات نموده، آیا می تواند در ایام عده به حج برود یا خیر؟

ج - حج بر او واجب است و در سفر، آداب حداد را رعایت کند و در عده وفات بودن، مانع از سفر حج او نیست.

﴿ س ۱۳ ﴾ آیا زن در ایام طلاق رجعی می تواند به مکه برود؟

ج - اگر حج قبل از اعتداد بر او مستقر بود در این صورت و جوب حج مقدم بر حرمت خروج است چون حج اهم است و اگر مستقر نبوده مستطیع نمی شود چون محذور شرعی مثل محذور عقلی است.

### ۱ - استطاعت با قرض

﴿ مسئله ۱۴ ﴾ اگر زنی هزینه سفر حج را ندارد اگر بتواند با قرض نمودن حج به جا آورد لازم نیست قرض نماید، ولی اگر قرض کرد در صورتی که قرض نمودن برای او هیچ گونه منت و مؤنه ای نداشته باشد و بتواند بعداً به سهولت قرض خود را ادا کند و سایر شرایط را هم دارا باشد مستطیع می شود و اگر با آن حج به جا آورد از حجة الاسلام کفایت می کند.

### ۲ - استطاعت زن با ارث

﴿ مسئله ۱۵ ﴾ زنی که شوهرش زنده است و مخارج زندگی او را می پردازد ولی پس از مرگ یکی از بستگانش، اموالی به او رسیده که به

مقدار مخارج حجّ می‌باشد در این صورت با داشتن سایر شرایط استطاعت، مستطیع است و باید به حجّ برود.

﴿مسئله ۱۶﴾ اگر زنی شوهرش از دنیا برود و در زمان حیات شوهرش استطاعت مالی نداشته و بعد از مردن شوهر، از ارث او استطاعت مالی پیدا کند، ولی به جهت بیماری یا پیری نتواند به حجّ برود در صورتی که بیماری و یا پیری او به نحوی است که قدرت رفتن به حجّ را ندارد، مستطیع نشده و حجّ بر او واجب نیست.

### ۳- استطاعت زن با مهریه

﴿مسئله ۱۷﴾ زنی که مهریه او به مقدار مخارج حجّ یا بیشتر از آن است، اگر شوهر قدرت پرداخت مهریه را ندارد، در این صورت زن حق مطالبه مهریه را ندارد و مستطیع نمی‌باشد.

﴿مسئله ۱۸﴾ اگر شوهر قدرت پرداخت مهریه زن را دارد و مطالبه آن برای زن مفسده‌ای ندارد با فرض این که شوهر نفقه و مخارج زندگی زن را می‌دهد لازم است زن مهریه خود را مطالبه کند و به حجّ برود و اما چنانچه برای او مفسده دارد مثل این که ممکن است مطالبه مهر به نزاع و طلاق منجر شود مستطیع نشده است.

﴿مسئله ۱۹﴾ اگر کسی در وقت ازدواج به همسر خود وعده یک حجّ بدهد، پس اگر به عنوان مهریه باشد، باید به آن عمل کند و اگر فقط وعده باشد ادای آن لازم نیست گرچه ادا کردن مطلوب و مطابق با احتیاط است.

«س ۲۰» زمانی که ازدواج کردم با مهریه می توانستم به حج مشرف شوم ولی چون همسرم آن را نپرداخت نتوانستم به حج بروم و الآن هزینه حج بسیار سنگین شده و مهریه ام وفای به آن نیست آیا وجوب حج بر من مستقر شده یا نه؟

ج- در فرض مذکور حج بر شما مستقر نگردیده و واجب نمی باشد.

#### ۴- استطاعت زن به وسیله بذل

«مسئله ۲۱» استطاعت بذلی آن است که شخصی مخارج حج و مخارج افراد تحت تکفل شخص دیگری را در مدت حج بر عهده گیرد که در این صورت انجام حج واجب است.

«مسئله ۲۲» اگر زنی مخارج سفر حج را ندارد ولی شوهرش به او می گوید که حج به جا آور و مخارج حج بر عهده من، با اطمینان به وفا و عدم رجوع باذل حج بر او واجب می شود و این حج را حج بذلی می گویند و در آن، رجوع به کفایت (یعنی داشتن مالی برای تأمین مخارج پس از بازگشت) معتبر نیست ولی اگر قبول بذل و رفتن به حج، موجب إخلال در امور زندگی او شود در این صوت حج بر او واجب نیست.

«مسئله ۲۳» اگر زنی را شوهرش به حج می برد و تمام مخارج او را می پردازد واجب است به حج برود.

«مسئله ۲۴» اگر برای زنی به وسیله بذل مال فرزندش استطاعت بذلی حاصل شود، در این صورت حج بر او واجب است و رضایت

شوهر شرط نیست.

«مسئله ۲۵» حج بذلی کفایت از حجة الاسلام می‌کند یعنی اگر بعد از انجام این حج، خودش هم استطاعت پیدا کند واجب نیست دو باره به حج برود.

«مسئله ۲۶» پول قربانی در حج بذلی بر عهده بذل کننده است، ولی کفارات عمدی را باید خودش بدهد، و اگر پول قربانی را بذل نکند حج واجب نمی‌شود، کما اینکه در حج هبه‌ای هم اگر پول قربانی را نبخشیدند حج واجب نمی‌شود مگر اینکه پول قربانی را خودش زائد بر مخارج و مؤنه زندگی داشته باشد.

### ب: استطاعت طریقی و زمانی<sup>۱</sup>

«مسئله ۲۷» اگر بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است به طوری که نمی‌تواند به اعمال و مناسک حج برسد رفتن به حج بر او واجب نیست.

«مسئله ۲۸» کسانی که با فیش میت و به نیابت از وی به حج می‌روند اگر خود نیز تمام شرایط استطاعت بجز باز بودن راه را دارا باشند (که آن هم با فیش حج میت حاصل شده)، در این صورت استطاعت برایش حاصل نشده است.

۱. استطاعت طریقی: یعنی باز بودن راه و داشتن امنیت برای انجام حج.

استطاعت زمانی: یعنی به قدری وقت باشد که بتواند خود را به انجام اعمال حج برساند.

«مسئله ۲۹» اگر کسی بعد از استطاعت مالی و بدون تأخیر، سعی در رفتن به حج داشته و اقدام به ثبت نام و پرداخت پول نمود، ولی به جهت کثرت ثبت نام کنندگان نوبت او در همان سال نشد، حج بر او مستقر نمی‌شود. ولی اگر مسامحه کند و تأخیر نماید حج بر او مستقر شده است. و باید در سالهای بعد با رعایت فوراً فوراً به حج برود.

«مسئله ۳۰» اگر کسی برای حج ثبت نام نماید و قبل از تشرّف به حج فوت کند، اگر راه برای فرزند باز نباشد و فیش آن سال را هم نداشته باشد باید برای آن میت حج به جا آورد، و نمی‌تواند برای خود حج به جا آورد، چون استطاعت طریقی حاصل نشده است.

#### ۱- وجود همراه در سفر حج

«مسئله ۳۱» اگر زن بتواند به تنهایی به حج برود و بر خود نترسد لازم نیست مَحْرَمی همراه او باشد ولی اگر امنیّت ندارد و تنها نمی‌تواند به حج برود واجب است یکی از مَحْرَم یا فرد مورد اطمینانی را (ولو با دادن هزینه وی در صورت داشتن مخارج او) همراه ببرد، و در غیر اینصورت مستطیع نمی‌باشد.

«مسئله ۳۲» اگر زنی نیاز به همراه داشته باشد و همراه مزد می‌گیرد باید مزد او را هم بدهد، ولی چنانچه توانایی پرداخت مزد او را ندارد، مستطیع نمی‌شود.

## ۲- اجازه شوهر در حج

«مسئله ۳۳» در سفر حج واجب، برای زن اجازه شوهر شرط نیست و زن باید حج واجب خود را به جا آورد، آری، اگر رفتنش به حج، باعث حرج و مشقت در زندگی می شود، حج برای او واجب نمی باشد.

«مسئله ۳۴» اگر زن بخواهد حج مستحبی به جا آورد اگر منافات با حق استمتاع شوهر داشته باشد باید با اجازه شوهر باشد.

«س ۳۵» اگر زنی مستطیع باشد ولی شوهرش می گوید اگر به مکه بروی بعد از برگشتن طلاق می دهم، آیا باز هم بر زن حج واجب است؟

ج - این چنین زنی مستطیع نمی باشد و حج بر او واجب نیست.

«س ۳۶» آیا بدون اجازه شوهر، می تواند با نذر حج را بر خود واجب کند؟

ج - نذر زن در مواردی که مانع از حقوق واجبه شوهر، مانند حق استمتاع به طور متعارف باشد، منوط به اجازه شوهر است.

«س ۳۷» اگر مردی همسر عقد بسته خود را از رفتن به حج منع کند اما او با توجه به این نکته که هنوز در خانه پدرش است و عرفاً نفقه خور همسرش به حساب نمی آید عازم سفر حج شود آیا سفر او معصیت است یا خیر؟ و آیا احرام او صحیح است؟

ج - این گونه سفرها، یعنی سفر نامزدهائی که در عقد هستند و در خانه پدر زندگی می کنند و با نامزدشان توافق دارند، یعنی هنوز داماد، درخواست مراسم عروسی ننموده که دختر آن را رد کرده



باشد تا یک نحو نشوز و تخلف در زندگی محسوب شود، حرام و معصیت نیست، چون بر فرض که ادله حرمت خروج زن از خانه شوهر دارای اطلاق هم باشد و خروج را مطلقاً حرام کند «چه خروجی که مانع از استمتاع شوهر باشد و چه نباشد» شامل این گونه موارد که دختر هنوز در خانه پدر است و ایام نامزدی را می‌گذراند نمی‌شود، چون روایاتش مخصوص به خروج زن از خانه شوهر است «یعنی بعد از آنکه به خانه شوهر رفته و زندگی خانوادگی تشکیل داده است» می‌شود، نه مثل مورد سؤال که هنوز تشکیل زندگی رسمی نداده و عروسی انجام نگرفته است.

### ج: استطاعت بدنی

«مسئله ۳۸» در وجوب حج، علاوه بر استطاعت مالی، استطاعت طریقی و استطاعت زمانی و استطاعت بدنی، نیز شرط است، پس بر بیماری که قدرت رفتن به حج را ندارد یا برای او حرج و مشقت زیاد دارد واجب نیست به حج برود.

«س ۳۹» اگر زنی استطاعت مالی دارد، ولی بیمار است، آیا لازم است که خود را معالجه کند تا بتواند حج را به جا آورد؟

ج - تحصیل استطاعت به وسیله معالجه کردن بر او واجب نیست، مگر آنکه معالجه فوق العاده، سهل باشد به گونه‌ای که صدق تحصیل استطاعت بر آن نشود بلکه گفته شود که فلانی با یک چشم

بر هم زدن می‌تواند خود را معالجه کند و به سفر برود.

﴿س ۴۰﴾ با توجه به اینکه از رفتن زنان حامله به حج جلوگیری می‌کنند آیا استطاعت برای آنان حاصل می‌شود یا خیر؟

ج - با قطع نظر از احتمال خطر برای خود او یا فرزندش که مانع از استطاعت است، خود جلوگیری هم مانع از استطاعت است.

﴿س ۴۱﴾ زنی از نظر مالی مستطیع است و برای حج ثبت نام کرده، ولی در زمان اعزام وی، سازمان پزشکی حج به دلیل بیماری و یا کهولت سن اجازه حج به او نداده است؛ آیا هنوز مستطیع است و حج بر وی واجب می‌باشد؟

ج - اگر قبلاً حج بر او مستتقر نبوده در این صورت مستطیع نمی‌باشد و حج بر او واجب نیست، و اگر قبلاً حج بر او مستتقر شده و توانایی انجام آن را ندارد و امید بهبودی هم نیست، می‌تواند نایب بگیرد.

#### مسائل متفرقه

﴿س ۴۲﴾ خانمی استطاعت مالی برای حج را داراست در حالی که شوهر او در ماههای حج وفات نموده، آیا می‌تواند در ایام عده به حج برود یا خیر؟

ج - حج بر او واجب است و در سفر، آداب جداد را رعایت کند و در عده وفات بودن، مانع از سفر حج او نیست.

﴿س ۴۳﴾ آیا زن در ایام طلاق رجعی می‌تواند به مکه برود؟

ج - اگر حج قبل از اعتداد بر او مستقر بود در این صورت و جوب حج مقدم بر حرمت خروج است چون حج اهم است و اگر مستقر نبوده مستطیع نمی شود چون محذور شرعی مثل محذور عقلی است.

## فصل دّوم

### اقسام حج و صورت عمره مفرده

#### الف - اقسام حج

حج بر سه قسم است: ۱ - حج تمتّع، ۲ - حج قرآن، ۳ - حج إفراد.  
حج تمتّع: و این وظیفه کسانی است که چهل و هشت میل که شانزده فرسخ است از مکه دور باشند.

#### صورت اجمالی عمره تمتّع و حج تمتّع

حج تمتّع مرکب است از دو عمل: یکی عمره تمتّع و دیگری حج تمتّع، و عمره تمتّع مقدم بر حج تمتّع است.  
در عمره تمتّع، پنج چیز واجب است:  
اول: احرام از یکی از مواقیت (که تفصیلش بعداً بیان می شود)؛  
دوم: طواف دور خانه خدا؛

سوم: دو رکعت نماز طواف؛

چهارم: سعی بین صفا و مروه؛

پنجم: تقصیر؛ یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.

چون محرم از این اعمال فارغ شد، آنچه بر او به واسطه احرام بستن حرام شده بود، حلال می‌شود، به غیر از صید در حرم که در هر صورت به خاطر حرم، حرام است.

و در حج تمتع سیزده چیز واجب است:

اول: احرام بستن از مکه معظمه به تفصیل و شرحی که خواهد آمد؛

دوم: وقوف (بودن) در عرفات روز عرفه (نهم ذی الحجّه) از ظهر شرعی تا غروب آفتاب؛

سوم: وقوف در مشعرالحرام (مزدلفه) از طلوع فجر روز عید قربان تا طلوع آفتاب؛

چهارم: انداختن سنگریزه به جمره عقبه در منی روز عید قربان؛

پنجم: قربانی کردن در منی؛

ششم: تقصیر کردن در منی؛

هفتم: طواف خانه خدا؛

هشتم: خواندن دو رکعت نماز طواف؛

نهم: سعی بین صفا و مروه؛

دهم: طواف نساء؛

یازدهم: دو رکعت نماز طواف نساء؛

دوازدهم: بیتوته (ماندن شب) در منی در شبهای یازدهم و دوازدهم، و شب سیزدهم برای بعضی از اشخاص در بعضی صور که توضیح داده خواهد شد؛

سیزدهم: رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم، و اشخاصی که شب سیزدهم در منی میمانند، روز سیزدهم باید رمی جمرات کنند.

### شرایط حج تمتع

«مسئله ۴۴» در حج تمتع چند شرط معتبر است:

اول: نیت عمره و حج تمتع کند، پس اگر نیت حج دیگری کند یا در نیت، تردید داشته باشد کافی نیست. و ناگفته نماند همان قدر که در حال احرام عمره تمتع مثلاً می‌داند که باید وظیفه‌اش را انجام دهد و می‌داند که حجش اجمالاً از دو دسته اعمال منعقد می‌شود و بین آنها از احرام بیرون می‌آید در نیت کفایت می‌کند، هر چند اصطلاحات و اسامی را مثل عمره تمتع یا حج تمتع را نداند یا آنکه هر دوی آنها حجة الاسلام می‌باشند، خلاصه آنکه همان نیت انجام کاری که دو عمل است و به نام حج نامیده می‌شود و اجمالی از آن را می‌داند، در نیت حج تمتع کفایت می‌کند؛

دوم: عمره و حج هر دو با هم در ماههای حج<sup>۱</sup> واقع شوند؛

سوم: عمره و حج هر دو در یک سال واقع شوند. پس اگر عمره را به جا

۱. ماههای حج عبارتند از شوال، ذیقعده، ذیحجه.

آورد و حج را برای سال بعد تأخیر اندازد، حج تمتع او صحیح نیست چه در مکه بماند یا از آن خارج شود و چه در احرام عمره بماند یا از آن بیرون رود؛

چهارم: احرام حج در حال اختیار از خود مکه باشد، و از هر جای مکه گرچه از خانه‌ها و محله‌های جدید باشد، کافی است، ولی بهتر است از مسجدالحرام باشد. و بهترین مکان آن، مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام است؛

پنجم: عمره و حج تمتع به وسیله یک نفر و برای یک نفر انجام گیرد، بنابراین، استیجار دو نفر، یکی برای انجام عمره و دیگری برای انجام حج، جایز نیست و باطل است، همان‌گونه که برای شخص واحد نیز جایز نیست که عمره تمتع را برای یک نفر، و حج آن را برای دیگری انجام دهد و باطل می‌باشد.

«مسئله ۴۵» پس از انجام عمره تمتع باید انسان برای اعمال حج تمتع در مکه بماند و بیرون رفتن به خارج از مکه مثل مسافرت به جدّه اگر فرصت اعمال حج را در بیرون رفتن و برگشتن از او نگیرد، مثل آنکه قبل از روز هشتم و نهم بتواند به مکه برگردد و برای حج محرم شود و به عرفات برسد جایز است و ضرری نمی‌زند، اما اگر ضرورت و حاجتی ندارد، بیرون رفتن اولی و احوط است.

حج قرآن و افراد: و این وظیفه کسانی است که اهل مکه یا اطراف آن تا کمتر از شانزده فرسخ باشند.

### صورت حج افراد

«مسئله ۴۶» صورت حج افراد، که گاهی مورد ابتلای متمتع می شود از این قرار است که زن حائض یا کسی که به واسطه تنگی وقت نمی تواند عمره تمتع را به جا آورد، باید قصد حج افراد کند و با همان احرام عمره تمتع که عدول به افراد کرده به عرفات برود و مثل سایر حجّاج و قوف کند، سپس به مشعر رفته و در آنجا هم و قوف کند، بعد به منی برود و اعمال منی را به جا آورد مگر هدی که بر او واجب نیست بعد به مکه برود و طواف زیارت و نماز آن سعی و طواف نساء و نماز آن را به جا آورد پس در این وقت از احرام خارج می شود بعد از آن برای بیتوته به منی برگردد و اعمال ایام تشریق را به همان نحو که سایر حجّاج به جا می آورند انجام دهد. کسانی که حج قران یا افراد می آورند پس از اعمال حج باید عمره مفرده انجام دهند.

«مسئله ۴۷» اگر کسی حج تمتع واجب او به حج افراد مبدل شود باید بعد از حج افراد، عمره مفرده به جا آورد و نباید عمره مفرده را در حج افراد به تأخیر انداخت.

«مسئله ۴۸» زنی که وظیفه اش حج تمتع است در حال اختیار و وسعت وقت نمی تواند به حج افراد یا به حج قران عدول نماید.

«مسئله ۴۹» اگر زنی به جهت حیض یا نفاس نتواند بعد از احرام، طواف به جا آورد و خوف داشته باشد که وقت و قوف به عرفات بگذرد به حج افراد عدول می کند و بعد از آن عمره مفرده انجام می دهد.



### صورت حج قران

حج قران که آن هم مثل حج افراد وظیفه کسانی است که اهل مکه و اطراف آن تا کمتر از شانزده فرسخ هستند و کیفیت آن مانند حج افراد است با این فرق که در حج قران در حال احرام و پس از آن، قربانی باید همراه مُحْرِم باشد، تا در منی ذبح شود، ولی در حج افراد قربانی واجب نیست و در حج قران احرام ممکن است با «لَبِيْكَ» گفتن محقق شود و ممکن است با اشعار<sup>۱</sup> یا تقلید<sup>۲</sup> قربانی محقق شود.

### ب - عمره مفرده

#### صورت عمره مفرده

«مسئله ۵۰» صورت عمره مفرده عبارت است از :

۱- احرام از میقات یا أدنی الجَلِّ.

۲- طواف خانه خدا.

۳- دو رکعت نماز طواف.

۴- سعی بین صفا و مروه.

۱. «اشعار» عبارت است از اینکه کوهان شتر از طرف راست مجروح گردد و به خون آغشته شود.  
 ۲. «تقلید» این است که حاجی نعلین (یا کفش) کهنه‌ای را که در آن نماز خوانده به گردن حیوان آویزان کند.

۵ - تقصیر.

۶ - طواف نساء.

۷ - نماز طواف نساء.

«مسئله ۵۱» عمره مفرده همانند حج بر شخصی که شرایط و جوب آن از جمله استطاعت را داشته باشد یک مرتبه در عمر واجب می‌شود.

«مسئله ۵۲» بر شخصی که استطاعت انجام عمره مفرده را از وطن خود دارد و استطاعت انجام حج را ندارد، واجب است عمره مفرده به جا آورد هر چند از اهالی مکه و حوالی آن نباشد.

«مسئله ۵۳» برای شخصی که عمره به جا آورده و از مکه خارج شده است در صورتی که مجدداً بخواهد باز گردد در صورتی که خروجش از مکه یک ماه نگذشته باشد احرام مجدد واجب نیست بنابر این اگر شخصی مثلاً در بیست و نهم رجب عمره مفرده انجام داده و اول یا دوم ماه شعبان به زیارت دوره‌ای برای عرفات می‌رود تجدید احرام واجب نیست چون خروجش از مکه یک ماه نگذشته است ولی اگر یک ماه از خروجش از مکه بگذرد برای ورود به مکه نیاز به احرام دارد.

«مسئله ۵۴» تکرار عمره مفرده مانند تکرار حج مستحب است، و اقوی عدم اعتبار فصل بین دو عمره است بنابر این هر روز می‌توان عمره به جا آورد.

«مسئله ۵۵» اگر زنی به نیت عمره مفرده محرم شود و بعد از آن عادت شود و در تمام روزهایی که می‌تواند در مکه باشد حائض باشد در این

صورت باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه اعمال عمره (سعی و تقصیر) را به ترتیب خودش به جا آورد، و سپس برای طواف نساء و نماز طواف نساء نایب بگیرد و در صورت عدم نیابت اگر به وطن آمده است اقدام به برگشتن کند، و اگر نمی‌تواند برای اعمال نایب بگیرد.

«مسئله ۵۶» زنی که احتمال می‌دهد حائض شود و نتواند وارد مسجدالحرام گردد می‌تواند برای عمره مفرده مستحبی محرم شود و برای اعمالی که نمی‌تواند خودش انجام دهد (مثل طواف و نماز) نایب بگیرد و بقیه اعمال (سعی و تقصیر) را به ترتیب خودش انجام دهد.

## فصل سوّم نیابت در حج

در برخی موارد شخصی به جای دیگری اعمال حج را انجام می دهد به او نایب می گویند و کار وی را نیابت می نامند.

### شرایط نایب

«مسئله ۵۷» در نایب اموری شرط است:

۱- بالغ باشد بنا بر احتیاط واجب. پس نایب شدن غیر بالغ در حج، کافی نیست.

۲- عاقل باشد.

۳- ایمان داشته باشد یعنی نایب علاوه بر اعتقاد به خدا و نبوت و معاد، شیعه اثنی عشری هم باشد بنا بر احتیاط، اگر چه عدم شرطیت ایمان، و کفایت اسلام در صورتی که نایب مسلمان معتقد

به وجوب حج باشد و حج را نیز بر وفق مذهب شیعه بیاورد خالی از قوت نمی‌باشد.

۴- مورد وثوق باشد، یعنی اطمینان داشته باشیم که اعمال حج را انجام می‌دهد.

۵- نایب در آن سال، حج واجب بر عهده نداشته باشد.

۶- نایب معذور در ترک برخی از اعمال حج نباشد. و میزان در معذور بودن به این است که نتواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد.

۷- آشنائی و شناخت نایب، نسبت به افعال واحکام حج، هر چند با ارشاد و راهنمای کسی در حال انجام اعمال باشد.

«مسئله ۵۸» لازم نیست نایب هم جنس منوب عنه باشد، پس نایب شدن مرد برای زن وزن برای مرد مانعی ندارد. «فرب امرأة افقه من رجل»<sup>۱</sup>.

«مسئله ۵۹» نایب در طواف نساء باید قصد منوب عنه را بنماید و احتیاط استجابی آن است که به قصد ما فی الذمة به جا آورد، و اگر زنی طواف نساء را انجام ندهد و یا صحیح به جا نیاورد شوهر بر او حلال نمی‌شود کما اینکه حج منوب عنه هنوز تمام نشده است.

«مسئله ۶۰» در حج واجب، نیابت یک نفر از چند نفر در یک سال جایز نیست ولی حج مستحبی و عمره مفردة استجابی

۱. وسائل الشیعة ۱۱/۱۷۷، أبواب النيابة ب ۸ ح ۴.

وطواف استجابی را می‌توان به نیابت از چند نفر انجام داد (در صورتی که در مکه نباشند و یا معذور باشند)، لیکن باید توجه داشت که همه اعمال عمره مستحبی حتی طواف نساء را هم باید برای همان چند نفر انجام داد و نمی‌تواند بعضی از آن اعمال را برای بعضی و بعضی دیگر را برای دیگران قرار دهد.

﴿س ۶۱﴾ زنی با این که مستطیع است اما به علت کهولت سن نمی‌تواند اعمال حج را انجام دهد آیا می‌تواند در حال حیات کسی را به عنوان نیابت از طرف خود به حج بفرستد با توجه به اینکه امید بهبودی را در آینده ندارد؟

ج - اگر قبلاً حج بر او مستقر بوده و فعلاً توان رفتن به حج را ندارد حج بر وی مستقر شده، در این صورت باید نایب بگیرد و اگر قبلاً حج بر وی مستقر نشده باشد اقوی عدم وجوب حج است.

﴿مسئله ۶۲﴾ بانوانی که در حال اجیر شدن از معذورین نبوده‌اند و بعد از قبول نیابت و عقد اجاره در موقع انجام اعمال یا قبل از مُحرم شدن جزو معذورین شده‌اند، صحت نیابت و کفایت از حج منوب عنه خالی از وجه نیست.

﴿مسئله ۶۳﴾ اگر نایب خوف حیض یا مرض داشته باشد می‌تواند اعمال حج را بر وقوفین و اعمال منی مقدم بدارد.

﴿س ۶۴﴾ زنی در هنگام قبول نیابت عذری نداشته، ولی بعد از رفتن به حج در بین اعمال، عذری برای او پیش آمده، آیا نیابت

این شخص صحیح است؟

ج - اگر عذر او طاری باشد، نیابتش صحیح است.

﴿س ۶۵﴾ زنی که می‌داند ایام اعمال حج، همزمان با عادت اوست و ناچار است که برای بعضی از اعمال، مثل طواف و نماز نایب بگیرد، آیا می‌تواند نایب شود؟

ج - در صورتی که معذور بودنش از قبل بوده یا علم به آن داشته که بین اعمال عذری برای او پیش می‌آید نمی‌تواند نایب شود.

﴿س ۶۶﴾ زنها را قبل از طلوع فجر از مشعر به منا می‌برند و آنها وقوف اختیاری مشعر را درک نمی‌کنند در این صورت آیا می‌توانند در اعمال حج از طرف مرد یا زنی نایب شوند؟

ج - مانعی ندارد، چون کوچ کردن در شب دهم و درک وقوف اضطراری مشعر برای زنان جایز است و از باب عذر نیست بلکه جواز آنها به عنوان زن بودن است نه صاحب عذر بودن.

﴿س ۶۷﴾ زنی برای به جا آوردن اعمال حج نایب است، و برای انجام رمی جمرات عذر پیدا کرده و نمی‌تواند خودش رمی جمرات کند آیا می‌تواند نایب بگیرد؟

ج - در عذر طاری نیابتش صحیح است و اطلاعات نیابت او را شامل می‌شود.

﴿س ۶۸﴾ زنی که نایب است وقتی به مکه می‌رسد به دلیل عادت ماهانه

نمی‌تواند اعمال عمره تمتع را تا درک وقوف رکنی عرفه انجام دهد  
وظیفه‌اش چیست؟

ج - مورد عدول به حج افراد است.



## بخش دوم

### حج تمتع

شامل:

فصل اول: عمره تمتع

فصل دوم: مسائل متفرقه

فصل سوم: اعمال حج تمتع

فصل چهارم: اعمال مکه معظمه

فصل پنجم: اعمال منی در ایام تشریق

فصل ششم: احکام مصادود و محصور و مسائل متفرقه

سفید

## فصل اوّل عمره تمتع

«مسئله ۶۹» اعمال عمره تمتع عبارت است از:

۱- احرام.

۲- طواف.

۳- نماز طواف

۴- سعی.

۵- تقصیر.

و اگر مُحْرَم از این اعمال فارغ شود، آنچه بر او به واسطه احرام بستن حرام شده بود، حلال می‌شود، به غیر از صید و کندن یا بریدن درخت و گیاه در حرم که در هر صورت به خاطر بودن در حرم، حرام است.

### الف) زمان عمره تمتع

«مسئله ۷۰» عمره تمتع، باید در ماههای حج بجا آورده شود، یعنی از اول شوال تا ظهر روز نهم ذی حجه، و قبل از فرا رسیدن ماه شوال عمره

تمتع صحیح نیست در این صورت اگر کسی قبل از ماههای حج (شوال، ذی قعدة، ذی حجه) به مکه برود باید عمره مفرده انجام دهد. و اگر تا ظهر روز نهم ذی حجه، حاجی نتواند عمره تمتع به جا آورد، وظیفه او تبدیل می شود به حج افراد و باید حج افراد بجا آورد که صورت حج افراد قبلاً بیان شد

### ب) اعمال عمره تمتع

#### ۱- احرام

##### ۱-۱ مکان احرام (مواقیت)

محل احرام: برای احرام بستن، جاهای بخصوصی تعیین شده که به آنها میقات گفته می شود و باید احرام از یکی از آن مکانها واقع شود و کسانی که از شهرهای دور به مکه می آیند میقات آنها یکی از میقاتهای پنجگانه است که به آنها اشاره می شود.

اول: مسجد شجره: و آن مکانی است در نزدیکی مدینه منوره که در سر راه مکه واقع شده، و «ذو الخلیفه» هم می نامند و آن میقات اهل مدینه و هر کسی است که بخواهد از راه مدینه منوره به مکه برود.

دوم: جُحَفه: و آن میقات اهل شام و مصر و مغرب می باشد و همچنین هر کسی که از آنجا عبور کند.

«مسئله ۷۱» میقات در جُحَفه مختص به مسجد نیست و از هر جای

جُحْفَه می توانند محرم شوند.

سوم: قَرْنِ الْمَنَازِل: و آن میقات کسانی است که از راه طائف به حج می روند.

چهارم: وادی عقیق: و آن میقات کسانی است که از راه عراق و نجد و هر کسی که از آنجا عبور کند و سه جزء دارد، جزء اول آن مسلخ و وسط آن غَمْرَه و آخر آن ذات عرق نامیده می شود.

پنجم: یَلْمَلَم: و آن میقات کسانی است که از راه یمن به حج می روند و یَلْمَلَم نام کوهی است.

«مسئله ۷۲» احرام بستن قبل از میقات صحیح نیست ولی اگر نذر کند که پیش از میقات محرم شود جایز است مثلاً نذر کند که از مدینه منوره محرم شود و نذر زن در صورتی صحیح است که با حق استمتاع شوهر منافات نداشته باشد و اگر نذر زن با استمتاع شوهر منافات داشته باشد نذرش باطل است

#### وظیفه زن حائض نسبت به احرام

«مسئله ۷۳» احرام که با تلبیه محقق می شود لازم نیست که از داخل مسجد شجره باشد بلکه از خارج مسجد تا حدودی که جزء ذو الحلیفه محسوب می شود جایز و صحیح است بنابر این زن حائض می تواند در خارج مسجد و محل توقفهای ماشین و خیابانهای مجاور و نزدیک مسجد که جزء ذو الحلیفه است محرم شود و لزومی ندارد که صبر کند تا پاک شود

و همچنین لازم نیست تیمم کند تا داخل مسجد شود لکن اگر عصباناً وارد مسجد شد و محرم گردید احرام او باطل است.

﴿مسئله ۷۴﴾ اگر زن حائض از روی ندانستن مسأله گمان می‌کرد نمی‌تواند در حال حیض مُحرم شود بنابراین بدون احرام از میقات عبور کرد در این صورت اگر امکان برگشتن به میقات را دارد باید برگردد و از میقات احرام ببندد، چه داخل حرم شده باشد یا نه، و اگر ممکن نیست، پس اگر داخل حرم نشده از همان جا احرام ببندد و احتیاط مستحب آن است که هر مقداری که می‌تواند به طرف میقات برگردد و از آنجا محرم شود، و اگر داخل حرم شده، در صورت امکان و رسیدن به اعمال عمره، واجب است از حرم خارج شود و محرم گردد و اگر نمی‌تواند از همان جا محرم شود، و احتیاط مستحب آن است که هر قدری تواند به طرف خارج حرم برگردد و از آنجا محرم شود

﴿مسئله ۷۵﴾ اگر زن در میقات حائض باشد و یقین کند که نمی‌تواند عمره تمتع را در وقت خود انجام دهد، باید نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود، ولی اگر بعد از آن کشف خلاف شد و امکان به جا آوردن به اعمال عمره تمتع را داشت واجب است به عمره تمتع عدول کند و بعد از آن حج تمتع را به جا آورد و این حج، از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

﴿س ۷۶﴾ زنی در میقات به نیت عمره تمتع محرم شد اما وقتی به مکه رسید به علت عادت ماهانه نتوانست تا وقت وقوف رکنی عرفات اعمال عمره تمتع را انجام دهد وظیفه‌اش چیست؟

ج - سعی و تقصیر را انجام دهد و بعد به نیت حج تمتع محرم شود و مانند بقیه افراد وقوفین و اعمال منا را به جا آورد و قبل از اعمال مکه، طواف و نماز عمره تمتع را انجام دهد و سپس اعمال مکه را به جا آورد.

«س ۷۷» زنی در میقات حائض است ولی در حال احرام شك می‌کند که قبل از وقوف به عرفه پاک می‌شود تا نیت عمره تمتع نماید و یا پاک نمی‌شود تا عدول به افراد کند وظیفه او چیست؟

ج - می‌تواند به نیت عمره تمتع محرم شود و اگر تا قبل از وقوف به عرفات پاک شد اعمال عمره تمتع را به جا می‌آورد و اگر پاک نشد سعی و تقصیر را انجام می‌دهد و مانند مسئله قبل عمل می‌نماید.

## ۲ - ۱ لباس احرام

«مسئله ۷۸» بانوان می‌توانند در همان لباسی که بر تن دارند (در صورتی که دارای شرایط باشد) محرم شوند و بیرون آوردن لباسهای دوخته و پوشیدن دو تکه پارچه‌ای که بر مردان واجب است، بر بانوان واجب نیست.

«مسئله ۷۹» لباس احرام باید شرایط لباس نماز گزار را داشته باشد و شرایط لباس بانوان در نماز بدین شرح است:

۱ - پاک باشد (نجس نباشد).

۲ - مباح باشد (غصبی نباشد).

۳- از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد.

۴- از اجزای مردار نباشد.

«مسئله ۸۰» احتیاط واجب آن است که لباس احرام زن، حریر خالص نباشد، بلکه احتیاط آن است که تا آخر احرام حریر نباشد.

«مسئله ۸۱» در احرام طهارت از حدث اصغر واکبر شرط نیست یعنی شخص بی وضو و یا زن در حال حیض و نفاس و استحاضه، می تواند محرم شود.

#### مسائل متفرقه

«مسئله ۸۲» اگر شخصی بدون احرام از میقات اول یعنی میقاتی که از آن عبور می نماید، و با علم به اینکه باید از آنجا محرم شود عسیناً و عمدتاً بدون احرام از آن عبور کرد، باید برگردد و از همان میقاتی که از آن گذشته و عبور کرده محرم شود مگر اینکه توبه کند که در صورت توبه حکم جاهل و ناسی را دارد که در مساله قبل بیان گردید

«مسئله ۸۳» مستحاضه کثیره یا متوسطه، اگر به وظایف خود در آن مواردی که طهارت لازم است عمل کند، برای او دخول در مساجد مانعی ندارد، و اگر وقت نماز نباشد و می خواهد از مسجد محرم شود غسل استحاضه انجام دهد، و لازم به ذکر است که همه افراد می توانند خارج از مسجد هم محرم شوند چون میقات ذو الحلیفه است و نیازی به ورود به مسجد نیست. بنابراین حائض و مستحاضه می توانند در خارج از مسجد



محرم شوند.

﴿س ۸۴﴾ زنی قبل از احرام، برای عمره تمتع می دانست که عادت ماهانه او ده روز است و قبل از احرام حج، اعمال عمره تمتع را نمی تواند انجام دهد، با این حال نیت عمره تمتع کرد، اکنون چه وظیفه ای دارد؟  
ج - نیت را به حج افراد برگرداند و اشکال ندارد، بلی اگر با التفات به این که نمی تواند عمره تمتع را انجام دهد و اگر انجام دهد صحیح نیست به نیت عمره تمتع محرم شود، صحت این احرام، بلکه حصول جدّ به آن محل اشکال است.

﴿س ۸۵﴾ اگر زنی در حال احرام برای عمره تمتع مطمئن باشد که نمی تواند اعمال عمره را تا ظهر عرفه با پاکی بیاورد نتیجتاً نیت حج افراد نمود اما وقتی که به مکه رسید پاک شد و دید می تواند اعمال عمره تمتع را تا درک عرفه تمام کند وظیفه اش چیست؟

ج - حج افرادش به عمره تمتع تبدیل می شود و نیت عمره تمتع را می نماید و اعمال آن را به جا می آورد در این صورت اعمالش صحیح و مجزی می باشد چون تبدیل حج افراد به تمتع در حال اختیار هم جایز است چه رسد به مثل مورد سؤال که وظیفه اصلی او تمتع بوده و از باب لابدیت نیت حج افراد نموده است.

﴿س ۸۶﴾ خانمی که در میقات و یا قبل از روز عرفه خون ببیند و تا روز عرفه هم سه روز فرصت ندارد که به حیض یا استحاضه یقین کند و به عبارت دیگر در صورت شک به حیض یا استحاضه به هنگام احرام باید چگونه

نیت کند؟

ج - محکوم به عدم حیض است و همانند بقیه افراد نیت و عمل می‌نماید لیکن با رعایت وظایف مستحاضه.

### ۳ - ۱ مستحبات احرام

مستحبات احرام چند چیز است:

اول. پیش از احرام بدن خود را پاکیزه کند، و ناخنهای خود را بگیرد، و موی عانه و زیر بغل را برطرف نماید؛<sup>۱</sup>

دوم. آنکه پیش از احرام در میقات، غسل احرام بنماید و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است، و تقدیم این غسل، بخصوص در صورتی که خوف آن باشد که در میقات آب پیدا نشود، جایز است، و در صورت تقدیم، اگر در میقات آب پیدا شد، مستحب است غسل را اعاده بنماید، کما اینکه بدون عذر هم می‌تواند قبل از رسیدن به میقات و در هتل غسل نماید، لیکن غسلش را باید تا میقات و تلبیه گفتن و مُحرم شدن حفظ نماید و با حدث اصغر آن را باطل ننماید، و بعد از این غسل، اگر چیزی را بخورد که بر مُحرم حرام است، اعاده غسل مستحب است، و اگر مکلف در روز غسل کند، تا آخر شب آینده کفایت می‌کند، و همچنین اگر در شب غسل کند، تا آخر روز آینده کافی است، ولی اگر بعد از غسل و پیش از احرام به حَدَث اصغر مُحَدَّث شد، غسل را

۱. الکافی، ۳۲۶/۴، حدیث ۲ و ۱.

اعاده نمايد؛<sup>۱</sup>

سوّم. هنگام غسل احرام اين دعا را كه از معصومين عليه السلام رسیده، بخواند:  
 «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي نُورًا وَ طَهْرًا وَ حِزْرًا وَ آمِنًا مِنْ كُلِّ  
 خَوْفٍ وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُؤْمٍ»؛

چهارم. آنكه احرام را در صورت تمكّن، بعد از فريضة ظهر، و در صورت عدم تمكّن، بعد از نماز واجب ديگر، و اگر وقت نماز واجب نيست، بعد از خواندن شش ركعت نافله و يا اقلّاً دو ركعت نماز نافله، كه در ركعت اول پس از حمد، سورة توحيد، و در ركعت دوم سورة جحد را بخواند، و شش ركعت افضل است، و بعد از نماز، حمد و ثناء الهی را به جا آورد و بر پيغمبر و آل او عليهم السلام صلوات بفرستد، آن گاه بگويد:<sup>۲</sup>

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ وَ آمَنَ بِوَعْدِكَ وَ اتَّبَعَ  
 أَمْرَكَ فَأَنِّي عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقِي إِلَّا مَا وَقَيْتَ وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا  
 أُعْطَيْتَ وَ قَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْزِمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ  
 نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تَقْوِيَّتِي عَلَى مَا ضَعُفْتُ وَ تُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي  
 فِي يُسْرِ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ اجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَازْتَضَيْتَ  
 وَ سَمَّيْتِ وَ كَتَبْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَ انْفَقْتُ مَالِي إِنْغَاءً  
 مَرْضَاتِكَ اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَ عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ

۱. وسائل الشيعه، ۳۲۲/۱۲، أبواب الإحرام، باب ۶ و ۸

۲. وسائل الشيعه، ۳۳۸/۱۲، أبواب الإحرام، باب ۱۵ و ۱۸.

إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي  
عَارِضٌ يَحْسِينِي فَخَلَّنِي حَيْثُ حَسَبْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ  
اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَجَّةَ فَعُمْرَةً، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَ  
عِظَامِي وَمُخِّي وَ عَصَبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالثِّيَابِ وَالطَّيِّبِ أُنْتَعِي بِذَلِكَ  
وَجْهَكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ؛<sup>۱</sup>

پنجم. آنکه تلبیه‌ها را در حال احرام تکرار کند؛ خصوصاً در موارد

زیر:<sup>۲</sup>

الف - وقت برخاستن از خواب؛

ب - بعد از هر نماز واجب و مستحب؛

ج - وقت برخورد به سواره؛

د - هنگام بالا رفتن از تپه یا سرازیر شدن از آن؛

ه - وقت سوار شدن یا پیاده شدن؛

و - آخر شب؛

ز - اوقات سحر.

#### ۴ - ۱ مکروهات احرام

مکروهات احرام چند چیز است:

اول. خوابیدن محرم بر روی تشک و فرش و بالش زرد رنگ و سیاه و

۱. الفقیه، ۹۳۹/۲۰۶/۲.

۲. وسائل الشیعة، ۳۸۲/۱۲، أبواب الإحرام، باب ۳/۴۰ و ۲.

رنگ قرمز تیره؛<sup>۱</sup>

دوم. استعمال حنا پیش از احرام، در صورتی که اثر آن تا حال احرام

باقی بماند؛<sup>۲</sup>

سوم. حمام رفتن و بهتر و اولی آن است که مُحرم بدن خود را با کیسه و

مثل آن نساید؛<sup>۳</sup>

چهارم. لَبِیک گفتن محرم، در جواب کسی که او را صدا نماید.<sup>۴</sup>

## ۵- ۱ واجبات احرام

«مسئله ۸۷» واجبات احرام برای بانوان دو چیز است:

۱- نیت.

۲- تلبیه (گفتن لبیک).

«مسئله ۸۸» نیت یعنی انسان در حالی که می خواهد برای عمره تمتع

محرم شود، نیت کند و همان که به قصد «عمره تمتع» یا «حج تمتع»،

لبیکهای واجب را گفت مُحرم می شود، و قصد ترک محرمات احرام لازم

نیست.

«مسئله ۸۹» در نیت عمره تمتع نه خطور به قلب لازم است و نه به زبان

۱. وسائل الشیعة، ۴۵۷/۱۲، أبواب تروك الإحرام، باب ۲۸.

۲. الاستبصار، ۶۰۱/۱۸۱/۲.

۳. وسائل الشیعة، ۵۳۷/۱۲، أبواب تروك الإحرام، باب ۷۶ / ۳ و ۲ و ۱.

۴. همان، ۵۶۱/۱۲، أبواب تروك الإحرام، باب ۹۱.

آوردن، بلکه مانند سایر عبادات داشتن همان انگیزه الهی و انجام وظیفه دینی، کافی است، و ناگفته نماند به زبان آوردن نیت در اعمال عمره و حج تمتع مستحب می‌باشد.

## ۲- دوم: تلبیه

یعنی گفتن لیتک و صورت تلبیه به مقدار واجب بنا بر اصح آن است که بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» و همین مقدار کافی است و محرم شده است و احرامش صحیح است و مستحب آن است که پس از آنکه چهار لیتک را گفت بگوید: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنُّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لِشَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» و ترجمه تلبیه چنین است: «اجابت و اطاعت می‌کنم تو را خدایا، اجابت می‌کنم تو را، اجابت می‌کنم تو را، برای تو شریکی نیست، اجابت می‌کنم تو را، به درستی که ستایش و نعمت و پادشاهی از آن توست، هیچ شریکی نداری، اجابت می‌کنم تو را»

(مسئله ۹۰) واجب است شخصی که می‌خواهد محرم شود مقدار واجب از تلبیه را مانند تکبیرة الاحرام نماز به صورت صحیح بگوید و اگر کسی از روی عمد تلبیه را صحیح نگوید محرم نشده است. و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، صحّت عمل او بعید نیست.

﴿مسئله ۹۱﴾ مقدار واجب در تلبیه گفتن بیش از یک مرتبه نیست، ولی تکرار آن مستحب است هر مقدار که می‌تواند بگوید و بنا بر احتیاط واجب شخصی که برای عمره تمتع محرم شده است هنگامی که خانه‌های مکه پیدا می‌شود لیتک را ترک کند و برای کسی که احرام حج بسته تا ظهر روز عرفه

بیشتر لبیک نگوید.

## ۶- ۱- مُحْرَمَاتِ احرام

هنگامی که بانوان پس از نیت و گفتن تلبیه محرم شدند نوزده چیز بر آنها حرام می‌شود و ارتکاب بعضی از آنها دارای کفاره است:

اوّل - شکار حیوان وحشی صحرائی :

«مسئله ۹۲» در حال احرام شکار کردن حیوان وحشی صحرائی و کمک کردن به صیاد در صید آن، حرام است.

«مسئله ۹۳» ذبح و خوردن گوشت حیوانات اهلی مانند مرغ خانگی، گوسفند، گاو و شتر در حال احرام مانعی ندارد.

«مسئله ۹۴» احتیاط واجب آن است که زبور را اگر قصد اذیت او را نداشته باشد نکشد، اما کشتن مارمولک و از این قبیل جانوران، اشکالی ندارد.

«س ۹۵» کشتن ملخ در حال احرام چگونه است؟

ج - کشتن ملخ حرام، بلکه مواظبت نمودن برای آنکه زیر دست و پاکشته نشود واجب است، و در صورت عدم مراقبت و کشته شدن ملخ، احتیاط مستحب آن است که ۵۰ گرم طعام که تقریباً یک کف می‌شود صدقه بدهد.

«س ۹۶» کشتن مگس و مورچه در حال احرام چه حکمی دارد؟

ج - حرام است، مگر آنکه موجب اذیت و آزار باشند، که برای

جلوگیری از اذیت به قدر ضرورت مانعی ندارد.

دوم - زنا شویی و کامجویی جنسی:

«مسئله ۹۷» اگر در عمره تمتع از روی علم و عمد آمیزش کند (قبلاً و دُبْرًا) دو صورت دارد صورت اول: اگر پس از فراغت از سعی آمیزش کند عمره اش باطل نمی شود لیکن موجب کفاره است و کفاره آن چه فقیر باشد و چه غنی یک شتر است و صورت دوم: اگر پیش از سعی آمیزش کند عمره اش باطل نمی شود، و احتیاط مستحب آن است که عمره را تمام کند و آن را دو مرتبه به جا آورد، و کفاره آن مثل صورت قبل است.

«مسئله ۹۸» اگر محرم در احرام حج تمتع، از روی علم و عمد با زن، قبلاً نزدیکی کند، چه قبل از وقوف در عرفات باشد و چه بعد از وقوف به عرفات و قبل از وقوف به مشعر الحرام، واجب است آن حج را گرچه حج مستحب باشد تمام کند و در سال بعد هم از باب عقوبت موظف است دو مرتبه آن حج را بیاورد و یک شتر هم به عنوان کفاره بدهد. و در صورت جهل حج او صحیح است، و دو مرتبه به جا آوردن حج در سال آینده و همچنین کفاره بر او واجب نمی باشد. و اگر نزدیکی دبراً باشد فقط کفاره که آن هم یک شتر است بر او واجب می شود، گرچه احتیاط مستحب در آن است که حج را تمام کند و سال بعد هم دو مرتبه حج انجام دهد.

«مسئله ۹۹» اگر زنی در حال احرام همسرش را از روی شهوت بیوسد کفاره آن یک شتر است و اگر بدون شهوت بیوسد کفاره آن یک گوسفند می باشد.



﴿مسئله ۱۰۰﴾ جایز است زن بدن همسر خود را بدون شهوت لمس کند یا مثلاً او را برای سوار شدن یا پیاده شدن کمک کند.

﴿مسئله ۱۰۱﴾ اگر زن مُحرم از روی شهوت به همسرش نگاه کند حرام است.

سوّم - عقد کردن:

﴿مسئله ۱۰۲﴾ بر محرم جایز نیست در حال احرام برای خود همسر انتخاب کند و اگر زنی در حال احرام همسری انتخاب کند چه عقد دائم باشد یا مُتعه، و آن همسر در حال احرام باشد یا نباشد، در تمام این صور عقد باطل است.

چهارم - استعمال بوی خوش:

﴿مسئله ۱۰۳﴾ استعمال چیزهای خوشبو مانند مشک و زعفران و عود و کافور و عنبر بلکه مطلق عطر از هر قسم که باشد، حرام است به خوردن باشد یا بوییدن یا مالیدن به بدن یا لباس بنابراین، هر نوع استفاده از بوی خوش، حرام است.

﴿مسئله ۱۰۴﴾ اگر کسی حسی بویایی نداشته باشد و یا به علت ذکام و سرماخوردگی بویی را احساس نکند استعمال طیب و عطر زدن بر او هم حرام است.

﴿مسئله ۱۰۵﴾ عطر زدن به بدن یا لباس و پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد هر چند قبلاً به آن عطر زده باشند، جایز نیست.

﴿مسئله ۱۰۶﴾ از صابون و بعضی از شامپوهای خوشبو و معطر و خمیر

دندان که دارای بوی خوش هستند باید اجتناب نمود و استفاده از آنها برای محرم حرام است.

«مسئله ۱۰۷» بوییدن گلها و سبزیهای خوشبو حرام است اما خوردن و بوییدن میوه‌های خوشبو مانند سیب و پرتغال اشکال ندارد، لیکن احتیاط مستحب آن است که از بوییدن آنها حتی در حال خوردن اجتناب کند.

«مسئله ۱۰۸» گرفتن بینی از بوی بد حرام است ولی تند رفتن و فرار کردن از آن اشکال ندارد.

پنجم - سرمه کشیدن:

«مسئله ۱۰۹» بر محرم حرام است سرمه کشیدن به سرمه سیاهی که معمولاً برای زینت استعمال می‌شود هر چند قصد زینت نکند، و احتیاط واجب اجتناب از تمام سرمه‌ای است که در آن زینت باشد، و اگر بوی خوش داشته باشد، گرچه زینت هم نباشد از باب استفاده از بوی خوش بنابر اقوی حرام است.

«مسئله ۱۱۰» اگر برای معالجه چشم ناچار باشند سرمه بکشند، جایز است از سرمه‌هایی که در آنها چیزهای خوشبو به کار نرفته است، استفاده نمایند.

«مسئله ۱۱۱» سرمه کشیدن گرچه حرام است اما در آن کفاره نیست، ولی اگر در سرمه چیزهای خوشبو به کار رفته باشد علی الاقوی، کفاره به جهت بوی خوشش واجب است.

ششم - نگاه کردن در آینه:

﴿مسئله ۱۱۲﴾ نگاه کردن در آینه بر محرم اگر برای زینت باشد حرام است اما نگاه کردن محرم به اجسام صاف و صیقل داده شده که عکس انسان در آن پیدا است اشکال ندارد. مگر آنکه برای زینت باشد که حرمت آن خالی از وجه نیست.

﴿مسئله ۱۱۳﴾ اگر در اتاقی که ساکن است آینه باشد و بداند که گاهی چشم او سهواً به آینه می افتد اشکال ندارد، لیکن احتیاط مستحب آن است که آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

﴿مسئله ۱۱۴﴾ عینک زدن محرم، اگر برای زینت نباشد اشکال ندارد، ولی اگر به قصد زینت باشد، جایز نیست.

﴿مسئله ۱۱۵﴾ نگاه کردن به دوربین عکاسی یا فیلمبرداری در حال عکس گرفتن یا تصویر برداشتن در حال احرام جایز است، چون معلوم نیست که به آینه نگاه می کند، بلکه اگر معلوم هم باشد، چون به قصد زینت نیست، جایز است.

هفتم - فسوق:

﴿مسئله ۱۱۶﴾ در قرآن فسوق از محرمات است ولی حرمت آن در حال احرام شدیدتر است و آن اختصاص به دروغ گفتن ندارد، بلکه فحش دادن و به دیگران فخر کردن نیز فسوق است. و برای فسوق کفاره نیست فقط فرد باید استغفار کند.

هشتم - جدال:

﴿مسئله ۱۱۷﴾ جدال که همراه قسم خوردن به کلمه «لا والله» یا «بلی والله»

باشد در حال احرام حرام است خواه قسم راست باشد یا قسم دروغ و اگر به لفظ جلاله «الله» یا مترادف آن مثل خدا در زبان فارسی باشد جدال است و اما قسم به غیر خدا به هر کس باشد ملحق به جدال نیست.

﴿مسئله ۱۱۸﴾ محرم می تواند در مقام ضرورت، برای اثبات حقی یا دفع باطلی به لفظ جلاله و غیر آن قسم بخورد.

﴿مسئله ۱۱۹﴾ اگر کسی در جدال راستگو باشد، در قسم اول و دوم چیزی بر او نیست مگر استغفار و در قسم سوم باید کفاره بدهد، و کفاره آن یک گوسفند است. و اگر در جدال و قسم دروغگو باشد، احتیاط آن است که در قسم اول یک گوسفند کفاره بدهد و در قسم دوم یک گاو و در قسم سوم یک شتر، بلکه خالی از قوت نیست.

نهم - کشتن حشرات ساکن در بدن:

﴿مسئله ۱۲۰﴾ بر محرم جایز نیست شپش و یا کک و یا کنه که از عرق و چرک بدن انسان به وجود می آید، با دست یا سم یا به وسیله ای دیگر آن را بکشد و یا از بدن و یا لباس خود آن را جدا کند و یا آن را در بدن خود جا به جا کند، مگر آن را به جایی که امن تر باشد، منتقل کند، و همچنین این حکم بنا بر احتیاط واجب در حیواناتی که از عرق و چرک بدن انسان به وجود نمی آیند ولی در بدن و لباس انسان وجود دارند جاری است.

﴿مسئله ۱۲۱﴾ بعید نیست که در کشتن یا انتقال دادن کفاره نباشد گرچه حرام است، لیکن بنا بر احتیاط مستحب یک مشت از طعام به فقیر صدقه بدهد.

دهم - انگشتر به دست کردن به قصد زینت:

«مسئله ۱۲۲» بر محرم حرام است به قصد زینت انگشتر به دست کند ولی اگر به قصد عمل به استحباب باشد، یا برای شمردن شوطهای طواف باشد مانعی ندارد.

یازدهم - روغن مالیدن به بدن:

«مسئله ۱۲۳» شخص محرم بنا بر اقوی نباید در حال احرام بدن خود را روغن مالی کند هر چند روغن بوی خوش نداشته باشد، ولی اگر از روی اضطرار یا برای معالجه باشد مثل پمادهایی که روی زخمها و ترک خوردگیها مالیده می شود مانعی ندارد، این در صورتی است که بوی خوش نداشته باشد و اگر در روغن بوی خوش باشد کفاره آن یک گوسفند است اگر چه از روی اضطرار باشد.

دوازدهم - ازاله مو از بدن خود یا شخص دیگر:

«مسئله ۱۲۴» بر محرم جایز نیست موی بدن خود یا شخص دیگری را ازاله کند، خواه شخص دیگر در حال احرام باشد یا نباشد و در حرمت ازاله مو، فرقی میان کم و زیاد آن نیست بلکه ازاله یک مو نیز حرام است.

سیزدهم - بیرون آوردن خون از بدن خود:

«مسئله ۱۲۵» جایز نیست بر محرم خون از بدن خود بیرون آورد خواه به خراشیدن باشد یا به مسواک نمودن و یا خون گرفتن، اما محرم می تواند از بدن شخص دیگر خون خارج نماید مثل اینکه او را حجامت کند یا دندان او را بکشد.

﴿مسئله ۱۲۶﴾ تزریق آمپول در حال احرام مانعی ندارد، ولی اگر موجب آمدن خون از بدن شود حرام است مگر در مورد حاجت و ضرورت.

چهاردهم - کشیدن دندان:

﴿مسئله ۱۲۷﴾ بنا بر احتیاط، محرم در حال احرام دندان خود را نکشد، هر چند خون نیاید، و در صورت کشیدن مرتکب حرام شده و بنا بر احتیاط واجب باید یک گوسفند کفاره بدهد اما کشیدن دندان دیگری مانعی ندارد.

﴿مسئله ۱۲۸﴾ کشیدن دندان در حال ناچاری اشکال ندارد ولی بنا بر احتیاط واجب کفاره دارد.

پانزدهم - ناخن گرفتن:

﴿مسئله ۱۲۹﴾ گرفتن ناخن یا کوتاه کردن آن در حال احرام جایز نیست، خواه از دست باشد یا از پا، همچنین بر محرم جایز نیست بعض ناخن خود را هم بگیرد، مگر آنکه باقی ماندن ناخن موجب اذیت و ضرر شود مثل اینکه ناخن کنده شده باشد و فرقی نیست بین آلات ناخن گیری.

﴿مسئله ۱۳۰﴾ اگر ناخن تمام دستها را بگیرد و ناخن پاها را تا کمتر از ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای همه آنها کافی است (همان گونه که شهید<sup>ع</sup> در مسالک<sup>۱</sup> فرموده است) و همچنین است اگر ناخن پاها را تماماً بگیرد و ناخن دستها را تا کمتر از ده انگشت بگیرد.

شانزدهم - پوشیدن زیور به قصد زینت:

﴿مسئله ۱۳۱﴾ جایز نیست زن در حال احرام خود را به گوشواره و گردنبند

و مانند اینها زینت کند و یا زیورهایی را به قصد زینت بپوشد بلکه بنا بر احتیاط از آنچه موجب زینت است اجتناب نماید هر چند به قصد زینت نباشد، بلکه حرمت آن خالی از قوت نیست.

«س ۱۳۲» در لباس بعضی از بانوان مشاهده می شود که لبه آستین پیراهن یا چادر، گل یا توری یا گیپور دوخته شده است آیا پوشیدن این قبیل لباسها در حال احرام جایز است؟

ج - اگر عرفاً زینت محسوب شود جایز نیست.

«مسئله ۱۳۳» زیورهایی را که پیش از احرام، عادت به پوشیدن آنها داشته لازم نیست برای احرام بیرون آورد، لیکن باید آنها را بپوشاند و به هیچ مردی، حتی به شوهر خود، آنها را نشان ندهد، و پوشیدن زیور، کفاره ندارد.

«مسئله ۱۳۴» احتیاط واجب آن است که محرم برای زینت حنا نبندد، بلکه اگر برای زینت باشد گرچه قصد زینت نکند، احتیاط در ترک آن است بلکه حرمت آن در هر صورت خالی از وجه نیست. و اگر قبل از احرام حنا ببندد، چه به قصد زینت باشد یا نباشد و چه اثرش تا زمان احرام بماند یا نماند مرتکب حرام نشده ولی احتیاط مستحب در ترک است.

«س ۱۳۵» برداشتن ابروها بین زنان معمول است. حال اگر کسی به مکه برود و ابروهایش را بردارد، چون در آنجا گردی صورت (در حال احرام) پیداست، آیا گناه است؟

ج - اگر مطمئن است که نامحرم نگاه می کند و باعث تهییج شهوت

می‌شود، حرام و گناه است.

﴿س ۱۳۶﴾ رنگ کردن مو با رنگهای مصنوعی و شیمیایی معمولاً برای زینت است و عادتاً هر چند وقت یک بار انجام می‌شود، آیا این عمل قبل از سفر حج تمتع، اشکال دارد؟

ج - اگر کسی قبل از احرام، مو را برای زینت رنگ کند، چه به قصد زینت باشد و چه نباشد، و چه رنگش تا زمان احرام بماند یا نماند، اشکال ندارد.

هفدهم - پوشاندن صورت:

﴿مسئله ۱۳۷﴾ جایز نیست زن در حال احرام صورت خود یا قسمتی از آن را با نقاب یا روبند یا پوشیه یا بادبزن یا مانند اینها بپوشاند.

﴿مسئله ۱۳۸﴾ پوشاندن صورت به وسیله اعضای بدن خود مانند دستها مانعی ندارد.

﴿مسئله ۱۳۹﴾ زن در حال احرام می‌تواند صورت خود را برای خوابیدن روی زمین یا بالش بگذارد.

﴿س ۱۴۰﴾ پوشاندن صورت برای زن در طواف، چه حکمی دارد؟  
ج - در طواف، فی حدّ نفسه، حکم نماز را دارد، لیکن اگر محرم است پوشاندن صورت به خاطر احرام، حرام است.

﴿س ۱۴۱﴾ آیا زنان محرم می‌توانند عرق صورت خود را در صورتی که صورت آنها پوشانده می‌شود خشک کنند؟

ج - در صورتی که هنگام خشک کردن، صورت آنها پوشیده



می شود واجب است که ترک نمایند.

﴿س ۱۴۲﴾ زنها در حال احرام، برای پوشیدن و در آوردن مقنعه

صورتشان پوشیده می شود آیا مانعی دارد؟

ج- باید سعی کنند پوشیده نشود، و اگر از روی غفلت و نسیان و بی

توجهی باشد، مانعی ندارد.

﴿س ۱۴۳﴾ آیا زنان می توانند برای جلوگیری از ورود هوای کثیف و

امراض مختلف به دهان و بینی از ماسک استفاده کنند؟

ج- اگر مستلزم جلوگیری از بوی بد باشد حرام است و نسبت به زنان

چون مانع از ظهور و برهنه بودن صورتشان می شود مطلقاً حرام

است چون احرام زن در صورت آنها و ظاهر بودنش می باشد. ولی

در مواقع ضرورت مانعی نداشته و کفاره هم ندارد.

هجدهم - کندن و بریدن درخت و یا گیاهی که در حرم روییده باشد:

﴿مسئله ۱۴۴﴾ کندن و بریدن درخت و یا گیاه بر همگان چه مُحرم و یا غیر

مُحرم در حرم حرام است.

﴿مسئله ۱۴۵﴾ از محرمات احرام دو عمل بر تمام افراد در حرم حرام

است، خواه مُحرم باشد یا مُجَل.

۱ - شکار حیوان صحرائی که وحشی باشد.

۲ - کندن یا بریدن درخت و گیاهی که در حرم روییده باشد.

نوزدهم - سلاح در برداشتن:

﴿مسئله ۱۴۶﴾ حمل سلاح چه به صورت آویزان نمودن بر بدن و چه به

صورت حمل، به نحوی که شخص مسلح شمرده شود عرفاً در غیر مورد ضرورت برای محرم حرام است و اگر مسلح شمرده نشود مثل اینکه در اثاث او باشد در این صورت هم احوط ترک حمل سلاح است.

#### ۷- ۱ مقدار کفاره محرّمات احرام

«مسئله ۱۴۷» برخی از این محرّمات علاوه بر اینکه گناه است کفاره هم دارد ولی برخی دیگر کفاره ندارد و محرّمات کفاره دار و کفاره آنها بدین شرح است:

۱- آمیزش و کامجویی جنسی: یک شتر با تفصیلی که در مناسک و کتب فقهی آمده.

۲- استعمال بوی خوش: یک گوسفند (بنابر اقوی).

۳- قسم خوردن: اگر کسی سه بار قسم راست بخورد کفاره آن یک گوسفند است و در قسم دروغ در مرتبه اول یک گوسفند بنابر احتیاط واجب در مرتبه دوم یک گاو. در مرتبه سوم یک شتر.

۴- ازاله مو از بدن: اگر محرم از زیر هر دو بغل خود ازاله مو کند کفاره آن یک گوسفند است و اگر از زیر یک بغل هم ازاله کند احتیاط در کفاره یک گوسفند است.

۵- پوشاندن صورت: یک گوسفند.

۶- کشیدن دندان: یک گوسفند.

۷- ناخن گرفتن: اگر ناخن تمام دستها را بگیرد و ناخن پاها را تا کمتر از

ده ناخن بگیرد یک گوسفند برای همه آنها کافی است و همچنین اگر ناخن پاها را تماماً بگیرد و ناخن دستها را تا کمتر از ده انگشت بگیرد. و اگر یک ناخن از دست یا پا را بگیرد یک مد طعام کفاره بدهد.

۸- کندن درخت حرم: درخت بزرگ باشد یک گاو، درخت کوچک یک گوسفند. و اگر بعض درخت را قطع کند اقوی آن است که قیمت آن را کفاره بدهد.

﴿مسئله ۱۴۸﴾ کفارات محرّمات احرام، باید به فقراء و مساکین داده شود و کفاره دهنده نباید از گوشت حیوانی که به عنوان کفاره ذبح کرده بخورد.

### مستحبّات ورود به حرم

﴿مسئله ۱۴۹﴾ برای وارد شدن در حرم خدا چند چیز مستحب است:

۱. همین که حاجی به حرم رسید، جهت ورود به حرم غسل نماید؛
۲. برای تواضع و فروتنی نسبت به خدای متعال، پابرنه شود و کفش خود را در دست گرفته، داخل حرم شود و این عمل ثواب زیادی دارد و از امام صادق علیه السلام چنین آمده که هرکس به منظور تواضع برای خدا چنین کند، خداوند صد هزار سیئه از او محو می‌کند و صد هزار حسنه برای او می‌نویسد و صد هزار درجه به او می‌دهد و صد هزار حاجت از او روا می‌کند؛<sup>۱</sup>

۱. الکافی ۱/۳۹۸/۴، وسائل الشیعة، ۱۳/۱۹۵، أبواب مقدمات الطواف، باب ۱/۱.

۳. وقتی که داخل حرم شد، مقداری از گیاه «اذخر» را بجود تا دهان او خوشبو شود؛<sup>۱</sup>

۴. وقت دخول به حرم این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: وَأَذَنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُونَكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ وَفَجٍّ عَمِيقٍ سَامِعًا لِنِدَائِكَ وَمُسْتَجِيبًا لَكَ مُطِيعًا لِأَمْرِكَ وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ وَأَتَّبَعْتَنِي بِذَلِكَ الرُّزْقَةَ عِنْدَكَ وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ وَالْمُنْزِلَةَ لَدَيْكَ وَالْمَغْفِرَةَ لِدُنُوبِي وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۲</sup>.

### مستحبات دخول به مکه معظمه

برای ورود به مکه معظمه، آدابی است که مراعات آنها مستحب است:

۱. غسل و نیت آن، این است که در موقع غسل بگوید برای ورود به مکه

معظمه غسل می‌کنم، قربه الی الله؛

۲. با آرامش و وقار و در حالت خضوع و خشوع وارد مکه شود؛

۳. کسانی که از راه مدینه منوره به مکه معظمه می‌آیند، از جانب

۱. الکافی، ۴/۳۹۸/۴.

۲. من لایحضره الفقیه، ۲/۳۱۴.

بالای مکه از عقبه مدینین وارد شوند و هنگام خروج از مکه از ذی طوی خارج شوند.<sup>۱</sup>

### مستحبات داخل شدن به مسجدالحرام

۱. مستحب است حاجی در حال ورود به مسجدالحرام غسل کند؛
۲. با حالت سکینه و وقار وارد شود و هر کس با خشوع وارد شود، خداوند گناهان او را می‌بخشد؛<sup>۲</sup>
۳. با پای برهنه وارد مسجدالحرام شود؛<sup>۳</sup>
۴. وارد شدن از باب بنی شیبه،<sup>۴</sup> (بعد از توسعه مسجد داخل مسجد واقع شده است و الان مقابل باب السلام است)، پس خوب است انسان از

۱. در حال حاضر (۱۴۲۶ هـ ق) ورود و خروج حجاج و معتمرین از راههای دیگر هم می‌باشد.

۲. همان، ۲۰۴/۱۳، أبواب مقدمات الطواف، باب ۸.

۳. همان.

۴. حج که توحید ناب است و در آن شرکی نیست بلکه هرگونه بت را طرد می‌کند، استجاب دخول به مسجدالحرام از باب بنی شیبه در همین راستا است، و سر آن طبق بیان امام صادق علیه السلام این است که هنگامی که حضرت علی علیه السلام بردوش پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و بت هبل را از بالای کعبه به زیر انداخت آن بت در باب بنی شیبه به خاک سپرده شد، از آن پس ورود به مسجدالحرام از باب بنی شیبه سنت شد و در آن زمان باب بنی شیبه کنار مقام ابراهیم علیه السلام بوده که تقریباً رو به روی باب السلام فعلی است، اما اکنون در امتداد باب السلام بایی است به نام باب بنی شیبه. بنابراین، آنچه مستحب است فعلاً ورود از باب السلام است. «الفقیه، ۶۶۸/۱۵۴:۲ وسائل الشیعة، ۲۰۶/۱۳، أبواب مقدمات الطواف، باب ۸، حدیث ۱».

باب السلام برای دخول به مسجد الحرام وارد شود؛<sup>۱</sup>

۵. خواندن ادعیه مأثوره از اهل بیت علیهم السلام.

مستحب است محرم بر در مسجد الحرام ایستاده و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ  
 مَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ  
 عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در روایت دیگر وارد است که نزد در مسجد بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ مِنْ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ  
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى  
 رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ  
 رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ  
 الرَّحْمَنِ السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ  
 عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَرْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ  
 تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى  
 مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ  
 عَلَى أَنْبِيَائِكَ وَ رُسُلِكَ وَ سَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ  
 رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ  
 مَرْضَاتِكَ وَ احْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ،

۱. وسائل الشیعه، ۲۰۶/۱۳، أبواب مقدمات الطواف، باب ۹.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَزُورِهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَ  
 جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ وَ عَلَى كُلِّ مَأْتِيٍّ  
 حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَأْتِيٍّ وَ أَكْرَمُ مَزُورٍ فَاسْأَلُكَ يَا اللَّهُ  
 يَا رَحْمَنُ يَا تَنَكُّ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ يَا تَنَكُّ وَاحِدٌ أَحَدٌ  
 صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ (لَكَ خ ل) كُفُوًّا أَحَدٌ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا  
 عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ  
 يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تَحْفَتَكَ إِنِّي بِزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ  
 تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ»<sup>١</sup>

پس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ فَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

سپس بگوید:

«وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْحِجْرِ  
 وَ الْأَنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ».

سپس داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نموده،

بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا وَ فِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي وَ أَنْ  
 تَتَجَاوَزَ عَنِّي خَطِيئَتِي وَ أَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، اللَّهُمَّ الَّذِي بَلَّغَنِي بِسَيْتِهِ  
 الْحَرَامِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامُ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ  
 وَ أَمْنًا مُبَارَكًا وَ هُدًى لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلَدُ بِلَدِكَ وَ الْبَيْتُ بِبَيْتِكَ

١. الكافي، ٤٠٢/٤، حديث ٢.

جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ وَ أَوْمُ طَاعَتِكَ مُطِيعاً لِأَمْرِكَ رَاضِياً بِقَدْرِكَ أَسْأَلُكَ  
مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ  
وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَ مَرْضَاتِكَ».

بعد به سوی کعبه خطاب کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَّمَكَ وَ شَرَّفَكَ وَ كَرَّمَكَ وَ جَعَلَكَ مَتَابَعَةً لِلنَّاسِ وَ أَمْنًا  
مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ».

و مستحب است وقتی که محاذی حجرالاسود شد، بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ  
رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ اللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بِعِبَادَةِ  
الشَّيْطَانِ وَ بِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نظرش به حجرالاسود افتاد، بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ سُبْحَانَ  
اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا  
أَخْشَى وَ أَخَذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ  
يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى  
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ  
آلِهِ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ  
حَمِيدٌ مُجِيدٌ، وَ سَلَامٌ عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ  
العَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أَصَدِّقُ رُسُلَكَ وَ أَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

و در روایت معتبره وارد شده است وقتی که نزدیک حجرالاسود



رسیدی، دستهای خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور، و صلوات بر پیغمبر ﷺ بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند. و به حجرالاسود اشاره کن و بگو:

«اللَّهُمَّ أَمَانَتِي أَدَيْتَهَا وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِيَسْتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ اللَّهُمَّ  
تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ وَ عَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى عَلَيْه وَ آلِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ  
إِلَّا اللَّهُ وَ حُدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ  
بِالْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ السَّلَاتِ وَ الْعُرَى وَ عِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ  
يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نتوانستی همه را بخوانی، بعضی را بخوان و بگو:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظُمْتَ رَغْبَتِي فَأَقْبِلْ سُبْحَتِي  
وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ  
الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ».<sup>۱</sup>

### آداب مکه معظمه و مسجدالحرام

در مکه معظمه و مسجدالحرام آدابی است، که لازم است زائران محترم رعایت فرمایند:

۱. زائر از آب زمزم بیاشامد، که شفای دردهاست و مستحب است در آن حال بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ»

۱. وسائل الشیعة، ۲۰۴/۱۳، أبواب مقدمات الطواف، باب ۸ و ص ۳۱۶، أبواب الطواف، باب ۱۲.

- و نیز بگوید «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الشُّكْرِ لِلَّهِ»؛<sup>۱</sup>
۲. ذکر خداوند جلّ و علا بسیار بگوید؛
۳. قرآن قرائت کند. در روایت آمده است که هرکس یک ختم قرآن در مکه معظمه بجا آورد، نمی‌میرد، تا اینکه رسول خدا ﷺ را رؤیت کند و مأوی و منزلش را در بهشت ببیند؛<sup>۲</sup>
۴. بسیار عبادت کند مخصوصاً مانند طواف و نماز در مسجدالحرام و بهتر است که زیادتیر طواف نماید؛
۵. به خانه خدا بنگرد، که ثواب بسیار دارد؛<sup>۳</sup>
۶. در هر شبانه روز، ده مرتبه طواف نماید؛ در اول شب سه طواف، در آخر شب سه طواف، پس از دخول در صبح دو طواف، و بعد از ظهر دو طواف؛<sup>۴</sup>
۷. هنگام توقف در مکه به عدد ایام سال، طواف نماید و اگر این مقدار ممکن نشد، پنجاه و دو مرتبه طواف نماید، و اگر آن هم میسر نشد، هر مقداری که می‌تواند طواف کند؛<sup>۵</sup>

۱. وسائل الشیعة، ۲۴۶/۱۳، أبواب مقدمات الطواف، باب ۱/۲۱.

۲. التهذیب، ۲۸۸/۱۳، أبواب مقدمات الطواف، باب ۴۵، حدیث ۱ و ۷؛ التهذیب، ۱۶۴۰/۲۶۸/۵.

۳. وسائل الشیعة، ۲۶۲/۱۳، أبواب مقدمات الطواف، باب ۲۹.

۴. الکافی، ۵/۴۲۸/۴.

۵. الکافی، ۴۲۹/۴، حدیث ۱۴؛ وسائل الشیعة، ۳۰۸/۱۳، أبواب مقدمات الطواف، باب ۱/۷.

۸. مستحب است شخص به نیابت از رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و علماء و صلحاء و مؤمنین و خویشان و دوستان طواف کند و می تواند یک طواف به نیابت چند نفر به جا آورد. در روایت وارد شده که شخصی از امام موسی بن جعفر علیهما السلام پرسید: من زمانی که عازم مکه می شوم، بسا اشخاصی که از من می خواهند به جای آنان طواف به جا آورم و من قدرت اتیان طواف برای همه را ندارم. امام علیهما السلام فرمود: پس از انجام یک طواف و دو رکعت نماز، بگو این طواف و نماز برای آنان باشد، در این صورت به هر کس بگویی به نیابت از تو طواف و نماز به جا آوردم، راست گفته ای؛<sup>۱</sup>

۹. از مستحبات مکه، زیارت مکانهای با شرافت آن است، مانند زیارت زادگاه رسول خدا ﷺ و زیارت خانه حضرت خدیجه علیها السلام که زادگاه حضرت فاطمه علیها السلام نیز هست؛

۱۰. رفتن به کوه و غار حراء؛<sup>۲</sup>

۱. وسائل الشیعه، ۲۸۶/۱۴، أبواب العود الی منی، باب ۱/۱۷.

۲. کوه حراء در شمال مکه قرار دارد و محل عبادت رسول خدا ﷺ قبل از بعثت بوده و در همین غار بود که نخستین بار بر رسول خدا ﷺ وحی نازل شد و آیات آغازین سوره علق «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ \* خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ \* إِفْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ \* الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ». «بخوان به نام پروردگارت که جهان را آفرید، کسی که انسان را از خون بسته خلق کرد، بخوان و پروردگار تو گرامی است آنکه قلم را تعلیم داد و به آدمی آنچه را که نمی دانست آموخت»، در همین مکان نازل شده است روی این جهت این کوه از مکانهای مقدس مکه به شمار می رود.

۱۱. رفتن به غار ثور؛<sup>۱</sup>

۱۲. تصمیم بر آمدن مجدد به حج، که موجب طول عمر نیز می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ رَجَعَ مِنْ مَكَّةَ وَهُوَ يَتَوَى الْحَجَّ مِنْ فَايِلِ زَيْدَ فِي عُمْرِهِ»<sup>۲</sup>.

«کسی که از مکه معظمه برگردد، در حالی که نیت بازگشت به حج را داشته باشد، خداوند عمر او را طولانی می کند و حیات بیشتری به او عطا می فرماید»؛

۱۳. زیارت قبور حضرت خدیجه رضی الله عنها و حضرت ابوطالب رضی الله عنه، و

حضرت عبدمناف و حضرت عبدالمطلب رضی الله عنهما، از اجداد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قبر

حضرت آمنه بنت وهب رضی الله عنها، مادر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و زیارت قبر حضرت قاسم

۱. کوه و غار ثور در جنوب مکه (نقطه مقابل مدینه) واقع است، زمانی که مشرکان مکه نقشه کشیدند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله را بکشند فرشته وحی نازل گردید و پیامبر را از نقشه های شوم مشرکان به وسیله این آیه (سوره انفال آیه ۲۹) آگاه ساخت «وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُبْتُوكَ أَوْ يُقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ». «هنگامی که کافران بر ضد تو فکری می کنند، تا تو را زندانی کنند، یا بکشند و یا تبعید نمایند، آنان با خدا از در حيله وارد می شوند، و خداوند حيله آنها را به خود آنها برمی گرداند». آن حضرت از خانه خود خارج شد و علی رضی الله عنه در خوابگاه پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید. پیامبر صلی الله علیه و آله به سمت جنوب مکه به راه افتاد و وارد غار ثور شد و مدت سه روز در آن مخفی بود، مشرکان تا نزدیکی غار ثور آمدند، اما به اعجاز الهی عنکبوتان تارهایی را بر در غار تنیدند تا مشرکان را از رفتن به درون آن منصرف کنند و آیه ۴۰ سوره توبه از این غار یاد کرده است.

۲. الکافی، ۲۸۱/۴، حدیث ۳؛ وسائل الشیعة، ۱۵۰/۱۱، أبواب وجوبه و شرائطه، باب ۵۷، حدیث ۱.

فرزند پیامبر اکرم ﷺ در قبرستان ابوطالب در حُجُون در دامنه کوه، که این زیارات را در آداب مدینه منوره بیان خواهیم کرد.

### مستحبات خروج از مکه

۱. کسی که می خواهد پس از انجام اعمال به وطن خود برگردد، مستحب است یک طواف به عنوان طواف وداع با نماز آن به جا آورد، و در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید و چون به مستجار رسید، مستحباتی که بعداً برای آن مکان ذکر می شود به جا آورد و آنچه می خواهد دعا نماید، پس از آن حجرالاسود را استلام نماید و حمد و ثنای الهی نماید و بر محمد ﷺ و آل او ﷺ صلوات بفرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَاتِكَ وَجَاهِدْ فِي سَبِيلِكَ وَصَدِّعْ بِأَمْرِكَ وَأُوذِي فِي جَنبِكَ وَعَبْدِكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مَفْلِحاً مَنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ فَدَكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبِرْكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ، اللَّهُمَّ إِنْ أَمْتَنِي فَاغْفِرْ لِي وَإِنْ أَحْيَيْتَنِي فَارزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلٍ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَإِسْنُ أُمَّتِكَ، حَمَلْتَنِي عَلَى دَوَابِكَ وَسَيَّرْتَنِي فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَقْدَمْتَنِي حَرَمَكَ وَأَمَّنَكَ وَقَدَّكَ فِي حَسَنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي فَإِنْ كُنْتَ قَدْ غَفَرْتَ لِي

ذنبی فزدد عتی رضا وقرّبنی إلیک زلفی ولا تباعدنی وإن كنت لم  
تغفر لی فمن الآن فاغفر لی قبل أن تتأی عن بیتک داری فهذا أوان  
إنصافی إن كنت أذنت لی غیر راغب عنک ولا عن بیتک ولا مستبدل  
بک ولا به، اللَّهُمَّ احفظنی من بین یدی ومن خلفی وعن یمینی وعن  
شمالی حتّی تبلّغنی أهلی فإذا بلغتني أهلی فاکفنی مؤونة عبادک  
وعیالی فإتک ولیّ ذلك من خلقک ومئی»<sup>۱</sup>.

پس به طرف زمزم رود و از آب زمزم بنوشد و بگوید:

«آئینون تائبون عابدون، لربنا حامدون إلی ربنا منقلبون راغبون إلی  
الله ربنا راجعون إن شاء الله»<sup>۲</sup>.

و در مسجدالحرام یک سجده طولانی به جا آورد، و از درب حنّاطین  
(که در مقابل رکن شامی بوده است) خارج شود.

۲. زمانی که می خواهد از مکّه خارج شود، به مقدار یک درهم خرما  
بخرد و آن را به فقرا صدقه بدهد؛

۳. در هر یک از چهار زاویه کعبه دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز  
این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّبَ أَوْ تَعَبَّ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِوِفَادَةِ إلی مَخْلُوقٍ رَجَاءً  
رَفْدِهِ وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ فَأَلَيْتِكَ يَا سَيِّدِي تَهَيَّبْتَنِي وَ تَعَبَّيْتَنِي  
وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءً رَفْدِكَ وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا

۱. الکافی/۴، ۵۳۱/۴.

۲. همان.

تُحَيِّبُ الْيَوْمَ رَجَائِي يَا مَنْ لَا يَحْيِبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ فَإِنِّي  
لَمْ أَتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ وَلَا سَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ  
وَلِكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَيَّ نَفْسِي فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي  
وَلَا عُذْرَ فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتُعْطِيَنِي  
مَسْأَلَتِي وَتَقْلِبَنِي بِرَغْبَتِي وَلَا تُرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَشْنُوعًا وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ  
يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تُغْفِرَ لِي الذَّنْبَ  
الْعَظِيمَ لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ»<sup>۱</sup>

و مستحب است هنگام خروج از کعبه، سه مرتبه «الله اکبر» بگوید،  
سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْهَدْ بِلَاءَنَا رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ  
النافع».

و مستحب است که از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد.

## ۲- طواف

کسی که به احرام عمره تمتع یا عمره مفرده محرم شد و وارد مکه معظمه  
گردید اولین عمل از اعمال عمره (بعد از احرام) طواف خانه خداست، و آن  
عبارت است از هفت مرتبه دور خانه خدا (کعبه) گردیدن، و هر دوری را  
یک شوط می‌گویند.

«مسئله ۱۵۰» طواف از ارکان عمره تمتع و عمره مفرده است چنان

۱. وسائل الشیعة، ۱۳/۲۷۵، أبواب مقدمات الطواف، باب ۱/۳۶.

که از ارکان حج نیز می‌باشد و اگر کسی آن را از روی عمد ترک کند تا وقت آن فوت شود عمره او باطل است چه عالم و چه جاهل<sup>۱</sup> به مسئله باشد.

«مسئله ۱۵۱» طواف کننده در حال اختیار هم می‌تواند با ویلچر طواف کند.

«مسئله ۱۵۲» اگر شخص محرم به واسطه بیماری، قدرت نداشته باشد که خود طواف کند ولو بنحو سواره و تا آخر وقت نیز قدرت پیدا نکند باید برای طوافش نایب بگیرد کما اینکه اگر بعد از گذشتن از نصف نتواند بقیه را بیاورد می‌تواند برای بقیه نایب بگیرد و اگر قبل از آن باشد برای همه‌اش نایب بگیرد کما اینکه نیز می‌تواند در صورت قبل هم برای از سرگرفتن تمام اشواط نایب بگیرد.

## ۱- ۲ شرایط طواف

در صحیح بودن طواف چند چیز شرط می‌باشد:

### اول: نیت

یعنی شخص باید طواف را با قصد قربت و برای اطاعت خداوند به جا آورد و تردید در نیت موجب بطلان عمل است.

۱. مراد از جاهل، جاهل مقصر است و جاهل قاصر حکم کسی را دارد که طواف را فراموش کرده است.



«مسئله ۱۵۳» لازم نیست نیت را به زبان بیاورد بلکه همین که بنا داشته باشد این عمل را به جا آورد وانگیزه اش خدایی باشد کفایت می کند.

### دوم: طهارت از حدث

«مسئله ۱۵۴» طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط صحّت است، چه طواف عمره باشد یا طواف حجّ یا طواف نساء.

«مسئله ۱۵۵» طهارت از حدث اکبر در طواف مستحبی شرط است، بنابراین اگر کسی با غفلت و نسیان با حالت جنابت طواف مستحبی انجام دهد طوافش صحیح نمی باشد.

«مسئله ۱۵۶» اگر شخصی که حدث اکبر یا اصغر داشته، طواف واجب به جا آورد، طواف او باطل است، چه از روی عمد باشد، چه از روی غفلت یا نسیان یا به علت ندانستن مسأله.

«مسئله ۱۵۷» اگر در اثنای طواف حدث عارض شود، پس اگر بعد از تجاوز از نصف باشد، باید طواف را قطع کند و طهارت تحصیل کند و از همان جا که طواف را قطع کرده تمام کند، و اگر پیش از تمام شدن دور چهارم، و بعد از گذشتن از نصف حدث عارض شود، احتیاط مستحب آن است که طواف را تمام کند و سپس اعاده کند، و این حکم در حدث اصغر است و اگر قبل از گذشتن از نصف باشد در این صورت طواف باطل است. و باید پس از وضو آن را از سر بگیرد، خواه حدث به اختیار خارج شود یا بدون اختیار. و در هر صورت اگر طواف را در تمام صور از سر بگیرد مجزی

است و راحت تر هم می‌باشد.

### احکام حائض

احکام حیض به طور مفصل در توضیح المسائل آمده است ولی از آنجایی که ممکن است بانوان در ایام حج دسترسی به توضیح المسائل نداشته باشند به طور مختصر به برخی از احکام آن اشاره می‌کنیم و سپس به بیان وظیفه بانوان حائض نسبت به طواف و نماز طواف می‌پردازیم.

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رجم زنها خارج می‌شود وزن را در موقع دیدن خون حیض «حائض» می‌گویند.

«مسئله ۱۵۸» خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سرخ، مایل به سیاهی یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

«مسئله ۱۵۹» زنها چه سیده باشند و چه غیر سیده باشند، بعد از گذشت پنجاه سال قمری اگر خون حیض نبینند و عادت ماهانه آنها کلاً قطع شود یا خونی که می‌بینند شک داشته باشند که حیض است یا غیر آن، یا نسه می‌باشند یعنی خونی که می‌بینند محکوم به حیض نیست، ولی اگر خونی که می‌بینند یقین داشته باشند که همان خون عادت قبل از پنجاه سالگی است تا زمانی که یقین دارند همان خون است یا نسه نشده‌اند و باید به وظیفه حائض عمل کنند.

«مسئله ۱۶۰» خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال می‌بیند حیض نیست.

«مسئله ۱۶۱» دختری که نمی‌داند سیزده سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض را نداشته باشد حیض نیست و اگر نشانه‌های حیض را داشته باشد و اطمینان به حیض بودنش پیدا کند حیض است و معلوم می‌شود که بالغه شده است.

«مسئله ۱۶۲» مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی‌شود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد حیض نیست.

«مسئله ۱۶۳» سه روز اول حیض باید پشت سرهم باشد، پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، حیض نیست.

«مسئله ۱۶۴» لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در فرج خون باشد کافی است و چنانچه در بین سه روز، مختصری پاک شود و مدت پاک شدن به قدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در فرج خون بوده، باز هم حیض است.

«مسئله ۱۶۵» اگر سه روز پشت سرهم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دو باره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده، روی هم از ده روز بیشتر نشود، روزهایی هم که در وسط پاک بوده، حیض است.

«مسئله ۱۶۶» اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر از ده روز کمتر باشد و نداند خون حیض است یا زخم، اگر قبلاً حیض بوده، حیض و اگر پاک بوده، پاک قرار دهد، و چنانچه نمی‌داند پاک بوده یا حیض، همه چیزهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند و همه عبادتهایی که زن غیر حائض

انجام می‌دهد به جا آورد.

﴿مسئله ۱۶۷﴾ اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد از سه روز خون ببیند، خون دوم حیض است و خون اول اگر چه در روزهای عادتش باشد حیض نیست.

﴿مسئله ۱۶۸﴾ اگر زن در بین نماز حائض شود نماز او باطل است.

﴿مسئله ۱۶۹﴾ اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا استحاضه، چنانچه شرایط حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد.

﴿مسئله ۱۷۰﴾ اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه نماز او صحیح است، ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده نمازی که خوانده باطل است.

﴿مسئله ۱۷۱﴾ خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و بین خطهای قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن در غیر حال احرام برای حائض مکروه است.

﴿مسئله ۱۷۲﴾ نمازهای یومیه‌ای که زن در حال حیض نخوانده، قضا ندارد، ولی روزه‌های واجب را باید قضا نماید.

﴿مسئله ۱۷۳﴾ هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد، حائض می‌شود، باید فوراً نماز بخواند.

﴿مسئله ۱۷۴﴾ اگر زن حائض بعد از پاک شدن شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه، باید نمازش را بخواند.

﴿مسئله ۱۷۵﴾ اگر به خیال اینکه به اندازه تهنیه مقدمات نماز و خواندن

یک رکعت وقت ندارد، نماز نخواند و بعد بفهمد که وقت داشته، باید قضای آن نماز را به جا آورد.

﴿مسئله ۱۷۶﴾ زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می بیند اگر در یک ماه دو مرتبه خون بیند و آن خون، نشانه های حیض را داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد باید هر دو را حیض قرار دهد.

﴿مسئله ۱۷۷﴾ اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید برای عبادت های خود غسل کند، اگر چه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند ولی اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند، نباید غسل کند و نمی تواند نماز بخواند و باید به احکام حیض عمل نماید.

﴿مسئله ۱۷۸﴾ بعد از آنکه زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود، غسل کند و دستور آن مثل غسل جنابت است و از وضو کفایت می کند.

﴿مسئله ۱۷۹﴾ چند چیز بر حائض حرام است :

۱- نماز و طواف و عبادت هایی که باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود ولی به جا آوردن عبادت هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست مانند نماز میت مانعی ندارد.

۲- کارهایی که بر جنب حرام است مانند توقّف در مسجد.

۳- جماع در فرج و دُبُر که بر مرد و زن حرام است.

«مسئله ۱۸۰» بانوان پس از دوره قاعدگی و قطع خونریزی باید غسل حیض به جا آورند و نماز و سایر عبادت‌های خود را انجام دهند و این غسل از وضو کفایت می‌کند.

«س ۱۸۱» زنی که در ایام عادت، خون می‌بیند، بعد از پاک شدن رطوبت زرد رنگی می‌بیند که شک دارد خون است یا نه و نمی‌داند تا ده روز ادامه دارد یا نه تکلیف چیست؟

ج- اگر مطمئن است که قبل از ده روز خون قطع می‌شود، محکوم به حیض است و اگر مطمئن است که از ده روز تجاوز می‌کند، آنچه بعد از عادت می‌بیند محکوم به استحاضه است و اگر در تجاوز از ده روز شک دارد، ایام مشکوک ایام استظهار است که باید اعمال مستحاضه را بجا آورد و همه چیزهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند.

«س ۱۸۲» آیا ترشحات سفید رنگ در زنها پاک است؟ و آیا وضو و غسل را باطل می‌کند؟

ج- پاک است و وضو و غسل را هم باطل نمی‌کند.

«س ۱۸۳» زنی در هنگام حائض شدن، خونی می‌بیند که نشانه‌های حیض را ندارد و پس از چند ساعت و یا یک روز، خون او دارای نشانه‌های حیض می‌شود آیا خون اولی خون حیض است یا خیر؟

ج- اگر متصل باشد خون حیض است.

### احکام حائض نسبت به طواف و نماز طواف

﴿س ۱۸۴﴾ زن حائض و نفساء بعد از پاک شدن از حیض یا نفاس باید برای طواف و نماز غسل کند آیا وضو هم لازم است، یا غسل، از وضو کفایت می‌کند؟

ج - تمام اغسال واجبه و مستحبّه از وضو کفایت می‌کند و وضو لازم نیست.

﴿مسئله ۱۸۵﴾ اگر صاحب عادت وقتیه و عددیه، که عددش مثلاً هفت روز است، در روز هفتم پاک نشد و غسل کرد و اعمال حج را به جا آورد، ولی بعداً لک دید، اگر خون از روز دهم تجاوز نکرده در وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند و در ضیق وقت، اعاده ندارد و عمل به امارت عادت موجب اجزاء در ضیق وقت می‌باشد.

﴿س ۱۸۶﴾ اگر زن حائض، اعمال عمرة تمتع را جهلاً انجام دهد، چه حکمی دارد؟

ج - اعمالش باطل است، چون طهارت از حدث، شرط واقعی طواف و نماز آن می‌باشد.

﴿مسئله ۱۸۷﴾ اگر زنی حیض بود و نمی‌دانست و اعمال عمره را به جا آورد، اگر در وسعت وقت است، باید طواف و نماز را اعاده کند، ولی اگر وقت ندارد در این که وظیفه مبدل شده یا نه، اشکال است و احتیاط را مراعات نماید.

﴿مسئله ۱۸۸﴾ اگر زنی در عمرة تمتع، قبل از سه شوط و نیم حائض شد و

تا قبل از رفتن به عرفات پاک نشد مورد عدول به حج افراد است، و اگر بعد از سه شوط و نیم در طواف عمره تمتع حائض شد باید سعی و تقصیر را انجام دهد و برای حج تمتع محرم شود و در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد از آن، بقیه طواف عمره تمتع و نماز آن را به جا آورد.

«مسئله ۱۸۹» اگر زنی عمره تمتع را انجام داد و بعد از عمل متوجه شد که طواف او باطل بوده است و بعداً عذر زنانه پیدا کرد و تا وقوف به عرفات پاک نشد باید برای حج محرم شود و پس از آمدن به مکه و رفع عذر، طواف و نماز آن را انجام دهد.

«مسئله ۱۹۰» اگر زن حائض در اثنای طواف شک کند که غسل حیض را انجام داده یا نه، باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود. در اینجا دو صورت دارد. صورت اول: اگر نصف شوط چهارم را تمام کرده بود سپس شک کرد، باید غسل کند و برگردد و تتمه آن طواف را به جا آورد و احتیاط آن است که آن را نیز اعاده کند، صورت دوم: اگر قبل از نصف شوط چهارم شک کرده بود، باید بعد از غسل کردن، طواف را اعاده کند و اگر طواف را در هر دو صورت از سر گرفت مجزی است.

«مسئله ۱۹۱» اگر زنی در احرام عمره تمتع بعد از طواف و قبل از نماز طواف یا در بین نماز حائض شود باید فوراً از مسجد خارج شود و اگر وقت وسیع است صبر کند تا پاک شود و نماز را بخواند و بعد بقیه اعمال را انجام دهد و اگر وقت تنگ باشد سعی و تقصیر عمره را خودش انجام دهد و به حج تمتع محرم شود و بعد از طواف حج یا قبل از آن نماز طواف را بخواند



و سپس بقیه اعمال را انجام دهد.

«مسئله ۱۹۲» اگر زن، در احرام عمره تمتع پس از نماز طواف حائض شود، مشکلی برای اعمال پیش نمی آید، چون در سعی و تقصیر طهارت شرط نیست و محل سعی جزو مسجد نمی باشد بنابراین باید عمره تمتع را به پایان ببرد.

«مسئله ۱۹۳» اگر زنی نماز را در غیر مقام ابراهیم علیه السلام بخواند و بعد متوجه شود که حائض شده و تا وقوف به عرفات پاک نمی شود عمره او صحیح است و باید نماز را در پشت مقام اعاده کند.

### احکام مستحاضه

یکی از خونهایی که از رجم زن خارج می شود «خون استحاضه» است و زن را در موقع دیدن خون استحاضه «مستحاضه» می گویند. خون حیض و استحاضه برای زنهایی که رجمشان را در آورده اند، نیست، چون هر دو خون از رجم است. و با نبود آن، محلی برای آن نیست و خونی که از آنها خارج می شود مثل بقیه خونهای بدن است که فقط نجس است.

«مسئله ۱۹۴» خون استحاضه در بیشتر اوقات، زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ هم نیست، ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

## اقسام استحاضه

«مسئله ۱۹۵» خون استحاضه بر سه قسم است: قلیله، متوسطه و کثیره. «قلیله» آن است که خون فقط روی پنبه‌ای را که زنان باخود برمی‌دارند آلوده کند و در آن فرو نرود.

«متوسطه» آن است که خون به درون پنبه فرو رود؛ و از طرف دیگر بیرون آید، ولی به دستمالی که معمولاً زنان برای جلوگیری از خون می‌بندند، جاری نشود.

«کثیره» آن است که خون از پنبه به دستمال جاری شود.

«مسئله ۱۹۶» اگر زنی پیش از نماز یا در بین آن، خون استحاضه متوسطه ببیند باید برای آن نماز غسل کند و غسل از وضو کفایت می‌کند و برای بقیه نمازهای آن روز، غسل لازم نیست ولی باید برای هر نماز دستمال را عوض نموده یا آب بکشد و همچنین ظاهر فرج را تطهیر نماید.

«مسئله ۱۹۷» در استحاضه کثیره، علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسئله قبل بیان شد مستحاضه باید یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشاء به جا آورد و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد، و اگر فاصله بیندازد، باید برای نماز عصر دوباره غسل کند و نیز اگر بین نماز مغرب و عشاء فاصله بیندازد، باید برای نماز عشاء دوباره غسل نماید و غسل از وضو کفایت می‌کند.

«مسئله ۱۹۸» مستحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت

نماز، برای نماز غسل کند، غسل او باطل است، بلکه اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند، احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح، دو باره غسل را به جا آورد.

﴿مسئله ۱۹۹﴾ اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید، وضو و غسل باطل نمی‌شود، و اگر بیرون بیاید، هر چند کم باشد، وضو و غسل را باطل می‌کند.

﴿مسئله ۲۰۰﴾ زن مستحاضه اگر بعد از نماز خود را واریسی کند و خون نبیند، اگر چه بداند دو باره خون می‌آید با وضویی که دارد، می‌تواند نماز بخواند.

﴿مسئله ۲۰۱﴾ زن مستحاضه اگر بداند که پیش از گذشتن وقت نماز، به کلی پاک می‌شود، یا به اندازه خواندن نماز، خون بند می‌آید، بنا بر احتیاط واجب، باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند.

﴿مسئله ۲۰۲﴾ مستحاضه کثیره و متوسطه، وقتی به کلی از خون پاک شد باید غسل کند، ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز قبلی مشغول غسل شده دیگر خون نیامده لازم نیست دو باره غسل نماید.

﴿مسئله ۲۰۳﴾ مستحاضه قلیله بعد از وضو، و مستحاضه کثیره بعد از غسل و متوسطه بعد از غسل برای اولین نماز و بعد از وضو برای نمازهای بعدی، بنا بر احتیاط واجب باید فوراً مشغول نماز شود ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز، اشکال ندارد و در نماز هم می‌تواند کارهای

مستحب مثل قنوت و غیر آن را به جا آورد.

﴿مسئله ۲۰۴﴾ زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد، باید دوباره غسل کند و بلا فاصله مشغول نماز شود، ولی اگر خون در داخل فضای فَرْج نیاید، غسل لازم نیست.

﴿مسئله ۲۰۵﴾ مستحاضه قلیله اگر بخواهد غیر از نماز، کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید وضو بگیرد، و بنا بر احتیاط واجب، وضویی که برای نماز گرفته، کافی نیست.

﴿مسئله ۲۰۶﴾ برای زن مستحاضه متوسطه و کثیره رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ و توقف در مساجد دیگر و خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد در صورتی جایز است که غسل کند اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است، مثل عوض کردن پنبه و دستمال، انجام نداده باشد.

﴿مسئله ۲۰۷﴾ اگر زن مستحاضه بخواهد نماز قضا بخواند باید برای هر نماز، کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است، به جا آورد.

﴿مسئله ۲۰۸﴾ اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواهد پیش از وقت نماز جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند.

﴿مسئله ۲۰۹﴾ نماز آیات بر مستحاضه واجب است و باید برای نماز آیات هم، کارهایی را که برای نماز یومیه بیان شد، انجام دهد.

﴿مسئله ۲۱۰﴾ اگر زن بداند خونی که از او خارج می‌شود، خون زخم

نیست و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد، بنابر احتیاط واجب، باید به دستور استحاضه عمل کند، بلکه اگر شك داشته باشد که خون استحاضه است یا خونهای دیگر، چنانچه نشانه آنها را نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

﴿س ۲۱۱﴾ اگر زن مستحاضه غسل استحاضه نماید، ولی کثیره و یا متوسطه بودن آن را معین نکند چه صورتی دارد.

ج - مانعی ندارد.

﴿مسئله ۲۱۲﴾ زنی که حیض نمی شود ولی گاهی خون می بیند، اگر خون تا سه روز، استمرار ندارد، ولو به این نحو که پس از خارج شدن تا این مدت، باطن فرج آلوده باشد. حکم استحاضه را دارد.

﴿س ۲۱۳﴾ زنی که در ایام عادت ماهانه بر اثر خوردن قرص، خونریزی ندارد لیکن لکه‌هایی می بیند و ممکن است این لکه بینی در تمام ایام عادت قبلی ادامه یابد، آیا وظیفه او عمل به احکام حائض یا مستحاضه است یا هیچ کدام؟

ج - اگر توالی ندارد محکوم به حیض نمی باشد و استحاضه است.

﴿مسئله ۲۱۴﴾ اگر زنی به علت خوردن قرص، نظم عادت ماهانه اش به هم بخورد، به طوری که گاهی در مدت طولانی مرتب خون و لکه می بیند، اگر خون سه روز استمرار داشته باشد اگرچه به این صورت که تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، حکم حیض را دارد، و گرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کند.

### احکام مستحاضه نسبت به طواف و نماز طواف

﴿س ۲۱۵﴾ زنی که مستحاضه است، بعد از طواف متوجّه می شود که خون از او خارج شده و باید برای نماز طواف، غسل کند. در این صورت اگر به منزل برود، مدّتی طول می کشد، آیا می تواند نماز را با تیمّم بخواند؟

ج - اگر خون قطع نمی شود، برای به جا آوردن هر یک از طواف و نماز باید غسل کند و باید طوری باشد که بعد از غسل مبادرت به عمل نماید، و اگر با رفتن به منزل نتواند مبادرت کند، نزدیک مسجد الحرام غسل کند، و اگر نزدیک مسجد هم نتواند غسل کند، برای ورود به مسجد، تیمّم بدل از غسل نماید.

﴿س ۲۱۶﴾ زنی که در حال استحاضه است و برای طواف، خود را تطهیر کرده، بعد از طواف نمی داند که از وی خون خارج شده یا خیر، آیا لازم است برای نماز طواف، خود را واریسی کند یا خیر؟

ج - اگر به خروج خون یقین ندارد، واریسی لازم نیست، و اگر خون خارج نشود، می تواند با همان غسل، نماز طواف را بخواند، ولی اگر کشف خلاف بشود، باید پس از تجدید غسل، نماز را اعاده کند.

﴿س ۲۱۷﴾ اگر زنی در بین نماز طواف مستحاضه متوسطه شود، چه حکمی دارد؟

ج - باید نماز را رها کند و برای همان نمازی که در میان آن مستحاضه متوسطه شده، غسل نماید و سپس نماز را بجا آورد.

﴿س ۲۱۸﴾ آیا مستحاضه قلیله بدون وضو می تواند طواف مستحبی انجام دهد؟

ج - وضو لازم نیست ولی تطهیر بدن لازم است و برای نماز آن وضو هم لازم است.

﴿س ۲۱۹﴾ آیا برای مستحاضه کثیره جایز است که با یک غسل هم نمازهای روزانه را به جا آورد و هم طواف و نماز آن را انجام دهد؟

ج - مستحاضه کثیره و متوسطه علاوه بر اغسال یومیّه یک غسل برای طواف و یکی هم برای نماز آن انجام دهد و هر کدام از طواف و نماز مستقل هستند یعنی برای هر یک غسل لازم است مگر آنکه از زمان غسل کردن برای طواف تا آخر نماز خون قطع شود.  
 ﴿مسئله ۲۲۰﴾ در استحاضه قلیله، زن باید برای طواف یا نماز، ظاهر فُوج را هم، اگر خون به آن رسیده، آب بکشد و پنبه را عوض کند و وضو بگیرد.  
 ﴿س ۲۲۱﴾ دوشیزه ای هستم که قبل از اعمال حج، رطوبت زرد رنگی را دیدم که علایم حیض را ندارد، آیا دوشیزگان هم مانند زنها استحاضه می شوند؟

ج - استحاضه مخصوص زنها نیست، بلکه دخترها هم این خون را می بینند.

﴿س ۲۲۲﴾ اگر زن مستحاضه بعد از به جا آوردن طهارت (از غسل یا وضو) مشغول طواف می شود، در اثنای طواف لک می بیند، وظیفه او چیست؟

ج - اگر خون او مستمر است و به وظیفه عمل کرده، با تحفظ از خروج خون چیزی بر او نیست و در غیر این صورت حکم حدث جدید را دارد.

﴿مسئله ۲۲۳﴾ مستحاضه کثیره و متوسطه علاوه بر اغسال یومیّه یک غسل برای طواف ویکی هم برای نماز آن انجام دهد و هر کدام از طواف و نماز مستقل هستند، یعنی برای هر یک غسل لازم است، مگر آنکه از زمان غسل کردن برای طواف تا آخر نماز، خون قطع شود.

#### مسائل متفرقه

﴿مسئله ۲۲۴﴾ زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاکی طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خون با شرایط حیض دیده اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن فرج بوده و قطع نشده حیض بوده است و طواف و نمازش صحیح نیست ولی حج او صحیح است و اگر شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده، حیض نبوده و اعمالش صحیح است.

﴿مسئله ۲۲۵﴾ اگر حائض مثلاً روز هفتم پاک شد و غسل کرد و اعمال حج را به جا آورد ولی بعداً خون دید، اگر خونی که دیده از روز دهم تجاوز نکرده، محکوم به حیض است که در وسعت وقت باید طواف و نماز را اعاده کند و در ضیق وقت محل اشکال است و باید احتیاط مراعات شود.

﴿س ۲۲۶﴾ خانمی در ایام حج برای آنکه بتواند اعمال را انجام دهد برای پیشگیری از عادت ماهانه از قرص استفاده می‌کند، لیکن در ایام عادت یا



غیر آن، خون می‌بیند و نمی‌داند که این خون تا سه روز ادامه پیدا می‌کند یا نه، حتی احتمال می‌دهد که تا سه روز ادامه پیدا نکند. در فرض داشتن صفات حیض یا نداشتن آن، تکلیف چیست؟

ج - چنانچه اطمینان به ادامه و استمرار تا سه روز دارد، اگر پس از شروع، تا سه روز باطن فرج آلوده باشد، احکام حیض بر آن مترتب می‌شود و نمی‌تواند طواف و نماز آن را به جا آورد، وگرنه باید به وظایف مستحاضه عمل کند، و با کشف خلاف و اینکه در آن زمان حائض بوده نسبت به اعمال انجام گرفته، حکم جهل به حیض را دارد که باید دو مرتبه طواف و نماز را به جا آورد و داشتن و نداشتن صفات حیض، فایده‌اش در جایی است که سه روز خون دیدن ادامه پیدا کند. به هر حال در کشف خلاف هم ادامه سه روز باید محرز شود چون ادامه خون دیدن، یک شرط تعبدی است.

«مسئله ۲۲۷» مدت حیض از ده روز بیشتر نمی‌شود، و اگر زنی بعد از عادت غسل کند و عمره تمتع انجام دهد و بعد از آن تا روز یازدهم لکه ببیند، محکوم به استحاضه است و وظیفه او تمتع است.

«س ۲۲۸» عادت ماهانه زنی به طور معمول پنج روز بوده و پس از آن، پاک می‌شده است، در ایام حج، برابر عادت همیشگی پس از پنج روز غسل می‌کند و روز ششم با پاکی اعمال را انجام می‌دهد ولی روز هفتم، لکه خونی می‌بیند. وضعیت اعمال حج وی در این صورت چگونه است؟

ج - سه صورت دارد، صورت اول: اگر مطمئن است که قبل از ده

روز پاک می‌شود و به ده روز نمی‌رسد روز قبل و همان روز و تا زمانی که خون می‌بیند همه و همه خون حیض است. صورت دوم: اگر مطمئن است که از ده روز تجاوز می‌کند خون بعد از عادت «یعنی خون روز هفتم به بعد» تا بعد از ده روز استحاضه است.

صورت سوم: اگر نمی‌داند که آیا به ده روز می‌رسد یا نه باید منتظر بماند اگر قبل از ده روز قطع شد، همه ایام حیض می‌باشد و طواف و نمازش صحیح نمی‌باشد و اگر بعد از آن قطع شد، همه استحاضه می‌باشد و طواف و نمازش با انجام وظایف مخصوص استحاضه محکوم به صحّت است و به هر حال با کشف خلاف باید به خصوصیات آن توجه نمود و احکام آن را بار کرد.

﴿س ۲۲۹﴾ زنی به تصوّر اینکه پاک شده طواف انجام می‌دهد و در اثنای سعی متوجه می‌شود که هنوز پاک نشده، آیا سعی او نیز باطل است؟ اگر بعد از سعی متوجه شود، وظیفه او چیست؟

ج - در فرض اوّل سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز و سعی را هم اعاده کند، گرچه احتیاط مستحب آن است که پس از اعاده طواف و نماز، سعی را اتمام و اعاده نماید و در هر صورت اعاده کفایت می‌کند، در فرض دوم، اعاده طواف و نماز نیز لازم است، و احتیاط مستحب در اعاده سعی می‌باشد.

﴿س ۲۳۰﴾ زنی به تصوّر این که مستحاضه است در میقات محرم شده و با

انجام وظایف مستحاضه اعمال عمره تمتع را به جا آورده پس از اعمال متوجه شده که حائض بوده، وظیفه او نسبت به اعمال عمره و حج چیست؟  
 ج - اگر تا قبل از وقت حج فرصت اعاده اعمال عمره تمتع را دارد اعاده نماید و اگر وقت ندارد حج افراد انجام دهد و پس از حج، عمره مفرده به جا آورد.

﴿س ۲۳۱﴾ اگر زنی قرص بخورد می تواند خودش اعمال حج را انجام دهد آیا برای وی خوردن قرص لازم است؟  
 ج - خوردن قرص لزومی ندارد.

﴿س ۲۳۲﴾ بعضی از زنان داروهایی مصرف می کنند که عادت ماهانه شان را به تأخیر می اندازد، حال اگر زنی قبل از مُحرم شدن چنین دارویی را مصرف نکند، در حالی که می داند در صورت عدم استعمال، حجّش به افراد تبدیل می شود و نتیجتاً نمی تواند عمره تمتع بیاورد آیا مصرف این دارو لازم است؟  
 ج - لازم نیست.

﴿س ۲۳۳﴾ رحم زنی را خارج کرده اند، در هنگام طواف، خونی از مجرای عادی خارج می شود آیا این خون حیض است یا استحاضه یا خون قروح و جروح؟  
 ج - قروح و جروح است و نجس می باشد، لیکن مبطل وضو و غسل نیست.

﴿س ۲۳۴﴾ آیا برای زن هم احتلام هست یا خیر؟

ج - زنها فقط با آمیزش جُنُب می شوند و با اینکه یقین کنند که منی خودشان خارج شده لیکن معمولاً و به طور کلی چنین چیزی اتفاق نمی افتد.

﴿مسئله ۲۳۵﴾ اگر زن در حال احرام حائض باشد یا پس از احرام حائض شود باید صبر کند تا پاک شود و طواف و نماز طواف خود را به جا آورد، و اگر در احرام عمره تمتع است و وقت تنگ شده به گونه ای که می ترسد و قوف به عرفات را درک نکند باید نیت خود را به حج افراد برگرداند و پس از تمام شدن حج یک عمره مفرده به جا آورد.

﴿مسئله ۲۳۶﴾ اگر شخصی غسل مس میت به گردنش باشد و بعد از اعمال متذکر شود، اگر بعد از مس میت غسل جنابت انجام داده باشد، کفایت می کند و عملش صحیح است، و در غیر اینصورت باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

﴿س ۲۳۷﴾ آیا خوردن قرص برای جلوگیری از عادت زنازه جایز است یا

خیر؟

ج - جایز می باشد، ولی بهتر است که از مصرف آن خود داری نمایند، چون گاهی با خوردن قرص، باز در ایام حج و عمره خون ولک می بینند و تشخیص حیض و استحاضه برای آنان مشکل می گردد و شارع مقدس تکلیف آنان را در این ایام روشن نموده است.

﴿س ۲۳۸﴾ زنی که عادت ماهانه وقتیه و عددیه داشت و طبق معمول مثلاً

روز هفتم ماه باید پاک می‌شده همان روز هفتم پاک شده و غسل کرده و اعمال عمره‌اش را به جا آورده است، روز بعد دوباره لک دیده، باز غسل کرده و اعمال را انجام داده تا روز دهم و برای عرفات حرکت کرده روز یازدهم هم لک دیده است، آیا حجش افراد است یا تمتع؟

ج - در فرض مزبور، وظیفه او تمتع است و همان عمره‌اش صحیح بوده است.

«س ۲۳۹» زنی روز هشتم خون دیده، خیال کرده حیض است، احرامش را به حج افراد تبدیل کرده، بعد که به عرفات رفته متوجه شده که استحاضه است، وظیفه او چیست؟

ج - اگر وقت عمره ضیق شده «یعنی نمی‌تواند به مکه برگردد و اعمال عمره را به جا بیاورد چه به دلیل تنگی وقت و چه به دلیل عدم تمکن از مراجعت» و طواف را عمداً به تأخیر نینداخته حج افراد را تمام کند و اگر حج واجب است بعد از اتیان حج، عمره مفرده به جا آورد اما اگر عمداً طواف و سعی را به تأخیر انداخته و وقت انجام اعمال هم ضیق شده باید احتیاطاً حج افراد را تمام کند و سپس عمره مفرده را هم به جا بیاورد و سال بعد حج خود را اعاده نماید.

«س ۲۴۰» شخصی که در مسجد شجره قصد انجام دادن عمره مفرده را داشت، آیا بعد از ورود به مکه می‌تواند عمره خود را به عمره تمتع تبدیل کند؟

ج - اگر در ماههای حج باشد، مانعی ندارد.

﴿س ۲۴۱﴾ زنی که عادت ماهانه‌اش مثلاً شش روز بوده است، در حال عادت زنانه برای عمره تمتع محرم می‌شود، و در روز هشتم ذی حجه که، روز ششم عادت او است، پاک می‌گردد و غسل می‌کند و اعمال عمره تمتع را انجام می‌دهد و برای حج تمتع محرم می‌شود ولی ظهر روز نهم در عرفات لک می‌بیند و نمی‌داند که آیا ادامه دارد تا آنکه پس از ده روز آن را استحاضه به حساب آورد تا اعمال قبلی او صحیح باشد، یا قبل از تمام شدن ده روز از اول عادت قطع می‌شود تا حکم حیض را داشته باشد، وظیفه او چیست؟

ج - به احتیاط عمل کند، به این صورت که اعمال را به قصد مافی‌الذمه بجا آورد (بدون قصد تمتع و افراد). و در منی قربانی کند پس اگر از ده روز تجاوز کرد و معلوم شود زیاده بر عادت است، استحاضه بوده، عمره و حجش درست است، و اگر از ده روز تجاوز نکرد و معلوم شد حیض بوده، بعد از تمام شدن اعمال حج اگر واجب بوده یک عمره مفرده به جا آورد و حجش درست و مجزی می‌باشد.

#### شک در طهارت

﴿مسئله ۲۴۲﴾ اگر شخصی با وضو بوده و شک کند که حدث بر او عارض شده یا نه، بنا را بر وضو داشتن بگذارد و لازم نیست وضو بگیرد، همچنین

اگر از حدث اکبر پاک بوده و شک کند که حدث بر او عارض شده یا نه، لازم نیست غسل کند. گرچه وضو گرفتن و غسل مجدد نمودن احتیاطاً بهتر است تا اگر بعداً معلوم شد که غسل و وضو نداشته اعاده طواف و نماز بر او لازم نباشد.

«مسئله ۲۴۳» اگر کسی بعد از تمام شدن طواف، شک کند که با وضو آن را بجا آورده یا نه یا شک کند با غسل آن را به جا آورده یا نه طواف او صحیح است، لکن برای اعمال بعدی باید طهارت تحصیل کند.

#### سوم: طهارت بدن و لباس

از شرایط طواف، طهارت بدن و لباس از نجاست است، یعنی باید بدنش و لباسش پاک باشد و اگر با بدن و یا بالباس نجس طواف کند طوافش باطل است.

«مسئله ۲۴۴» احتیاط مستحب آن است که طواف کننده از نجاساتی که در نماز عفو شده «مثل خون کمتر از درهم و جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند مثل جوراب حتی انگشتر نجس» اجتناب کند، و معمول متنجس در طواف مانعی ندارد.

«مسئله ۲۴۵» در خون قروح و جروح، تا آن اندازه‌ای که می‌شود پاک کرد و لباس را عوض کرد، احتیاط واجب آن است که تطهیر کند یا جامه را عوض کند، و اگر تطهیر آن مشقت و زحمت داشته باشد و تأخیر طواف هم میسر نباشد طواف با آن مانعی ندارد و لازم نیست تطهیر کند.

﴿مسئله ۲۴۶﴾ اگر زنی طواف کند و بعد از آنکه از طواف فارغ شد به نجاست در حال طواف علم پیدا کند ولی قبلاً آن را نمی دانسته، طوافش صحیح است.

﴿مسئله ۲۴۷﴾ اگر نجاست بدن یا لباس را می دانست ولی فراموش کرد و پس از طواف یا در بین آن یادش بیاید، طواف را اعاده نماید.

﴿مسئله ۲۴۸﴾ اگر در بین طواف، نجاستی به بدن یا لباس او عارض شود، اظهار آن است که دست از طواف بردارد و جامه یا بدن را تطهیر کند و طواف را از همان جا که قطع کرده است اتمام کند، به شرط اینکه موالات عرفی به هم نخورد. همچنین اگر در بین طواف نجاستی در بدن یا لباس خود ببیند و احتمال بدهد که الان عارض شده است همان حکم جاری است، گرچه در هر دو صورت اگر طواف را از سر بگیرد مجزی است.

﴿مسئله ۲۴۹﴾ اگر کسی در بین طواف علم پیدا کند که نجاست به بدن یا لباس او از اول بوده، احتیاط آن است که طواف را رها کند و تطهیر کند و از همان جا بقیه طواف را تمام کند و بعد از آن، طواف را اعاده کند گرچه اکتفا به اتمام بعد از تطهیر، خالی از قوت نیست بلی اگر تطهیر و از بین بردن نجاست وقت زیادی می برد که به مثل این زمان طواف قطع می شود احوط اگر نگوئیم اقوی مراعات تجاوز نصف و عدم آن را رعایت نماید باین صورت که در تجاوز از نصف نجاست را بر طرف نماید و طواف را ادامه دهد و در صورت دوم طواف را از سر بگیرد و در هر صورت اگر طواف را از سر بگیرد مجزی است.



﴿مسئله ۲۵۰﴾ اگر کسی شك داشته باشد که لباسش یا بدنش نجس است می تواند با آن طواف کند و صحیح است چه بداند که قبل از این پاک بوده یا نداند لیکن اگر بداند که قبلاً نجس بوده و نداند تطهیر کرده یا نه، نمی تواند با آن بدن یا با آن لباس طواف کند بلکه باید خود را تطهیر کند و سپس طواف کند.

### لباس طواف کننده

﴿مسئله ۲۵۱﴾ لباس طواف کننده علاوه بر طهارت باید مباح باشد لکن شرطیت اباحه در محمول بنا بر احوط می باشد و بنا بر احتیاط واجب سایر شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد.

﴿مسئله ۲۵۲﴾ اگر با عین پول خمس نداده لباس تهیه کند و در طواف و نماز آن را به تن داشته باشد طواف و نمازش صحیح نیست.

﴿مسئله ۲۵۳﴾ بنا بر احتیاط واجب بانوان باید در طواف، تمام بدن را بپوشانند بجز صورت به مقداری که در وضو شسته می شود و دست ها تا معج، بنا بر این، فرق پوشش بدن در نماز با طواف در این است که چنانچه نامحرمی نبیند، می توانند پاها را در نماز بپوشانند ولی در طواف پوشاندن پاها نیز مانند سایر قسمت های بدن لازم است.

### ۲-۲ واجبات طواف

در طواف چند چیز واجب است یعنی در حقیقت طواف معتبر است. اول: این که طواف را از حجر الاسود شروع کند.

دوم: طواف را به حجر الاسود ختم کند.

﴿مسئله ۲۵۴﴾ طواف نمودن به گونه‌ای باید باشد که در عرف بگویند از حجر الاسود شروع کرد و هفت دور طواف نمود و به آن ختم کرد، و لازم نیست در آخر شوط بایستد و جلو و عقب برود و قصد شوط بعدی نماید بلکه در شوطهای بعد می‌توان بدون توقف دور بزند تا هفت شوط تمام شود، و در دور هفتم لازم است، از حجر الاسود بگذرد و از مطاف خارج شود و اگر قبل از گذشتن از حجر الاسود از مطاف خارج شود طوافش صحیح نیست و دور هفتم ناقص است.

﴿مسئله ۲۵۵﴾ در طواف باید همان طور که همه مسلمان طواف می‌کنند، از مقابل حجر الاسود طواف کنند، بدون دقتهای ناشی از وسوسه، که این موجب اشکال و گاهی هم حرام است.

﴿مسئله ۲۵۶﴾ اگر کسی بدون نیت طواف را قبل از حجر الاسود شروع کند، ولی نیت طواف را از حجر الاسود بنماید و دور هفتم را همان طور که معمول است از حجر الاسود بگذرد طواف او صحیح است، اما اگر قبل از حجر الاسود نیت طواف کند و به همان جا ختم کند طواف او باطل است چون دور هفتم ناقص شده. خلاصه در نیت طواف باید با نیت و با انگیزه طواف قربة الی الله از حجر الاسود شروع کند و در دور هفتم از حجر الاسود بگذرد تا هفت شوط کامل شده باشد.

سوم: در تمام اشواط خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود.  
﴿مسئله ۲۵۷﴾ طواف کردن باید به نحو متعارف باشد و در تمام اشواط،

خانه کعبه در طرف چپ طواف کننده واقع شود یعنی نباید از حجرالاسود که شروع می‌کند به طرف رکن یمانی دور بزند، بلکه باید از حجرالاسود شروع کند و به طرف رکن عراقی و بعد رکن شامی و بعد رکن یمانی برود و دور بزند، و زیاده‌تر از آن لازم نیست و اگر طبعاً در گذشتن از مقابل ارکان و طواف دور حجر اسماعیل مقداری شانه او از برابر کعبه منحرف شود مانعی ندارد، و بر حسب بعضی از روایات پیامبر اسلام ﷺ سواره با شتر طواف نموده‌اند و در این حال قهراً شانه از خانه کعبه منحرف می‌شود.<sup>۱</sup>

﴿مسئله ۲۵۸﴾ واجب نیست در حال طواف روی طواف کننده به طرف جلو باشد، بلکه جایز است به سمت راست یا چپ نگاه کند و یا صورت خود را برگرداند بلکه به عقب نگاه کند، کما اینکه می‌تواند رو به روی کعبه شود و دور بزند همچنین می‌تواند طواف را رها کند و کعبه را بیوسد و برگردد از همان جا طوافش را ادامه دهد، آری نباید عمداً پشت به کعبه طواف نماید. و اگر به واسطه مزاحمت طواف کنندگان و کثرت جمعیت روی طواف کننده به کعبه واقع شود و یا عقب عقب طواف کند یا پشتش بدون قصد و یا بدون صدق اهانت به کعبه واقع شود، طوافش صحیح است. چهارم: طواف باید از خارج حجر اسماعیل ﷺ باشد.

﴿مسئله ۲۵۹﴾ حجر اسماعیل ﷺ محلی است متصل به خانه کعبه، و محل دفن حضرت اسماعیل ﷺ و مادر او و جمعی از انبیاء ﷺ است که در طواف

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۴۱۷، أبواب سعی، ب ۱۶، ح ۶.

باید دور خانه کعبه و حجر اسماعیل علیه السلام بگردد نه داخل حجر اسماعیل علیه السلام.  
 ﴿مسئله ۲۶۰﴾ اگر در بعضی از دورها داخل حجر اسماعیل علیه السلام طواف کرد طوافش باطل است و باید آن را اعاده کند و اگر عمداً این کار را بکند حکم ابطال عمدی طواف را دارد، که حکمش گذشت و اگر سهواً این کار را بکند حکم ابطال سهوی را دارد.

﴿مسئله ۲۶۱﴾ دست گذاشتن روی دیوار حجر اسماعیل علیه السلام در حال طواف جایز است و به طواف ضرر نمی‌رساند گرچه احتیاط مستحب در ترک آن است.

پنجم: خارج بودن طواف کننده از خانه کعبه و آنچه از آن محسوب می‌شود.

﴿مسئله ۲۶۲﴾ در پایین بعضی از اطراف دیوار خانه خدا یک بر آمدگی است که آن را «شاذِرْوَان» گویند، و آن جزء خانه کعبه است، و طواف کننده باید آن را هم داخل طواف قرار دهد، ولی اگر کسی به واسطه کثرت جمعیت یا غیر آن از بالای شاذِرْوَان برود و دور بزند آن مقدار که دور زده باطل است و باید آن را اعاده کند. و راحت تر این است که طواف را از سر بگیرد و طواف از سر گرفته شده کفایت می‌کند.

ششم: طواف باید هفت شوط کامل باشد نه کمتر و نه زیادتر.

﴿مسئله ۲۶۳﴾ اگر از اول طواف کننده عمداً قصد کند کمتر از هفت دور یا بیشتر طواف کند، طوافش باطل است، اگر چه به هفت دور تمام کند، و در صورت ندانستن مسأله و همچنین در صورت سهو و غفلت چنانچه به هفت

دور تمام کند، اعاده طواف لازم نیست مگر در جاهل مقصر که بنا بر احتیاط واجب اعاده نماید.

﴿مسئله ۲۶۴﴾ اگر کسی از اول قصد کند که هشت دور طواف به جا آورد، لیکن قصدش آن باشد که هفت شوط آن طواف واجب باشد و یک شوط، قدم زدن دور خانه خدا برای تبرک یا تماشا یا پیدا کردن کسی و یا قصد دیگر باشد، در اینصورت طواف او صحیح است.

﴿مسئله ۲۶۵﴾ در طواف واجب قرآن جایز نیست، یعنی جایز نیست طواف واجب را که تمام کرد، بدون این که نماز طواف را بخواند و بدون فاصله، یک طواف دیگر به جا آورد، و اگر از اول طواف یا در اثنای طواف اول قصد قرآن داشته، احتیاط در اعاده طواف است همچنین اگر بعد از تمام شدن طواف اول، قصد قرآن کند، بنا بر احتیاط طواف را اعاده کند. و قرآن در طواف مستحبی مکروه است.

﴿مسئله ۲۶۶﴾ به نظر این جانب طواف باید دور کعبه و در مسجد الحرام باشد و لازم نیست که بین کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام باشد، پس حد طواف مسجد الحرام است، هر چند از پشت مقام حضرت ابراهیم علیه السلام باشد.

#### احکام قطع طواف

﴿مسئله ۲۶۷﴾ قطع کردن طواف مستحبی هر چند بدون عذر باشد، جایز است، اما در طواف واجب، احتیاط واجب در عدم قطع بدون عذر می باشد، ولی اگر قطع نمود و طواف را از سرگرفت مجزی است.

﴿مسئله ۲۶۸﴾ اگر در بین طواف عذری برای اتمام پیدا شود، مثل مرض یا حیض یا حدث بی اختیار، پس اگر بعد از تمام شدن نصف شوط چهارم باشد بعد از رفع عذر برگردد و از همان جا طوافش را تمام کند. و اگر قبل از نصف شوط چهارم باشد، طواف را اعاده کند، هر چند اگر طواف را از سرگرفت صحیح و مجزی می‌باشد.

﴿مسئله ۲۶۹﴾ اگر شخصی مشغول طواف باشد و وقت نماز واجب او تنگ شود، واجب است طواف را رها کند و نمازش را بخواند پس اگر بعد از نصف شوط چهارم، طواف را رها کرده، در این صورت طواف را از همان جا تمام کند، و اگر تمام نکرد و طواف را از سرگرفت، ظاهراً مجزی است و طوافش صحیح است، و اگر قبل از نصف شوط چهارم باشد، بنا بر احتیاط بعد از اتمام، طواف را اعاده کند. گرچه طواف از سرگرفته شده نیز مجزی می‌باشد.

#### احکام شک در طواف

﴿مسئله ۲۷۰﴾ اگر کسی بعد از تمام شدن طواف (دور هفتم) و انصراف از آن، شک کند که آیا طواف را زیاده‌تر از هفت دور به جا آورده، یا شک کند که کمتر به جا آورده، به شک خود اعتنا نکند و طوافش صحیح است، لکن در صورت دوم، احتیاط مستحب در استیناف و از سرگرفتن است.

﴿مسئله ۲۷۱﴾ اگر کسی در آخر دور که به حجر الاسود ختم شده شک کند که هفت دور زده یا هشت دور یا بیشتر به شک خود اعتنا نکند

وطوافش صحیح است، و اگر قبل از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور، شک کند که آنچه را دور می‌زند، دور هفتم است یا هشتم، طوافش باطل است.

﴿س ۲۷۲﴾ اگر کسی در بین طواف نداند که چند شوط به جا آورده و وظیفه‌اش چیست؟

ج - واجب است طواف را از سر بگیرد، زیرا شک در عدد اشواط موجب بطلان است.

﴿مسئله ۲۷۳﴾ اگر کسی در آخر طواف یا در اثنای آن میان شش دور و هفت دور و هر چه پای نقیضه در کار است شک کند طواف او باطل است، اما شک در طواف مستحبی بنا را بر کمتر بگذارد و طوافش صحیح است. ﴿مسئله ۲۷۴﴾ شخص کثیر الشک در عدد دورها به شکش اعتنا نکند، و معیار در کثیر الشک عرفی است. وظن در عدد دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

﴿مسئله ۲۷۵﴾ احتیاط آن است که فرد کثیر الشک کسی را وادار نماید تا عدد اشواط را حفظ کند و در اعتماد کردن به دیگری که مورد اتهام به دروغ گویی نباشد مانعی ندارد، و در رمی و سعی هم، حکم همین است.

﴿س ۲۷۶﴾ زن و شوهری با هم طواف انجام می‌دهند در پایان یکی از شوطها، شوهر یقین دارد که هفت دور تمام شده ولی زن یقین دارد که شش شوط انجام داده در اینصورت وظیفه آنان چیست؟

ج - هر کدام طبق یقین خود عمل کنند و طوافشان صحیح است.

## ۳-۲ مسائل متفرقه طواف

در طواف کردن جایز است شخص سواره - مثلاً با ویلچر - طواف کند چه در حال اختیار و چه با عذر، لیکن پیاده طواف نمودن افضل است و همچنین بهتر است به نحو متعارف طواف کند و دیگران را در طواف کردن اذیت نکند.

«مسئله ۲۷۷» برای شخص جایز است در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت بنشیند و بعد از همان جا طوافش را ادامه دهد و اتمام کند ولی نباید آن قدر طول دهد که موالات عرفیه به هم بخورد.

«س ۲۷۸» اشخاصی که از طواف کردن معذورند و آنها را با وسیله‌ای طواف می‌دهند آیا در حفظ اشواط می‌توانند به گفته طواف دهنده عمل کنند یا حفظ تعداد اشواط بر خودشان لازم است؟

ج - اگر از گفته او اطمینان به عدد پیدا کنند، مانعی ندارد، و در سعی هم حکم، همین است.

«س ۲۷۹» اگر کسی هنگام طواف یا سعی بدون قصد و توجه، به نامحرم نگاه کند، طواف و سعی او چه حکمی دارد؟

ج - طواف و سعی او صحیح است.

«مسئله ۲۸۰» در طواف مستحبی، زنان در بین فشار مردان قرار می‌گیرند و گاهی می‌دانند که نظرشان به بدن مردان می‌افتد این گونه طواف چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد و طواف صحیح است و در حج و طواف، نباید



انسان خود را گرفتار این گونه وسوسه‌ها نکند.

«مسئله ۲۸۱» اگر در اثنای طواف مقداری از موهای زن پیدا شود چه

حکمی دارد؟

ج - دو صورت دارد اول: اگر عمدی باشد، طواف صحیح نیست  
علی الأحوط و باید طواف از سر گرفته شود، به خاطر لزوم ستر  
«پوشاندن سر» در طواف، همانند نماز.

صورت دوم: در غیر مورد عمد، به طواف ضرر نمی‌رسد، مگر در  
جاهل مقصر که علی الأحوط باید از سر گرفته شود، ولی بعد از  
توجه، فوراً موها را بپوشاند، و بانوان عفاف را در تمام جاها  
مخصوصاً در آن مکان شریف رعایت کند.

«مسئله ۲۸۲» آیا حجاب زن در نماز و طواف فرق می‌کند؟

ج - حجاب زن در نماز و طواف از حیث پوشاندن صورت فرق  
می‌کند، چون در نماز می‌تواند صورت خود را بپوشاند ولی در  
طواف واجب است صورت خود را نپوشاند، ولی اگر در طواف  
کفین و قدمین ظاهر باشد، طواف صحیح است.

«مسئله ۲۸۳» در طبقه فوقانی مسجدالحرام طواف کردن چه صورتی

دارد؟

ج - ظاهراً طواف در طبقه فوقانی مسجدالحرام که طواف فضا و  
هوای متعلق به بیت می‌باشد، همانند طواف در طبقه پائینی و صحن  
مسجدالحرام مجزی و صحیح می‌باشد. چون اسامی و نامهایی

همانند مسجد و بیت و مدرسه و رباط، اسامی و اعلامی برای مجموعه از ساختمان و فضا و هوای متعلق به آنها است و محکوم به احکام آنها می‌باشند. بناءً علی هذا، فضای محاذی با بیت‌الله الحرام و البیت العتیق همانند دیوارها و جدارها و ارکان آن، جزء بیت‌الله است و همان طور که طواف به دور آنها طواف بیت‌الله است، پس طواف فضای متعلق به بیت‌الله در بالا هم طواف بیت‌الله است و مجزی است، و ادعای اینکه بیت‌الله و یا غیر آن از اسامی و اعلام همانندش مثل مسجد و مدرسه نام ساختمان و بنا است، نه اعم از آن و فضای محاذی متعلق به آنها، ظاهراً ناتمام می‌باشد که سیدنا الاستاذ الامام الخمینی «سلام الله علیه» مفصلاً از آن در اصول<sup>۱</sup> بحث نموده و همان معنای اعم و قدر جامع را پذیرا شده که مطابق با تحقیق می‌باشد و بنا بر این مبنا است که تمام احکام مسجد الحرام و مسجد النبی بر آن دو مسجد فعلی با همه توسعه آنها جاری می‌باشد؛ و ناگفته نماند که این نظریه یعنی وضع اسامی بر قدر جامع و اعم که در اول پاسخ به آن اشاره شده به نظر فقیه بزرگوار کاشف الغطاء<sup>۱</sup> تأیید می‌شود که آن فقیه کم نظیر اگر نگوییم بی نظیر در کشف الغطاء خود در بحث مواقیت فرموده: «الاول: فی ان المواقیت بأسرها عبارة عما يتساوى الاسماء من تخوم الارض الى عنان السماء فلو احرم من بئر او سطح فيها-

۱. تهذیب الاصول، ج ۱، ص ۵۶ (بحث صحیح و اعم، امر رابع).

راكباً او ماشياً او مضطجعاً و في جميع الاحوال - فلا باس به<sup>۱</sup>، و به نظر می‌رسد که اگر آن فقیه بزرگوار راجع به طواف هم بحث نموده و متعرض آن شده بود، قطعاً طواف در طبقات فوقانی را نیز مجزی می‌دانست.

﴿س ۲۸۴﴾ در حال طواف، صحبت کردن با رفیق یا خوردن و آشامیدن چه حکمی دارد؟

ج - به طواف ضرر نمی‌رساند، ولی بهتر آن است که انسان به ذکر و دعا مشغول باشد و از این فرصت نهایت استفاده را بنماید.

﴿س ۲۸۵﴾ آیا جایز است که اشواط طواف مستحبی را برای چند نفر به جا آورد، مثل اینکه شوط اول را برای شخصی و شوط دومی را برای شخص دیگر و همین طور اشواط دیگر؟

ج - مشروعیت این توزیع، ثابت نیست، آری می‌تواند در به جا آوردن طواف همه را شریک قرار دهد.

﴿س ۲۸۶﴾ اشخاصی که قدرت بر طواف ندارند، آیا نایب بگیرند یا آنها را با ویلچر طواف بدهند؟

ج - در فرض عدم قدرت بر طواف، با ویلچر طواف داده شوند و اگر بر این هم قدرت ندارند در این صورت نایب گرفته شود.

﴿س ۲۸۷﴾ چه مقدار فاصله بین اشواط طواف سبب به هم خوردن موالات و بطلان آن می‌گردد؟

۱. کشف الغطاء، مواقیح الاحرام، المقام الثانی فی احکامها، ص ۵۴۹.

ج - موالات عرفیه معتبر است و مقدار خاصی برای آن تعیین نشده است.

﴿س ۲۸۸﴾ اگر کسی بعد از اتمام اعمال عمره متوجه شود که بر بدن او مانعی از رسیدن آب به مواضع وضو یا غسلش بوده و نتیجتاً وضو یا غسلش باطل بوده تکلیفش چیست؟

ج - طواف با نماز آن و همچنین طواف نساء با نماز آن را با طهارت اعاده کند.

﴿س ۲۸۹﴾ آیا بجز غسل مستحبی برای رفتن به مسجد الحرام غسل دیگری برای طواف مستحب است؟ و در صورت وجود چنین استجابی آیا یک غسل به نیت هر دو کافی است؟

ج - استحباب غسل برای طواف هر چند ثابت نیست اگر نگوییم که از روایات حاصره اغسال مستحبه، عدمش استفاده می شود، لیکن به جا آوردنش مانعی ندارد، همچنان که انجام یک غسل به نیت هر دو مثل تداخل در بقیه اغسال مستحبه کفایت می کند.

﴿مسئله ۲۹۰﴾ اگر شخصی با پول خمس نداده لباس احرام بخرد و با آن محرم شود و طواف و نماز را به جا آورد، اگر از روی علم و عمد نباشد، عمره و حج او صحیح است، ولی اگر جاهل مقصر باشد باید طواف و نماز را اعاده کند. و با پولی که معلوم نیست متعلق خمس است لازم نیست شخص خمس بدهد، هر چند احتیاط مطلوب است و طواف او صحیح است.

#### ۴-۲ آداب و مستحبات طواف

۱. شخص پیاده و با پای برهنه طواف کند؛
۲. قدمها را کوتاه بردارد و با آرامش طواف کند؛
۳. در حال طواف، مشغول به ذکر خدا و دعا یا خواندن قرآن باشد؛
۴. به گناهان خود اقرار کند و از گناهان خود طلب آمرزش کند؛
۵. نزدیک به خانه خدا طواف کند؛
۶. هنگام زوال طواف نماید؛
۷. به عدد ایام سال طواف کند، و اگر این مقدار نشد، پنجاه و دو مرتبه، و اگر آن هم میسر نشد، هر مقداری که بتواند؛
۸. مستحب است انسان از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و همچنین از طرف پدر و مادر و از طرف خویشاوندان طواف کند؛
۹. از هر عمل لغو و کاری که او را از یاد خدا باز می‌دارد، پرهیزد؛
۱۰. به خانه خدا زیاد نگاه کند، که در روایت آمده نگاه کردن به کعبه عبادت است،<sup>۱</sup> و در روایت<sup>۲</sup> دیگری آمده است که خداوند متعال دور خانه خدا صد و بیست رحمت قرار داده، شصت رحمت آن برای طواف کنندگان، چهل رحمت برای نمازگزاران و بیست رحمت آن برای

۱. الکافی، ۴/۲۳۹.

۲. همان، ۴/۲۴۰.

ناظران به خانه خداست؛

۱۱. خواندن ادعیه مأثوره از اهل بیت علیهم السلام و آن ادعیه چنین است:

در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلَلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَالْتَقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا»<sup>۱</sup>.

و به جای کذا و کذا، حاجت خود را بطلبد.

و نیز مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَقِيرٌ وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ فَلَا تُعَيِّرْ جِسْمِي وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي»<sup>۲</sup>.

و صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام بفرستد؛ بخصوص وقتی که به

در خانه کعبه می‌رسد، این دعا را بخواند:

«سَائِلُكَ فَقِيرُكَ مَسْكِينُكَ بِيَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيْهِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَعْتِقْنِي وَ الْوَالِدِي وَ أَهْلِي وَ وُلْدِي وَ إِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ يَا

۱. همان، ۱/۴۰۶/۴.

۲. همان، ۱/۴۰۷/۴.

جَوَادُ يَا كَرِيمُ»<sup>۱</sup>.

و وقتی که به حجر اسماعیل رسید، رو به ناودان سر را بلند کند و بگوید:  
«اللَّهُمَّ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ وَ اجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ وَ  
أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَ شَرَّ  
فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ  
تَقَبَّلْهُ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

و چون به رکن یمانی برسد، دست به دعا بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ وَ خَالِقَ الْعَافِيَةِ وَ رَازِقَ الْعَافِيَةِ وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ  
وَالْمَتَّانَ بِالْعَافِيَةِ وَالْمُتَفَضِّلَ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ يَا رَحْمَنَ  
الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ  
وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»<sup>۲</sup>.

پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ  
جَعَلَ عَلَيَّ إِمَامًا اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خِيَارَ خَلْقِكَ وَ جَنِّبْهُ شَرَّارَ خَلْقِكَ».

و چون میان رکن یمانی و حجر الاسود برسد، بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ».

۱. الفقيه، ۳۱۶/۲.

۲. وسائل الشیعة، ۳۳۵/۱۳، أبواب الطواف، باب ۷/۲۰.

و در شوط هفتم، وقتی که به مستجار<sup>۱</sup> رسید بگوید:

«اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

پس به گناهان خود اعتراف کند، و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد

که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قِبَلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ

لِي وَاعْفُ لِي مَا طَلَعْتَ عَلَيَّ مِنْي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنْ

النَّارِ».<sup>۲</sup>

و آنچه می خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام کند و به نزد

حجرالاسود آمده، طواف خود را تمام کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي وَ بَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي».<sup>۳</sup>

و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و

حجرالاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجرالاسود بگوید:

۱. دیوار کنار رکن یمانی را مستجار می نامند و از مکانهای استجاب دعا است و محلی است که مردم به آنجا پناهنده می شوند و به همین جهت آنجا را مستجار نامیده اند و امام سجاده علیه السلام فرمود: چون آدم به زمین هیبوط کرد، کعبه را طواف نمود، کنار مستجار که رسید، دستان خود را به آسمان بلند کرد و گفت: پروردگارا، مرا ببخشا، ندا آمد تو را بخشودم. گفت: خدایا، فرزندانم را. ندا آمد: ای آدم! هر یک از فرزندان تو سراغ من آید و گناه خویش را اینجا آورد، گنااهش را می آمرزم. محمد بن عثمان قال: «رأيتَه صلوات الله عليه متعلقاً بأستار الكعبة في المستجار يقول: اللهم انتقم لي من أعدائك».

۲. الفقيه، ۳۱۷/۲.

۳. همان.



«أَمَانَتِي أَدَيْتُهَا وَمِيثَاقِي تَغَاهَدْتُهُ لَتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

### ۳- نماز طواف

«مسئله ۲۹۱» یکی از واجبات عمره و حج نماز طواف است، بنا بر این، بر محرم واجب است بعد از تمام شدن طواف واجب «چه طواف عمره تمتع و چه عمره مفرده و چه حج تمتع و چه طواف نساء» دو رکعت نماز مثل نماز صبح به قصد نماز طواف بخواند.

«مسئله ۲۹۲» بنا بر احتیاط واجب باید نماز طواف را فوراً بدون تأخیر پس از طواف بخواند و بین طواف و نمازش فاصله نیندازد و میزان، مبادرت عرفیه است، و در هر صورت با تأخیر نماز، اعاده طواف لازم نیست.

«مسئله ۲۹۳» در نماز طواف، خواندن هر سوره‌ای غیر از سوره‌های سجده، جایز است، و خواندن سوره «قل هو الله أحد» بعد از «حمد» در رکعت اول، و سوره «قل یا ایها الکافرون» در رکعت دوم، مستحب است.

«مسئله ۲۹۴» نماز طواف واجب را باید پشت مقام ابراهیم علیه السلام به جا آورد، به نحوی که مقام در جلوی شخص قرار گیرد (نه محاذی سمت راست یا سمت چپ آن) و پشت مقام، حدّ معینی ندارد و میزان در پشت مقام بودن صدق عرفی است لکن هر چه نزدیکتر به مقام باشد بهتر و احوط است.

«مسئله ۲۹۵» نماز طواف مستحب را در هر جای مسجد الحرام که بخواهد می‌تواند به جا آورد اگر چه در حال اختیار باشد.

﴿مسئله ۲۹۶﴾ بر هر مکلفی، واجب است نماز خود و شرایط و واجبات و قرائت و ذکرهای واجب آن را به طور صحیح یاد بگیرد، مخصوصاً کسی که می‌خواهد به حج یا عمره مفرده برود، و اگر کوتاهی کند و نماز خود را تصحیح نکند بعضی گفته‌اند که عمره و حج او باطل است و قهراً در حلال شدن همسر و سایر محرمات احرام با اشکال مواجه می‌شود.

﴿مسئله ۲۹۷﴾ اگر شخصی نتوانست قرائت یا اذکار واجب را یاد بگیرد، باید نماز را به هر ترتیبی که می‌تواند خودش به جا آورد، و همان کفایت می‌کند، و اگر برایش امکان دارد، کسی را وادارد که نماز را به او تلقین کند، و به نماز جماعت اکتفا نکند چون مشروعیت جماعت در نماز طواف محل اشکال است.

﴿مسئله ۲۹۸﴾ اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند باید هر وقت که یادش آمد، آن را در پشت مقام به جا آورد، و اگر در اثنای سعی صفا و مروه یادش آمد، از همان جا سعی را رها کند و برگردد دو رکعت نماز طواف را بخواند، بعد از آن سعی را از همان جا که قطع نموده تمام کند.

﴿مسئله ۲۹۹﴾ اگر کسی نماز طواف واجب را فراموش کند و بعد از اعمال یادش بیاید پس اگر در مکه است باید نماز را پشت مقام به جا آورد و اگر از مکه خارج شده و برگشتن به مسجد الحرام برایش مشکل باشد باید هر جا که یادش آمد، آن را به جا آورد.

﴿مسئله ۳۰۰﴾ اگر شخصی نماز طواف را فراموش کند و سایر اعمال را با اعتقاد به صحت آن به جا آورد، اعاده آنها لازم نیست، اگر چه احتیاط

استحبابی در اعاده می‌باشد.

«مسئله ۳۰۱» اگر کسی که مشغول نماز طواف است او را حرکت دهند به طوری که استقرار و آرامش او از بین برود در این صورت بنا بر احتیاط واجب بعد از آرام گرفتن بدن، آنچه را در حال حرکت خوانده دو باره بخواند.

«مسئله ۳۰۲» شك در رکعات نماز طواف موجب بطلان نماز است و باید آن را اعاده کند و شك در افعال یا اقوال نماز طواف حکم شك در افعال و اقوال نمازهای واجب را دارد، پس اگر از محل آن نگذشته آن را به جا آورد و اگر محل آن گذشته به شك خود اعتنا نکند.

«س ۳۰۳» نماز طواف کسانی که در طبقه فوقانی طواف خود را انجام داده‌اند چه حکمی دارد؟

ج- به طور کلی آنچه در نماز طواف واجب شرط است، در مسجد الحرام و پشت مقام بودن آن است (یعنی در جلوی مقام و یا دو طرف آن و یا در حجر اسماعیل نباشد) بنابراین، نماز خواندن در طبقات فوقانی مسجد الحرام که پشت مقام می‌باشد صحیح و مجزی است.

«س ۳۰۴» آیا برای زن جایز است تکبیرة الاحرام نماز یا قرائت را بلند بخواند؟

ج- اگر صدای او را اجنبی نمی‌شنود بین جهر و اخفات مخیر است.  
«س ۳۰۵» آیا نماز طواف واجب را می‌توان با نماز جماعت یومیّه به جا

آورد؟

ج - نمی‌تواند، چون مشروعیت جماعت در نماز طواف، محل اشکال است.

«مسئله ۳۰۶» جایز است برای مرد وزن در مسجد الحرام در حال نماز کنار و محاذی یکدیگر بایستند چون مسجد الحرام محل کثرت جمعیت و رفت و آمد فراوان می‌باشد، جلو بودن زن بر مرد نیز در مسجد الحرام جایز است خواه نماز واجب باشد یا مستحب، نماز طواف باشد یا غیر آن.

«س ۳۰۷» خانمی قرائت نمازش صحیح نیست آیا می‌تواند بعد از اعمال

حج یا عمره برای احرام مجدد به تنعیم یا مواقیت دیگر برود؟

ج - به جا آوردن عمره برای خود مانعی ندارد اما نباید برای عمره واجب دیگری نایب بشوند، ولی به جا آوردن عمره مستحبی تبرّعی برای دیگران از اقوام و اموات که معمولاً چنین است مانعی ندارد.

«س ۳۰۸» آیا زن به نیابت از دیگری می‌تواند نماز طواف را بخواند؟

ج - بلی، مانعی ندارد.

«س ۳۰۹» آیا نماز طواف مستحب را می‌توان در حال حرکت و راه رفتن

خواند؟

ج - نماز طواف مستحبی حکم بقیّه نمازهای مستحبی را ندارد و خواندن نماز در حال راه رفتن محل اشکال است و حتی نشسته هم نمی‌توان خواند و باید در مسجد خوانده شود.

## مستحبات نماز طواف

۱. مستحب است بعد از نماز طواف، حمد و ثنای خداوند را به جا آورد و بر پیامبر اکرم ﷺ و خاندانش ﷺ صلوات بفرستد.

۲. از خداوند عالم تقاضای استجاب دعا کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُجِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ تَقَبَّلْ مِنِّي وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ زَكِّ عَمَلِي.»

و در روایت<sup>۱</sup> دیگری آمده است که بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ وَ طَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ اللَّهُمَّ جَنِّبِي أَنْ أَعْدَى حُدُودَكَ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَ يُحِبُّ رَسُولَكَ وَ مَلَائِكَتَكَ وَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ.»

۳. در بعضی روایات<sup>۲</sup> است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به

سجده رفته، چنین می فرمود:

«سَجَدَ لَكَ وَ جِهِي تَعْبُدًا وَ رِقًا لِإِلَهِ الْآلَاءِ أَنْتَ حَقًّا الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ فَاعْفُرْ لِي أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ فَاعْفُرْ لِي فَإِنِّي مُتَرِّبٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ.»

۱. وسائل الشیعة ۱۳: ۴۳۹، أبواب الطواف، ب ۷۸، ح ۱.

۲. همان، ح ۲.

گفته شده که بعد از سجده، روی مبارک آن حضرت از گریه چنان بود که گویا در آب فرو رفته باشد.

۴. بعد از فراغت از نماز طواف و پیش از سعی، مستحب است به نزد چاه زمزم<sup>۱</sup> رفته، از آب آن بخورد و به سر و پشت خود بریزد و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سَقَمٍ»<sup>۲</sup>. پس از آن به طرف حجرالاسود و از آنجا به طرف صفا برود.

#### ۴- سعی بین صفا و مروه

«مسئله ۳۱۰» واجب است محرم بعد از نماز طواف بین دو کوه صفا و مروه که امروزه به صورت سالتی ساخته شده و کنار مسجدالحرام قرار دارد سعی کند بدین نحو که از صفا به مروه برود و از مروه به صفا برگردد و سعی بین دو کوه باید احراز شود و این عمل در حج و عمره مفرد نیز واجب است. «مسئله ۳۱۱» واجب است سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه باشد و هر مرتبه را یک شوط گویند به این معنا که از صفا به مروه رفتن یک شوط است و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط بنابراین شوط هفتم سعی بر مروه ختم می شود.

«مسئله ۳۱۲» جایز است که سعی بین صفا و مروه را سواره طی کند مثلاً با

۱. در حال حاضر (۱۴۲۶) کنار چاه زمزم شیرهای آب تعبیه شده که حجاج و معتمرین از

آنجا آب زمزم می خورند.

۲. الکافی ۴: ۴۳۰، ح ۲.

و بلچر چه در حال اختیار و چه با عذر لکن پیاده سعی کردن افضل است. «مسئله ۳۱۳» طهارت از حَدَث و خبث در سعی لازم نیست اگر چه مستحب است با طهارت باشد بنابراین زنهای حائض که برای طواف و نماز نایب می‌گیرند باید سعی را خودشان انجام دهند چون محل سعی جزء مسجد نیست.

«س ۳۱۴» آیا زنان حائض یا نفساء می‌توانند با همان لباس آلوده سعی کنند؟

ج - مانعی ندارد، چون طهارت بدن و لباس در سعی شرط نیست. «س ۳۱۵» اگر شخصی خیال کند که طهارت شرط صحت سعی است، لذا سعی خود را برای وضو قطع کند، تکلیف او چیست؟

ج - می‌تواند وضو بگیرد و باقی سعی را ادامه دهد و همچنین می‌تواند سعی را از سر بگیرد و سعی از سر گرفته شده مجزی است. «مسئله ۳۱۶» واجب است سعی را بعد از طواف و نماز آن به جا آورد، و اگر عمداً پیش از آنها به جا آورد، باید بعد از طواف و نماز سعی را اعاده کند، و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله سعی را بر طواف مقدم بدارد چنانچه از مکه خارج گشته عدم لزوم اعاده خالی از وجه نمی‌باشد هر چند احتیاط مستحب در اعاده سعی می‌باشد اما اگر از مکه خارج نگشته لزوم اعاده سعی خالی از وجه نمی‌باشد.

«مسئله ۳۱۷» اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند، سعی نمودن از هر طبقه جایز است چون سعی بین صفا و مروه که مورد نص و فتوی است

صدق می‌کند.

﴿س ۳۱۸﴾ لطفاً بفرمائید سعی در قسمت افزوده شده جدید چه حکمی

دارد؟

ج - آنچه در حج و عمره جزء واجبات بلکه جزء ارکانش محسوب شده و از شعائر الله است که در قرآن آمده ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ سعی بین صفا و مروه یعنی سعی بین آن دو کوه و بین الجبلین می‌باشد، پس معیار و مناط مسعی، حسب ظواهر ادله و اطلاق آنها از حیث عرض آن دو کوه، شرقاً و غرباً همان وجود کوه و امتداد آن ولو از حیث ریشه کوه و سفائح آن بوده و هست، و به نظر این جانب حسب گزارشهای واصله، از شهادت معمرین که جبلین تا مقداریکه بناست جزء مسعی شود امتداد داشته، و اخبار اهل اطلاع و خبره و کارشناسان به امتداد ریشه‌ها و رؤیت این جانب در سالهای گذشته نسبت به مروه و اینکه امتداد آن بیش از مقدار عرض مسعی جدید بوده، و از همه گذشته عنایت علماء و فقهاء حرمین بحفظ مشاعر و مناسک حج و رعایت تعبد در آنها و گواهی و شهادت برخی از آنها به اتصال کوه صفا به ابوقییس و اینکه مسعی از طرف کوه مروه از حیث عرض بیش از مقدار توسعه یافته فعلی بوده، همه و همه حجت عقلائیّه و شرعیّه بر امتداد می‌باشد و سعی در مسعی جدید



سعی بین الجبلین است و چگونه چنین اموری حجت شرعی نباشد با آنکه بعضی آنها چه رسد به همه آنها موجب اطمینان و علم عادی بر امتداد است. فعلی هذا سعی نمودن در مسعای جدید در تاریخ فعلی یعنی سنه ۱۴۲۸ هجری قمری که در سؤال آمده و مشغول ساختن و تهیه آن می‌باشند و گفته می‌شود عرضش بقدر مسعای فعلی یعنی حدود بیست متر است، با قیام حجت شرعی بر بودن آن مقدار اضافه شده بین دو کوه صفا و مروه ولو بین ریشه‌های باقی مانده از آنها که نشانه امتداد کوهها می‌باشد موجب اجزاء و صحت و مسقط تکلیف است، و فرقی بین سعی در آن محل و محل فعلی (که مقداری از خود جبلین در آن وجود دارد و باقی مانده) دیده نمی‌شود چون سعی در آن محل هم با قیام حجت ذکر شده سعی بین الصفا والمروة است و در صدق صفا و مروه وجود بلندی آن دو کوه قطعاً شرط نمی‌باشد و لذا مقداری از عرض صفای فعلی هم بلندی کوه در آن دیده نمی‌شود.

«مسئله ۳۱۹» اگر شخصی به جهت کنترل همراهان خود در حین سعی به عقب برگردد و بدون توجه مجدداً همان مسافت را طی کند، به سعی او ضرری نمی‌زند چون زیاده عمدیه نمی‌باشد لیکن احتیاط در رها کردن آن سعی واز سرگرفتن آن مطلوب است.

«مسئله ۳۲۰» واجب است فرد در وقت رفتن به طرف مروه متوجه مروه باشد و در وقت رفتن به سوی صفا متوجه صفا باشد پس اگر عقب عقب

برود سعی او باطل است ولی نگاه کردن به چپ و راست و گاهی به پشت سر اشکال ندارد.

«مسئله ۳۲۱» جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی بین صفا و مروه بنشیند و یا آب بخورد.

«مسئله ۳۲۲» در سعی موالات معتبر نیست لیکن فاصله زیاد انداختن بین اشواط مطلوب نمی باشد و تأخیر سعی بدون عذر تا روز بعد جایز نیست و اگر در آن تأخیر انداخت اعاده طواف و نماز لازم نیست.

#### ۱- ۴ کم و زیاد انجام دادن سعی

«مسئله ۳۲۳» اگر عمداً کسی زیادتراً از هفت شوط سعی کند سعی او باطل است و فرد باید آن را از سر بگیرد، نظیر آنچه در طواف گذشت. ولی اگر رفت و برگشت را از روی جهل و نادانی یک مرتبه حساب کرده و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نموده بنا بر اقوی سعی او صحیح است هر چند احوط اعاده سعی است.

«مسئله ۳۲۴» اگر کسی به علت فراموشی زیادتراً از هفت شوط سعی کند چه کمتر از یک مرتبه یا بیشتر، سعی او صحیح است و بهتر آن است که شوط اضافی را رها کند، گرچه بعید نیست که بتواند آن را به هفت مرتبه برساند.

«مسئله ۳۲۵» اگر کسی سعی را سهواً کمتر به جا آورد واجب است هر وقت یادش بیاید آن را تمام کند، و می تواند از سر بگیرد و دو مرتبه همه را از اول بیاورد و اگر به وطن خود مراجعت کرده و برای او مشقت

ندارد باید مراجعت کند و اگر نمی‌تواند یا برایش مشقت دارد باید نایب بگیرد.

﴿مسئله ۳۲۶﴾ اگر کسی سعی را سهواً ترک کند و تقصیر نماید، از احرام خارج شده و هر وقت یادش آمد، باید سعی را به جا آورد.

## ۲- ۴ احکام شک در سعی

﴿مسئله ۳۲۷﴾ اگر شخص بعد از تقصیر در تعداد اشواط سعی شک کرد، به شک خود اعتنا نکند، و اگر می‌داند هفت شوط را کامل به جا آورده، ولی شک در انجام زیادی سعی دارد، در این صورت هم به شک خود اعتنا نکند و سعی او صحیح است.

﴿مسئله ۳۲۸﴾ اگر کسی پس از تمام شدن سعی و فراغت از آن، شک کند که آن را صحیح انجام داده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

﴿مسئله ۳۲۹﴾ اگر دوری از سعی را به جا آورد و پس از داخل شدن در دور دیگر، شک کند آیا آنچه را قبلاً انجام داده صحیح بوده یا نه، در این صورت به شک اعتنا نکند.

﴿مسئله ۳۳۰﴾ اگر شخص در مروه بین هفت و نه شوط شک کند، به شک خود اعتنا نکند و اگر در بین شوط و قبل از رسیدن به مروه بین هفت شوط و کمتر از آن شک کند ظاهراً سعی او باطل است. و هر شکگی که به کمتر از هفت تعلق می‌گیرد مثل شک بین یک و سه و یا دو و چهار و همین طور، در این صورت نیز سعی باطل است.

### ۳-۴ مسائل متفرقه سعی

«مسئله ۳۳۱» اگر در حال سعی، بعضی از مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین پیدا باشد ضرری به سعی او نمی‌زند.

«س ۳۳۲» زنی به علت پیری یا مریضی نمی‌تواند یکسره سعی کند تکلیفش چیست؟

ج - جایز است به جهت استراحت و رفع خستگی بین صفا و مروه بنشیند و استراحت نماید، و سپس بقیه را بجا آورد.

«س ۳۳۳» آیا «هروله» یعنی حرکت سریع در محل معین بر زنان استحباب دارد؟

ج - بر زنها «هروله» استحباب ندارد.

### ۴-۴ مستحبات قبل از سعی و هنگام سعی و بعد از سعی

۱. خوردن از آب زمزم، همان‌طورکه در مستحبات نماز طواف بیان شد.

۲. قبل از رفتن به سعی به حجراالاسود اشاره کند.

۳. طهارت از حدّ اکبر و حدّ اصغر؛ آری، شخص جنب و حائض می‌تواند با آن حال سعی نماید.

۴. از دری که رو به روی حجراالاسود است، با آرامش و وقار به سوی صفا برود، به کعبه نظر کند و به رکنی که حجراالاسود در اوست رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و نعمتهای الهی را در حق خود به خاطر

بیاورد، آن گاه بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» (هفت مرتبه).

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» (هفت مرتبه).

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (هفت مرتبه).

۵. پس سه مرتبه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»<sup>۱</sup>

۶. سپس صلوات بر محمد ﷺ و آل محمد ﺑﻪ بفرستد، و بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ» (سه مرتبه).

۷. پس بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَأُعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (سه مرتبه).

۸. و سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعُفُوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (سه مرتبه).

۹. پس بگوید:

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» (سه مرتبه).

۱۰. پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» (صد مرتبه).

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (صد مرتبه).

«الْحَمْدُ لِلَّهِ» (صد مرتبه).

«سُبْحَانَ اللَّهِ» (صد مرتبه).

۱۱. پس بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعَدَّهُ وَنَصَرَ  
عَبْدَهُ وَغَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ،  
اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِيمَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ  
بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ اللَّهُمَّ أَظْلِمْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ  
إِلَّا ظِلُّكَ».

۱۲. هنگامی که روی کوه صفا توقف می‌کند، مکرراً خود و خانواده

خود و دینش را به خداوند متعال بسپارد و بگوید:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَ دَائِعُهُ دِينِي وَ نَفْسِي وَ  
أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوْفَّقْنِي عَلَى مِلَّتِهِ وَ  
أَعِدَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ» (سه مرتبه).

۱۳. سپس دعای سابق را دو مرتبه تکرار کند. پس یک بار تکبیر بگوید

و باز دعا را اعاده نماید و اگر تمام این اعمال را نتواند انجام دهد، هر قدر که

می تواند بخواند.<sup>۱</sup> و آنچه ذکر شد از عدد و یا ترتیب همه اش جزء آداب دعا است نه جزء شرایط آن، بنا براین، دعاها را به هر نحو و به هر قدر که بخواند به استجاب عمل کرده است.

۱۴. مستحب است که رو به کعبه نماید و دعای زیر را بخواند که در روایت است<sup>۲</sup> حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که بر بالای صفا می رفت، رو به قبله دستهایش را بلند کرده، این دعا را می خواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ فَإِنْ عُدْتُ فَعُدَّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي وَإِنْ تُعَذِّبَنِي فَأَنْتَ غَيْبِي عَنْ عَذَابِي وَ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ ارْحَمْنِي اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبَنِي وَ لَمْ تَطْلُبْنِي أَصَبِحْتَ أَتَقِي عَذْلَكَ وَ لَا أَخَافُ جَوْزَكَ فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يُجُورُ ارْحَمْنِي»<sup>۳</sup>.

۱۵. سپس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلُهُ وَ لَا يَنْقُدُ نَائِلُهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

۱۶. مستحب است بر روی کوه صفا زمان زیادی را توقف کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به اندازه خواندن یک سوره بقره با تأنی بر روی کوه صفا

۱. همان، ۱/۴۳۱/۴.

۲. همان، ۵/۴۳۲/۴.

۳. التهذيب، ۴۸۳/۱۴۷/۵.

می‌ایستادند. در حدیث شریف<sup>۱</sup> وارد شده است که هر کس بخواهد مال او زیاد شود، ایستادن بر روی صفا را طول دهد، البته باید در وقوف و ماندن بر کوه صفا رعایت حال سعی کنندگان بشود و هنگامی که از صفا پایین می‌آید، بایستد و متوجه خانه کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضَيْقِهِ وَصَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِمْنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

۱۷. پس از آنکه مقدار دیگری پایین آمد، بگوید:

«يَا رَبَّ الْعَفْوِ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَى الْعَفْوِ، الْعَفْوُ الْعَفْوُ يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أُرِدُّ عَلَى نِعْمَتِكَ وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

۱۸. و همین‌که از محل بازار عطاران<sup>۲</sup> گذشت، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».<sup>۳</sup>

۱۹. و هنگامی که به مروه رسید، بالای آن برود و آنچه را که در صفا به جا آورده، به جا آورد و دعاها را به ترتیبی که ذکر شد، بخواند. پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوُ يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ

۱. الاستبصار، ۲/۲۳۸/۸۲۷.

۲. سابقاً بازار عطر فروشان بوده و اکنون با علامت خاصی مشخص شده است.

۳. الکافی، ۴/۴۳۴/۶.



يَعْتُوْا عَلٰى الْعَتُوْا يَا رَبَّ الْعَتُوْا، الْعَتُوْا الْعَتُوْا الْعَتُوْا».

۲۰. راوی می‌گوید پشت سر آقا موسی بن جعفر علیه السلام در کوه صفا یا مروه

بودم که امام علیه السلام این دعا را می‌فرمودند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ صِدْقَ النَّيَّةِ فِي

التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ»<sup>۱</sup>.

## ۵- تقصیر و احکام آن

«مسئله ۳۳۴» در عمره تمتع واجب است بعد از آنکه سعی کرد تقصیر

کند یعنی قدری از ناخن یا موی سر خود را بزند و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن تنها نکند، بلکه مقداری از موی سر را هم بزند که موافق احتیاط است.

«مسئله ۳۳۵» تقصیر نیز از عبادات است و باید با نیت خالص و به قصد

اطاعت خداوند به جا آورده شود و اگر شخص ریا کند، موجب باطل شدن تقصیر می‌شود و باید آن را جبران نماید.

«مسئله ۳۳۶» پس از تقصیر در عمره تمتع، همه محرمات احرام که به

واسطه احرام بر انسان حرام شده بود، حلال می‌شود.

«مسئله ۳۳۷» پس از فراغت از سعی لازم نیست فوراً تقصیر کند، بلکه

می‌تواند آن را تأخیر اندازد و در منزل یا جای دیگر تقصیر کند، ولی باید پیش از احرام حج تقصیر را انجام داده باشد.

۱. همان، ۴/۴۳۳/۹.

«مسئله ۳۳۸» اگر کسی در عمره مفرده تقصیر را فراموش کند، می تواند هر جایی تقصیر کند، و اگر به وطن بازگشته باشد، تقصیر در همان جا هم کفایت می کند، ولی بنا بر احتیاط مستحبی طواف نساء و نماز آن را اعاده کند، و اگر خودش نمی تواند نایب بگیرد.

«مسئله ۳۳۹» تقصیر مکان معینی ندارد، گرچه اکنون متعارف است که بعد از سعی در مکان مروه تقصیر می کنند.

«مسئله ۳۴۰» در تقصیر لازم نیست که انسان خودش تقصیر نماید، بلکه اگر دیگری هم گرچه غیر شیعه باشد می تواند برایش تقصیر کند.

«مسئله ۳۴۱» در تقصیر، کندن مو کافی نیست، بلکه باید مو را کوتاه کند به هر وسیله ای که باشد با قیچی، ناخن گیر یا وسیله ای دیگر.

«س ۳۴۲» آیا در تقصیر قصد تحلل از احرام لازم است یا خیر؟  
ج - در تقصیر قصد تحلل لازم نیست، بلکه قصد تقصیر فقط کفایت می کند.

«س ۳۴۳» آیا در تقصیر مو، حد معین دارد یا مقدار کمی هم کفایت می کند؟

ج - مسمای تقصیر کفایت می کند.

«س ۳۴۴» اگر زنی احتمال بدهد در صورتی که در محل سعی تقصیر کند موجب نمایان شدن موی سر او می گردد آیا می تواند در منزل تقصیر کند؟

ج - مانعی ندارد و همان طور که گذشت تقصیر محل معینی ندارد.  
«س ۲۴۵» اگر کسی بعد از تقصیر در صحت آن شك کرد، چه حکمی  
دارد؟

ج - تقصیری که نموده صحیح است.

## فصل دوم مسائل متفرقه

### الف - احکام بین عمره و حج تمتع

﴿مسئله ۳۴۶﴾ بعد از انجام عمره تمتع و قبل از حج تمتع نباید عمره مفرده به جا آورده شود، و اگر کسی به جا آورد صحت عمره مفرده او محل اشکال است ولی عمره و حج او صحیح است.

﴿مسئله ۳۴۷﴾ خروج از مکه برای کسانی که عمره تمتع انجام داده‌اند جایز است. بنابراین، رفتن به غار حرا و غار ثور، گرچه از محل‌های مکه هم حساب نشود جایز است.

﴿مسئله ۳۴۸﴾ کسی که به احرام عمره تمتع وارد مکه شده در صورتی که حج از او فوت شود، عمره مفرده به جا آورد و از احرام خارج شود، و در صورتی که حج بر او مستقر بوده یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد، باید به حج برود.

﴿س ۳۴۹﴾ اگر کسی بعد از عمره تمتع از مکه خارج شود، آیا برای ورود مجدد به مکه نیاز به احرام دارد؟

ج - اگر از وقت خروجش از مکه یک ماه نگذشته لازم نیست با احرام وارد شود.

﴿س ۳۵۰﴾ کسانی که در محله‌های نوساز مکه که از حرم خارج است منزل کرده‌اند پس از انجام عمره تمتع برای وارد شدن به مسجد و رفت و آمد ناچارند از ادنی الحل مثلاً از تنعیم بگذرند. اگر این رفت و آمدها در ماه بعد انجام شود، عمره تمتع انجام شده آنها چگونه است؟

ج - اصولاً خروج از حرم مضر به عمره و حج تمتع آنها نبوده، آری، بر هر کس که از بیرون حرم وارد حرم می‌شود، واجب است که با احرام باشد، مگر آنکه خروجش از مکه یک ماه نگذشته باشد و یا کسی که کارش مستلزم رفت و آمد است، نیازی به احرام مجدد ندارد.

#### ب - تبدل حج تمتع به افراد

﴿مسئله ۳۵۱﴾ اگر شخصی که به احرام عمره محرم شده است به واسطه عذری یا مشکلی دیر وقت وارد مکه شود، به طوری که اگر بخواهد عمره به جا بیاورد وقت وقوف را نمی‌تواند درک کند در این صورت باید به حج افراد عدول کند و پس از به جا آوردن آن، عمره مفرده به جا آورد و حج او صحیح و کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

«مسئله ۳۵۲» اگر زنی مُحرم شد و وقتی وارد مکه گردید به واسطه حیض یا نفاس نتوانست طواف به جا آورد و اگر بخواهد بماند تا پاک شود، نمی‌تواند یا ترس آن را دارد که مسمای وقوف در عرفات را درک نکند در این صورت باید به حج افراد عدول کند و پس از به جا آوردن آن عمره مفرده به جا آورد.

«مسئله ۳۵۳» شخصی که وظیفه او حج تمتع است و در وقت احرام بستن علم پیدا کند که اگر بخواهد عمره تمتع به جا آورد به وقوف در عرفات نمی‌رسد می‌تواند از اول به حج افراد محرم شود و آن را به جا آورد و پس از آن عمره مفرده به جا آورد و اعمالش صحیح است. همچنین اگر زنی در میقات علم دارد که نمی‌تواند اعمال عمره تمتع را در حال پاکی انجام دهد و به وقوف نمی‌رسد باید از اول به حج افراد محرم شود، و به هر حال اگر در مکه کشف خلاف شد می‌تواند به نیت عمره تمتع اعمال آن را به جا آورد و بعد هم به احرام حج تمتع محرم شود و این حج مجزی است چون عدول از حج افراد و یا عمره مفرده به عمره تمتع جایز است و اختصاص به موارد ضرورت ندارد.

«مسئله ۳۵۴» زنی که حایض بوده و نمی‌داندسته و اعمال عمره را به جا آورده اگر در وسعت وقت است باید طواف و نماز را اعاده کند ولی اگر وقت ندارد در اینکه وظیفه مبدل شده یا نه اشکال است و احتیاطاً با گفتن تلبیه برای حج افراد محرم شود و بعد از آن هم عمره مفرده به جا آورد مانند دیگر زنان حائض که نمی‌رسند عمره تمتع را تمام کنند و گفتن تلبیه احتیاطاً

برای آن است که شاید فرد از احرام خارج شده باشد.  
«مسئله ۳۵۵» کسانی که حج افراد بر آنها واجب و متعین شده و به قصد  
حج افراد در یکی از میقاتها محرم می شوند نمی توانند حج افراد خود را به  
عمره مفرده تبدیل نمایند.

## فصل سوّم حجّ تمتّع

### اعمال حجّ تمتّع

#### ۱- احرام حجّ تمتّع

﴿مسئله ۳۵۶﴾ پس از تمام شدن اعمال عمره تمتّع واجب است نیت احرام حجّ تمتّع کند و به احرام حجّ محرم شود. واجبات احرام و شرایط و تروک و محرمات آن مانند احرام عمره تمتّع است بجز نیت و محل احرام، که در احرام حجّ باید به نیت «حجّ تمتّع» محرم شود.

#### ۱- ۱ زمان احرام حجّ تمتّع

﴿مسئله ۳۵۷﴾ وقت احرام حجّ، بعد از اعمال عمره تمتّع است تا زمانی که بتواند به وقوف در عرفات برسد.



﴿مسئله ۳۵۸﴾ احتیاط مستحب آن است که روز هشتم ذی‌الحجه محرم شود.

﴿مسئله ۳۵۹﴾ پس از تمام شدن عمره تمتع لازم نیست شخص فوراً احرام حج ببندد، بلکه وقت احرام حج موسع است و می‌تواند آن را به تأخیر اندازد تا وقتی که بتواند وقوف اختیاری عرفات را در ظهر روز نهم ذی‌الحجه درک کند.

## ۲ - ۱ مکان احرام حج تمتع

﴿مسئله ۳۶۰﴾ محل احرام حج تمتع شهر مکه است هر جای آن، گرچه در محله‌های تازه ساز ولی مستحب است در مسجد الحرام محرم شود و افضل مواضع آن مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام است.

﴿مسئله ۳۶۱﴾ اگر شخصی احرام حج تمتع را فراموش کند یا بخاطر ندانستن مسئله، احرام را ترک کند و به منی و عرفات برود هر وقت متوجه شود، واجب است به مکه برگردد و در آنجا محرم شود و اگر به جهت تنگی وقت یا عذر دیگری نتواند به مکه برگردد، همان جا که هست محرم شود.

## ۳ - ۱ مستحبات احرام حج تا وقوف در عرفات

۱. غسل در منزل یا نزدیک مسجدالحرام یا هر جای دیگر مکه.
۲. خواندن ادعیه‌ای که برای غسل احرام عمره تمتع ذکر شد.
۳. شخص در مسجدالحرام محرم شود و بهتر آن است که در حجر

اسماعیل علیه السلام یا مقام ابراهیم علیه السلام محرم گردد، همان طور که در مسائل قبل ذکر شد.

۴. نیت احرام را بر زبان آورد.

۵. تکرار تلبیه در مسیر راه.

۶. چون متوجه منی شود، بگوید:

«اللَّهُمَّ يَا كَرِيمُ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُتَضَلِّينَ يَا مُسْتَجِيبُ دُعَائِ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُسْتَجِيرِينَ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُسْتَعِينِينَ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُسْتَعِزِّينَ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُسْتَعِزِّينَ يَا مُجِيبُ دُعَائِ الْمُسْتَعِزِّينَ.»

و با تن و دلی آرام و با تسبیح و ذکر حق تعالی به سوی آن برود.

۷. و وقتی به منی رسید، بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي غَافِيَةٍ وَ بَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ.»

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي وَ هِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ فَاسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ

عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ»<sup>۱</sup>

۸. مستحب است شخص شب عرفه را در منی باشد و به اطاعت الهی

مشغول باشد، و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد

خیف به جا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب

بگوید، پس به عرفات روانه شود، و اگر بخواهد بعد از طلوع صبح روانه

شود، مانعی ندارد؛ ولی سنت آن است که تا آفتاب طلوع نکرده از وادی

مُحَسَّر رد نشود، و روانه شدن پیش از صبح، مکروه است.<sup>۲</sup>

۱. من لایحضره الفقیه، ۲/۳۲۱.

۲. وسائل الشیعه، ۱۱/۲۱۲، أبواب اقسام الحج، باب ۲؛ ج ۱۳/۵۲۲، باب ۳ و ۴.

۹. هنگام خروج از منی به طرف عرفات بگوید:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَمَدْتُ وَإِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي»<sup>۱</sup>.

۱۰. تکرار تلبیه تا زوال شمس از روز عرفه.

۱۱. در صورت امکان بهتر آن است که خیمه خود را در «وادی نمره»

که نزدیک عرفات است بزند، ولی در آنجا وقوف نکند.

## ۲- وقوف در عرفات

«مسئله ۳۶۲» واجب است شخص محرم به احرام حج، ظهر روز عرفه (نهم ذی الحجه) در عرفات باشد و در آنجا نیت وقوف کند، و آن رکنی است از ارکان حج که اگر عمداً آن را ترک کند حش باطل است.

«س ۳۶۳» اگر شخصی نیت وقوف در عرفات را به زبان نگوید ولی اگر از او پرسند می گوید من هم با جمع حاضر برای به جا آوردن اعمال و مناسک حج آمده‌ام وقوف او چگونه است؟

ج - نیت اجمال در وقوف کفایت می‌کند.

«س ۳۶۴» اگر در اوّل وقت، نیت وقوف در عرفات را بنماید آیا باید در

تمام وقت بیدار باشد یا می‌تواند بعد از نیت وقوف بخوابد؟

۱. الکافی، ۱/۴۶۱/۴.

ج- بعد از نیت وقوف برای او خواب یا استراحت، جایز است، ولی بهتر است که حجج محترم در آن موقوفه‌ها که از بهترین امکنه می‌باشند به دعا و نیاز و ارتباط با خداوند بپردازند و قدر و منزلت خود را بدانند و از خواندن نماز و ادعیه و زیارات و دعاهای مأثور و اذکار مستحبه (که بعضی از آنها در مستحبات وقوف در عرفات خواهد آمد)، غفلت نوزند.

«مسئله ۳۶۵» احتیاط واجب آن است که از زوال روز نهم (ظهر شرعی) تا غروب آفتاب<sup>۱</sup> در عرفات باشد پس جایز نیست تأخیر بیندازد و در وقت عصر بیاید و وقوف کند و در مجموع بودن بعد از ظهر تا غروب آفتاب گرچه واجب است لیکن تمام آن رکن نیست. پس اگر مقدار کمی توقف کند و برود یا طرف عصر بیاید و توقف کند حج او صحیح است.

«مسئله ۳۶۶» شخصی که به علت فراموشی یا دیر رسیدن به مکه یا اشتباه در عدد روزهای ماه یا ندانستن محل وقوف یا عذرهای موجه دیگر، وقوف اختیاری در عرفات را درک نکرده، در این صورت باید مقداری از شب عید را هر چند اندک باشد در عرفات به سر برد و قصد وقوف کند و این وقوف، وقوف اضطراری در عرفات است.

«مسئله ۳۶۷» اگر کسی عمداً پیش از غروب شرعی از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن پشیمان شود و برگردد و تا غروب توقّف کند، بنا بر اقوی، چیزی بر او نیست، و حجّ او صحیح است، لیکن احتیاط مستحب در

۱. مراد از غروب در این مسأله و مسائل بعدی استتار قرص می‌باشد.

دادن یک شتر بعنوان کفاره است، ولی اگر بر نگشت، باید یک شتر کفاره بدهد و در صورت عدم تمکن برای قربانی، هیجده روز روزه بگیرد، و احتیاطاً مستحب، به جا آوردن روزه است متوالیاً (پشت سرهم).  
 «مسئله ۳۶۸» اگر کسی سهواً یا جهلاً از عرفات کوچ کرد و بیرون رفت، پس اگر قبل از غروب یادش آمد، باید مراجعت کند، پس اگر مراجعت نکند گناهکار است، لیکن کفاره ندارد، بنا بر اقوی، گرچه احوط است، و اگر یادش نیامد، چیزی بر او نیست.

### مستحبات و قوف در عرفات

«مسئله ۳۶۹» در وقوف به عرفات، رعایت چند چیز مستحب است:

۱. در حال وقوف با طهارت باشد.<sup>۱</sup>
۲. غسل نماید، و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد.<sup>۲</sup>
۳. دل خود را متوجه خدا نماید و از هر چیزی جز خداوند که ذهن او را مشغول می‌کند، خود را فارغ کند و به مردم نگاه نکند و به چیزی توجه نداشته باشد.<sup>۳</sup>
۴. در صورت امکان در «وادی نمره» که نزدیک به عرفات است خیمه بزند، ولی در آنجا وقوف نکند؛ زیرا وقوف در وادی نمره، به لحاظ آنکه

۱. وسائل الشیعة، ۳۷۴/۱۳، أبواب الطواف، باب ۱/۳۸.

۲. همان، ۵۲۹/۱۳، أبواب احرام الحج والوقوف بعرفة، باب ۱/۹.

۳. همان، ۵۳۸/۱۳، أبواب احرام الحج والوقوف بعرفة، باب ۱۴، حدیث ۱.

در سرزمین عرفات نیست، کفایت نمی‌کند.

۵. گناهان خود را به یاد آورد و توبه نماید و از خداوند طلب مغفرت نماید و از شرّ شیطان به خدا پناه ببرد.

۶. برای خود، پدر و مادر و برادران مؤمن دعا کنند، که اقلّ آن، دعا برای چهل مؤمن است.

۷. نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید، وقوف شخص در طرف چپ کوه واقع گردد.

۸. وقوف او در پایین کوه و در زمین هموار بوده باشد.

۹. در اول وقت، نماز ظهر و عصر را با یک اذان و دو اقامه بدون فاصله به جا آورد، و در این جهت بین امام و مأوم، جماعت و فرادی، قصر و تمام، فرقی نیست.

۱۰. قلب خود را به حضرت حق جَلَّ و علا متوجه سازد و حمد الهی به جا آورد و تهلیل و تمجید نماید و ثنای حضرت حق را به جا آورد. پس از آن صد مرتبه: «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید و صد مرتبه سوره «توحید» را بخواند و آنچه می‌خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فُلْكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ  
الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَ لَا  
تَخْدَعْنِي وَ لَا تُسْتَدْرِجْنِي يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ وَ يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَ يَا  
أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و به جای کذا و کذا، حاجات خود را نام ببرد، پس دستهای خود را به طرف آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أُعْطِيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أُعْطِيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ مَلِكُ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَ أَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُؤَقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ أَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ دَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ وَ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ السَّمَوَاتِ حَيَاةً طَيِّبَةً»<sup>۱</sup>

۱۱. این دعا را بخواند: که رسول الله ﷺ آن را به حضرت علی علیه السلام تعلیم

فرمود و فرمود این دعای همه انبیای قبل از من است.<sup>۲</sup>

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَالَّذِي تَقُولُ وَ خَيْرٌ مِمَّا تَقُولُ وَ فَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ لَكَ تَرَائِي وَ بِكَ حَوْلِي وَ مِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسْوَيسِ الصُّدُورِ وَ مِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ

۱. الكافي، ۴/۴۶۴.

۲. وسائل الشیعة، ۱۳/۵۳۹، أبواب احرام الحج والوقوف بعرفة، باب ۲/۱۴.

الرِّيحُ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُوراً وَفِي  
سَمْعِي وَبَصَرِي نُوراً وَفِي لَحْيِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرْوَقِي وَمَفْعَدِي وَ  
مَقَامِي وَمَذْخَلِي وَمَخْرَجِي نُوراً وَأَعْظِمْ لِي نُوراً يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْفَاكَ إِنَّكَ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۱۲. در این روز، تا می‌تواند از دادن خیرات و صدقات کوتاهی نکند.

۱۳. رو به کعبه بایستد و صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ»، صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»

صد مرتبه «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، و صد مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ  
لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ  
لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» بگوید.

۱۴. از اول سوره بقره ده آیه بخواند، و سه مرتبه سوره توحید و

آیه الکرسی را بخواند، و سپس این آیات را بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى  
عَلَى الْعَرْشِ يُعْشِي الْيَلَّ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومَ  
مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ \* أَدْعُوا  
رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَلَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ  
بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ  
الْمُحْسِنِينَ»<sup>۱</sup>.

۱۵. سوره‌های معوذتین، یعنی «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ

النَّاسِ» را بخواند.



۱۶. آنچه از نعم الهی به یاد دارد، یکایک ذکر کند و حمد الهی به جا آورد؛ همچنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ».

و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده، خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است، خدا را تسبیح نماید، و به آیاتی که در آنها تکبیر شده، خدا را تکبیر نماید، و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است، خدا را تهلیل نماید، و بر محمد ﷺ و آل محمد - علیهم السلام - زیاد صلوات بفرستد و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن آمده است، خدا را بخواند، و به آنچه از اسمای الهی که در یاد دارد، خدا را ذکر کند، و به اسمای الهی که در آخر سوره حشر آمده است، خدا را بخواند.

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّبُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِيءُ الْمُصَوِّرُ».

۱۷. پس بگوید:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَبِجَمِيعِ مَا أَخَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَبِجَمْعِكَ وَبِأَرْكَانِكَ كُلِّهَا وَبِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تَرُدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ أَنْ تُغْفِرَ

لِي جَمِيعِ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فَيَّ».

۱۸. حاجتهای دنیا و آخرت خود را از خدا بخواهد و از حضرت حق،

جلّ و علا، توفیق تشرف به حج را در همه سالها بخواهد.

۱۹. هفتاد مرتبه از خدا بهشت طلب کند یعنی جمله: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» را

هفتاد مرتبه بگوید.

۲۰. هفتاد مرتبه توبه و استغفار کند: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

و بخواند:

«اللَّهُمَّ فَكِّنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَادْرَأْ

عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ»<sup>۱</sup>.

۲۱. نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنْ تَشْتَتِ الْأُمُورِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَخْدُثُ

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا

بِأَمَانِكَ وَ أَمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ

وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَائِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ

يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ جَلَلِي بِرَحْمَتِكَ وَ أَلْسِنِي عَافِيَتَكَ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّ

جَمِيعِ خَلْقِكَ».

۲۲. بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ وَ ارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدٍ مَا

أَبْعَيْتَنِي وَ اقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي

۱. من لا يحضره الفقيه، ۳۲۳/۲.

بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَاجْعَلْنِي  
 الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ وَاعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيَْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنْ  
 الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ  
 مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ»<sup>۱</sup>.

۲۳. بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ اعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ».

و بدان که ادعیه وارده برای این روز شریف بسیار است و هر مقدار که مقدور باشد خواندن دعا مناسب است، گرچه به ادعیه مأثوره هم نباشد لیکن مأثوره بهتر و ثوابش مضاعف است، و بسیار خوب است که شخص در این روز دعای حضرت سیدالشهداء علیه السلام و فرزندش علی بن الحسین علیه السلام در روز عرفه را بخواند، که در آخر همین کتاب آورده شده است.

### ۳- وقوف در مشعر الحرام

«مسئله ۳۷۰» شخص حاج بعد از غروب آفتاب روز نهم ذی حجه از عرفات خارج شود و به طرف مشعر الحرام حرکت کند و وقتی به مشعر الحرام رسید واجب است از طلوع فجر تا طلوع آفتاب شب دهم وقوف کند.

«مسئله ۳۷۱» وقوف در مشعر، نیز مانند وقوف در عرفات از عبادات

۱. وسائل الشیعه، ۵۵۹/۱۳، أبواب احرام الحج والوقوف بعرفة، باب ۲/۲۴.

است و شخص باید با نیت و قصد قربت و اخلاص آن را به جا آورد. «مسئله ۳۷۲» برای کسانی که معذورند، جایز است مقداری از شب را در مشعر الحرام توقف کنند و سپس به منی کوچ کنند بنابراین بر زنها وقوف بین الطلوعین لازم نیست و احتیاط مستحب آن است که اگر توقف مشکل نباشد تخلف نکنند و احتیاط مستحب آن است که پیش از نصف شب حرکت نکنند.

### ۱ - ۳ اقسام وقوف در مشعر الحرام

«مسئله ۳۷۳» برای وقوف در مشعر سه وقت است:

- ۱- از طلوع صبح تا طلوع آفتاب که آن را وقوف اختیاری گویند.
  - ۲- شب عید برای کسانی که عذری دارند، مثل زنان و ضعیفان که آن را وقوف اضطراری لیلی (شب) گویند.
  - ۳- از طلوع آفتاب روز عید تا ظهر روز دهم، که آن را وقوف اضطراری نهاری (روز) گویند، و این برای کسانی است که در اثر عذر هیچ یک از دو وقت اول و دوم را درک نکرده باشند.
- «س ۳۷۴» در عرفات و مشعر الحرام برای مشخص کردن محدوده‌های آن علایمی نصب کرده‌اند آیا اعتماد به آنها جایز است یا خیر؟
- ج - آری، اعتماد به آنها جایز است، چون از روی حساب و شناخت و بررسی تعیین شده که اگر اعتماد و اطمینان به آنها زیادتیر از گفته مردم که در روایات اکتفای به آن تجویز

شده نباشد کمتر نخواهد بود.

## ۲- ۳- مستحبات و قوف در مشعرالحرام

۱. مستحب است حاج با وقار و آرامش دل و با استغفار از عرفات به سوی مشعرالحرام برود و همین‌که از طرف دست راست جاده به تلّ سرخ رسید، بگوید:

«اللَّهُمَّ اِزْحَمْ مَوْقِفِي وَ زِدْ فِي عَمَلِي وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ تَقَبَّلْ مِنِّي مَناسِكِي»<sup>۱</sup>

۲. در راه رفتن میانه‌رو باشد و از حرکت تند یا کند پرهیزد و حجّاج ضعیف و ناتوان را آزار ندهد، و بگوید:

«اللَّهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اُظْلِمَ اَوْ اُظْلَمَ اَوْ اَقْطَعَ رَحِمًا اَوْ اُوذِيَ جَنارًا»<sup>۲</sup>

۳. مستحب است نماز مغرب و عشا را تا رسیدن به مشعرالحرام به تأخیر اندازد، اگر چه از ثلث شب نیز بگذرد، و بین دو نماز جمع کند به یک اذان و دو اقامه و نافله مغرب را بعد از نماز عشا به جا آورد، و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب به مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد و در میان راه بخواند.

۴. اینکه در وسط وادی از طرف راست راه پیاده شود، و اگر حج‌گزار صرّوزه باشد (یعنی اولین بار باشد که به حج آمده)، مستحب است که در

۱. وسائل الشیعة، ۱۴/۵، أبواب الوقوف بالمشعر، باب ۱/۱.

۲. همان، حدیث ۳.

مشعرالحرام قدم بگذارند.<sup>۱</sup>

۵. مستحب است که آن شب را، هر مقدار که میسر باشد به عبادت و

اطاعت الهی به سر برد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ  
لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ  
أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا وَأَنْ تَقْبِلَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

و اگر می تواند تا صبح، شب زنده داری کند؛ زیرا درهای آسمان در این

شب به روی صداهاى مؤمنین بسته نمی شود.<sup>۲</sup>

۶. مستحب است که بعد از نماز صبح، با طهارت حمد و ثنای الهی را به

جا آورد، و به هر مقداری که می تواند نعمتهای حضرت حق را به یاد آورد

و بر محمد ﷺ و آل محمد - صلوات الله عليهم اجمعین - صلوات بفرستد و

این دعا را نیز بخواند:

«اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكَّرْتَنِي مِنَ النَّارِ وَأَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ  
الْحَلَالِ وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ  
وَ خَيْرُ مَدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ وَ لِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي  
مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقْبِلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْبَلَ مَعْدِرَتِي وَ أَنْ تُجَاوِزَ عَن حَظِيئَتِي  
ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».<sup>۳</sup>

۱. همان، ۱۶/۱۴، أبواب الوقوف بالمشعر، باب ۱/۷.

۲. همان، ۱۹/۱۴، أبواب الوقوف بالمشعر، باب ۱/۱۰.

۳. الكافي، ۴/۴۶۹/۴.

۷. مستحب است سنگریزه‌هایی را که در منی رمی خواهد نمود، از مزدلفه (مشعرالحرام) بردارد، و اگر نشد، بهتر است سنگریزه‌ها را از منی بردارد؛ همچنین مستحب است سنگریزه‌ها نقطه‌دار باشد و از قبل جدا شده باشد، نه اینکه سنگ بزرگتری را بشکند و به صورت سنگریزه در آورد؛ و سنگریزه‌ها به اندازه بند انگشتان دست باشد و حداقل تعداد سنگریزه‌های لازم هفتاد دانه است،<sup>۱</sup> ولی مقداری بیشتر جمع‌آوری کند، چون ممکن است بعضی از سنگریزه‌ها در رمی جمرات به هدف نخورد.<sup>۲</sup>

#### ۴- واجبات منی در روز عید قربان

«مسئله ۳۷۵» یکی دیگر از واجبات حج، اعمال سه گانه منی در روز عید قربان است و حج گزار بعد از آنکه در روز عید از مشعر حرکت کرد و به سرزمین منی رسید (که مکانی است نزدیک مکه)، بر او سه عمل واجب است:

۱. رمی جَمْرَةَ عَقَبَه؛
۲. قربانی کردن «ذبح گوسفند یا گاو و یا نحر شتر»؛
۳. تقصیر.

۱. برای کسانی که شب سیزدهم نیز می‌مانند و در غیر این صورت مجموع ریگهایی که به جمرات سه گانه در روز عید و روزهای یازدهم و دوازدهم باید رمی شود چهل و نه عدد می‌باشد.

۲. وسائل الشیعة، ۳۱/۱۴، أبواب الوقوف بالمشعر، باب ۱۸.

«مسئله ۳۷۶» ترتیب در اعمال منی یک امر مستحب و مطلوب می‌باشد، بنابراین، حاجی می‌تواند قبل از رمی و تقصیر، قربانی نماید بعداً دو عمل دیگر «یعنی رمی و تقصیر» را به جا آورد و همانند کسی که رعایت ترتیب را نموده، از احرام خارج شود. همچنان که قبل از قربانی هم می‌تواند تقصیر نماید و اگر رمی جمره عقبه را هم انجام داده از احرام نیز خارج می‌شود، چون با رمی و تقصیر در خروج از احرام در منی کفایت می‌کند و قربانی نمودن دخیل در خروج از احرام نبوده، گرچه واجب است.

#### اول: رمی جمره عقبه

«مسئله ۳۷۷» در روز عید قربان، رمی جمره عقبه واجب است، «یعنی انداختن هفت ریگ به آن جمره به پیروی از حضرت ابراهیم علیه السلام که در این مکان شیطان را رمی کرده»؛ و جمرات، ستونهای سنگی است که در منی در سه جایگاه نزدیک به یکدیگر نصب شده‌اند و جمره عقبه، یکی از آنهاست.

#### وقت رمی

«مسئله ۳۷۸» وقت رمی جمره عقبه، از طلوع آفتاب روز عید قربان است تا غروب آفتاب آن روز، و اگر کسی فراموش کرد تا روز سیزدهم می‌تواند آن را به جا آورد و اگر تا آن وقت یادش نیامد، احتیاطاً سال دیگر خودش یا نایش رمی کند.



«مسئله ۳۷۹» بانوان می‌توانند در شب عید، جمره عقبه را رمی کنند هر چند از رمی در روز ناتوان نباشند، بنابراین پس از نصف شب که از مشعرالحرام به منی می‌آیند جمره عقبه را رمی کنند. اما رمی روزهای ۱۱ و ۱۲ ذی حجه در صورتی که از رمی در روز ناتوان باشند می‌توانند شب انجام دهند.

«مسئله ۳۸۰» شرایط سنگها:

اول: سنگی که شخص می‌خواهد بیندازد، به آن «حصی»، یعنی «ریگ» گفته شود. پس، اگر آن قدر ریز باشد که به آن ریگ گفته نشود، «مثل شن»، کافی نیست؛ و اگر خیلی بزرگ باشد نیز کافی نیست، چنانچه به غیر از ریگ، مثل کلوخ و یا گل پخته و اقسام جواهرات نیز جایز نیست؛ اما اقسام سنگها، حتی سنگ مرمر، مانع ندارد.

دوم: سنگها از محدوده حرم باشد، «مانند مشعر و منی» و سنگ خارج از حرم مانند عرفات کافی نیست؛ و در حرم از هر موضعی که مباح باشد، شخص می‌تواند سنگ بردارد، مگر از مسجدالحرام و مسجد خیف، بلکه از سایر مساجد نیز بنا بر احتیاط برداشته نشود، و مستحب است از مشعرالحرام جمع‌آوری شده باشند.

سوم: سنگها بکر باشند، یعنی آنها را خودش یا شخص دیگری رمی ننموده باشد، اگر چه در سالهای قبل.

چهارم: سنگها مباح باشد. پس رمی با سنگ غضبی یا سنگی که دیگری برای خودش جمع‌آوری کرده باشد، کافی نیست.

## واجبات رمی

«مسئله ۳۸۱» در رمی چند چیز معتبر است:

اول، رمی جمره عقبه را هم مانند سایر اعمال حج، باید به قصد قربت و با نیت خالص به جا آورد و ریا در عمل، موجب بطلان می‌شود.

دوم، ریگها به ستون جمره بخورد.

سوم، سنگها با انداختن او به جمره برسد. پس اگر سنگی را انداخت و سنگ دیگران به آن خورد و به واسطه آن یا با کمک آن به جمره رسید، کافی نیست؛ لیکن اگر سنگ در وسط راه به چیزی بخورد و کمانه کند، یعنی رد شود و با همان نیروی اول به جمره برسد، ظاهراً کافی است.

چهارم، تعداد سنگریزه‌های رمی باید هفت عدد باشد و کمتر از این کافی نیست، چنانچه بیشتر از آن هم، اگر از اول کسی قصد رمی زیادی عمدی داشته باشد، جایز نیست و رمی را باید اعاده کند؛ ولی اگر بعد از تمام شدن رمی باشد بدون قصد زیادی، مضرّ بر رمی نبوده و رمی او صحیح است.

پنجم، باید بتدریج رمی کند، یعنی سنگریزه‌ها را یکی یکی و پشت سر هم بیندازد، ولی اگر همه را یا چند سنگ را با هم بیندازد، همه آنها یکی حساب می‌شود، هر چند همه آنها به جمره بخورد.

«مسئله ۳۸۲» در رمی جمره عقبه و همچنین در جمرات دیگر، بین هفت سنگریزه زیاد فاصله نیندازد، و موالات عرفیه رعایت شود.

«مسئله ۳۸۳» در رمی، طهارت از حدّث و خبث معتبر نیست و ریگها

هم، لازم نیست پاک باشند. گرچه با طهارت بودن و پاک بودن سنگها بهتر است.

«مسئله ۳۸۴» کسانی که عذر دارند از اینکه در روز رمی کنند، مانند اشخاص بیمار، می توانند در شب رمی کنند، و هر وقت شب که باشد مانعی ندارد؛ معذورین عمومی، مانند زنان و کودکان و ضعیفان که شبانه از مشعر به منی کوچ داده شده اند اگر از رمی در روز معذورند جایز است در شب عید، رمی جمره عقبه را انجام دهند، بلکه زنها مطلقاً مجازند همان شب رمی نمایند.

«مسئله ۳۸۵» کودکان و بیماران و افراد بیهوش که قدرت رمی ندارند، واجب است نایب بگیرند که به جای آنان رمی کنند، و موافق احتیاط آن است که اگر ممکن است بیمار را نزد جمره ببرند و در حضور او سنگ بیندازند، مگر اینکه در بردن او مشقت و حرجی باشد.

«مسئله ۳۸۶» در طبقات فوقانی جمرات، رمی جایز است و لازم نیست حتماً در طبقه اول رمی نمایند.

#### شکایات رمی

«مسئله ۳۸۷» اگر در تعداد ریگهایی که انداخته شک کند، پس، اگر مشغول رمی است، باید به اندازه ای بیندازد تا به هفت عدد سنگ پرتاب شده، علم پیدا کند.

«مسئله ۳۸۸» اگر بعد از آنکه سنگ را انداخت و از محل منصرف شد، در تعداد سنگها شک کند، اگر در نقیصه شک کند، احتیاط آن است که

برگردد و نقیصه را تمام کند، و به شک در زیاده اعتنا نکند.

«مسئله ۳۸۹» اگر شخص بعد از ذبح یا تقصیر، شک کند که رمی جمره عقبه را انجام داده یا نه، چنانچه بعد از گذشتن وقت رمی (از طلوع آفتاب روز عید تا غروب آن) شک کرد، به شک خود اعتنا نکند، چون شک بعد از وقت و حصول حائل است.<sup>۱</sup> و در غیر این صورت، واجب است رمی کند، چون ترتیب در اعمال منی شرط نیست، تا تجاوز از محل و وارد شدن جزء بعدی مرتب شرعی که محقق تجاوز است صدق کند و قاعده تجاوز از محل جاری شود.

### مستحبات رمی جمرات

«مسئله ۳۹۰» در رمی جمرات، چند چیز مستحب است:

۱. در حال رمی با وضو باشد.<sup>۲</sup>
۲. هنگامی که سنگها را در دست گرفته و آماده رمی است، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ هُوَ لَاءِ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِيَنِّي لِي وَأَرْفَعْنِي فِي عَمَلِي».<sup>۳</sup>

۱. «عن ابی جعفر علیه السلام - فی حدیث - قال: متى استيقنت أو شككت في وقت فريضة أنك لم تصلها، أو في وقت فوتها أنك لم تصلها، صلها، صليتها، وإن شككت بعد ما خرج وقت الفوت و قد دخل حائل فلا إعادة عليك من شك حتى تستيقن، فإن استيقنت فعليك أن تصلها في أي حالة كنت». (وسائل الشيعة، ۲۸۲/۴، أبواب المواقيت، باب ۶۰، حدیث ۱).

۲. وسائل الشيعة، ۵۶/۱۴، أبواب رمی جمره العقبة، باب ۲.

۳. الكافي، ۱/۴۷۸/۴.

۳. هر سنگی را که می‌اندازد، تکبیر بگوید.

۴. هر سنگی را که می‌اندازد، این دعا را بخواند:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَيَّ سُنَّةَ نَبِيِّكَ ﷺ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعْيًا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا».

۵. میان او و جمره در جمره عقبه، ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی در کنار آنها بایستد.

۶. جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به قبله رمی نماید.

۷. سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت (سبابه) بیندازد.

۸. پس از برگشتن به جای خود در منی، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ بِكَ وَتَقْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ»<sup>۱</sup>.

### دوم: قربانی کردن (هدی) یا نحر شتر

«مسئله ۳۹۱» بر کسی که حج تمتع به جا می‌آورد، قربانی کردن واجب است؛ یعنی نحر شتر یا ذبح گاو و یا گوسفند، و قربانی اگر شتر باشد بهتر است و پس از آن گاو بهتر است و غیر از سه حیوان نامبرده، سایر حیوانات

۱. همان.

کافی نیست؛ و ذبح گاومیش در ذبح واجب کفایت می‌کند، لیکن مکروه است.

«مسئله ۳۹۲» قربانی کردن هم مانند سایر اعمال حج، از عبادات است و باید به قصد قربت و با نیت خالص و بدون ریا انجام شود.

«مسئله ۳۹۳» یک گوسفند، کمترین چیزی است که برای ذبح کافی است، لیکن هر چه شخص بیشتر ذبح کند، بهتر است و در روایت<sup>۱</sup> آمده است که رسول خدا ﷺ صد شتر همراه آوردند، سی و چهار شتر را برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نحر کردند و شصت و شش شتر را برای خودشان.

«مسئله ۳۹۴» محلّ قربانی کردن در حال اختیار باید در منی باشد و در جای دیگر کفایت نمی‌کند، ولی در صورت عدم امکان ذبح در منی، و در صورت ضرورت، قربانی کردن در مسلخ جدید که امروزه (سنه ۱۴۲۴ قمری) به نام مُعَیَصِم نامیده می‌شود مجزی است. بنابراین، قربانی کردن برای حج در شهرها و بلاد مجزی نیست و کفایت نمی‌کند.

«مسئله ۳۹۵» واجب است قربانی در روز باشد، حتی کسانی که معذور بودند و شب از مشعر کوچ کرده‌اند و رمی جمره عقبه را شبانه انجام داده‌اند، قربانی نمودن در شب حتی از آنها هم مجزی نمی‌باشد، چون ذبح در شب مورد نهی و کراهت است و در امثال این موارد نهی به خود عبادت نخورده

۱. التهذیب، ۴۵۴/۵، حدیث ۱۵۸۸.

که حمل بر اقل ثواباً شود، بلکه نهی به خود ذبح به طور کلی خورده و موجب بطلان عبادت است.

«مسئله ۳۹۶» در حیوان قربانی چند شرط معتبر است:

اول: اگر شتر باشد، سن آن کمتر از پنج سال نباشد و داخل در سال ششم شده باشد، و در گاو و بز، تمام شدن یک سال و دخول در سال دوم کفایت می‌کند، در سن گوسفند هم تمام شدن شش ماه کافی است؛  
دوم: باید سالم باشد و حیوان به هیچ نحو مریض نباشد و ذبح حیوان مریض کافی نیست، حتی اگر آن بیماری مثل کچلی باشد، بنا بر احتیاط؛

سوم: حیوان باید خیلی پیر نباشد؛

چهارم: باید تام‌الاجزا باشد و نقص نداشته باشد. پس اگر لنگ یا کور یا گوش بریده یا دم بریده باشد، یا اگر شاخ داخلی آن بریده یا شکسته باشد، کافی نیست. همچنین احتیاط واجب آن است که چشمش سفید نشده باشد؛ پنجم: در اصل خلقت بی بیضه نباشد و خصی (أخته) هم نباشد و بنا بر احتیاط واجب، بیضتین حیوان هم تاییده نشده باشد، و بنا بر احتیاط، بیضه آن را نکوبیده باشند، گرچه اقوی کفایت است؛

ششم: باید لاغر نباشد، و اگر در گرده او پیه باشد، کافی است؛ و احتیاط آن است که آن را در عرف، لاغر نگویند؛

هفتم: بنا بر احتیاط واجب، قربانی در اصل خلقت بی دم نباشد و اگر گوش یا شاخ در خلقت اصلی نداشته باشد، کفایت بعید نیست، و اگر شاخ

خارجی<sup>۱</sup> او شکسته باشد یا بریده شده باشد، اشکال ندارد.

«مسئله ۳۹۷» احتیاط مستحب آن است که ذبح را از روز عید تأخیر نیندازد، ولی اگر بدون عذر و عمدأ و یا به واسطه عذری مثل فراموشی یا ندانستن مسئله و یا پیدا نشدن حیوان، در روز عید ذبح نکرد، احتیاط واجب آن است که در ایام «تشریق» (روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه) ذبح کند و از آن تأخیر نیندازد، و اگر نتوانست در بقیه ماه ذی‌حجه قربانی کند و گناهی هم ظاهراً محقق نشده است.

«مسئله ۳۹۸» لازم نیست ذابح مؤمن باشد، نه در قربانی و نه در کفارات، بلکه همان مسلمان بودن، کافی است.

«مسئله ۳۹۹» لازم نیست خود انسان ذبح کند و جایز است شخص در قربانی به دیگری نیابت بدهد و خودشان حیوان را ذبح نکنند و چون امروزه بانوان را به قربانگاه راه نمی‌دهند به ناچار باید برای ذبح به دیگران نیابت بدهند و نیت را نایب در موقع ذبح بکند، و اقوی آن است که خود شخص هم اگر حاضر باشد نیت بکند.

### روزه بَدَلِ قِربَانِی

«مسئله ۴۰۰» کسی که قادر بر ذبح نباشد (نه قربانی داشته باشد و نه پول آن را)، باید سه روز در حج، قبل از خروج از مکه، و هفت روز پس از حج

۱. شاخ خارجی، شاخ سخت سیاهی است که به منزله غلاف است برای شاخ داخلی که سفید است.



و در مراجعت به وطن، روزه بگیرد، ولی می تواند در روز عید، تقصیر نماید.

«مسئله ۴۰۱» این سه روز روزه را باید در ماه ذی الحجّه بگیرد و باید بعد از احرام به عمره تمتع باشد و قبل از آن نمی تواند، و احتیاط مستحب آن است که هفتم و هشتم و نهم ذی الحجّه را اختیار کند و این سه روز پی در پی باشد، و جایز نیست در ایام تشریق در منی روزه بگیرد، زیرا در ایام تشریق در منی، روزه برای همه حرام است، چه حج به جا بیاورند یا نه.

«مسئله ۴۰۲» اگر بدون مشقت می تواند از کسی پول قرض بگیرد و چیزی دارد که با فروختن آن قرض را ادا کند، باید قرض بگیرد و قربانی کند.

### مسائل متفرقه قربانی

«مسئله ۴۰۳» کسی که اجیر دیگری است، در حج می تواند برای قربانی کردن، شخص ثالثی را وکیل کند و وکیل مزبور به قصد حجی که موکلش از طرف موکل خود انجام می دهد، نیت قربانی می نماید.

«مسئله ۴۰۴» خروج از احرام نسبت به غیر از بوی خوش و زن ظاهراً به بیش از رمی و تقصیر منوط نمی باشد، نتیجتاً مُحرم با انجام رمی و تقصیر از همه محرمات احرام - بجز بوی خوش و همسر - خارج می شود.

«مسئله ۴۰۵» در شرایط قربانی، آنچه تحقیق در آن لازم است سنّ حیوان است که اطمینان در آن لازم است، گرچه از قول فروشنده اطمینان پیدا

شود و اگر فروشنده اهل خیره باشد و از سنّ هدی خبر داد، می‌توان به قول او اعتماد کرد، اما در شرایطی که مربوط به نقص عارض بر حیوان بعد از تمام بودن آن باشد، مثل خصی نبودن یا معیوب نبودن، در اینها فحص لازم نیست.

«مسئله ۴۰۶» اگر کسی با اعتقاد به اینکه گوشت قربانی تلف می‌شود و تزییع مال است، قربانی نکرد و با همین کیفیت تقصیر کرد و سایر اعمال حج را انجام داد، اگر جاهل بوده و فکر می‌کرده عملش صحیح است، در این صورت اعمال و حجّ او صحیح است و از احرام خارج شده، ولی قربانی بر ذمّه او باقی است. و اما اگر عمداً و برای اعتبارات و افکار خودش قربانی ننمود و بعد هم تدارک نکرد علاوه بر معصیت، صحت حجّش هم محل اشکال است.

«مسئله ۴۰۷» پول قربانی باید از مال حلال باشد، پس، اگر قربانی را از پولی که خمس آن را نداده بخرد، کافی نیست.

### مستحبات قربانی

«مسئله ۴۰۸» مستحبات قربانی چند چیز است:

۱. در صورت تمکن، قربانی شتر باشد، و در صورت عدم تمکن، گاو، و در صورت عدم تمکن آن، گوسفند باشد؛<sup>۱</sup>
۲. قربانی بسیار فربه و چاق باشد؛<sup>۲</sup>

۱. التهذیب، ۲۰۴/۵، ۶۷۹.

۲. همان، ۲۰۵/۵، ۶۸۶.

۳. اگر قربانی شتر یا گاو است ماده باشد، و اگر گوسفند یا بز است، نر باشد؛

### سوّم: تقصیر

«مسئله ۴۰۹» پس از قربانی بانوان باید تقصیر کنند یعنی مقداری از ناخن یا موی سر خود را بچینند. و بهتر آن است که اکتفا به زدن ناخن تنها نکند بلکه مقداری از سوی سر را هم بزند که موافق احتیاط است. برای زنها تنها تقصیر واجب و متعین است و تراشیدن سر برای آنها نه تنها کافی نیست، بلکه حرام هم می‌باشد.

### زمان تقصیر

«مسئله ۴۱۰» احتیاط آن است که تقصیر در روز عید باشد، اگر چه جواز در تأخیر آن تا آخر ایام تشریق<sup>۱</sup> بعید نیست، بلکه تا ایامی که صحیح است غیر اعمال منی از اعمال حج به جا آورده شود.

### مکان تقصیر

«مسئله ۴۱۱» محلّ تقصیر نمودن، منی است، و جایز نیست در حال اختیار آن را در جای دیگر انجام دهد.

«مسئله ۴۱۲» اگر کسی به علّت فراموشی و یا ندانستن مسئله و یا از باب

۱. ایام تشریق، روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذیحجه می‌باشد.

غفلت و یا حتی با عمد و علم تقصیر نمود و از منی خارج شد و یا به وطن برگشت، در صورت امکان باید به منی مراجعت کند و در آنجا تقصیر کند، و اگر نمی‌تواند برگردد در محلّ خودش تقصیر نماید و بنا بر احتیاط واجب موی خود را به منی بفرستد.

«مسئله ۴۱۳» بعد از آنکه مُحرم تقصیر کرد و رمی جمره عقبه را انجام داد، گرچه هنوز قربانی نکرده باشد تمام چیزهایی که به واسطه احرام حج بر او حرام شده بود، حلال می‌شود، مگر همسر و بوی خوش. و اما صید از دو جهت حرمت دارد: اول، در حرم صید جایز نیست، نه برای مُحرم و نه برای غیر مُحرم و این حرمت باقی است؛ دوم، بر مُحرم نیز صید جایز نیست، چه در حرم باشد یا در غیر حرم.

«مسئله ۴۱۴» انجام تقصیر در شب هم صحیح است و کفایت می‌کند.

«مسئله ۴۱۵» شخص نمی‌تواند قبل از اینکه خودش تقصیر کند از دیگری تقصیر کند، بنابراین، ازاله موی دیگری قبل از خارج شدن از احرام جایز نیست، ولو برای تقصیر، و در هر صورت اگر دیگری او را تقصیر کند، کفایت می‌کند، اگرچه خودش از احرام خارج نشده باشد.

## فصل چهارم اعمال مکه معظمه

«مسئله ۴۱۶» بر حاجی واجب است بعد از تمام شدن اعمال واجب در منی برای انجام اعمالی که در مکه واجب است، به مکه مراجعت کند اما چون وقت این اعمال تا پایان ماه ذی الحجّه ادامه دارد می تواند در منی بماند برای بقیه اعمالی که در منی انجام می شود و بعد از ظهر روز دوازدهم از منی خارج شود و برای بقیه اعمال به مکه بیاید و آنها را به جا آورد که اعمال مکه عبارت اند از:

اوّل. طواف حج؛

دوم. نماز طواف؛

سوم. سعی بین صفا و مروه؛

چهارم. طواف نساء؛

پنجم. نماز طواف نساء.

«مسئله ۴۱۷» طواف حج و نماز آن و سعی، از نظر کیفیت و واجبات و

شرایط و احکام، مانند طواف و نماز و سعی عمره است، بدون هیچ تفاوتی، مگر در نیت، که در آنجا نیت عمره تمتع می‌کرد و در اینجا باید به نیت حج تمتع اعمال را به جا آورد.

﴿مسئله ۴۱۸﴾ شخص تا زمانی که اعمال مکه را انجام نداده، باید از همسر و بوی خوش اجتناب کند.

### الف - تقدیم اعمال مکه

﴿مسئله ۴۱۹﴾ جایز نیست کسی اعمال مکه را در حال اختیار قبل از وقوف در عرفات به جا آورد، ولی برای چند گروه جایز است که طواف حج و نماز و سعی و طواف نساء و نماز آن را بعد از آنکه محرم به احرام حج شدند، و قبل از رفتن به عرفات به جا آورند و عمل آنها مجزی است: اول: زنهایی که ترس آن را دارند که در برگشتن از منی حائض یا نفساء شوند و پاک نشوند و نتوانند در مکه بمانند تا پاک شوند.

دوم: پیرزنهایی که از طواف در موقع مراجعت از منی به علت زیادی جمعیت عاجز باشند یا از برگشتن به مکه عاجز باشند. سوم: اشخاص بیماری که بترسند پس از برگشتن به مکه، به علت زیاد بودن جمعیت نتوانند طواف کنند.

چهارم: کسانی که می‌دانند تا آخر ماه ذی‌الحجه، به جهتی برای آنها طواف و سعی ممکن نمی‌شود.

﴿مسئله ۴۲۰﴾ کسانی که به واسطه عذری، مثل پیری و یا ترس از حیض

شدن، اعمال مکه را مقدم داشته‌اند، بوی خوش و همسر بر آنها حلال نمی‌شود و این محرمات، بعد از تقصیر و رمی جمره بر آنان حلال خواهد شد. ﴿مسئله ۴۲۱﴾ شخص مُحرمی که به واسطه احرام حج چیزهایی بر او حرام شده، «که قبلاً به تفصیل ذکر شد»، در سه وقت و بعد از سه عمل بتدریج آنها بر او حلال می‌شود:

اول: بعد از رمی جمره عقبه و تقصیر کردن در منی، همه محرمات بر او حلال می‌شود هر چند قربانی نکرده باشد، بجز بوی خوش و همسر، چنانچه قبلاً ذکر شد.

دوم: بعد از به جا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه به تفصیلی که گذشت، بوی خوش بر او حلال می‌شود، ولی کامجوییهای جنسی از همسر همچنان بر او حرام است.

سوم: بعد از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن، تمام کامجوییها از همسر بر او حلال می‌شود. پس، بعد از این سه عمل، همه چیزهایی که با احرام بر شخص حرام شده بود حلال می‌شود؛ ولی صید کردن در حرم، بر همه اشخاص حرام است، هر چند محرم نباشند و صید در خارج حرم، پس از مُحَل شدن مانعی ندارد.

#### ب - مسائل طواف نساء

﴿مسئله ۴۲۲﴾ طواف نساء و نماز آن، در کیفیت و واجبات و شرایط و احکام، مانند طواف حج و نماز آن است، فقط در نیت تفاوت دارد، که باید

نیت طواف نساء کند.

«مسئله ۴۲۳» طواف نساء اختصاص به مرد ندارد، بلکه بر زن و خنثا و بچه ممیز، واجب است؛ و اگر زنی طواف نساء را به جا نیاورد، تمام انواع تلذذ و تمتع از مرد بر او حرام است.

«مسئله ۴۲۴» طفل غیر ممیز، اگر ولی او، او را محرم کند، باید او را طواف نساء بدهد، تا بعد از بالغ شدن، همسر بر او حلال شود، و نیت کند که طفلس طواف می کند قربةً الى الله.

«مسئله ۴۲۵» طواف نساء و نماز آن، اگر چه واجب است و بدون آن همسر حلال نمی شود، لیکن از ارکان حج نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی شود، بلکه واجب است بر کسی که حج یا عمره مفرده به جا آورده، آن را نیز به جا آورد، و اگر به جا نیاورد، همسر بر او حلال نمی شود.

«مسئله ۴۲۶» اگر کسی طواف نساء و نماز آن را سهواً به جا نیاورد تا اینکه به وطن برگردد، پس، اگر می تواند باید خودش برگردد و به جا آورد، و اگر نمی تواند یا برایش مشقت دارد، نایب بگیرد و پس از به جا آوردن طواف نساء و نماز آن به وسیله نایب، همسر به او حلال می شود.

«مسئله ۴۲۷» نایب در طواف نساء مانند بقیه اعمال بقصد منوب عنه آن را به جا آورد.



## فصل پنجم اعمال منی در ایام تشریق

(یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجّه)

### الف - بیتوته در منی

یکی دیگر از واجبات حج، بیتوته در منی، «یعنی ماندن شب یازدهم و دوازدهم در منی» می‌باشد و همچنین در روز رمی جمرات سه گانه است. «مسئله ۴۲۸» بیتوته شب در منی نسبت به نیمه اول یا نیمه دوم شب واجب تخییری است بنابراین اگر کسی نیمه دوم را در منی بیتوته کند مجزی است.

«مسئله ۴۲۹» اگر کسی در شب یازدهم و دوازدهم که باید در منی باشد در غیر منی از روی علم و عمد به مسئله بیتوته نماید و در آنجا بماند، باید برای هر شب یک گوسفند به عنوان کفاره بدهد و در ضمن معصیت هم نموده است، و در این حکم جاهل مقصر حکم عامد را دارد، و اما اگر مسئله

را نمی‌دانسته و جاهل قاصر باشد فدیة واجب نیست.

«مسئله ۴۳۰» بنا بر احتیاط واجب، نیمه شب را از اول غروب آفتاب تا طلوع فجر باید محاسبه نمود.

«مسئله ۴۳۱» لازم نیست در منی بیدار بماند، بلکه جایز است پس از نیت و قصد قربت در آنجا بخوابد.

«مسئله ۴۳۲» بر چند طایفه واجب است در شب سیزدهم نیز تا نصف شب در منی بماند:

اول: کسی که در حال احرام «چه احرام عمره و چه احرام حج» شکار کرده است؛ و احتیاط واجب آن است که اگر شکار را گرفته ولی نکشته باشد، شب سیزدهم را نیز بماند، ولی بر کسی که شکار نکرده، اما گوشت شکار را خورده یا شکار را به شکارچی نشان داده، واجب نیست در شب سیزدهم در منی بماند.

دوم: کسی که در حال احرام «چه عمره و چه حج» با همسر خود نزدیکی کرده باشد. ولی اگر غیر از جماع، کارهای دیگری مثل بوسیدن و لمس کردن و غیر اینها انجام داده، واجب نیست شب سیزدهم را در منی بیتوته کند.

سوم: کسی که روز دوازدهم در منی مانده و از آنجا خارج نشده و غروب شب سیزدهم را در منی درک کند. هر چند در حال کوچ کردن بوده ولی نتوانسته از منی خارج شود.

«مسئله ۴۳۳» اگر بیتوته در منی را بدون عذر ترک کرد، باید برای هر

شب یک گوسفند کفاره بدهد.

«مسئله ۴۳۴» کسانی که روز دوازدهم از منی کوچ می‌کنند، واجب است که بعد از ظهر از منی خارج شوند و کوچ کنند و بیرون رفتن از منی پیش از ظهر ولو آنکه سنگهایش را هم زده باشند، برایشان حرام است، پس زنها هم مثل مردان باید بعد از ظهر کوچ نمایند؛ ولی کسانی که در روز سیزدهم از منی خارج می‌شوند، مختارند هر وقت که بخواهند کوچ کنند.

«مسئله ۴۳۵» اگر کسی به علت عذر شرعی رمی جمرات را در شب دوازدهم انجام دهد، بنا بر احتیاط واجب، پیش از ظهر روز دوازدهم کوچ نکند، و اگر شب دوازدهم بعد از نصف شب بخاطر عذر و یا آوردن اعمال مکّه از منی خارج شد، لازم نیست برای رمی قبل از ظهر به منی بیاید، بلکه می‌تواند روز دوازدهم برای رمی به منی برگردد، گرچه بعد از ظهر هم باشد، ولی اگر قبل از ظهر بیاید، باید بعد از ظهر بیرون برود و نمی‌تواند قبل از ظهر کوچ کند.

#### ب - رمی جمرات سه‌گانه در منی

«مسئله ۴۳۶» شبهایی که واجب است شخص در منی بیتوته کند، در همان روزها باید جمرات سه‌گانه (جمره اولی، جمره وسطی، جمره عقبه) را به ترتیب رمی کند و به هر کدام هفت ریگ بزند، ولی اگر عمداً همه آنها را ترک کند، به حج او ضرر نمی‌رساند و صحیح است، گرچه در صورت عمد معصیت کرده است.

﴿مسئله ۴۳۷﴾ تعداد سنگی که محرم باید بزند، برای هر یک از جمرات در هر روز هفت سنگ است، و کیفیت انداختن و شرایط و واجبات و احکام، آداب و موارد نایب گرفتن، به همان نحو است که سابقاً در رمی جمره عقبه در روز عید، گفته شد. که باید همه آنها به جمرات بخورد «یعنی به همان علامتهای معینه».

### ۱- وقت رمی

﴿مسئله ۴۳۸﴾ وقت انداختن سنگها، از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روز یازدهم و دوازدهم، (و سیزدهم برای کسی که شب سیزدهم در منی بوده است) می باشد.

﴿مسئله ۴۳۹﴾ در شب برای افراد غیر معذور رمی جایز نیست.

﴿مسئله ۴۴۰﴾ رمی بین اذان صبح و طلوع آفتاب برای افراد غیر معذور جایز نیست.

﴿مسئله ۴۴۱﴾ کسی که وظیفه اش، رمی در روز است، اگر عذری داشته باشد مانند کسی که بیمار یا علیل باشد یا کسی که از شلوغی جمعیت ترس داشته باشد، جایز است شب آن روز یا شب بعد رمی کند.

﴿س ۴۴۲﴾ آیا زنها می توانند شب دهم، بعد از نیمه شب از مشعر به منی بروند و همان شب به جمره عقبه بروند و رمی کنند و بعد به خیمه برگردند و نزدیک غروب روز یازدهم، مجدداً به جمرات بروند، تا در شب دوازدهم، با توجه به ازدحام و خطرهای احتمالی، هم رمی روز یازدهم و هم رمی روز

## دوازدهم را انجام دهند؟

ج - برای زنها، رمی جمره عقبه پس از وقوف در مشعر و آمدن به منی در همان شب عید قربان مانعی ندارد، ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است، که از رمی در روز از صبح تا غروب (ولو در زمانهای خلوت) معذور باشند و خطر ازدحام برای بعضی افراد عذر است.

﴿مسئله ۴۴۳﴾ رمی جمرات سه گانه باید به ترتیب واقع شود و اگر کسی رمی را به ترتیبی که گفته شد به جا نیاورد، هر چند از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، باید دوباره آنچه را که بر خلاف ترتیب به جا آورده، به ترتیبی که قبلاً ذکر کردیم به جا آورد؛ مثلاً اگر اول جمره وسطی و بعد جمره اولی را رمی کرده است، همین مقدار، کفایت می کند که جمره وسطی را دوباره رمی کند و بعد جمره عقبه را، و اعاده جمره اولی لازم نیست.

## ۲ - قضای رمی جمرات

﴿مسئله ۴۴۴﴾ اگر کسی رمی یکی از روزها را فراموش کند، واجب است روز بعد آن را قضا کند، و اگر دو روز را فراموش کرد، باید در روز بعد هر دو را قضا کند، و همچنین است اگر از روی عمد ترک کرده باشد.

﴿مسئله ۴۴۵﴾ واجب است قضا را برابر ادا مقدم بدارد. پس در روز یازدهم، اگر بخواهد قضای جمره عقبه روز عید را به جا بیاورد، اول باید قضای آن را به جا آورد و بعد رمی روز یازدهم را که اداست انجام دهد.

﴿س ۴۴۶﴾ کسی که نتوانسته قربانی کند، و یا تقصیر نیز ننموده است، آیا می‌تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد؟  
 ج - مانعی ندارد، چون تقدم و جلو تر آوردن اعمال روز عید از رمی و تقصیر و قربانی، دخالتی در وجوب و صحّت رمی جمرات ثلاثه در روز یازدهم نداشته و ندارد.

### ج - مستحبات منی در ایام تشریق

﴿مسئله ۴۴۷﴾ در ایام تشریق در منی چند چیز مستحب است:

۱. مستحب است که در منی بماند، و حتی جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود؛<sup>۱</sup> ولی برای طواف و سعی واجب اشکال ندارد، بلکه مستحب است که در روز عید به جا آورد.

۲. مستحب است در منی بعد از به جای آوردن پانزده نماز، که اولین آنها نماز ظهر روز عید است، و در غیر منی بعد از گزاردن ده نماز، تکبیرهایی که وارد شده بگوید؛<sup>۲</sup> و بهتر است بدین کیفیت بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أُنَانَا».<sup>۳</sup>

۱. الفقيه، ۲/۲۸۷/۱۴۱۳.

۲. الکافی، ۴/۵۱۶/۱.

۳. وسائل الشیعة، ۷/۴۵۹، أبواب صلاة العید، باب ۴/۲۱.

۳. مستحب است مادامی که شخص در منی اقامت دارد، نمازهای واجب و مستحب خود را در مسجد خَیْف (ولو مسجد خیف جدید) به جا آورد و مسجد خیف، مهم ترین مسجد منی است و خیف به محلی گویند که از کوهستانی بودن آن کاسته شده و به صورت دشت در آمده باشد (جای فروتر از درشتی کوه و بلندتر از مسیل آب)، و بر اساس برخی روایات، مسجد خیف شاهد خطبه مهم رسول خدا ﷺ در حجّة الوداع بوده. در حدیث وارد شده که هزار پیامبر در آن مسجد نماز خوانده‌اند و پیامبر اکرم ﷺ هم در آن مسجد نماز خوانده است و زائران محترم در صورت امکان از عبادت در آن مکان مقدّس غفلت نوزند. همچنین در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است، و هر کس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر با ثواب بنده آزاد کردن است، و هر کس در آنجا صد مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد، و هر کس در آنجا صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین، که در راه خدا صدقه داده شود.<sup>۱</sup>

۱. همان، ۲۷۰/۱۴، أبواب العود الی منی، باب ۸ و أبواب احکام المساجد، باب ۵۱.

## فصل ششم

### احکام مصادود و محصور و مسائل متفرقه

﴿مسئله ۴۴۸﴾ «مصادود»، به کسی گفته می‌شود که دشمن او را از انجام عمره یا حج پس از احرام منع کند؛ و «محصور» به کسی گفته می‌شود که به علت بیماری از عمره یا حج پس از احرام باز مانده باشد.

﴿مسئله ۴۴۹﴾ کسی که به احرام عمره یا احرام حج محرم شود، واجب است عمره و حج را تمام کند، و اگر تمام نکند، در بعضی از صور در احرام باقی می‌ماند.

#### الف - احکام مصادود

﴿مسئله ۴۵۰﴾ اگر کسی برای عمره محرم شود، ولی دشمن یا کسی دیگر از قبیل عمال دولت یا غیر آنها او را از رفتن به مکه منع کنند، و راه دیگری جز آن راه نباشد، یا اگر باشد مخارج آن را نداشته باشد، می‌تواند در همان محلی که منع شده یک شتر یا یک گاو یا یک گوسفند



قربانی کند، و بنا بر احتیاط واجب تقصیر کند، یعنی مقداری از مو یا ناخن خود را بگیرد؛ و در این صورت همه محرمات احرام حتی همسر بر او حلال می شود.

«مسئله ۴۵۱» اگر کسی به احرام عمره وارد مکه معظمه شد و پس از ورود، او را به ناحق بازداشت کردند یا از به جا آوردن اعمال عمره منع کردند، در این صورت به وظیفه مصدود عمل کند، یعنی همان جا قربانی و تقصیر کند، بلکه بعید نیست که اگر از طواف یا سعی نیز او را منع کنند، همین حکم را داشته باشد.

«مسئله ۴۵۲» تحقق مصدود بودن در حج به این است که شخص به هیچ یک از وقفهای اختیاری و اضطراری در عرفه و مشعر نرسد، همچنین، اگر به عملی که با فوت آن، حج فوت می شود، نرسد مصدود صدق می کند، هر چند از روی علم و عمد نباشد، بلکه ظاهراً مصدود تحقق پیدا می کند به اینکه بعد از وقوفین او را از منی و مکه منع کنند و نتواند نایب بگیرد، بلکه اگر او را از اعمال منی یا اعمال مکه منع کنند، و اطمینان دارد که منع ادامه دارد، در این صورت اگر می تواند، برای اعمال منی و مکه نایب بگیرد. آری، در صورتی که تمام اعمال را به جا آورد و او را از برگشتن به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق منع کنند، مصدود بودن تحقق پیدا نمی کند و حج او صحیح است، و برای اعمال در این سال باید نایب بگیرد و اگر امکان نداشت، برای سال دیگر نایب بگیرد.

## ب - احکام محصور

«مسئله ۴۵۳» کسی که به احرام عمره محرم شود و به واسطه بیماری نتواند به مکه برود و یا قدرت بر اتمام عمل از او سلب شود، اگر بخواهد محلّ شود، باید با این قصد، یک قربانی دهد، و بنا بر اقوی قربانی یا پول آن را به وسیله شخص مورد اعتماد به مکه بفرستد و با او قرار بگذارد که در روز خاصی و ساعت معینی به نیابت از او آن را در مکه ذبح کند، و وقتی که روز و ساعت موعود رسید، تقصیر کند. پس از آن، هر چه بر او حرام شده بود حلال می شود، بجز همسر در غیر عمره تمتع.

«مسئله ۴۵۴» کسی که برای حج احرام ببندد، ولی به واسطه بیماری نتواند به عرفات و مشعر برود، باید قربانی کند، و بنا بر اقوی باید قربانی یا پول آن را به وسیله فرد امینی به منی بفرستد تا در آنجا ذبح کند و با او قرار بگذارد، که روز عید ذبح شود و در آن وقت تقصیر کند. پس هر چه بر او حرام شده بود حلال می شود، «مگر همسر».

«مسئله ۴۵۵» تحقّق محصور بودن، مثل تحقّق مصدود بودن است که گذشت.

«س ۴۵۶» اگر کسی پس از انجام اعمال عمره تمتع و خارج شدن از احرام آن، محصور شود و نتواند برای حج مُحرم شود، آیا حج از او ساقط است یا نه؟ وظیفه او چیست؟

ج - از احرام خارج شده است، ولی کفایت از حج نمی کند، و چنانچه سال اول استطاعت او باشد، حج بر او واجب نشده است.

﴿س ۴۵۷﴾ اگر شخصی بعد از آنکه برای حج مُحرَم شده، دچار سکنه قلبی شود، به گونه‌ای که هر نوع حرکت برای او ضرر داشته باشد، وظیفه او چیست؟

ج - اگر نمی‌تواند وقوفین را درک کند، حکم محصور را پیدا می‌کند، و چنانچه وقوفین را درک کرده، نسبت به بقیه اعمال، تفصیل بین امکان استنابه و عدم آن است، که در کتب مفصله ذکر شده.

﴿س ۴۵۸﴾ شخصی در مدینه مصدوم می‌شود، او را به مسجد شجره می‌آورند و مُحرَم می‌کنند، آیا احرام او صحیح است و وظیفه بعدی او چیست؟ اگر نتواند اعمال حج را انجام دهد، تکلیف او چیست؟

ج - احرام او صحیح است و اگر می‌تواند که عمره و حج را انجام دهد، ولو با استنابه در طواف و سعی، حج او صحیح است؛ و اگر نمی‌تواند حج به جا آورد، احوط آن است که وظیفه محصور را انجام دهد و با احرام مزبور عمره مفرده هم انجام دهد.

#### ج - مسائل متفرقه

﴿مسئله ۴۵۹﴾ اقامه نماز جماعت در مسجد الحرام و مسجد النبی به حکم تقیه مداراتی مجزی است و باید سعی شود وحدت مسلمین و عظمت نماز جماعت حفظ شود، و در هنگام اقامه نماز بانوان از مسجدین خارج نشوند تا سب انگشت نماگشتن و وهن مذهب نگردد.

«مسئله ۴۶۰» در مسجدالنبی سجده روی فرشهای مسجد، به حکم تقیئه مداراتی مجزی است و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخوانند، و یا حصیر و مانند آن همراه خود ببرند، هر چند همراه داشتن آن و یا سجده بر سنگها، اگر به گونه‌ای باشد که خلاف متعارف بین مسلمین نباشد و موجب وهن نگردد، مانعی ندارد و جایز است.

«مسئله ۴۶۱» در مکه و مدینه و در محل اقامت (هتلها و مسافرخانه‌ها)، نباید نماز را به جماعت بخوانند و در جماعت سایر مسلمین شرکت کنند و نماز را به جماعت بخوانند.

«مسئله ۴۶۲» تخییر بین قصر و اتمام در تمام شهر مکه و مدینه جاری است و اختصاص به مسجدالحرام و مسجدالنبی ندارد.

«س ۴۶۳» کسی که نماز را در مسجدالحرام به نحو استداره خوانده است، به طوری که رو در روی امام جماعت و یا در طرفین او ایستاده بوده است، آیا این نماز احتیاج به اعاده دارد؟

ج - اعاده ندارد و مجزی است.

«س ۴۶۴» کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مسجدالحرام یا مسجدالنبی یا مساجد دیگر می‌شوند و نماز مغرب خود را با جماعت می‌خوانند، آیا جایز است بلافاصله بعد از نماز جماعت، نماز عشاء را به صورت فرادی بخوانند یا نه؟

ج - مانعی ندارد، چون آنچه در نماز عشاء معتبر است وقوعش بعد از نماز مغرب صحیح می‌باشد، و نماز مغرب با جماعت آنها (قطع

نظر از مبنای این جانب که مغرب همان غروب آفتاب است) صحیح و مجزی است، چون ترتیب معتبر رعایت شده.

﴿س ۴۶۵﴾ در نماز جماعتِ مسجدالحرام که امام جماعت مقابل در کعبه، یا کنار مقام ابراهیم به نماز می ایستد و چند صف دور کعبه تشکیل شده و بقیه داخل شبستانها هستند و اتصال صفوف برقرار نیست، آیا شیعیان باید اتصال صفوف را مراعات کنند و یا همان مقداری که آنان نماز را صحیح می دانند کافی است، مخصوصاً این که امکان اتصال نماز بانوان وجود ندارد؟

ج - به همان نحو که آنها نماز می خوانند و صحیح می دانند نماز بخواند، و کفایت می کند.

﴿س ۴۶۶﴾ جواز اقتداء به اهل سنت، اختصاص به نماز ادا دارد یا نماز قضا را نیز می توان اقتدا کرد؟

ج - تفاوتی نمی کند نماز قضا را هم می شود با آنها خواند.

﴿س ۴۶۷﴾ گاهی اوقات امام جماعت اهل سنت در نماز صبح روز جمعه یا روزهای دیگر آیات سوره های سجده دار را می خواند و نماز گزاران در اثنای قرائت مانند اهل سنت به سجده می روند و بر می خیزند، در این صورت تکلیف چیست؟ و نیز اگر اشتهاها و بخیال اینکه امام جماعت به رکوع رفته رکوع نماید و بعد متوجه شود که رکوعش زیاده و امام جماعت در آن وقت به سجده رفته بوده تکلیف نمازش چیست؟

ج - با توجه به اینکه زیادی یک سجده از راه جهل به مسأله (که

ظاهراً هم همان مورد سؤال است) و یا از راه تبعیت، مضرّ به صحّت و درست بودن نماز نمی‌باشد، نمازش صحیح است و اعاده و قضا ندارد. آری زیاده دو سجده در یک رکعت موجب بطلان می‌باشد. و ناگفته نماند که حکم اولی شنیدن آیه سجده با قطع نظر از مسأله متابعت در صورت استماع باید ایماً سجده کند و بعد از نماز، سجده را اعاده نماید، و زیادی رکوع در فرض سؤال مضرّ به نماز نمی‌باشد و نماز وی صحیح است.

﴿س ۴۶۸﴾ کسی که قادر بر سجده معمول نیست، و در مسجد الحرام و مسجد النبی نماز می‌خواند. با توجه به این که نمی‌تواند مهر یا چیز دیگری به پیشانی بگذارد، چگونه باید سجده کند؟  
ج - بر این گونه افراد اشاره کافی است.

﴿مسئله ۴۶۹﴾ سجده نمودن بر تمام اقسام سنگها، چه سنگ مرمر باشد یا سنگهای سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک، و برگچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن هم جایز است؛ همچنین سنگهایی از این قبیل که در مسجد الحرام و مسجد النبی است، سجده بر آنها اشکال ندارد.

﴿مسئله ۴۷۰﴾ اگر شخص در حرم چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد، بلکه احتیاط در برداشتن آن است.

﴿مسئله ۴۷۱﴾ اگر لقطه حرم را بردارد و یک درهم یا بیشتر ارزش داشته باشد، باید یک سال آن را تعریف کند و در پی یافتن صاحبش باشد، اگر بعد از یک سال صاحبش را پیدا نکرد، مخیر است بین دو امر،

اول: آن را برای صاحبش حفظ کند؛ در این صورت اگر در نگاهداری آن کوتاهی نکرد، در صورت تلف شدن، ضامن نیست؛

دوم: آنکه برای صاحبش صدقه بدهد. لیکن اگر صاحبش پیدا شد و راضی به صدقه نشد، باید عوضش را به او بدهد، و جایز نیست آن را تملک کند، و اگر تملک کند مالک آن نمی‌شود و ضامن هم هست.

﴿س ۴۷۲﴾ زنان حائض و افراد جنب نمی‌توانند از حدود توسعه یافته مسجدالحرام و مسجدالنبی عبور کنند.

﴿س ۴۷۳﴾ شخصی مقلد هیچ یک از مراجع نبوده است، فعلاً می‌خواهد تقلید کند و سابقاً هم به مکه مشرف شده، آیا عبادت‌های او مثل نماز و روزه و حجّش صحیح است یا نه؟

ج - اگر اعمالش مطابق فتوای کسی که باید از او تقلید کند، بوده باشد، صحیح است.

﴿مسئله ۴۷۴﴾ برداشتن قرآن از مسجدالحرام و مسجدالنبی که وقف آن مساجد است، جایز نیست.

﴿مسئله ۴۷۵﴾ برداشتن مقداری سنگ از کوه صفا و مروه ولو فوق العاده هم کم باشد، جایز نیست و آن دو کوه را خداوند جزء شعائر قرار داده، پس هرگونه تصرّفی در آنها (غیر از اعمال عبادی و نشستن و تکیه دادن به آنها که معمول و مرسوم بوده و ضرری هم به آنها نمی‌زند)، حرام می‌باشد و برداشتن سنگ از تصرّف‌های حرام است.

﴿مسئله ۴۷۶﴾ چون ازاله عین نجاست از امثال سنگ و اجسام صیقلی از

مطهرات است، بنابراین، تطهیر در مثل مسجدالحرام که سنگ فرش است با فرض یقین به نجس شدن آن، با وضع فعلی که با ریختن مختصر مایع، عین نجاست را زائل می‌نمایند، بعد از آنکه خشک شد و رطوبت مسریه‌اش از بین رفت، محکوم به طهارت است و پاک می‌باشد. کما اینکه اگر قبل از ریختن مایع عین نجاست زائل شده باشد، به محض زوال محکوم به طهارت است.

﴿س ۴۷۷﴾ فاصله بین مکه و عرفات که قبلاً چهار فرسخ بوده امروزه با توجه به توسعه مکه و اتصال شهر به منی، کمتر از مسافت شرعی است در این صورت، کسی که قصد اقامه ده روز در مکه را نموده و سپس به عرفات و مشعر و منی می‌رود و چهار شب یا بیشتر در آنجا بیتوته می‌کند نماز او در عرفات و مشعر و منی و پس از مراجعت به مکه قصر است یا تمام؟

ج - در صورتیکه شخصی بعد از قصد و اقامت ده روز به عرفات برود و یا اینکه قصد اقامت ده روز در مکه نمود و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از اقامت در مکه منصرف شد و به عرفات رفت نمازهای او در عرفات و مشعر و منی و در رفتن و برگشتن تمام است.

﴿س ۴۷۸﴾ در مواردی که فرموده‌اید: اگر برای شخص مشقت یا حرج داشته باشد...، بفرمایید منظور از مشقت و حرج شخصی است یا نوعی؟

ج - باید خصوص مسئله ملاحظه شود، و اگر حکم، دائر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی آن منظور است.



﴿س ۴۷۹﴾ آیا می‌توان قبل از میقات برای درک فضیلت ماه رجب مُحرم شد؟

ج - اگر کسی که قصد اتیان عمره مفرده در رجب را دارد و می‌داند که اگر در میقات مُحرم شود نمی‌تواند فضیلت عمره رجبیه را درک کند، می‌تواند قبل از میقات محرم شود و عمره او در رجب واقع شده، گرچه اعمال را در ماه شعبان به جا آورد.

﴿س ۴۸۰﴾ وضو گرفتن از وضوخانه‌های مسجدالحرام و مسجد النبی که با نام (دوره المیاه) مشخص شده، در صورتی که قصد خواندن نماز در آن امکان مقدسه را ندارد، چه حکمی دارد؟

ج - مانعی ندارد، گرچه احتیاط در ترک است.

﴿س ۴۸۱﴾ وضو گرفتن از ظرفهایی که مخصوص آشامیدن (در مسجد الحرام یا مسجد النبی) می‌باشد، چه حکمی دارد؟

ج - جایز نیست و صحیح نمی‌باشد، و وضو با آنها باطل است.

﴿س ۴۸۲﴾ آیا استحباب نماز تحیت مسجد، در مسجد الحرام نیز ثابت است؟

ج - تحیت مسجدالحرام همان طور که شهید<sup>۱</sup> فرموده، طواف خانه خدا می‌باشد.

﴿س ۴۸۳﴾ روزه گرفتن حجاج در مدینه مؤثره در حالی که ده روز در

آنجا نمی‌مانند، چه حکمی دارد؟

ج - مسافر می‌تواند برای خواستن حاجت، سه روز در مدینه طیبه روزه بگیرد، و بنا بر احتیاط واجب روزهای چهارشنبه و پنج‌شنبه و جمعه روزه گرفته شود.

«والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً والسلام علی محمد و آله الطیبین واللعن علی أعدائهم أجمعین».

## بخش سوم

# اعمال و آداب مدینه منوره

شامل:

- زیارت رسول خدا ﷺ.
- زیارت ائمهٔ بقیع علیهم السلام.
- زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.
- زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ.
- زیارت فاطمه بنت اسد علیها السلام.
- زیارت حضرت حمزه عموی رسول خدا ﷺ در اُحد.
- زیارت قبور شهدای اُحد - رضوان الله علیهم.
- زیارت جامعهٔ کبیره.
- زیارت امین الله.
- دعای عالیة المضامین.
- دعای شب عرفه.
- دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه.
- دعای کمیل.
- و...

سفید

## اعمال و آداب مدینه منوره

مستحب است شخصی که به عمره مفرده مشرف می شود، برای زیارت حضرت رسول ﷺ و حضرت زهرا علیها السلام و ائمه بقیع علیهم السلام و سایر مشاهد مشرفه، به مدینه منوره<sup>۱</sup> مشرف شود.

---

۱. شهر یثرب که بعد از ورود رسول خدا ﷺ به این شهر مدینه النبی خوانده شد و یکی از شهرهای مهم زیارتی جهان اسلام است و شایسته و سزاوار است که زائران در ایامی که در این شهر اقامت دارند حرمت این مکان را حفظ کنند و رسول خدا فرمود: «المدینه قبة الاسلام، و دارالایمان، و ارض الهجرة، و میوالحلال والحرام؛ مدینه، گنبد اسلام و خانه ایمان و سرزمین هجرت و جایگاه حلال و حرام است». و حضرت علی علیه السلام فرمود: «مکه حرم الله، والمدینه حرم رسول الله؛ مکه حرم خداست و مدینه حرم رسول خدا ﷺ است» و زمانی که رسول خدا ﷺ از مکه بیرون آمد، فرمود: «اللهم كما اخرجتني من اُحَبِّ البقاع إلي فاسكنني في اُحَبِّ البقاع اليك؛ خدایا! همان گونه که از دوست داشتنی ترین سرزمین نزد تو بیرونم آوردی، مرا در سرزمینی که دوست داشتنی ترین سرزمین نزد توست وارد کن». و جای جای مدینه، نشان از آثار رسول خدا ﷺ و ائمه معصوم علیهم السلام و اصحاب و باران رسول خدا و امامان معصوم علیهم السلام می باشد و شایسته است که زائران حرم نبوی حرمت این شهر را حفظ نمایند و با نماز خواندن و دعا و طلب رحمت و مغفرت قدر این نعمت را که در پرتو نور نبوت و ولایت نصیب آنان شده، بدانند و از مساجد و اماکن متبرک مدینه مخصوصاً مسجدالنبی و قبرستان بقیع برای خود توشه ذخیره نمایند و اوقات شریف خود را صرف زیارت و دعا نموده و از هدر دادن این گنج گرانمایه خودداری نمایند.

از حضرت علی علیه السلام نقل شده که: «زیارت بیت‌الله الحرام را به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و زیارت قبوری که خداوند حق آنها و زیارت آنها را بر شما لازم نموده تمام کنید، به زیارت آن حضرت امر شده‌اید و ترک آن جفاست»<sup>۱</sup>.

و از امام صادق علیه السلام نقل شده: «هر یک از شما که حج به جا می‌آورد، پایان حج خود را زیارت ما قرار دهد، که زیارت ما متمم حج است»<sup>۲</sup>.  
 لذا بر زائران محترم است که نسبت به اعمال و زیارات در مدینه منوره غفلت نورزند و وقت خود را به بطلالت نگذرانند، بلکه در این مدت کوتاهی که میهمان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستید، حق میهمانی را خوب ادا کنند و وقت خود را در عبادت و زیارت و دعا و نماز، مخصوصاً در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله صرف نمایند، چون در احادیث آمده است یک نماز در مسجد النبی، معادل است با هزار نماز در سایر مساجد<sup>۳</sup>، و بر حسب روایات دیگر، برابر است با ده هزار نماز<sup>۴</sup>. در روایت آمده است که چهار قصر از قصرهای بهشت در دنیا است: ۱. مسجد الحرام؛ ۲. مسجد النبی؛ ۳. مسجد بیت‌المقدس؛ ۴. مسجد کوفه<sup>۵</sup>. و چه خوب است که زائران محترم تمام نمازهای یومیه و نمازهای دیگر را (نمازهای قضا یا نمازهای مستحبی مثل

۱. وسائل الشیعة ۱۴: ۳۲۴، أبواب المزار، باب ۱۰، ح ۲.

۲. وسائل الشیعة ۱۴: ۳۲۴، أبواب المزار، باب ۲، ح ۷.

۳. وسائل الشیعة ۵: ۲۷۹، أبواب احکام المساجد، باب ۵۷، ح ۱.

۴. الکافی ۴: ۵۵۶، ح ۱۱، و وسائل الشیعة ۵: ۲۷۹، ح ۲.

۵. وسائل الشیعة ۵: ۲۸۲، أبواب احکام المساجد، باب ۵۷، ح ۱۴.

نماز زیارت و نماز خواندن و اهدای ثواب آن به دیگران، در مسجد رسول خدا به جا آورند.

البته شایان یادآوری است همان‌طور که برای مکه مکرمه حرم معینی است - که قبلاً بیان شد - برای مدینه منوره هم در روایات حدّ حرم بیان شده، که بین دو کوه «عائر» و «وعیر» در شرق و غرب مدینه است که این شهر را دربرگرفته، و صید کردن و قطع درخت در این شهر نارواست، هر چند حمل بر کراهت شده است.<sup>۱</sup>

### زیارت رسول خدا ﷺ و کیفیت آن

قبل از نقل زیارت پیامبر اکرم ﷺ و آداب آن، چند روایت به عنوان تبرّک در ثواب زیارت رسول خدا ﷺ بیان می‌شود، تا ان شاء الله با بصیرت کامل به این اعمال پردازیم.

۱. پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «هر کس مرا در حیات من یا پس از مرگ زیارت کند، در روز قیامت در جوار من خواهد بود»؛<sup>۲</sup>
۲. و در حدیث دیگری آمده که رسول خدا ﷺ فرمودند: «هر کس به زیارت من آید، در روز قیامت شفیع او خواهم بود»؛<sup>۳</sup>

۱. الکافی ۴: ۵۶۳، باب تحریم‌المدینه؛ التهذیب ۶: ۱۲، باب ۵، ح ۳؛ وسائل الشیعة ۱۴: ۳۶۲، أبواب‌المزار، باب ۱۷.

۲. التهذیب ۶: باب ۳، ح ۲؛ وسائل الشیعة ۱۴: ۳۳۴، أبواب‌المزار، باب ۳، ح ۵.

۳. الکافی ۴: ۵۴۸، باب زیارة‌النبي ﷺ، ح ۳؛ وسائل الشیعة ۱۴: ۳۳۳، أبواب‌المزار، باب ۳، ح ۲.

۳. امام حسین علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه داشتند: «پدرجان، پاداش کسی که شما را زیارت کند چیست؟»، پیامبر فرمودند: «کسی که مرا در حیات من یا پس از مرگم، یا پدر تو را یا برادر تو را زیارت کند، بر من است که در روز قیامت او را زیارت کنم و از گناهانش او را خلاص نمایم».<sup>۱</sup>

در روایت دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: «هر کس ما را زیارت کند، مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد».<sup>۲</sup>

### آداب زیارت

زیارت، دیدار با روح‌های پاک و الگوهای کمال و آینه‌های حق‌نماست. زائر، که خود را در برابر وجودهای والا و پیشوایان معصومین دیده، با اعتراف به نقص خود و کمال آن اولیا، به فضایل آنان اشاره می‌کند، و درودهای خود را نثارشان می‌نماید، و پیوند خویش را با آنان و با راه و تعالیم و فرهنگشان ابراز می‌دارد.

از این رو نخستین شرط زیارت «ادب» است و ادب هم در سایه معرفت و محبت پدید می‌آید. خود را در محضر رسول الله صلی الله علیه و آله دیدن، و در برابر قبور پاک امامان ایستادن، هم آداب ظاهری دارد، هم آداب باطنی. آنچه در منابع روایی درباره آداب زیارت آمده، بسیار است و در این جا به برخی از آن آداب اشاره می‌کنیم:

۱. الکافی ۴: ۵۴۸، باب زیارة النبی صلی الله علیه و آله، ح ۴؛ التهذیب ۶: ح ۴.

۲. وسائل الشیعة ۱۴: ۳۲۷، أبواب المزار، باب ۲، ح ۱۵.



۱. قبل از ورود به زیارتگاه، غسل کردن و با طهارت بودن و نیز مستحب است خواندن این دعا هنگام غسل زیارت:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ نُورًا وَ طَهْرًا وَ حِزْرًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ

» به نام خدا و به یاری خدا، خداوندا! این غسل را نور، پاکیزگی، حرز و شفای از هر درد، بیماری

وَ آفَةٍ وَ عَاهَةِ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِي وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِي، وَ سَهِّلْ لِي بِهِ أَمْرِي.»

و آفت برایم قرار ده خداوندا با آن قلبم را پاک و سینه‌ام را گشاده و کارم را آسان فرما.

۲. لباسهای پاکیزه پوشیدن و عطر و بوی خوش استعمال کردن.

۳. هنگام رفتن به زیارت، قدمهای کوتاه برداشتن، با آرامش و وقار

راه رفتن، با خضوع و خشوع آمدن، و ترک کلمات بیهوده.

۴. هنگام رفتن به حرم و زیارت، زبان به تسبیح و حمد خدا گشودن و

صلوات بر محمد و آل او علیهم السلام فرستادن و دهان را با یاد خدا و نام اهل بیت علیهم السلام معطر ساختن.

۵. بر درگاه حرم ایستادن و دعا خواندن، و اجازه ورود خواستن، و

سعی در تحصیل رقت قلب و خشوع دل نمودن، و مقام و عظمت صاحب قبر را تصوّر نمودن، و اینکه او ما را می‌بیند، سخن ما را می‌شنود، و سلام ما را پاسخ می‌دهد.

۶. در وقت داخل شدن، پای راست را مقدم داشتن، و هنگام

خروج از حرم پای چپ را، آن گونه که در ورود و خروج مسجد مستحب است.

۷. در برابر ضریح<sup>۱</sup> ایستادن و زیارت نامه خواندن.
۸. صاحب قبر را برای برآمدن حاجت و رفع نیاز نزد خداوند شفیع قرار دادن.
۹. اگر عذری و ضعفی ندارد، ایستادن هنگام خواندن زیارت.
۱۰. خواندن دو رکعت نماز زیارت در حرم مطهر، و اگر زیارت ائمه علیهم السلام است بالای سر بهتر است<sup>۲</sup> و پس از نماز، دعاهای منقول را خواندن، و حاجت طلبیدن، و تلاوت قرآن با آرامش و ترتیل و طمأنینه و هدیه کردن ثواب آن به روح مقدس آن معصوم علیه السلام.

### اذن دخول جهت زیارت

پسندیده است زائر برای داخل شدن در حرم، اذن دخول بخواند، چنانچه شیخ کفعمی آورده هنگامی که خواستی به حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله یا یکی از مشاهد مشرفه داخل شوی، بگو:

«اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ

خدا یا من ایستادم بر در خانه‌ای از درهای خانه‌های پیامبرت که دروذهای تو بر او و آتش باد و چنان است

مَنْعَتِ النَّاسِ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا

که تو منع فرموده‌ای که مردم داخل آن گردند جز به اذن او: و فرمودی «ای کسانی که ایمان آورده‌اید داخل

۱. اکنون که قبور مطهر ائمه بقیع علیهم السلام ضریح ندارد، مطلوب این است که رو بروی قبور شریف آنان ایستاده و زیارتنامه آن بزرگواران را بخوانند.
۲. در شرائط کنونی در زیارت ائمه بقیع علیهم السلام بهتر این است که نماز زیارت در مسجدالنبی خوانده شود.

بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا

خانه‌های پیامبر نشوید جز اینکه به شما اذن دهند» خدا یا من معتقدم به احترام صاحب این

الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ

زیارتگاه شریف در زمان غیبتش، چنانچه این عیقه را در زمان حضورش دارم و می‌دانم که رسول تو

وَحُلَفَاؤُكَ ۖ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي وَيَرُدُّونَ

و جانسپانشان ۷ زنده‌اند و در نزد تو روزی می‌خورند و اینک جای مرا می‌بینند و سختم را می‌شنوند

سَلَامِي، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ

و سلام مرا جواب دهند، ولی تو جلو گرفته‌ای از گوش من شنیدن سخنتان را، و باز کرده‌ای دریچه فهمم

مُنَاجَاتِهِمْ، وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلًا، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

را به مناجات لذیذ ایشان، و من اکنون ای پروردگارم، اولاً از تو اذن می‌طلبم و ثانیاً از رسول تو صلی الله

وَأَلِهِ ثَانِيًا... ءَأَدْخُلُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، ءَأَدْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ

علیه و آله اذن می‌گیرم... داخل شوم ای رسول خدا؟ داخل شوم ای حجت خدا؟ داخل شوم ای فرشتگان

اللَّهُ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَأَذِنِّي لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ

مقرب خدا؟ که در این زیارتگاه اقامت دارید، پس اذنم بده ای مولای من برای داخل شدن،

أَفْضَلَ مَا أَدْنَيْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ، فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِدَلِكِ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِدَلِكِ

بهترین اذنی را که به یکی از دوستانت می‌دهی، که اگر من شایسته آن نیستم، حتماً تو شایسته آنی.»

پس عتبه مبارکه را ببوسد و داخل شود و بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

«بنام خدا، و به یاد خدا، و در راه خدا، و بر شریعت و آیین رسول خدا - درود خدا بر او و آتش باد -

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

خدا! بیامرز مرا و به من رحم کن و توبه‌ام را ببپذیر، که به راستی تویی توبه‌پذیر مهربان.

### زیارت حضرت رسول ﷺ

اما کیفیت زیارت حضرت رسول ﷺ چنین است که چون شخص داخل مسجد آن حضرت شود، نزدیک در بایستد و اذن دخول را بخواند و از درب جبرئیل وارد شود و پای راست خود را در وقت دخول مقدم بدارد، پس صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، سپس دو رکعت نماز تحیت مسجد به جا آورد و به سمت حجره شریفه برود و آنجا بایستد و بگوید:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

«سلام بر تو ای رسول خدا سلام بر تو ای پیغمبر خدا، سلام بر تو

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

ای محمد فرزند عبد الله، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، گواهی دهم که تو

بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ،

رسالت را رساندی و نماز را برپا داشتی و زکات دادی و امر کردی به معروف

و نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّىٰ أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَصَلِّوْا لِلَّهِ

و نهی کردی از کار بد و عبادت کردی خدا را تا مرگ به سرعت آمد، دروهای خدا

عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ».

و رحمتش بر تو و بر خاندان طاهر و پاکیزه ات.

پس نزد ستون<sup>۱</sup> پیش که در جانب راست قبر است و رو به قبله بایستد، به صورتی که دوش چپ او به جانب قبر باشد و دوش راست به جانب منبر، که آن موضع رسول خدا ﷺ است، و بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

وَرَسُولُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

و رسول او است و گواهی دهم که تویی رسول خدا و گواهی دهم همانا تویی محمد فرزند عبدالله و گواهی  
۱. ستونهایی در محل قدیمی مسجدالنبی وجود دارد که هر یک از این ستونها یادگار خاطره  
ویژه‌ای است که به اختصار توضیحاتی را در باره برخی از آنها می‌آوریم:

۱- استوانهٔ فود: در این مکان پیامبر اسلام ﷺ با سران قبایل برای آشنا ساختن آنان با اسلام  
اختصاص داده بودند و همیشه در این مکان هیئتها را به حضور می‌پذیرفتند.

۲- استوانهٔ سریر: در این مکان محل استراحت و جای تختخواب رسول خدا ﷺ بود.

۳- استوانهٔ حرس: این ستون از آن جهت به این نام آمده که حضرت علی رضی الله عنه در کنار این ستون  
می‌ایستادند و از رسول خدا ﷺ نگاهبانی می‌کردند.

۴- استوانهٔ توبه: این ستون محل توبه یکی از اصحاب رسول خدا بنام ابولبابه است و ابولبابه که  
از طرف رسول خدا به نزد بنی قریظه رفته بود تا با آنان سخن بگوید وی از روی بی‌توجهی با  
اشاره به آنان گفت چون نقض عهد کرده‌اید (بنی قریظه با رسول خدا ﷺ پیمان بسته بودند که با  
مشرکان همراهی نکنند، اما بعدها به این پیمان عمل نکردند) مرگ در انتظار شماست. ابولبابه که  
خود متوجه خطای خویش شده بود از قلعهٔ بنی قریظه خارج شد و مستقیم به سوی مسجد رفت  
و خود را به یکی از ستونها بست و شروع به گریه و زاری کرد تا اینکه خداوند توبه او را  
پذیرفت. روی این جهت به این ستون، ستون توبه یا ستون ابی لبابه می‌گویند.

۵- استوانهٔ حنانه: پیامبر اسلام ﷺ برای وعظ و ارشاد مردم، بر تنهٔ درخت خرمایی تکیه  
می‌کردند، وقتی که برای آن حضرت منبر ساخته شد، برای ایراد خطبه و موعظهٔ مردم روی منبر  
قرار گرفتند از این درخت ناله‌ای شنیده شد، پیامبر ﷺ دستور داد تا آن درخت را در همان جا  
دفن کردند.

بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ، وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَبَدْتَ

دهم که رسالت پروردگارت را رساندی و خیر خواهی کردی برای امتت و در راه خدا جهاد کردی و خدا را

اللَّهِ حَتَّىٰ أَتَاكَ الْيَقِينُ [وَدَعَوْتَ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ إِسْلَامًا حَكِيمًا وَالْمَوْعِظَةَ

پرستش کردی تا مرگت فرا رسید و دعوت به راه پروردگارت کردی به وسیله حکمت و بند

الْحَسَنَةَ، وَأَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ، وَأَنْتَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ،

نیک و آنچه را از حق به عهده داشتی ادا کردی و براستی تو نسبت به مؤمنان مهربان و نسبت

وَعَظُمْتَ عَلَىٰ الْكَافِرِينَ، فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفٍ مَّحَلِّ الْمُكْرَمِينَ،

به کافران سختگیر بودی خدایت به بهترین شرافت جایگاه گرامیان برساند،

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالَةِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ

ستایش خدایی را است که ما را به وسیله تو از شرک و گمراهی نجات بخشید. خدایا! پس درودهای خود

وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَأَنْسِيَابِكَ الْمُرْسَلِينَ،

و درودهای فرشتگان مقربت و بندگان شایستهات و پیامبران مرسلت

وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِيَاءِ

و ساکنان آسمانها و زمینها و هر که را برای تو ای پروردگار جهانیان تسبیح گویند از اولین

وَالْآخِرِينَ، عَلَىٰ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَآمِينِكَ وَنَجِيِّكَ

و آخرین همه را یکجا قرار ده، برای محمد بنده و رسولت و پیامبرت و امین (بر وحیت) و همرازت

وَحَبِيبِكَ وَصَفِيكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ أَعْطِهِ

و حبیبیت و دوست خالص و مخصوصت و برگزیده تو از میان خلقت خدایا به محمد

الدَّرَجَةَ، وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَأَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغِيْطُهُ بِهِ الْأَوْلُونَ

درجه وسیله را در بهشت به او عطا فرما و به مقام پسندیده‌ای او را برگزین که غبطه خورند به او اولین

وَالْآخِرُونَ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ: «وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ

وآخرین خدا یا فرمودی «اگر ایشان هنگامی که به خود ستم کردند به نزد تو آیند و از خدا آمرزش خواهند و پیغمبر هم

وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا»، وَإِنِّي أَنْتِكَ مُسْتَغْفِرًا نَائِبًا

برایشان آمرزش بخواد همانا خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است» و من آمرز شخواهانه به پیشگاه پیامبر

مِن دُنُوبِي، وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَعْفِرَ لِي دُنُوبِي».

آمده و توبه از گناهانم کردم و من بوسیله تو رو به خدائی کرده ام که پروردگار من و تو است تا پیامبر زندگناهانم را،

و اگر حاجتی داشته باشد، قبر مطهر را در قسمت پشت کتف خود

قرار دهد و رو به قبله کند و دستها را به دعا بردارد و حاجت خود را بطلبد،

که سزاوار است که بر آورده شود إِنَّ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى؛ و ابن قولویه به سند معتبر

روایت کرده از محمد بن مسعود که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام به نزد قبر

حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و دست مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت:

«أَسْتَلُّ اللَّهَ الَّذِي اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدَيْتَ بِكَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْنِكَ»،

«می خواهم از خدا که برگزید و اختیار کرد تو را و راهنمایی و رهنمود کرد تو را که رحمت فرستد بر تو.»

پس فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ

براستی خدا و فرشتگانش رحمت خواهند برای پیامبر ای کسانی که ایمان آورده اید رحمت خواهید بر او

وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا».

و درود فراوان فرستید بر او.»

### نماز زیارت و دعای بعد از آن

سپس دو رکعت نماز زیارت خوانده، و ثواب آن را به پیامبر اهدا کند و

بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَحَدَّكَ لِشَرِيكَ لَكَ لِإِنَّ الصَّلَاةَ

«خداوندا! من برای تو نماز و رکوع و سجود گزاردم که تو یگانه و بی همتایی، و نماز

وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

و رکوع و سجود جز برای تو نمی‌تواند باشد و تو خدایی می‌باشی که معبودی جز تو نیست،

اللَّهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى سَيِّدِي وَمَوْلَايَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ،

خداوندا! این دو رکعت هدیه از سوی من به سرور و مولایم رسول خدا ﷺ می‌باشد

فَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ، وَأَجْرِنِي عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَمْلِي،

آن را از من بپذیر به بهترین صورت، و به بهترین پاداشی که

وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ».

امید آن را از جانب تو و پیامبرت دارم، ای سرپرست مؤمنان، پاداشم ده.»

### بعضی از مستحبات مسجدالنبی

#### دعا در روضه شریفه

در مسجد پیغمبر بسیار نماز بگزار، چون که برای هر نماز در آن مکان

شریف، معادل ثواب یک هزار نماز در نامه اعمال نمازگزار می‌نویسند، از



حضرت رسول مروی است که فرمودند: بین قبر و منبر من باغی از باغ‌های بهشت است، و حدود روضه شریفه طولاً از قبر منور تا موضع منبر آن حضرت، و عرضاً از منبر تا ستون چهارم قرار گرفته، و مستحب است این دعا را در روضه مبارکه بخوانند:

«اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ جَنَّاتِكَ، وَتَشْعَبَةٌ مِنْ شُعَبِ رَحْمَتِكَ،

«خداوندا! این جا بوستانی از بوستانهای بهشت تو است، و بخشی از رحمت تو می‌باشد

الَّتِي ذَكَرَهَا رَسُولُكَ وَأَبَانَ عَنْ فَضْلِهَا، وَشَرَفَ التَّعَبُّدِ لَكَ فِيهَا،

که از آن و فضیلت و شرافت عبادت تو در آن یاد کرده است

فَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا فِي سَلَامَةٍ نَفْسِي، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا سَيِّدِي عَلَى عَظِيمِ نِعْمَتِكَ

که مرا در کمال سلامت به اینجا رساندی. پس سپاس تراست ای سرورم بر این نعمت بزرگت

عَلَيَّ فِي ذَلِكَ، وَعَلَى مَا رَزَقْتَنِيهِ مِنْ طَاعَتِكَ، طَلَبِ مَرْضَاتِكَ، وَتَعْظِيمِ

شکر و سپاس تو را سزااست بر اینکه طاعت و موجبات جلب رضایت خویش و بزرگداشت درود

حُرْمَةِ نَبِيِّكَ، بَرِّبَارَةِ قَبْرِهِ وَالتَّسْلِيمِ عَلَيْهِ، وَالتَّرَدُّدِ فِي مُشَاهِدِهِ وَمَوَاقِفِهِ،

پیامبر ﷺ، رابوسیله زیارت مرقدش و آمدوشد در اماکن و تردد و توقفش را نصیب نمودی.

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَايَ، حَمْدًا يَنْتَظِمُ بِهِ مَحَامِدُ حَمَلَةِ عَرْشِكَ، وَسُكَّانِ

پس حمدترا سز است ای مولایم، حمدی هماهنگ با حمد حاملان عرش و ساکنان

سَمَوَاتِكَ لَكَ، وَيَقْصُرُ عَنْهُ حَمْدُ مَنْ مَضَى، وَيَفْضُلُ حَمْدُ مَنْ بَقِيَ مِنْ

آسمان‌ها برایت، حمدی فراتر از حمد گذشتگان و برتر از حمد آیندگان خلقت،

خَلْقِكَ لَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ يَا مَوْلَايَ، حَمْدٌ مَنْ عَرَفَ الْحَمْدَ لَكَ، وَالتَّوْفِيقَ

حمد ویژه تو است ای مولایم، حمدی همانند حمد عارفان به حمد و قدرشناسان توفیق

لِلْحَمْدِ مِنْكَ، حَمْدًا يَمَلَأُ مَا خَلَقْتَ وَيَبْلُغُ حَيْثُ مَا أَرَدْتَ، وَلَا يَحْجُبُ عَنْكَ

حمد تو، حمدی به گنجایش فضای هستی و به امتداد خواست و اراده تو، حمدی که محجوب و امانده

وَلَا يَنْقُضِي دُونَكَ، وَيَبْلُغُ أَقْصَى رِضَاكَ وَلَا يَبْلُغُ آخِرَهُ أَوَائِلُ مَحَامِدِ خَلْقِكَ

از وصول تو نگردد و موافق با کمال رضایت باشد، حمدی که آغازین سپاس‌های خلقت به پای آن نرسد،

لَكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ مَا عَرَفْتُ الْحَمْدَ، وَأَعْتَقَدُ الْحَمْدَ، وَجُعِلَ ابْتِدَاءُ الْكَلَامِ

حمد ترا از آنگاه که حمد را می‌شناسم و به آن معتقدم و آن لحظه که حمد سر آغاز گردیده،

الْحَمْدُ، يَا بَاقِيَ الْعِزِّ وَالْعَظَمَةِ، وَدَائِمَ الْقُدْرَةِ وَشَدِيدِ الْبَطْشِ وَالْقُوَّةِ، وَنَافِذَ

ای صاحب عزت و عظمت و قدرت جاودان و دارنده قدرت و توانایی و امر و اراده نافذ،

الْأَمْرِ وَالْإِزَادَةِ، وَوَاسِعَ الرَّحْمَةِ، وَالْمَغْفِرَةِ، وَرَبَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ

و رحمت و مغفرت گسترده و پروردگار دنیا و آخرت، چه بسیار نعمت‌هایی که

لَكَ عَلَيَّ يَفْضُرُ عَنْ أَيْسَرِهَا حَمْدِي، وَلَا يَبْلُغُ أَذْنَاهَا شُكْرِي، وَكَمْ مِنْ

حمد من در خور اندکی از آنها نمی‌باشد و شکر من به اندازه کمترین آنها نیست و چه بسا

صَنَائِعَ مِنْكَ إِلَيَّ لَا يُحِيطُ بِكَثِيرِهَا وَهَمِي، وَلَا يَقِيدُهَا فِكْرِي، اللَّهُمَّ صَلِّ

الطافی که بیشترین آنها فراتر از گمان من است و اندیشه‌ام به آنها نمی‌رسد، خداوند! بر

عَلَى نَبِيِّكَ الْمُصْطَفَى، بَيْنَ الْبَرِيَّةِ طِفْلاً وَحَيْرَهَا شَابًا وَكَهْلاً، أَطْهَرَ

پیامبرت، برجسته‌ترین فرد در کودکی و برترین آنها در جوانی و کهن سالی، پاک و پاکیزه‌ترین

الْمُطَهَّرِينَ شَيْمَةً، وَأَجُودَ الْمُسْتَمِرِّينَ دِيمَةً، وَأَعْظَمَ الْخَلْقِ جُرْتُمَةً، الَّذِي

مردم در اخلاق و سخی‌ترین و مداوم‌ترین سخاوتمندان و بزرگترین واصل‌ترین آفریده‌ها که به وسیله

أَوْضَحَتْ بِهِ الدَّلَالَاتِ، وَأَقَمَّتْ بِهِ الرِّسَالَاتِ، وَخَتَمَتْ بِهِ النُّبُوتِ، وَفَتَحَتْ

او راه‌های هدایت را روشن و رسالت‌ها را اقامه و نبوت را به او پایان دادی باب خیرات را به وسیله او

بِهِ الْخَيْرَاتِ، وَأَظْهَرَ تَهَ مَظْهَرًا، وَابْتَعَثَتْهُ نَبِيًّا وَهَادِيًّا آمِينًا مَهْدِيًّا، وَدَاعِيًّا

گشودی و او را جلوه‌گر ساختی و به عنوان پیامبر، هدایتگر، امین، راهنما، دعوت کننده خلق به

إِلَيْكَ، وَذَالًا عَلَيْكَ، وَحُجَّةً بَيْنَ يَدَيْكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمَعْصُومِينَ مِنْ

سوی تو حجت خویش بر انگیختی، خداوند! درود فرست بر معصومان عترت

عِتْرَتِهِ وَالطَّيِّبِينَ مِنْ أُسْرَتِهِ، وَشَرَّفْ لَدَيْكَ بِهِ مَنَازِلَهُمْ، وَعَظِّمْ عِنْدَكَ

پیامبر و پاکان خاندانش و جایگاهشان را در درگاهت والا ساز و مقامشان را والا

مَرَاتِبَهُمْ، وَاجْعَلْ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى مَجَالِسَهُمْ، وَأَرْفَعْ إِلَى قُرْبِ رَسُولِكَ

و بزرگ گردان و در رفیق اعلا جایشان ده، و درجاستان تا مقام قرب پیامبرت

دَرَجَاتِهِمْ، وَتَمِّمْ بِلِقَائِهِ سُرُورَهُمْ، وَوَقِّرْ بِمَكَانِهِ أَنْسَهُمْ.»

بالا و با دیدارش سرورشان را کامل و انشان را وافر ساز.»

### دعا و نماز نزد ستون توبه

دو رکعت نماز نزدیک ستون ابولبابه که معروف به «ستون توبه»<sup>۱</sup> است

۱. استوانه توبه:

ستون توبه یادآور خاطره‌ای است در باره یکی از اصحاب رسول خدا ﷺ به نام «ابولبابه». زمانی که در سال پنجم هجرت، احزاب مشرک به مدینه یورش آوردند و در شمال مدینه مواجه با خندق شدند به فکر اتحاد با یهودیان بنی قریظه افتادند که در قسمت جنوبی مدینه ساکن بودند و می‌توانستند با گشودن دروازه‌هایشان احزاب را به مدینه راه دهند. یهودیان بنی قریظه با رسول خدا ﷺ پیمان داشتند و به رغم این پیمان با مشرکان همراهی کردند. پس از خاتمه حمله احزاب، رسول خدا ﷺ به سراغ بنی قریظه رفت و آنان را در حصار گرفت.

ابولبابه از طرف رسول خدا ﷺ نزد بنی قریظه رفت تا با آنان سخن بگوید. وی از روی

ر

بخوان، و بعد از آن این دعا را می‌خوانی:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ لَا تُهِنِّي بِالْفَقْرِ، وَلَا تُذِلَّنِي بِالذُّبْنِ،

«به نام خداوند رحمان و رحیم، خداوندا! مرا با تهی دستی خوار مساز و با قرض ذلیل مگردان.

وَلَا تَرُدَّنِي إِلَى الْهَلَاكَةِ، وَأَعِصِمْنِي كَيْ أَعْتَصِمَ، وَأَصْلِحْ لِي كَيْ أَنْصَلِحَ،

و به هلاکتم مینداز، و مرا از گناه بازدار تا آلوده نگردم، و توفیق اصلاح بخش تا صالح گردم

وَأَهْدِنِي كَيْ أَهْتَدِيَ، اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى اجْتِهَادِ نَفْسِي، وَلَا تُعَذِّبْنِي

و هدایت کن تا در راه هدایت گام نهم، خداوندا! مرا بر جهاد با نفس یاری ده، و به کیفر بد گمانی

بِسُوءِ ظَنِّي، وَلَا تُهْلِكْنِي وَأَنْتَ رَجَائِي، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَغْفِرَ لِي وَقَدْ أَخْطَأْتُ،

دچارم مکن، و مرا هلاک نکن که تو مایه امیدم می‌باشی، من خطاکارم و تو شایسته مغفرتی، من معترف

وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَعْفُو عَنِّي وَقَدْ أَقْرَرْتُ، وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَقْبَلَ مِنِّي وَقَدْ عَثِرْتُ،

به گناهم و تو شایسته بخشايندگی می‌باشی، تو شایسته گذشتی و من اهل لغزش و گناهم من تبه‌کارم

وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُحْسِنَ وَقَدْ أَسَأْتُ، وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ،

و تو شایسته نکو کاری، و تو باپرهیزگاران و آمرزش خواهانی پس مرا به آنچه دوست داری

فَوْفِقْنِي لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَيَسِّرْ لِي الْيَسِيرَ، وَجَنِّبْنِي كُلَّ عَمِيرٍ،

موفق بدار، و مرا به امور سهل و آسان رهنمون و از دشواری‌ها دورم دار.

ط بی توجهی با اشاره به آنان گفت: چون نقض عهد کرده‌اند مرگ در انتظار آنهاست. این سخن

می‌توانست بنی قریظه را به دفاعی سخت در برابر مسلمانان وادار کند. ابولبابه که خود متوجه

خطای خویش شده بود از قلعه بنی قریظه خارج شده و مستقیم به سوی مسجد رفت و خود را به

یکی از ستونها بست و شروع به گریه و زاری کرد و نماز خواند، خداوند ضمن آیاتی، توبه او را

پذیرفت و از مسلمانان خواست تا خیانت نکنند. این ستون به خاطر همین نقل، به نام «ستون

توبه» معروف است.

اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِالطَّاعَاتِ عَنِ الْمَعَاصِي، وَبِالْغِنَى عَنِ

خداوندا! مرا با روزی حلال از کسب حرام و با اطاعت از معصیت و با دارایی از

الْفَقْرِ، وَبِالْجَنَّةِ عَنِ النَّارِ، وَبِالْأَبْرَارِ عَنِ الْفَجَّارِ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ،

فقر و با بهشت از دوزخ و با مصاحبت نیکان از بدان بی‌نیازم کن، ای آنکه بی همتا

وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و شنوا و بینایی و بر انجام هر چیز توانایی»

پس حاجات خود را طلب کن، که به خواست خدا مُستجاب می‌شود.

### استحباب روزه و دعا در مدینه منوره و مسجد النبی

مستحب است سه روز در مدینه منوره به قصد برآورده شدن

حاجات روزه بگیرند، گرچه مسافر باشند، و احتیاط واجب آن

است که روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد، و نیز مستحب

است شب چهارشنبه و روز آن نزدیک ستون ابولبابه نماز گزارند،

و شب پنجشنبه و روز آن نزد ستونی که مقابل آن قرارگرفته نماز

گزارند، و شب و روز جمعه نزد ستونی که جنب محراب حضرت رسول

اکرم ﷺ واقع شده نماز گزارند، و جهت برآورده شدن حاجات دنیوی و

آخری از درگاه الهی سؤال کنند، و ضمن دعاهایی که می‌خوانند این

دعا باشد:

«اللَّهُمَّ مَا كَانَتْ لِي إِلَيْكَ مِنْ حَاجَةٍ شَرَعْتَ أَنَا فِي طَلِبِهَا وَالتَّمَسُّبِهَا أَوْ لَمْ

خداوندا! حاجت‌هایی که من به تو دارم، چه آنها که شروع به درخواست کرده یا هنوز شروع نکرده‌ام،

أَشْرَعُ، سَأَلْتُكَهَا أَوْ لَمْ أَسْأَلْكَهَا، فَإِنِّي أَتَوَّجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

و در مقام مسئلت بر آمده یا برنیامده‌ام، من با تو مسل به

نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا،

پیامبر رحمت حضرت محمد ﷺ برای بر آورده شدن کوچک و بزرگ آنها به تو رو نموده‌ام،

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ، وَجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ،

خداوندا! ترا به عزت و نیرو و قدرتت و آنچه به آن آگاهی،

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

سوگندت می‌دهم که بر محمد و آلش درود فرست و در حق من چنین و چنان کن.»

و به جای «کذا وکذا» حاجات خود را بطلب، که إن شاء الله مستجاب

می‌شود.

### نماز و دعا نزد مقام جبرئیل

مستحب است در مقام جبرئیل نماز گزارد، و دعا بخواند و آن همان

مقامی است که جبرئیل هنگام ورود بر پیغمبر اکرم ﷺ از ایشان اذن

می‌طلبید، و مکان آن زیر ناودانی است که بالای در خانه حضرت زهرا علیها السلام

قرار گرفته، و در خانه آن حضرت - بنا بر روایاتی که گفته شده قبر آن معظمه

در خانه‌اش می‌باشد - همان دری است که محاذی قبر آن حضرت است، و

پس از نماز بگوید:

« يَا مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ، وَمَلَأَهَا جُنُوداً مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَهُ مِنْ مَلَائِكَتِهِ،

» ای خالق آسمان‌ها که آنها را از سپاه فرشتگان تسبیح گو و تعظیم کنندگان

وَالْمَمَجِّدِينَ لِقُدْرَتِهِ وَعَظَمَتِهِ، وَأَفْرَغَ عَلَيَّ أَبْدَانِهِمْ حَلَلِ الْكِرَامَاتِ، وَأَنْطَقَ

در برابر قدرت و عظمت آکنده‌ای و آنان را به زیور کرامات آراسته‌ای

أَلْسِنَتَهُمْ بِضُرُوبِ اللُّغَاتِ، وَاللَّبَسَهُمْ شِعَارَ التَّقْوَى، وَقَلَدَهُمْ قَلَائِدَ النُّهَى،

و با لغات گونه‌گون به سخنشان آورده‌ای و جامه تقوا بر آنها پوشانده و گردنبنده خرد بر آنها

وَجَعَلَهُمْ أَوْفَرَ أَجْناسِ خَلْقِهِ مَعْرِفَةً بِوَحْدَانِيَّتِهِ وَقُدْرَتِهِ وَجَلالَتِهِ وَعَظَمَتِهِ،

نهاده‌ای و آنها را در یگانگی، قدرت، جلال و عظمت خویش و علم و آگاهی به آن شناساترین

وَأَكْمَلَهُمْ عِلْمًا بِهِ، وَأَشَدَّهُمْ فَرَقًا، وَأَدْوَمَهُمْ لَهُ طَاعَةً وَخُضُوعًا وَأَسْتِكَانَةً

و عالم‌ترین آفریده‌هایت و خایف‌ترین آنان و مداوم‌ترین اطاعت‌کنندگان و خاضع‌ترین و مطیع‌ترین

وَخُشُوعًا، يَا مَنْ فَضَّلَ الْأَمِينَ جَبْرئِيلَ عَلَيْهِ بِمَخَصِّصِهِ وَدَرَجَاتِهِ وَمَنَازِلِهِ،

و خاشع‌ترینشان قرار داده‌ای، ای آنکه جبرئیل امین را بواسطه ویژگی‌ها و مقام و درجاتش برتری

وَأَخْتَارَهُ لَوْحِيهِ وَسَفَارَتِهِ وَعَهْدِهِ وَأَمَانَتِهِ، وَأَنْزَلَ كُتُبَهُ وَأَوَامِرَهُ عَلَيَّ أَنْبِيَاءِهِ

بخشیده‌ای او را برای ابلاغ وحی و سفارت و عهد و امانت و نزول کتب آسمانی و اوامر خویش بر پیامبران

وَرَسُولِهِ، وَجَعَلَهُ وَاسِطَةً بَيْنَ نَفْسِهِ وَبَيْنَهُمْ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ وَعَلَيَّ

و فرستادگانت برگزیده و او را واسطه میان خویش و آنها قرار داده‌ای، از تو می‌خواهم که درود فرستی بر او

مَلَائِكَتِكَ وَسُكَّانِ سَمَوَاتِكَ، أَعْلَمُ خَلْقِكَ بِكَ، وَأَخَوْفُ خَلْقِكَ لَكَ، وَأَقْرَبُ

و بر فرشتگان و ساکنان آسمان‌ها که داناترین خلقت به تو و خایف‌ترینشان از تو و نزدیکترینشان

خَلْقِكَ إِلَيْكَ، وَأَعْمَلُ خَلْقِكَ بِطَاعَتِكَ، الَّذِينَ لَا يُعْشِيهِمْ نَوْمُ الْعَيُونِ، وَلَا

به تو، و اطاعت‌کننده‌ترینشان از تو می‌باشند، فرشتگانی که نه خواب به دیدگانشان آید و نه

سَهُوُ الْعُقُولِ، وَلَا فِتْرَةَ الْأَبْدَانِ، الْمَكْرَمِينَ بِجِوَارِكَ، وَالْمُؤْتَمِنِينَ عَلَيَّ

فراموشی به سراغشان آید و نه سستی، آنها که به جوار خویش گرامیشان داشته‌ای و امین

وَحَيْكَ، الْمُجْتَنِبِينَ الْآفَاتِ، وَالْمُوقِينَ السَّيِّئَاتِ، اللَّهُمَّ وَأَخْصِ الرُّوحَ

وحیت ساخته‌ای و از آفات تبه کاری‌ها مصونشان داشته‌ای، خداوندا! حضرت روح الامین

الْأَمِينِ، صَلِّوْا نَاكَ عَلَيْهِ بِأَضْعَافِهَا مِنْكَ، وَعَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَطَبَقَاتِ

جبرئیل را به درودهای مضاعف اختصاص ده و نیز فرشتگان مقرب و طبقات

الْكُرُوبِيِّينَ وَالرُّوحَانِيِّينَ، وَزِدْ فِي مَرَاتِبِهِ عِنْدَكَ، وَحُقُوقِهِ الَّتِي لَهَا عَلَيَّ

کزوبیین و روحانیون را و بر مقام و منزلتشان نزدخویش و بر پاداششان که به خاطر خدمت به

أَهْلِ الْأَرْضِ، بِمَا كَانَ يَنْزِلُ بِهِ مِنْ شَرَائِعِ دِينِكَ، وَمَا بَيَّنَّتْهُ عَلَيَّ السَّنَةِ

زمینیان دارند، به خاطر نازل کردن احکام دینت و آنچه تو بر زبان پیامبرت

أَنْبِيَائِكَ، مِنْ مَحَلَّلَاتِكَ وَمُحَرَّمَاتِكَ، اللَّهُمَّ أَكْثِرْ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّ جِبْرَائِيلَ، فَإِنَّهُ

جاری کرده‌ای از حلال و حرام بیفز، خداوندا! درودهای فراوانت را بر جبرئیل الگوی

قُدُوءَ الْأَنْبِيَاءِ، وَهَادِي الْأَصْفِيَاءِ وَسَادِسُ أَصْحَابِ الْكِسَاءِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ

پیامبران و هدایت کننده برگزیدگان و ششمین شخص «اصحاب کسا» بفرست. خداوندا! توقفم را

وَقُوفِي فِي مَقَامِهِ هَذَا سَبَبًا لِنِزُولِ رَحْمَتِكَ عَلَيَّ، وَتَجَاوُزِكَ عَنِّي، أَيُّ جَوَادٍ

در این جا سبب نزول رحمتت بر من قرار ده و از من درگذر، ای بخشنده،

أَيُّ كَرِيمٍ، أَيُّ قَرِيبٍ أَيُّ بَعِيدٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

ای کریم، ای نزدیک و ای دور، از تو می‌خواهم که بر محمد و آلش درود فرستی، و من را

تُوقِّفَنِي لِطَاعَتِكَ، وَلَا تُزِيلَنَّ عَنِّي نِعْمَتَكَ، وَأَنْ تَرْزُقَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَتُوسِّعَ

به اطاعتت توفیق بخشی، و نعمتت را از من نگیری، و به رحمت خویش بهشت را نصیبم گردانی

عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَتُغْنِيَنِي عَنِ شِرَارِ خَلْقِكَ، وَتُلْهِمَنِي شُكْرَكَ وَذِكْرَكَ، وَلَا

و به فضلت بر من وسعت روزی بخشی و از آفریده‌های شریر بی نیازم سازی، و شکرگزاری را به من الهام



تُخَيَّبَ يَارَبِّ دُعَائِي، وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي، بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

کنی و در دعا نومیدم نسازی ای پروردگارا! امیدم را نومید نگردانی به حق محمد و خاندانش.

و سپس بگوید:

« يَا جَوَادُ يَا كَرِيمَ يَا قَرِيبُ غَيْرَ بَعِيدٍ، أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ

»ای بخشنده کریم، ای نزدیکی که دور نیست، از تو می‌خواهم ای خدای بی‌همتا که مرا

شَیْءٌ، أَنْ تَعْصِمَنِي عَنِ الْمَهَالِكِ، وَأَنْ تُسَلِّمَنِي مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

از سختی‌های هلاکت را مصونم داری و از آسیب‌های دنیا و آخرت و نیز از

وَوَعَثَاءِ السَّفَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ، وَأَنْ تَرُدَّنِي سَالِمًا إِلَى وَطَنِي،

رنج سفر و بازگشت ناخوشایند به سلامتم داری و به وطنم بازگردانی پس از

بَعْدَ حَجِّ مَقْبُولٍ وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

انجام حجی مقبول و تلاشی با پاداش و عملی پذیرفته، و آن را آخرین دیدار

مِنْ حَرَمِكَ وَحَرَمِ رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

از حرم خویش و حرم پیامبرت - درود خدا بر او و آلش - نگردانی.»

و از حضرت امام صادق علیه السلام مروی است که در مقام جبرئیل علیه السلام حاضر

شود، و بگوید:

«أَيُّ جَوَادٍ أَيْ كَرِيمٍ، أَيْ قَرِيبٍ أَيْ بَعِيدٍ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

»ای بخشنده کریم، ای نزدیک، ای دور (از دیده ظاهر) از تو می‌خواهم که درود فرستی بر محمد

وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَرُدَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ».

و خاندانش و نعمت (پس گرفته‌ات) را به من بازگردانی.»

### زیارت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

حضرت زهرا علیها السلام نزد خداوند مقامی بس والا دارد، و در زیارت آن بانوی بزرگ و فداکار، پاداشی عظیم است. به نقل علامه مجلسی رحمته الله علیه در مصباح الأنوار، حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: پدرم به من فرمود: هر که بر تو صلوات بفرستد، خداوند متعال او را بیامرزد، و در هر جای از بهشت که باشم، او را به من ملحق سازد.

مرحوم شیخ طوسی در تهذیب نوشته است: آنچه در فضیلت زیارت حضرت زهرا علیها السلام روایت شده، بیش از آن است که به شمار آید.

حضرت فاطمه علیها السلام در سالهای اول بعثت به دنیا آمد، و در دامان پیامبر بزرگ شد، و در دوران سخت رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله به مراقبت و یاری پدر پرداخت، با علی بن ابی طالب علیه السلام ازدواج کرد، و پس از رحلت پدر بزرگوارش، به فاصله ۷۵ روز (یا ۹۵ روز) دار فانی دنیا را وداع گفت.

جای دقیق قبر آن حضرت، معلوم نیست. برخی مدفن او را در حرم پیامبر (بین قبر و منبر) می دانند، برخی گفته اند در خانه خودش (کنار مرقد پیامبر) دفن شده، بعضی هم مدفن او را در بقیع و در کنار قبر ائمه علیهم السلام می دانند. آنچه بیشتر نزد اصحاب ما مطرح است، زیارت آن حضرت در روضه و کنار قبر رسول الله صلی الله علیه و آله است،<sup>۱</sup> و بهتر است که در هر سه مکان، آن حضرت را زیارت کنی.

۱. الفقیه ۲: ۳۴۱، ح ۱۵۷۲ و ۱۵۷۴ و ۱۵۷۵؛ وسائل الشیعة ۱۴: ۳۶۷، باب استحباب زیارة فاطمة علیها السلام و موضع قبرها، باب ۱۸.

زیارت اول حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

وقتی در هر یک از این مواضع ایستادی، خطاب به آن معصومه مطهره و پاره تن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کرده، و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ،

«سلام بر تو ای دختر فرستاده خدا. سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ

سلام بر تو ای دختر حبیب خدا. سلام بر تو ای دختر خلیل خدا و دوست خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ،

سلام بر تو ای دختر برگزیده خدا. سلام بر تو ای دختر امین خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ

سلام بر تو ای دختر بهترین خلق خدا. سلام بر تو ای دختر بهترین پیامبران خدا

وَرُسُلِهِ وَمَلَائِكَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِّيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و رسولانش و فرشتگانش، سلام بر تو ای دختر بهترین مخلوقات، سلام بر تو ای

يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، مِنَ الْأُولِيِّينَ وَالْآخِرِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ

سرور بانوان جهانیان از اولین و آخرین سلام بر تو ای همسر ولی خدا

اللَّهِ وَخَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

و بهترین خلق پس از رسول خدا، سلام بر تو ای مادر حسن و حسین

سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّدِّيقَةُ الشَّهِيدَةُ،

دو آقای جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای شهیده صدیقه،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ

سلام بر تو ای خوشنود از خدا و پسندیده حق، سلام بر تو ای با فضل

الرَّكِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا

و پاکیزه، سلام بر تو ای خوریه انسیه، سلام بر تو ای پرهیزگار پاکیزه،

التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيْمَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا

سلام بر تو ای هم سخن با فرشتگان و ای دانا، سلام بر تو

الْمَظْلُومَةُ الْمَغْضُوبَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ،

ای مظلومه‌ای که حقدش غصب شده، سلام بر تو ای ستم‌کشیده‌ای که مقهور دشمنان شدی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، صَلَّى اللَّهُ

سلام بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا، سلام و رحمت و برکات خدا، درود خدا

عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتِ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ، وَأَنَّ

بر تو و روح و بدنت، گواهی دهم که براستی تو از این جهان رفتی با برهانی روشن از جانب پروردگارت،

مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا

و بطور مسلم هر که تو را شادان کرد رسول خدا را شادان کرده، سلام و درود خدا بر او و آتش، و هر کس

رَسُولَ اللَّهِ، رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، وَمَنْ آذَاكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، وَمَنْ

بر تو جفا روا داشت به پیامبر خدا ﷺ، و هر کس تو را آزد همانا پیامبر خدا ﷺ را آزرده است.

وَصَلَّكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ، وَمَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ

هر کس که بر تو پیوست به پیامبر خدا ﷺ پیوسته است، و هر که از تو برید از

رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ، وَرُوحُهُ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْهِ،

رسول خدا پیوندش را بریده زیرا تو پاره تن او هستی و روح اوئی در پیکرش،

كَمَا قَالَ عَلَيْهِ أَفْضَلُ سَلَامِ اللَّهِ وَصَلَوَاتِهِ، أَشْهَدُ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي

همان طور که او که بهترین درود و سلام خدا بر او باد فرمود، گواه گیرم خدا و پیمبران و فرشتگانش

رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَتْ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَتْ عَلَيْهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ

را که من راضیم از هر که تو راضی هستی، و خشمگینم بر هر که تو خشمگینی، بیزارم از هر که تو بیزاری،

تَبَرَّاتٍ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ،

دوستدارم هر که تو دوستداری، دشمنم با هر که تو دشمنی تنفر دارم از هر که تو تنفر داری

مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَحَسِيبًا وَجَازِيًا وَمُثِيبًا.

دوستم با هر که تو دوستی، و بس است خدا برای گواهی و حسابرسی و کیفر دادن و پاداش نیک دادن.»

سپس می‌گویی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ،

«خدایا درود فرست بر بنده و رسولت حضرت محمد بن عبدالله آخرین پیامبر

وَخَيْرِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ، وَصَلِّ عَلَى وَصِيِّهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

و بهترین خلقت، و درود فرست بر وصی پیامبر علی بن ابی‌طالب

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَآمَامِ الْمُسْلِمِينَ، وَخَيْرِ الْوَصِيِّينَ، وَصَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ بِنْتِ

امیرالمؤمنین، و پیشوای مسلمان و بهترین اوصیا، و درود فرست بر فاطمه دختر

مُحَمَّدٍ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، الْحَسَنِ

حضرت محمد بهترین زنان عالم، و درود فرست بر بهترین جوانان اهل بهشت حسن

وَالْحُسَيْنِ، وَصَلِّ عَلَى زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ

و حسین، و درود فرست بر زین‌العابدین علی بن حسین، و درود فرست بر محمد

بِنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَصَلَّى عَلَى الصَّادِقِ عَنِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ،

بن علی: شکافته علم پیامبران، و درود فرست بر حضرت صادق از سوی خداوند، جعفر بن محمد،

وَصَلَّى عَلَى كَاطِمِ الْعَيْطِ فِي اللَّهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَصَلَّى عَلَى الرَّضَا عَلِيِّ بْنِ

و درود فرست بر فرو نشاننده خشم در راه خدا موسی بن جعفر، و درود فرست بر علی بن موسی الرضا،

مُوسَى، وَصَلَّى عَلَى النَّقِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَصَلَّى عَلَى النَّقِيِّ عَلِيِّ بْنِ

و درود فرست بر محمد تقی، و درود فرست بر علی بن علی بن تقی، و درود فرست بر علی بن

مُحَمَّدٍ، وَصَلَّى عَلَى الرَّكِيِّ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَصَلَّى عَلَى الْحُجَّةِ الْقَائِمِ بْنِ

محمد، و درود فرست بر حسن بن علی، و درود فرست بر حجت قائم فرزند

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، اللَّهُمَّ أَحْيِي بِهِ الْعَدْلَ، وَأَمِّتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَزَيِّنْ بِقَائِهِ الْأَرْضَ،

حسن بن علی. خدایا به واسطه او عدل را زنده بدار، و جور و ستم را از میان بردار، و زمین را به وجودش

وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً

زینت بخش، و دین و سنت پیامبرت را به وجودش آشکار ساز، تا اینکه از خوف هیچ کس چیزی

أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَشْيَاعِهِ وَتَبَاعِهِ، وَالْمَقْبُولِينَ فِي زُمْرَةِ

از حق پنهان نماند، و ما را از شیعیان و تابعینش قرار ده، و از جمله دوستدارانش قبول فرما،

أَوْلِيَائِهِ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، الَّذِينَ أَذْهَبَتْ

ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا درود فرست بر محمد و اهل بیتش، آنهایی که

عَنْهُمْ الرَّجَسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً.»

ناپاکی را از ایشان دور کردی و پاک و پاکیزه‌شان قرار دادی.»

سپس دو رکعت نماز بگزار، و ثواب آن را به روح منور حضرت

زهرا علیها السلام هدیه کن، آن‌گاه این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ، وَبِأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ،

«خداوندا! من به وسیله پیامبران حضرت محمد ﷺ، و اهل بیتش - که درود تو بر آنان باد - به تو

وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ الْعَظِيمِ الَّذِي لَا يُعْلَمُ كُنْهَهُ سِوَاكَ، وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ حَقَّقَهُ

رونموده‌ام، و به حق خودت که از عظمت آن جز تو آگاه نمی‌باشی و نیز به حق آنکه حقش

عِنْدَكَ عَظِيمٌ، وَبِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي أَمَرْتَنِي أَنْ أَدْعُوَكَ بِهَا، وَأَسْأَلُكَ

نزدت بزرگ است و به نام‌های نیکت که مرا به یاد کردن خود به آنها دستور داده‌ای و به

بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي أَمَرْتَ بِهِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ يَدْعُوَ بِهِ الطَّيْرَ فَأَجَابَتْهُ،

اسم اعظمت که ابراهیم علیه السلام را امر کردی تا پرنده را با آن فرا خواند، و پرنده اجابت کرد،

وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي قُلْتَ لِلنَّارِ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ،

و به نام بزرگت که به آتش فرمودی بر ابراهیم سرد و سلامت باش،

فَكَانَتْ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَبِأَحَبِّ الْأَسْمَاءِ إِلَيْكَ وَأَشْرَفِهَا وَأَعْظَمِهَا لَدَيْكَ،

و سرد و سلامت شد و به محبوب‌ترین نام‌ها نزدت و شریف‌ترین و عظیم‌ترین تریانشان پیشت،

وَأَسْرَعِهَا إِجَابَةً وَأَنْجَحِهَا طَلَبَةً، وَبِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ،

وسریع‌ترین آنها برای اجابت دعا و برآورده شدن حاجات و به آنچه که تو شایسته و مستوجبش می‌باشی

وَأَتَوْسَلُ إِلَيْكَ وَأَزْعَبُ إِلَيْكَ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ، وَأُلِحُّ عَلَيْكَ، وَأَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ

به تو توسل می‌جویم و اظهار اشتیاق می‌کنم و بدرگاہت زاری می‌کنم و از تو می‌خواهم به کتاب‌هایی که بر

الَّتِي أَنْزَلْتَهَا عَلَىٰ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ، مِنَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ

فرستادگانت - که دورد تو بر آنان باد - نازل کرده‌ای؛ از تورات و انجیل

وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، فَإِنَّ فِيهَا اسْمَكَ الْأَعْظَمَ، وَبِمَا فِيهَا مِنْ أَسْمَاءِكَ

و زبور و قرآن عظیم که در آنها اسم اعظم و دیگر نام‌های

الْعَظْمَى، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي آلَ مُحَمَّدٍ  
 بزرگ تو می‌باشد که درود فرستی بر محمد و آلش و گشایش به محمد و خاندان  
 وَشِيعَتِهِمْ وَمُحِبِّيهِمْ وَعَنِّي، وَتَفْتَحَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ لِدُعَائِي، وَتَرْفَعَهُ فِي  
 و شیعیان و دوستانش و من عنایت‌فرمایی و درهای آسمان را برای اجابت دعایم بگشایی و آن را تا  
 عَلَيَّيْنِ، وَتَأْذَنَ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِفَرَجِي وَإِعْطَاءِ أَمَلِي  
 عیبن بالا بری و در این روز و همین ساعت اذن فرج برایم صادر فرمایی، و آرزو و خواست  
 وَسُؤْلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَقَدَّرْتَهُ إِلَّا هُوَ،  
 دنیا و آخرت را برآوری، ای آنکه کسی به حقیقت و قدرتش جز خود او آگاه نیست، ای آنکه هوا را تا  
 يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ، وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ  
 آسمان مسدودکرده‌ای و زمین را بر روی آب گسترده‌ای و برای خویش نیکوترین  
 الْأَسْمَاءِ، يَا مَنْ سَمَّى نَفْسَهُ بِالِاسْمِ الَّذِي تُقْضَى بِهِ حَاجَةٌ مَنْ يَدْعُوهُ،  
 نام‌ها برگزیده‌ای، ای آنکه خود را به نامی نامیده‌ای که با یاد کردن آن حاجت دعاگو بر آورده شود،  
 أَسْأَلُكَ بِحَقِّ ذَلِكَ الْإِسْمِ، فَلَا شَفِيعَ أَقْوَى لِي مِنْهُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ  
 ترا به حق آن نام می‌خوانمت که شفیعی قوی‌تر از آن ندارم، درود فرستی بر محمد و  
 وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي، وَتَسْمِعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ  
 آل محمد و حوائج را بر آوری و به حق محمد و علی و فاطمه و حسن  
 وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى  
 و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی  
 بْنِ جَعْفَرِ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ  
 بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن



عَلَيَّ وَالْحَجَّةَ الْمُنْتَظِرِ لِإِذْنِكَ، صَلَوَاتِكَ وَسَلَامِكَ وَرَحْمَتِكَ

علی و الحجّه المنتظر که درود و سلام و رحمت

وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ صَوْتِي لِيَسْتَفْعُوا إِلَيْكَ، وَتُسَفِّعَهُمْ فِيَّ، وَلَا تُرَدِّدْنِي خَائِبًا،

و برکاتت بر آنها باد که دعایم را بشنوی و آنان مرا نزد تو شفاعت کنند و شفاعتشان را درباره من

بِحَقِّ لَأَلَّا أَنْتَ.

پذیراگردی و نومیدم بازگردانی، به معبودی که جز تو کسی نیست.»

و حوائج خود را بخواه، اِنْ شَاءَ اللَّهُ بر آورده می شود.

### زیارت دوم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

« يَا مُتَحَنِّتَةً اُمْتَحَنَكَ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكَ، فَوَجَدَكَ لِمَا

«ای آزمایش شده، آن خدایی که تو را آفرید، پیش از آنکه تو را خلق کند آزمودت، و تو

اُمْتَحَنَكَ صَابِرَةً، وَزَعَمْنَا أَنَّا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ وَصَابِرُونَ، لِكُلِّ مَا أَنَا بِه

در آن آزمایش بردبار و شکیبا بودی و ما دوستان تو و تصدیق کننده و شکیباییم به آنچه

أَبُوكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنَا بِه وَصِيْبُهُ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا

پدرت صلی الله علیه و آله و وصییش آورده اند و تسلیم هستیم، پس ما از تو می خواهیم چنانکه ما تصدیق

أَلْحَقْنَا بِتَصَدِّقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ.»

کننده ایم به درجه عالیهای برسانی تا ما خود را مژده دهیم که بخاطر ولایت این خانواده پاک شدیم.»

سپس می گوئی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ

«سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر تو ای دختر پیامبر خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا  
 بر تو ای دختر حبیب خدا، سلام بر تو ای دختر خلیل خدا، سلام بر تو ای  
 بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ  
 دختر برگزیده خدا، سلام بر تو ای دختر امین خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین  
 خَلْقِ اللَّهِ، أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلَمِيَّةُ أَشْهَدُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ  
 آفریده خدا، سلام بر تو ای هم سخن بافرشتگان وای دانا، خدا را و همچنین پیامبر  
 وَمَلَائِكَتَهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ، سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ،  
 و فرشتگانش را گواه می‌گیرم که من از هر کس تو خوشنودی خوشنودم و بر هر کس تو خشمناکی خشمناکم، بیزارم  
 مُتَبَرِّءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ، مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ، مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ، مُبْغِضٌ لِمَنْ  
 از هر کس تو بیزاری، و دوستم با هر که تو دوستی، و دشمنم با هر که تو دشمنی، و ناخشنودم از کسی که تو  
 أَبْغَضْتَ، مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ، وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجَارِياً وَمُتَّيِباً.»  
 ناخشنودی، دوست دارم کسی را که تو دوستداری و کافی است خداوند گواه و پاداش دهنده من باشد.»  
 پس دو رکعت نماز زیارت بگزار، و ثواب آن را به روح منور حضرت  
 زهرا علیها السلام هدیه کن، و صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرست، و حوائج  
 خود را طلب کن.

#### زیارت ائمه بقیع علیهم السلام

چون خواستی این بزرگواران را زیارت کنی، آنچه در آداب زیارت  
 ذکر شد (از غسل، طهارت، پوشیدن جامه‌های پاک و پاکیزه، استعمال بوی  
 خوش و اذن دخول و امثال آن) اینجا نیز به جای آور، و در اذن دخول بگو:

« يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ، عَبْدُكُمْ وَابْنُ أُمَّتِكُمْ الدَّلِيلُ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ،

«ای آقایان من ای فرزندان رسول خدا، بنده شما و کنیز زاده خوار و ناتوان

والمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ، وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ، جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ،

در مقابل علو و مرتبه شما، و معترف به حق شما، آمده‌ام نزد شما در حال پناهنده‌گی به

فَأُصِدًّا إِلَى حَرَمِكُمْ، مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ، مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ،

فقد حرم مقدس شما، و نزدیکی به مقام شما، متوسل بسوی خدای تعالی به وسیله شما،

ءَادْخُلُ يَا مَوَالِيَّ، ءَادْخُلُ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ، ءَادْخُلُ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُحَدِّقِينَ

آیا داخل شوم ای مولایم، آیا داخل شوم ای دوستان خدا، آیا در آیم ای فرشتگان خدا که درگرد و اطراف

بِهَذَا الْحَرَمِ، الْمُقِيمِينَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ.»

این حرمید و مقیم این زیارتگاه.»

و بعد از خضوع و رقت قلب داخل شو و پای راست را مقدم بدار

و بگو:

«اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا، وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا،

«خدا بزرگتر است به بزرگی کامل و ستایش خاص خداست بسیار منزّه است خدا در بامداد و پوسین

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ، الْمَاجِدِ الْأَحَدِ، الْمُتَفَضَّلِ الْمَنَّانِ،

و ستایش خاص خدا است که یگانه و بی‌نیاز و شوکت‌مند و یکتا و فزون‌بخش و نعمت ده

الْمُتَطَوَّلِ الْحَنَّانِ، الَّذِي مَنَّ بِطَوَّلِهِ، وَسَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَتِي بِإِحْسَانِهِ،

و احسان بخش و مهرورز است خدائی که منت نهاد بوسیله احسان خود و آسان کرد برایم زیارت سرورانم

وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا، بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ.»

را به احسان خود و مرا از زیارتشان بی‌بهره نساخت بلکه به من لطف و تفضل فرمود.»

سپس نزدیک قبور مقدّس ایشان برو، و پشت به قبله و رو به قبر ایشان کن، و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، السَّلَامُ

«سلام بر شما پیشوایان هدایت سلام بر شما شایستگان نیکی و پرهیزکاری سلام

عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْقَوَامُونَ فِي

بر شما ای حجتها بر اهل دنیا سلام بر شما ای قیام کنندگان به

الْبِرِّيَّةِ بِالْقِسْطِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ رَسُولِ

عدل در میان مردم سلام بر شما ای شایستگان برگزیدگی سلام بر شما ای آل رسول

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، أَشْهَدُ

خدا. سلام بر شما ای اهل راز، سلام بر شما ای ریسمان و دستاویز محکم حق، گواهی دهم که

أَنْتُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَكُذِّبْتُمْ وَأَسِيَّ السِّكِّمِ

شما بخوبی تبلیغ و خیر خواهی کردید و در مورد خدا شکیبائی کردید با اینکه شما را تکذیب کرده و با

فَغَفَرْتُكُمْ، وَأَشْهَدُ أَنْتُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ، وَأَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ،

شما بدکردند آنها را بخشیدید و گواهی دهم که شما شمانید امامان راهبر راه یافته و همانا اطاعت شما واجب

وَأَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ، وَأَنْتُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تَجَابُوا، وَأَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا، وَأَنْتُمْ

است و گفتارتان راست است و برآستی شما به خدا دعوت کردید ولی اجابت نکردند و دستور دادید ولی

دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْأَرْضِ، لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللَّهِ، يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ

اطاعت نکردند و شما شمانید پایه‌های دین و رکنهای زمین و زیر نظر خدا بودید که بر می‌داشت شما را از

مُطَهَّرٍ، وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ، لَمْ تُدْنَسْكُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ، وَلَمْ

صلبهای پاک و منتقلتان می‌ساخت به رحمهای پاکیزه، آلوده نکرد شما را جاهلیت غرق در نادانی و تأثیر

تَشْرِكُ فِيكُمْ فِتْنُ الْأَهْوَاءِ، طِبْتُمْ وَطَابَ مَنَبَتُكُمْ، مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنَا دَيَانُ

تکرد در شما فتنه‌های هوس آلود پاک بودید و پاک بود ریشه شما منت نهاد بوسیله شما برما جزاده روز

الدِّينِ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ آذِنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ

جزا پس شما را در خانواده‌هایی قرار داد که به عظمت و فراز مندی آنها و برآوازه شدن نامتان فرمان داد

صَلَوْتَنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا، إِذْ اخْتَارَكُمُ اللَّهُ لَنَا، وَطَيَّبَ خَلْقَنَا

دورد فرستادنمان را رحمتی برای ما و کفاره‌ای برای گناهانمان چون خدا شما را برای ما انتخاب و پاک کرد خلقت ما

بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وَلَايَتِكُمْ، وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ، مُعْتَرِفِينَ

را با آنچه منت گذارد برما از ولایتان و ما پیش خدا از نامبردگان به دانش شما و اعتراف‌کنندگان به

بِتَصَدِّيقِنَا إِيَّاكُمْ، وَهَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَاءٍ وَأَسْتِكَانٍ وَأَقْرَبُ مَا جَنَى،

تصدیقمان نسبت به شما بودیم و این جایگاه کسی است که زیاده‌روی و خطا کرده و مستمند شده و به جنایت خود

وَرَجَى بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ، وَأَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلَكِيِّ مِنَ الرَّدِيِّ،

اقرار داشته و امید دارد بدین جایگاه خلاصی خود را و نجات دهدش خداوند بوسیله شما نجات‌دادن هلاک شدگان از

فَكُونُوا لِي شَفَعَاءَ، فَقَدْ وَقَدْتُ إِلَيْكُمْ إِذْ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، وَأَتَّخَذُوا

نابودی پس شما شفیعیان من باشید که من به شما وارد شدم در آنگاه که دوری کردند از شما مردم دنیا و

آيَاتِ اللَّهِ هُزُؤًا، وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو، وَدَائِمٌ لَا يَلْهُو،

آیات خدا را مسخره گرفتند و تکبر ورزیدند از آنها ای پابرجایی که سهو ندارد و پاینده‌ای که سرگرم نشود و به هر

وَمُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ، لَكَ الْمَنُّ بِمَا وَقَفْتَنِي، وَعَرَفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ، إِذْ

چیز احاطه دارد تو را است منت بدانچه مرابدان موفق داشتی و شناساندی مرا بدانچه مرابدان برپا داشتی در

صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَجَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ، وَاسْتَخَفُّوا بِحَقِّهِ، وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهُ،

صورتی که بندگانت از آن روگردانند و از شناختنش نادان بودند و حقش را سبک شمردند و به غیر آن

فَكَانَتْ أَلِيمَةً مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ

منحرف شدند پس منت داری بر من با مردمی که مخصوصشان داشتی بدانچه مرا بدان مخصوص کردی پس تو را

إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا، فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ، وَلَا

است ستایش چونکه من در پیش تو در این مقام یاد شده و نام برد شده بودم پس محروم مکن از آنچه

تُخَيِّبُنِي فِيمَا دَعَوْتُ، فِي مَقَامِي هَذَا بِحَرَمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ».

امیدوارم و نومیدم مساز در آنچه تو را خواندم در این مقام به حرمت محمد و آل طاهریانش.»

پس دعاکن از برای خود به هر چه خواهی.

شیخ طوسی رحمته الله در تهذیب فرموده: بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت

به جا آور، یعنی از برای هر امامی دو رکعت.

به تصریح اکثر بزرگان بهترین زیارت برای ائمه بقیع همان زیارت

جامعه کبیره است که در آخر همین کتاب آورده ایم.

زیارت امام حسن مجتبی علیه السلام<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

»سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای فرستاده پروردگار عالمیان سلام بر تو

يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای پسر امیرمؤمنان، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، سلام بر تو

يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ،

ای حبیب خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای امین خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا، سلام بر تو

۱. مختصری از زندگانی امام حسن مجتبی علیه السلام

ریحانة پیامبر صلی الله علیه و آله حسن بن علی علیه السلام در پانزدهم رمضان سال سوم هجرت به دنیا آمد

وی و برادرش امام حسین علیه السلام مورد علاقه شدید رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند و به عنوان فرزند آن

حضرت شناخته می شدند. امام مجتبی علیه السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار پدرش امیر مؤمنان علیه السلام

در جنگهای جمل، صفین و نهروان شرکت کرد، پس از شهادت علی علیه السلام با نصب پدرش، مردم

عراق با او بیعت کردند، اما به دلایل متعددی وی را همچون پدرش در جنگ با معاویه تنها

گذاشتند، او نیز به اجبار حکومت را رهاکرد و عازم مدینه شد. این رخداد در سال ۴۱ هجری

اتفاق افتاد، پس از آن امام مجتبی علیه السلام به مدت ده سال در مدینه با شیعیان خود در ارتباط بود.

امام حسن علیه السلام اسوه کامل برای اخلاق اسلامی بود و بارها اموال خویش را نصف کرد و نیمی از

آن را در راه خدا بخشید، عاقبت به توطئه معاویه و به دست همسر بی وفایش جعدہ دختر اشعث

بن قیس، مسموم شد و به شهادت رسید، مردم مدینه در سوگ آن امام به ماتم نشستند. امام

حسن علیه السلام علاقه مند بود تا در کنار جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاک سپرده شود، اما مروانیان با

همکاری شخصی که ادعای مالکیت زمینی را داشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آنجا مدفون شده

بود، مانع از این کار شدند. امام حسین علیه السلام به خاطر توصیه برادر به عدم ایجاد درگیری، برادرش

را در بقیع به خاک سپرد.

يَا صِرَاطَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ حِكْمَةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاصِرَ

ای صراط الہی، سلام بر تو ای زبان حکم الہی، سلام بر تو ای یاور

دینِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ الرَّكِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

خدا، سلام بر تو ای سرور پاکیزہ، سلام بر تو ای

الْبُرِّ النَّقِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ الْأَمِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَالِمُ

نیوکوار متقی، سلام بر تو ای قائم امین، سلام بر تو دانای

بِالتَّنْزِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْهَادِي الْمَهْدِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الطَّاهِرُ

بر تنزیل (قرآن)، سلام بر تو ای ہادی و مہدی، سلام بر تو ای پرهیزکار

الرَّكِيُّ، السَّلَامُ أَيُّهَا النَّقِيُّ النَّقِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْحَقُّ الْحَقِيقُ،

پاکیزہ، سلام بر تو ای پاک و پاکیزہ، سلام بر تو ای حقیقت اصیل،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ الصَّدِيقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ

سلام بر تو ای شہید صدیق، سلام بر تو ای ابا محمد

الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ».

حسن بن علی و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.»



زیارت امام زین العابدین علیه السلام<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْمُتَهَجِّدِينَ،

سلام بر تو ای زینت عابدان، سلام بر تو ای زینت شب زنده‌داران،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ الْمُسْلِمِينَ،

سلام بر تو ای پیشوای پرهیزکاران، سلام بر تو ای ولی مسلمانان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ الْعَارِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای نور دیده عارفان، سلام بر تو

يَا وَصِيَّ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَازِنَ وَصَايَا الْمَرْسَلِينَ،

ای وصی اوصیا، سلام بر تو ای خزانهدار وصایای فرستادگان الهی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ضَوْءَ الْمُسْتَوْحِشِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ الْمُجْتَهِدِينَ،

سلام بر تو ای نور بیمناکان، سلام بر تو ای نور کوشندگان عابد،

۱. مختصری از زندگانی امام سجاد علیه السلام

امام سجاد زین العابدین علیه السلام، چهارمین امام شیعه در سال ۳۸ هجری متولد شد و دوران رشد خود را در عهد امامت امام مجتبی علیه السلام و پدر خود امام حسین علیه السلام سپری کرد. آن حضرت در کربلا حضور داشت، اما به دلیل بیماری در جنگ شرکت نکرد. پس از آن نزدیک به سی و چهار سال، یعنی تا سال ۹۴ هجری، رهبری شیعه را بر عهده داشت. این دوره، دوره‌ای سخت بوده و شیعیان به شدت تحت فشار امویان قرار داشتند، آن حضرت از راههای گوناگونی توانست شیعیان خالص را در اطراف خویش گرد آورد و راه را برای فرزندش امام باقر علیه السلام باز کند. از مهم ترین یادگارهای امام سجاد علیه السلام دعاهاى آن حضرت است که سرشار از مفاهیم عالی اخلاص و عبادی و سیاسی است و پس از قرآن و نهج البلاغه یکی از مهم ترین متون دینی ما به شمار می‌آید. بنا بر آنچه در برخی از منابع تاریخی آمده است، امام سجاد علیه السلام در سال ۹۴ هجری به تحریک ولید بن عبدالملک مسموم گردید و به شهادت رسید و در کنار امام مجتبی علیه السلام در بقیع مدفون شد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سِرَاجَ الْمُرْتَضِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ذَخِيرَةَ الْمُتَعَبِّدِينَ،

سلام بر تو ای چراغ روشنایی بخش ریاضت کشان، سلام بر تو ای زاد و ذخیره عابدان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْعِلْمِ،

سلام بر تو ای چراغ فروزان جهانیان، سلام بر تو ای کشتی دانش،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَكِينَةَ الْجِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيزَانَ الْقِصَاصِ،

سلام بر تو ای آرامش بخش و بردبار و حلیم، سلام بر تو ای مشخص کننده قصاص،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ الْخِلاصِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَحْرَ النَّدَى،

سلام بر تو ای کشتی اخلاص، سلام بر تو ای دریای بخشش،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَدْرَ الدُّجَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْاَوْأَةُ الْحَلِيمِ،

سلام بر تو ای ماه تابان شب تار سلام بر تو ای مرد دعا و بردباری

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصَّابِرُ الْحَكِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَئِيسَ الْبَكَائِينَ،

سلام بر تو ای شکیبای حکیم، سلام بر تو ای سرور گریه کنندگان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِصْبَاحَ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ،

سلام بر تو ای چراغ هدایت مؤمنان، سلام بر تو ای مولایم ای ابا محمد،

أَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ وَأَبْنُ حُجَّتِهِ وَأَبُو حُجِّهِ، وَأَبْنُ أَمِينِهِ وَأَبْنُ أَمَانِيهِ، وَأَنَّكَ

گواهی می‌دهم که تویی حجت خدا و فرزند و پسر حجت خدا و پسر امین او و فرزند امنای الهی،

نَاصِحَتَ فِي عِبَادَةِ رَبِّكَ، وَسَارَعْتَ فِي مَرْضَاتِهِ، وَحَيَّبْتَ أَعْدَاءَهُ، وَسَرَرْتَ

تو در عبادت پروردگارت خالصانه کوشیدی و برای جلب خوشنودیش شتافتی و دشمنانش را مایوس و

أَوْلِيَاءَهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ عَبَدْتَ اللَّهَ حَقَّ عِبَادَتِهِ، وَأَتَّقَيْتَهُ، حَقَّ تَقَاتِيهِ،

اولیانش را مسرور ساختی، گواهی می‌دهم که تو حق عبادت الهی‌گزاری، و حق تقوا و اطاعتش را به جای

وَأَطَعْتَهُ حَقَّ طَاعَتِهِ، حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ، فَعَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ

آوردی تا آنگاه که درگذشتی ، پس بر تو باد ای مولای من ای فرزند رسول خدا  
أَفْضَلَ التَّجِيَّةِ، وَالسَّلَامَ عَلَيْكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ».

برترین درود و سلام و رحمت و برکات الهی».

### زیارت امام محمد باقر<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَاقِرُ بِعِلْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَاحِصُ

»سلام بر تو ای شکافنده علم الهی، سلام بر تو ای تحقیق کننده

عَنْ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُبَيَّنُّ لِحُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

دین الهی، سلام بر تو ای تبیین کننده حکم خدا، سلام بر تو ای

القَائِمُ بِقِسْطِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِحُ لِعِبَادِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

قائم به قسط و عدل الهی، سلام بر تو ای پند دهنده بندگان خدا، سلام بر تو

۱. مختصری از زندگانی امام باقر<sup>علیه السلام</sup>

امام باقر<sup>علیه السلام</sup> پنجمین امام شیعه، در سال ۵۸ هجری به دنیا آمد و تا سال ۹۴ هجری در کنار پدرش در مدینه زندگی می کرد. پس از رحلت پدر، رهبری شیعه را در دست گرفت. آن امام همواره سرگرم حفظ عقاید دینی از تحریف شد و کوشید تا با تربیت شاگردان فراوان، معارف اصیل اسلام را از تحریف امویان حفظ کند. امام باقر را به دلیل علم و دانش فراوانش باقرالعلوم، یعنی شکافنده علوم لقب دادند. جابر انصاری از آخرین صحابه برجای مانده، سلام رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله</sup> را به او رساند و امام را بوسید. امام در اوج نزاع هایی که میان عالمان مدینه بر سر مسائل اعتقادی و احکام فقهی درگرفته بود، خطوط روشن را در فقه و تفسیر و سیره نبوی تبیین کرد که تکیه گاه شیعیان در مذهب اصیل شیعه است. امام باقر<sup>علیه السلام</sup> در سال ۱۱۴ یا ۱۱۷ هجری به تحریک هشام بن عبدالملک به شهادت رسید و در کنار پدرش حضرت سجّاد<sup>علیه السلام</sup> در بقیع مدفون شد.

أَيُّهَا الدَّاعِي إِلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الدَّلِيلُ عَلَى اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای فراخوان مردم بسوی خدا، سلام بر تو ای راهنمای به سوی خدا، سلام بر تو

أَيُّهَا الْحَبْلُ الْمَتِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَضْلُ الْمُبِينُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

ای ریسمان (واسطه) استوار، سلام بر تو ای فضیلت آشکارا، سلام بر تو ای

النُّورُ السَّاطِعُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَدْرُ الْأَلْمَعُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

نور درخشان، سلام بر تو ای ماه تابان، سلام بر تو ای

الْحَقُّ الْأَبْلَجُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَّاجُ الْأَسْرَجُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

حق روشن، سلام بر تو ای چراغ فروزان، سلام بر تو ای

النَّجْمُ الْأَزْهَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْكَوْكَبُ الْأَبْهَرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

ستاره تابناک، سلام بر تو ای اختر نورافشان، سلام بر تو ای

الْمَنْزَرَةُ عَنِ الْمُعْضَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَعْصُومُ مِنَ الزَّلَّاتِ،

منزه از درماندگی، سلام بر تو ای مصون از لغزشها،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الزَّكِيُّ فِي الْحَسَبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرَّفِيعُ فِي

سلام بر تو ای پاکیزه حسب، سلام بر تو ای ای والا

النَّسَبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَصْرُ الْمَشِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ

نسب، سلام بر تو ای کاخ فرازمند، سلام بر تو ای حجت الهی

عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ قَدْ صَدَعْتَ بِالْحَقِّ صَدْعًا، وَبَقَرْتَ

بر همه خلق، گواهی می‌دهم ای مولایم که تو حق را به خوبی آشکار ساختی و

الْعِلْمَ بَقَرًا، وَنَثَرْتَهُ نَثْرًا، لَمْ تَأْخُذْكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَأَيِّمٍ، وَكُنْتَ لِدِينِ اللَّهِ

علم را به حقیقت شکافتی و آن را منتشر ساختی و در راه خدا از سرزنش سرزنشگران نهراسیدی

مُكَاتِمًا، وَقَضَيْتَ مَا كَانَ عَلَيْكَ، وَأَخْرَجْتَ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ وَايَةِ غَيْرِ اللَّهِ

و اسرار دین الهی را پنهان داشتی و وظیفهات را به انجام رساندی، و دوستانت را از ولایت غیر خدا

إِلَى وَايَةِ اللَّهِ، وَأَمَرْتَ بِطَاعَةِ اللَّهِ، وَنَهَيْتَ عَنِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، حَتَّى قَبَضَكَ

به ولایت خدا سوق دادی، و به اطاعت الهی دستور و از معصیتش نهی نمودی تا آنگاه که

اللَّهُ إِلَى رِضْوَانِهِ، وَدَهَبَ بِكَ إِلَى دَارِ كِرَامَتِهِ، وَإِلَى مَسَاكِينِ أَصْفِيَائِهِ،

خداوند ترا به سوی روضه رضوان و سرای کرامت و جایگاه برگزیدگان و

وَمُجَاوِرَةَ أَوْلِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

جوار اولیائش برد، سلام و رحمت و برکات الهی بر تو.

زیارت امام صادق علیه السلام<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الصَّادِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَصِيُّ النَّاطِقُ،

سلام بر تو ای امام راستین، سلام بر تو ای وصی ناطق،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْفَائِقُ الرَّائِقُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّنَامُ الْأَعْظَمُ،

سلام بر تو ای مصلح برتر، سلام بر تو ای بزرگ بزرگان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِضْبَاحَ الظُّلُمَاتِ،

سلام بر تو ای صراط استوار، سلام بر تو ای چراغ تاریکی‌ها،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَافِعَ الْمُغْضَلَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِفْتَاحَ الْخَيْرَاتِ،

سلام بر تو ای دفع کننده مشکلات، سلام بر تو ای کلید خیرات،

۱. مختصری از زندگانی امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام که ششمین امام معصوم است و مذهب شیعه با نام او به عنوان مذهب جعفری شناخته می‌شود، در سال ۸۰ یا ۸۳ هجری در مدینه به دنیا آمد و پس از رحلت پدر، رهبری فکری و سیاسی شیعیان اصبیل پیرو مذهب امامیه را بر عهده گرفت، آن حضرت تا سال ۱۴۸ هجری در قید حیات بود، در این مدت نزدیک به چهار هزار نفر شاگرد در محفل درسش حاضر شدند و از دانش آن حضرت بهره بردند. امام صادق علیه السلام مورد ستایش تمامی عالمان عصر خویش بود. در متون دینی شیعه، چندین هزار روایت از آن حضرت در تفسیر، اخلاق و به ویژه فقه، رسیده که باعث عظمت حدیث شیعه و موجب تقویت بنیه علمی آن است. امام صادق علیه السلام کوشید تا شیعیان را در برابر دیگران مسلح به دانش حدیث و فقه کند و با انحرافات که ممکن بود در میان شیعه به وجود آید به مبارزه برخیزد. در دوره این امام نیز جز در چند سال نخست دولت عباسی، فشاری سخت بر شیعیان وجود داشت، منصور، دومین خلیفه عباسی، نسبت به امام صادق علیه السلام سخت کینه داشت و عاقبت نیز به نوشته مؤرخان در ۲۵ شوال سال ۱۴۸ هجری، آن حضرت، به تحریک وی مسموم شد و به شهادت رسید. امام صادق علیه السلام در کنار جد و پدرش در بقیع به خاک سپرده شد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْبَرَكَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْحُجَجِ

سلام بر تو ای معدن برکات، سلام بر تو ای که دارنده حجت‌ها

وَالدَّلَالَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْبُرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

و دلایلی، سلام بر تو ای صاحب برهان‌های آشکار، سلام بر تو

يَا نَاصِرَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَاشِرَ حُكْمِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای یاور دین خدا، سلام بر تو ای ناشر حکم خدا، سلام بر تو

يَا فَاصِلَ الْخِطَابَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَاشِفَ الْكُرْبَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای داور در امور مهم، سلام بر تو ای برطرف کننده اندوهها، سلام بر تو

يَا عَمِيدَ الصَّادِقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ التَّاطِقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای مورد اعتماد راستگویان، سلام بر تو ای زبان گویندگان، سلام بر تو

يَا خَلْفَ الْخَائِفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا زَعِيمَ الصَّادِقِينَ الصَّالِحِينَ،

ای جانشین بیمناکان، سلام بر تو ای رهبر راستگویان صالح،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا هَادِيَ الْمَضِلِّينَ،

سلام بر تو ای سرور مسلمانان، سلام بر تو ای هدایتگر گمراهان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَكْنَ الطَّائِعِينَ، أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ عَلَى الْهُدَى،

سلام بر تو ای آرامش مطیعان، گواهی می‌دهم ای مولایم که تو در مسیر هدایتی

وَالْعُرْوَةَ الْوُثْقَى، وَشَمْسُ الصُّحَى، وَبَحْرُ الْمَدَى، وَكَهْفُ الْوَرَى، وَالْمَمْتَلِّ

رسمان مستحکم، خورشید نیمه روز، دریای کرم، پناهگاه مردم و الکوی

الْأَعْلَى، صَلَّى اللَّهُ عَلَى زَوْجِكَ وَبَدَنِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْعَبَّاسِ عَمِّ

برتر می‌باشی، درود بر روان و پیکرت و سلام بر تو و بر عباس عموی

رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

رسول خدا که درود و رحمت و برکات خدا بر او باد.»

سپس برای هر امامی دو رکعت نماز زیارت می‌خوانی.

### زیارت عباس بن عبدالمطلب

عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر اکرم ﷺ مقامی والا دارد، و در راه اسلام و پیامبر فداکاری‌های بسیار کرد. در زیارت او چنین می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا عَبَّاسَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

«سلام بر تو ای مولای ما ای عباس ای عموی رسول خدا، سلام بر تو

يَا عَمَّ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای عموی پیامبر خدا، سلام بر تو ای عموی حبیب خدا، سلام بر تو

يَا عَمَّ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا الْإِمَامَ الْحَسَنَ الْمُجْتَبَى،

ای عموی پیامبر منتخب، سلام بر تو ای مولای ما امام حسن مجتبی

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا الْإِمَامَ زَيْنَ الْعَابِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای مولای ما امام زین العابدین، سلام بر تو

يَا سَيِّدَنَا الْإِمَامَ الْبَاقِرَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا الْإِمَامَ جَعْفَرَ الصَّادِقَ،

ای مولای ما امام باقر، سلام بر تو ای مولای ما امام جعفر صادق

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدِنِ الرَّسَالَةِ، رَضِيَ اللَّهُ

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت و معدن رسالت، خدا از شما راضی است



عَنْكُمْ وَأَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ الرِّضَا، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَثْوِيَكُمْ وَمَسْكَنَكُمْ وَمَحَلَّكُمْ  
و راضی گرداند به بهترین رضایت، و بهشت را جایگاه شما و مسکن  
و مأویکم، اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.»

و پناهگاه شما قرار داد، سلام خدا و برکات خدا بر شما باد.»

و در مفتاح الجنات این زیارت را نقل کرده است:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَبَّاسُ بْنُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ

» سلام بر تو ای عباس پسر عبدالمطلب، سلام بر تو ای عموی

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبِ السَّقَايَةِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.»

رسول خدا، سلام بر تو ای ساقی حجاج و رحمت و برکات الهی بر تو باد.»

### زیارت فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمؤمنین علیه السلام

فاطمه بنت اسد، از زنان عالی مقام و مورد احترام خاص رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و فرزندی همچون علی بن ابی طالب علیه السلام به دنیا آورد. قبر ایشان نزدیک قبور ائمه علیهم السلام بقیع علیهم السلام است، لیکن بعضی گفته اند قبر آن مخدّره نزدیک قبر حلیمه سعدیه می باشد.

می ایستی نزد قبر آن بانوی مجلّه و می گویی:

«السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

» سلام بر پیامبر خدا سلام بر رسول خدا سلام بر محمد آقای

الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ

رسولان سلام بر محمد آقای اولین، سلام بر محمد آقای

الْأَخْرِبِينَ، السَّلَامُ عَلَيَّ مَنْ بَعَثَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا

آخرین سلام بر کسی که خدا برانگیختش رحمت برای جهانیان سلام و رحمت خدا و برکاتش بر تو ای

النَّبِيِّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيَّ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدِ الْهَاشِمِيَّةِ، السَّلَامُ

پیامبر سلام بر فاطمه دخترت اسد آن بانوی هاشمی سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصَّديقَةُ الْمَرْضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ

بر تو ای راستگوی پسندیده سلام بر تو ای بانوی پرهیزکار پاکیزه سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْكَرِيمَةُ الرَّضِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَافِلَةَ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ،

بر تو ای بانوی بزرگواری و خوشنود از حق سلام بر تو ای کفالت کننده محمد خاتم پیامبران

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَةَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ ظَهَرَتْ شَفَقَتُهَا

سلام بر تو ای مادر بزرگ اوصیای الهی، سلام بر تو ای که آشکار شد مهرت نسبت

عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَرَبَّيْتُهَا لِوَلِيِّ اللَّهِ

به رسول خدا خاتم پیامبران سلام بر تو ای که به او تفویض شد تربیت ولی الله

الْأَمِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

امین سلام بر تو و بر روح تو و بدن پاکت سلام بر تو و بر

وَلَدِكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحْسَنُ الْكِفَالَةِ، وَآدَبُ الْأَمَانَةِ،

فرزندت و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی تو بخوبی کفالت کردی و حق امانت را ادا کردی

وَأَجْتَهَدْتُ فِي مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَبَالَغْتُ فِي حِفْظِ رَسُولِ اللَّهِ،

و در بدست آوردن موجبات خوشنودی خدا کوشش کردی و در نگهداری رسول خدا حداکثر سعی خود را مبذول داشتی

عَارِفَةً بِحَقِّهِ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِ، مُعْتَرِفَةً بِنُبُوِّهِ، مُسْتَبْصِرَةً بِنِعْمَتِهِ،

در حالی که به حق او آشنا و به راستگوییش ایمان داشتی و به نبوتش معترف و به نعمتش بینا و آشنا بودی

كَافِلَةً بِتَرْبِيَّتِهِ، مُشْفِقَةً عَلَي نَفْسِهِ، وَاقِفَةً عَلَي خِدْمَتِهِ، مُخْتَارَةً

وتربیتش را ابعبده‌گرفتی و نسبت بدان حضرت مهر ورزیدی و برای خدمتکاریش خود را مهیا کردی و خوشنودیش را

رِضَاءً، مُؤْتِرَةً هَوَاهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَي الْإِبْرَامَانِ

اختیار کردی و نسبت به خواسته‌های او ایثار نمودی و گواهی دهم که تراز این جهان رفتی در حالی که به حق ایمان داشتی

وَالْتَمَسْتُكَ بِأَشْرَفِ الْأَدْيَانِ، رَاضِيَةً مَرَضِيَّةً، طَاهِرَةً زَكِيَّةً، تَقِيَّةً نَقِيَّةً،

و به بهترین ادیان متمسک گشته و در حال خوشنودی و پسندیدگی و پاک‌گی و پاکیزگی و پرهیزکاری و دوزاخ هر بدی بودی

فَرَضِيَّ اللَّهُ عَنكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَا وَبِكَ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي

پس خدا از تو خوشنود باد و خوشنودت سازد و بهشت را منزل و مأویت قرار دهد خدا یا درود فرست بر

مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْفَعِنِي بِزِيَارَتِهَا، وَتَبَيَّنِّي عَلَي مَحَبَّتِهَا، وَ لَا تَحْرِمْنِي

محمد و آل محمد و سود ده مرا بوسیله زیارت این بانوی محترم و ثابتم بدار به دوستیش و محروم مکن از

شَفَاعَتِهَا وَشَفَاعَةَ الْأَيْمَةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهَا، وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَأَحْسُرْنِي مَعَهَا

شفاعت او و شفاعت امامان از نژادش و روزیم کن هم جواریش را و محشور کن مرا با او

وَمَعَ أَوْلَادِهَا الطَّاهِرِينَ، اَللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي إِبَاهَا،

و با فرزندان پاکش خدا یا قرار مده این زیارتم را آخرین زیارتم

وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، وَإِذَا تَوَفَّيْتَنِي فَاحْشُرْنِي فِي زَمَرَتِهَا،

و روزیم گردان آمدن به زیارتش را همیشه تا زنده‌ام داری و چون مرا میراندی در زمره او محشورم کن

وَأَدْخِلْنِي فِي شَفَاعَتِهَا، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اَللَّهُمَّ بِحَقِّهَا عِنْدَكَ

و در شفاعت او داخلم گردان به رحمتت ای مهربانترین مهربانان خدا یا به حقی که این بانوی محترم نزد تو

وَمَنْزِلَتِهَا لَدَيْكَ، إِغْفِرْ لِي وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ، وَ آتِنَا

دارد و به مقام و منزلت او درگاهت که بیامرز مرا و پدر و مادرم و همه مردان مؤمن و زنان با ایمان را و بده

فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَفِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ».

به ما در دنیا خوبی و در آخرت نیز خوبی و نگاهمان دار به رحمتت از عذاب دوزخ.»

### زیارت دختران حضرت رسول ﷺ

رسول خدا ﷺ غیر از فاطمه زهرا علیها السلام دختران دیگری هم به نامهای «زینب»، «ام کلثوم» و «رقیه» داشته است که قبرشان در بقیع می باشد. برای زیارت آنان، نزدیک قبورشان می ایستی و به قصد رجاء و امید ثواب، چنین می گویی:

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ جَمِيعِ

«سلام بر تو ای پیامبر پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای برگزیده همه

الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ،

پیامبران و رسولان، سلام و رحمت و برکات خدا بر توی ای آنکه خداوند تو را بر تمام آفریده هایش

وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ، اَلْسَّلَامُ عَلَى بَنَاتِ السَّيِّدِ الْمُصْطَفَى، اَلْسَّلَامُ عَلَى

انتخاب کرد، سلام بر دختران حضرت مصطفی، سلام بر

بَنَاتِ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى، اَلْسَّلَامُ عَلَى بَنَاتِ مَنْ اصْطَفَاهُ اللَّهُ فِي السَّمَاءِ،

دختران پیامبر برگزیده، سلام بر دختران آنکه خداوند او را در آسمان برگزید و بر خلق برتری داد،

وَفَضَّلَهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَالْوَرَى، اَلْسَّلَامُ عَلَى ذُرِّيَّةِ السَّيِّدِ الْجَلِيلِ، مِنْ

سلام بر فرزندان سرور بزرگوار از

نَسِيلِ إِسْمَاعِيلَ، وَسُلَالَةِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ، اَلْسَّلَامُ عَلَى بَنَاتِ النَّبِيِّ

نسل اسماعیل و از فرزندان ابراهیم خلیل، سلام بر دختران پیامبر

الرَّسُولِ، السَّلَامُ عَلَى أَخَوَاتِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ الْبَتُولِ، السَّلَامُ عَلَى

مرسل، سلام بر خواهران فاطمه؛ زهراى بتول سلام بر

زَيْنَبَ وَأُمَّ كَلْثُومَ وَرَقِيَّةَ، السَّلَامُ عَلَى الشَّرِيفَاتِ الْأَحْسَابِ، وَالطَّاهِرَاتِ

زينب و ام كلثوم و رقيه، سلام بر بانوان والاكهر و پاكيزه

الْأَنْسَابِ، السَّلَامُ عَلَى بَنَاتِ الْأَبَاءِ الْأَعْظَمِ، وَسَالَةِ الْأَجْدَادِ الْأَكْرَامِ

نسب، سلام بر دختران پدران بزرگوار و فرزندان نياى كريم

الْأَفْخَامِ، عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَعَبْدِ مَنْافٍ وَهَاشِمٍ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.»

و بزرگ؛ عبد المطلب وعبد مناف و هاشم ورحمت و بركات خدا بر آنان باد.»

### زیارت همسران رسول خدا ﷺ

زنان پاکدامن و والا مقام پیامبر اکرم ﷺ در بقیع دفن شده‌اند،<sup>۱</sup> قرآن

همسران آن حضرت را «مادر مؤمنین» لقب نهاده و حُرْمَتشان را لازم شمرده است.

برای زیارت آن زنان گرانقدر محترمه، چنین می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيَكُنَّ يَا زَوَاجَتِ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيَكُنَّ يَا زَوَاجَتِ نَبِيِّ اللَّهِ،

«سلام بر شما ای زنان رسول خدا، سلام بر شما ای زنان نبی خدا،

أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، اللَّهُمَّ ارْضِ عَنْهُنَّ، وَارْفَعْ دَرَجَاتِهِنَّ،

مادران مؤمنین رحمت و بركات خدا بر شما باد، پروردگارا از آنان راضی باش، و بر درجاتشان بیفزای.

۱. لازم به ذکر است که قبر شریف حضرت خدیجه رضی الله عنها در مکه در قبرستان ابوطالب می‌باشد.

وَأَكْرَمَ مَقَامَهُنَّ، وَأَجْزَلَ ثَوَابَهُنَّ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

ومقامشان را گرامی دار و ثوابشان را بیفز، آمین ای پروردگار عالمیان.»

### زیارت جناب عقیل و جناب عبدالله فرزند جعفر طیار علیه السلام

عقیل و جعفر طیار هر دو برادران علی بن ابی طالب علیه السلام هستند و عبدالله پسر جعفر طیار، همسر حضرت زینب علیها السلام است. قبر عقیل و عبدالله بن جعفر در بقیع قرار دارد در زیارت این دو بزرگوار چنین می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا عَقِيلَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَمِّ

رسول خدا، سلام بر تو ای سرور ما عقیل بن ابی طالب، سلام بر تو ای پسر عموی

رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَمِّ نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَمِّ

رسول خدا، سلام بر تو ای پسر عموی پیامبر خدا، سلام بر تو ای پسر عموی

حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَمِّ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَخَا عَلِيٍّ

حبیب خدا، سلام بر تو ای پسر عموی حضرت مصطفی سلام بر تو ای برادر علی

الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَانِ، وَعَلَى مَنْ

مرتضی، سلام بر تو ای عبد الله فرزند جعفر پرواز کننده در بهشت، و سلام بر کسانی که

حَوْلَكُمْ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمْ وَأَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ

اطراف شما بندگان از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله خداوند از شما خوشنود باشد و شما را به بهترین صورت

الرِّضَا، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكُمْ وَمَسْكَنَكُمْ وَمَحَلَّكُمْ وَمَأْوِيَكُمْ، السَّلَامُ

خوشنود سازد و بهشت را منزل و مسکن و جایگاه و سر پناهان قرار دهد، سلام

عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

### زیارت ابراهیم، فرزند رسول اکرم ﷺ

تنها فرزندی که در مدینه نصیب رسول خدا ﷺ شد، ابراهیم بود که از مادری به نام ماریه قبطیه به دنیا آمد. این زن همراه خواهرش سیرین، توسط حاکم مصر به رسم هدیه برای رسول خدا ﷺ فرستاده شد.

ابراهیم در ذی حجه سال هشتم هجرت چشم به دنیا گشود و با تولد او موجی از شادی و سرور مدینه را فراگرفت، محل تولد وی مکانی بود به نام مشربه ام ابراهیم، پسر رسول الله در کودکی از دنیا رفت و پیامبر خدا را داغدار کرد. درگذشت ابراهیم، پیامبر را به شدت غمگین ساخت و آن حضرت در سوگ فرزند، اشک می ریخت و می فرمود: دل برای او می سوزد، ولی سخنی نمی گویم که موجب ناخشنودی خدا گردد. این فرزند، که مورد علاقه شدید پیامبر بود، در بقیع به خاک سپرده شد.

برای زیارت فرزند رسول خدا ﷺ، در قبرستان بقیع، نزدیک قبر او

می ایستی و چنین می گویی:

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ،

سلام بر رسول خدا سلام بر پیامبر خدا سلام بر حبیب خدا

السَّلَامُ عَلَى صَفِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ

سلام برگزیده خدا سلام بر انتخاب شده خدا سلام بر محمد بن

عَبْدَ اللَّهِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَاتَمِ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ

عبدالله آقای پیامبران و خاتم رسولان و برگزیده خدا از خلقش در زمین

وَسَمَائِهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ

و آسمانش سلام بر همه پیامبران و رسولان سلام بر شهیدان

وَالسُّعْدَاءِ وَالصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ

و سعادت‌مندان و بندگان شایسته حق سلام بر ما و بر بندگان صالح خدا سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرُّوحُ الرَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ السَّلَامُ

بر تو ای روح پاک سلام بر تو ای جان شریف سلام

عَلَيْكَ أَيَّتُهَا السُّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّسَمَةُ الرَّكِيَّةُ السَّلَامُ

بر تو ای نسل پاکیزه سلام بر تو ای انسان پاک سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ النَّبِيِّ الْمُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای فرزند بهترین مردم سلام بر تو ای فرزند پیامبر برگزیده سلام بر تو

يَا بَنَ الْمَبْعُوثِ إِلَى كَافَّةِ الْوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ

ای فرزند برانگیخته شده بسوی عموم مردم سلام بر تو ای فرزند بشیر و نذیر سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ السَّرَاجِ الْمُنِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُؤَيَّدِ بِالْقُرْآنِ السَّلَامُ

بر تو ای فرزند چراغ تابناک سلام بر تو ای فرزند آنکس که بوسیله قرآن تأیید شد سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمُرْسَلِ إِلَى الْإِنْسِ وَالْجَانِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ

بر تو ای فرزند آنکس که بسوی انس و جن فرستاده شد سلام بر تو ای فرزند صاحب پرچم

وَالْعَلَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ

و علامت سلام بر تو ای فرزند شفیع در روز قیامت سلام بر تو ای فرزند آن کس که



حَبَاهُ اللَّهُ بِالْكَرَامَةِ السَّلَامَ عَلَيْكَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدِ اخْتَارَ

خدایش مخصوص فرمود به بزرگواری سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش گواهی دهم که براستی خداوند برای تو

اللَّهُ لَكَ دَارَ إِنْغَامِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتَبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَحَرَامَهُ

خانه نعمت خود را انتخاب فرمود پیش از آنکه مقرر و واجب کند بر تو احکام خود را یا تکلیف کند تو را به حلال و حرامش

فَنَقَلَكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًّا مَرْضِيًّا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ

پس تو را بدان خانه منتقل فرمود پاک و مبرا و پسندیده و پاکیزه از هر نجاست و تمیزی از هر کثافت و آلودگی

وَبُؤْتِكَ جَنَّةَ الْمَأْوَى وَرَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ الْعُلَى وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ صَلَوةً تَقَرُّ

و جایت داد در بهشت آسایش و بالایت برد به درجات بالا و درود خدا بر تو درودی که روشن شود

بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ وَتَبَلَّغَهُ أَكْبَرَ مَأْمُولِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صَلَوَاتِكَ وَأَرْكَأَهَا

بدان دیده رسول خدا و برساندش به بزرگترین آرزویش خدا یا فرار ده بهترین درودها و پاکیزه ترین آنها

وَأَنْمِي بَرَكَاتِكَ وَأَوْفَاها عَلَى رَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ

و فزاینده ترین برکاتش و کاملترین آنها را بر رسول خود و پیامبرت و برگزیده از خلقت محمد

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَعَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ

خاتم پیامبران و بر نسل او از اولاد پاکش و بر یادگاری که بجای گذارد از

عِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ

عترت پاکیزه اش به رحمتت ای مهربانترین مهربانان خدایا از تو خواهم به حق

مُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَإِبْرَاهِيمَ نَجْلِ نَبِيِّكَ أَنْ تَجْعَلَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا وَذَنْبِي

محمد برگزیده ات و به حق ابراهیم فرزند پیامبرت که قرار دهی سعی مرا بدیشان مورد سپاسگزاری و گناهم

بِهِمْ مَغْفُورًا وَحَيَوْتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَعَاقِبَتِي بِهِمْ حَمِيدَةً وَحَوَائِجِي بِهِمْ

را آمرزیده و زندگیم را سعادتمند و عاقبتم را ستوده و حاجاتم را

مَقْضِيَّةً وَأَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً وَأُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً وَشُؤُنِي بِهِمْ مَحْمُودَةً

روا شده و کردارم را پسندیده و کارهایم را مقرون به سعادت و وضعم را مورد پسند و ستوده

اللَّهُمَّ وَأَحْسِنْ لِي التَّوْفِيقَ وَنَفْسَ عَنِّي كُلِّ هَمٍّ وَصَبِّحِ اللَّهُمَّ جَنَّتِي

خدایا و نیکوگردان برایم توفیق را و برطرف کن از من هر اندوه و فشاری را خدایا دور کن مرا

عِقَابَكَ وَأَمْنَحْنِي تَوَابَكَ وَأَسْكِنِّي جَنَّاتِكَ وَأَرْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَأَمَانَكَ

از عقاب و شکنجه‌ها و تفضل کن بر من پاداش نیکت را و سکنایم ده در بهشتت و روزیم گردان رضوان و امنیت را

وَأَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدِي وَوَلَدِي وَجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و شریک گردان با من در دعای شایسته‌ام پدر و مادرم و فرزندانم و همه مؤمنین و مؤمنات را زندگان از

الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ایشان و مردگانشان را که براستی تویی صاحب اختیار اعمال صالحی که بجای ماند آمین ای پروردگار جهانیان.

پس حاجتهای خود را می‌خواهی، و دو رکعت نماز برای او هدیه کن.

### زیارت شهدای واقعه حرّه و شهدای اُحُد در بقیع

بقیع، تاریخچه‌ای مفصل دارد، و قبور بسیاری از پاکان و مجاهدان در

آن است. از آن جمله، مجروحان جنگ اُحُد که پس از انتقال به مدینه، به

شهادت رسیدند و در بقیع دفن شدند، و نیز شهدای واقعه حرّه در بقیع

مدفون‌اند. پس از حادثه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، مردم

مدینه بر ضدّ امویان قیام کرده و والی اموی را برکنار کردند. یزید هزاران نفر

از سربازان خود را به مدینه فرستاد، و به مدّت سه روز، مال و جان و نوامیس

مسلمانان را بر آنان مباح نمود. در این جنایت و قتل عام، هزاران مسلمان به

شهادت رسیدند که در میان آنان، هشتاد نفر از صحابه و ۷۰۰ نفر از فرزندان مهاجرین و انصار بودند. این حادثه به «واقعه حرّه» معروف است، و شهدای آن در خاک بقیع آرمیده‌اند.

در زیارت قبور شهدای واقعه حرّه و شهدای اُحد می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شُهَدَاءَ يَا سَعْدَاءَ يَا نُجَبَاءَ يَا نُقَبَاءَ يَا أَهْلَ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ،

سلام بر شما ای شهیدان، ای نیکان و سعادت‌مندان، ای جوان‌مردان و گرامیان و بزرگتران ای اهل صدق و وفاء،

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا مَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

سلام بر شما ای جهادکنندگان در راه خدا آن گونه که حق و سزاوار بود سلام بر شما به خاطر

بِمَا صَبَرْتُمْ ثُمَّ قَنِعْتُمْ عَقْبَى الدَّارِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا شُهَدَاءَ كَافَّةً عَامَةً وَرَحْمَةً

صبر و استقامتتان، چه نیکوست سرانجام آن سرای جاویدان سلام بر شما ای همه شهیدان، رحمت

اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و برکات خداوند بر شما باد.»

### زیارت اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام

اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام بود، و عده‌ای از شیعیان پس از امام صادق به امامت او اعتقاد پیدا کردند و به «اسماعیلیه» معروف شدند، اگرچه خود به امامت برادرش امام موسی کاظم علیه السلام عقیده داشت و مورد احترام آن حضرت بود. در زیارت اسماعیل می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَى أَبِيكَ الْمُرْتَضَى الرَّضَا، السَّلَامُ

«سلام بر جدت (حضرت) مصطفی، سلام بر پدرت (حضرت) مرتضی، سلام

عَلَى السَّيِّدَيْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ أُمَّ  
 بر دو سرور (امام) حسن و (امام) حسین، سلام بر مادر مؤمنان و مادر  
 سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ أُمَّ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى  
 بانوی بانوان جهان؛ خدیجه، سلام بر مادر امامان پاک (حضرت) فاطمه، سلام بر  
 النَّفُوسِ الْفَاحِشَةِ، بُحُورِ الْعُلُومِ الزَّاحِرَةِ، شَفَائِي فِي الْأَخِرَةِ، وَأَوْلِيَائِي عِنْدَ  
 جانهای والا و دریاهای دانش؛ شفیعانم در آخرت و مددکارانم به هنگام  
 عَوْدِ الرُّوحِ إِلَى الْعِظَامِ النَّجْرَةِ، أُمَّةِ الْخَلْقِ وَوَلَاةِ الْحَقِّ، السَّلَامُ عَلَى عَلَيْكَ  
 بازگشت روح به استخوانهای فرسوده؛ پیشوایان راستین و ولات حق، سلام بر تو  
 أَيُّهَا الشَّخْصُ الشَّرِيفُ، الطَّاهِرِ الْكَرِيمِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا  
 ای شخصیت شریف؛ (امام) پاک و بزرگوار، گواهی می‌دهم که معبودی جز الله نیست و اینکه حضرت محمد  
 عَبْدُهُ وَمُصْطَفِيُّهُ، وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّهُ وَمُجْتَبِيُّهُ، وَأَنَّ الْإِمَامَةَ فِي وَوَلَدِهِ إِلَى يَوْمِ  
 بنده و برگزیده او است و اینکه حضرت علی ولی و منتخب او می‌باشد و امامت تا  
 الدِّينِ، نَعْلَمُ ذَلِكَ عِلْمَ الْيَقِينِ، وَنَحْنُ لِدَٰلِكَ مُعْتَقِدُونَ، وَفِي نَصْرِهِمْ  
 قیامت در میان فرزندان (معصوم) او است، و برای ما امری یقینی است و بر این باوریم و در یاریشان  
 مُجْتَهِدُونَ».

کوشا می‌باشیم.»

### زیارت حلیمه سعیدیّه

حلیمه سعیدیّه، دایه و مادر رضاعی رسول خدا ﷺ بود که آن حضرت را  
 در کودکی از عبدالمطلب (جد پیامبر) تحویل گرفت و میان قبیله خود در

بیرون مکه برد، و به او شیر داد و بزرگش کرد. زنی با عاطفه و مهربان بود که افتخار دایگی پیامبر را داشت، و مورد احترام و علاقه حضرت بود.

در زیارت آن بانوی عظیم الشان چنین می‌گویی:

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ رَسُولِ اللَّهِ، الْوَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ صَفِيَّ اللَّهِ، الْوَسْلَامُ

«سلام بر تو ای مادر(رضاعی) پیامبر خدا، سلام بر تو ای مادر برگزیده خدا، سلام

عَلَيْكَ يَا أُمَّ حَبِيبِ اللَّهِ، الْوَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْمُصْطَفَى، الْوَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا

بر تو ای مادر حبیب خدا، سلام بر تو ای مادر حضرت مصطفی، سلام بر تو ای

مُرْضِعَةَ رَسُولِ اللَّهِ، الْوَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا حَلِيمَةَ السَّعْدِيَّةِ، فَرَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى

دایه رسول خدا، سلام بر تو ای حلیمه سعدیه، خداوند تعالی از تو خوشنود باد و ترا

عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مِنْزِلَكَ وَمَأْوَاكَ، وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ».

خوشنود سازد، و بهشت را منزل و پناهگاهتان قرار دهد و رحمت و برکات خدا بر تو باد.»

### زیارت عمه‌های رسول اکرم ﷺ

قبر این دو بانوی بزرگوار «صفیه و عاتکه»، دختران عبدالمطلب و أم البنین مادر حضرت ابوالفضل در بقیع پهلوی هم می‌باشد. صفیه، زنی شجاع، باکمال و ادیب و شاعر بود، و در آغاز ظهور اسلام مسلمان شد، و با پیامبر اسلام بیعت کرد، و به مدینه هجرت نمود. در جنگ اُحُد و خندق هم حاضر بود، و در سال ۲۰ هجری در هفتاد و سه سالگی از دنیا رفت. عاتکه نیز زنی با ایمان بود، و در ردیف صحابه پیامبر قرار داشت، و همراه مسلمانان مهاجر به مدینه هجرت کرد.

در زیارت دو عمه حضرت رسول ﷺ صغیه و عاتکه می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا عَمَّتِي رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا عَمَّتِي نَبِيِّ اللَّهِ،

سلام بر شما دو عمه رسول خدا، سلام بر شما دو عمه پیامبر خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا عَمَّتِي حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا عَمَّتِي الْمُصْطَفَى،

سلام بر شما دو عمه حبیب خدا، سلام بر شما دو عمه حضرت مصطفی،

رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمَا وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكُمَا وَرَحِمَهُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ».

خداوند از شما خوشنود باد و بهشت را جایگاهتان قرار دهد و رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

#### زیارت امّ البنین مادر حضرت ابوالفضل (ع)

امّ البنین، که نامش «فاطمه» دختر حِزَام است، زنی رشید، شجاع و عارف و فاضل و نجیب و با اخلاص بود که پس از وفات حضرت زهرا (ع)، به همسری امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در آمد، و صاحب چهار فرزند رشید به نامهای عباس، عبدالله، جعفر و عثمان شد که هر چهار نفر در کربلا، در رکاب امام حسین (ع) جنگیدند و شربت شهادت نوشیدند. امّ البنین، برای شهدای کربلا و چهار شهید خود در مدینه عزاداری می‌کرد، و در رثایشان شعر می‌سرود، و از احیای کربلا و شهدا بود.

در زیارت امّ البنین (ع) می‌گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا زَوْجَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

سلام بر تو ای همسر ولی خدا، سلام بر تو ای همسر امیرمؤمنان،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْبَنِينِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْعَبَّاسِ ابْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر تو ای امّ البنین، سلام بر تو ای مادر عبّاس پسر امیر مؤمنان

عَلَيْ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ وَمَأْوَبِكَ،

علی بن ابی طالب، خدای تعالی از تو راضی باد، و بهشت را منزل و پناهگاهتان قرار دهد

وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ.

و رحمت و برکات خدا بر شما.

### زیارت اهل قُبُور

«السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ أَهْلِ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ، يَا أَهْلَ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ،

سلام بر معتقدان به «لا اله الا الله» از سوی معتقدان به «لا اله الا الله» ای معتقدان به «لا اله الا الله» شما را

بِحَقِّ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ، كَيْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ، مِنْ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ، يَا لِإِلَهِ

به حق «لا اله الا الله» چگونه یافتید پاداش ذکر «لا اله الا الله» را از سوی معبود یکتای که نیست جز الله

إِلَّا اللَّهُ، بِحَقِّ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ، إِغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَةِ

ای معبود یکتا بیامرز آنکه را که گوید: «لا اله الا الله» و محشور کن ما را در زمره

مَنْ قَالَ لِإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ.»

گویندگان «لا اله الا الله» محمد رسول الله علی ولی الله.

از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده هر کس به قبرستان وارد شود و زیارت

بخواند، خداوند متعال ثواب پنجاه سال عبادت به او عطا فرماید، و گناه

پنجاه ساله او و والدینش را ببخشد. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل است هر کس

هفت مرتبه سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را نزد قبر مؤمنی بخواند،

خداوند متعال فرشته‌ای را نزد قبر او می‌فرستد که پرستش خدا کند، و ثوابش را به نام آن میت می‌نویسد. پس چون روز قیامت شود به هر هولی از احوال قیامت برسد، خداوند آن هول را از او برطرف کند، تا اینکه داخل بهشت شود.

### زیارت حضرت عبدالله بن عبدالمطلب علیه السلام پدر گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله

پدر آن حضرت پس از مراجعت از سفر شام و قبل از ولادت رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت، قبر آن بزرگوار در حال حاضر تقریباً رو به روی باب السلام مسجدالنبی واقع گردیده است. در زیارت آن حضرت بگو:

«الْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيْنَ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا نُورَ

«سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای نور

اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مُسْتَوْدَعَ نُورِ رَسُوْلِ اللَّهِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَ خَاتَمِ

خدا، سلام بر تو ای سپردگاه نور پیامبر خدا، سلام بر تو ای پدر خاتم

الْاَنْبِيَاءِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ اَنْتَهَى اِلَيْهِ الْوَدِيْعَةُ وَالْاَمَانَةُ الْمَنْبِيْعَةُ، اَلْسَّلَامُ

پیامبران، سلام بر تو ای آنکه امانت منبع (نور نبوت) به او منتقل گردید، سلام

عَلَيْكَ يَا مَنْ اُوْدِعَ اللَّهُ فِيْ صُلْبِهِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الْمَكِيْنِ نُورَ رَسُوْلِ اللَّهِ

بر تو ای آنکه خداوند به ودیعت نهاد در صلب پاک و پاکیزه او، نور رسول

الصَّادِقِ الْاَمِيْنِ، اَلْسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالِدَ سَيِّدِ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِيْنَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ

راستگو امین را، سلام بر تو ای پدر سرور پیامبران و رسولان، گواهی دهم که تو



قَدْ حَفِظْتَ الْوَصِيَّةَ، وَأَدَّيْتَ الْأَمَانَةَ عَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ فِي رَسُولِهِ، وَكُنْتَ فِي

وصیت را حفظ، و حق امانت پروردگار جهانیان یعنی پیامبر او را ادا نمودی، و در

دینک علی یقین، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ اتَّبَعْتَ دِينَ اللَّهِ عَلَىٰ مِنْهَاجِ جَدِّكَ إِبْرَاهِيمَ

دینت به مقام یقین رسیدی، و گواهی دهم که تو دین خدا را که شریعت جدت ابراهیم

خَلِيلَ اللَّهِ فِي حَيَاتِكَ وَبَعْدَ وَفَاتِكَ، عَلَىٰ مَرْضَاتِ اللَّهِ فِي رَسُولِهِ، وَأَقْرَزْتَ

خلیل الله بود، در دوره زندگی پیروی کردی و بر آن مردی و مورد رضای خدا و پیامبرش بودی و به نبوت

وَصَدَقْتَ بِنُبُوَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

رسول خدا ﷺ و ولایت امیر مؤمنان و دیگر ائمه طاهربین ﷺ

عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالْأَيِّمَةِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ حَيًّا

اقرار کردی، خداوند در حال حیات و مرگ بر تو

وَمَيِّتًا، وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ».

درود فرستاد و رحمت و برکاتش بر تو باد.»

### زیارت دوم حضرت عبدالله بن عبدالمطلب

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَجْدِ الْأَيْبِلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَةَ فَرْعٍ مِنْ

سلام بر تو ای بزرگوار و اصیل سلام بر تو ای بهترین شاخسار شجره

دَوْحَةِ الْخَلِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الدَّبِيحِ إِسْمَاعِيلَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ابراهیم خلیل، سلام بر تو ای فرزند اسماعیل سلام بر تو ای

سُلَالَةَ الْإِبْرَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا النَّبِيِّ الْمُخْتَارِ، وَعَمَّ الْوَصِيِّ الْكَرَّارِ، وَوَالِدَ

که از دودمان نیکانی سلام بر تو ای پدر پیامبر برگزیده و عموی وصی کزار، و پدر

الْإِيْمَةَ الْأَطْهَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اضَاءَتْ بِنُورِ جَبِينِهِ عِنْدَ وِلَادَتِهِ أَطْرَافُ

ائمه اطهار سلام بر تو ای آنکه با نور پیشانی‌ت به هنگام ولادتت کرانه‌های آسمان

السَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يُوسُفَ آلِ عَبْدِ مَنَافٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَلَكَ

روشن شد، سلام بر تو ای یوسف خاندان عبد مناف، سلام بر تو ای آنکه پیرو

مَسَلِّكَ جَدَّهُ إِسْمَاعِيلَ، فَاسْلَمَ لِأَبِيهِ لِيَذْبَحَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ فَدَاهُ

راه جدش اسماعیل بود، و در برابر پدر برای ذبح تسلیم گشت، سلام بر تو که خداوند

اللَّهُ بِمَا فَدَاهُ، فَتَقَبَّلَهُ فَأَعْطَاهُ اللَّهُ وَأَبَاهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَامِلَ نُورِ النَّبُوَّةِ،

فدایی برایت قرارداد و فدایش را پذیرا شد سلام بر تو ای حامل نور پیامبر،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَشْرَفَ النَّاسِ فِي الْأَبْوَةِ وَالْبَنُوَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالدَ

سلام بر تو ای شریف‌ترین مردم از جهت پدر و فرزند، سلام بر تو ای پدر

خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الطَّاهِرِينَ بَعْدَ الطَّاهِرِينَ، وَأَبْنَ

خاتم پیامبران، سلام بر تو ای پدر پاکان بعد از پاکان و فرزند

الطَّاهِرِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

پاکیزگان و رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

### فضیلت زیارت حضرت حمزه و سایر شهدای اُحُد

فخر المحققین در رساله فخریه نوشته: «مستحب است زیارت حضرت

حمزه علیه السلام و دیگر شهدای اُحُد در منطقه اُحُد». از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله

مروی است هر کس مرا زیارت کند و عموم حمزه را زیارت نماید، به من

جفا کرده است. شیخ مفید رحمته الله علیه فرموده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت قبر حمزه

امر می فرمود و به زیارت ایشان و شهدا اهتمام می داد. حضرت فاطمه علیها السلام نیز پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر زیارت قبر آن بزرگوار اهتمام داشت، و از زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله سنت شده مسلمانان به زیارت عموی گرامی آن حضرت بیایند، و در کنار قبرش بمانند. در حدیث است که حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت پدر مدّت هفتاد و پنج روز زندگانی نموده، و هیچ وقت خندان یا متبسّم مشاهده نشده، و روزهای دوشنبه و پنجشنبه هر هفته به زیارت قبور شهدا تشریف می آورد، و می فرمود: در اینجا رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، و در این مکان مشرکین، و به نقلی دیگر در آنجا نماز می گزارد و دعا می کرد. شهدای اُحُد (رضوان الله علیهم) حدود هفتاد شهید می باشند که حضرت حمزه علیه السلام و عبدالله بن جحش و مصعب بن عمیر و عماره بن زیاد و شماس بن عثمان جزو آنان هستند، و چون به زیارت آن حضرت رفتی نزد قبرش می گویی:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

«سلام بر تو ای عموی گرامی رسول خدا که درود خدا بر او و آلش باد، سلام بر تو ای

خَيْرَ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَسَدَ اللَّهِ وَأَسَدَ رَسُولِهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ

بهترین شهیدان، سلام بر تو ای شیر خدا و شیر رسول خدا گواهی دهم که تو براستی

جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ، وَنَصَحْتَ رَسُولَ اللَّهِ،

جهادکردی در راه خدای عزوجل و جان خود را در این راه بذل کردی و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله خیرخواهی کردی

وَكَنتَ فِيمَا عِنْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَاغِبًا، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي، أَتَيْتَكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيَّ

و مشتاق بودی آنچه را نزد خدای سبحان بود، پدر و مادرم به فدایت من در اینجا به نزد شما آمدم تا بدینوسیله به

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِذَلِكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ فِي الشَّفَاعَةِ، أُنْتَعِي

رسول خدا صلی الله علیه و آله تقرب جویم و اشتیاق به تو در شفاعت دارم، جویندهام

بِزِيَارَتِكَ خَلَاصَ نَفْسِي مُتَعَوِّذًا بِكَ مِنْ نَارٍ اسْتَحَقَّهَا مِثْلِي بِمَا جَنَيْتُ عَلَى

به وسیله زیارتت خلاص کردن جانم را، پناهندهام به تو از آتشی که امثال من بواسطه جنایتی که کرده‌ام مستحق آن

نَفْسِي، هَارِبًا مِنْ دُنُوبِي الَّتِي احْتَبَبْتُهَا عَلَى ظَهْرِي، فَزِعًا إِلَيْكَ رَجَاءً

گشته‌ام، گریزانم از گناهایی که بر پشت خویش بار کرده‌ام پناهندهام به تو به امید رحمت

رَحْمَةِ رَبِّي، أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى مَوْلَايَ وَاتَّقَرَّبُ بِنَبِيِّهِ إِلَيْهِ لِيَقْضِيَ لِي

به زیارتت آمدم و درخواست شفاعت نزد مولایم دارم و تقرب می‌جویم به او برای این که حوائجم را به وسیله

بِكَ حَوَائِجِي، أَتَيْتُكَ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، طَالِبًا فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَقَدْ

تو بر آورد، به زیارتت آمده‌ام از راهی پر رنج و دور و خواهان آزادی خویش از دوزخم و برآستی که خم کرده پشتم را

أَوْفَرْتُ ظَهْرِي دُنُوبِي، وَأَتَيْتُ مَا أَسْحَطَ رَبِّي، وَلَمْ أَجِدْ أَحَدًا أَفْزَعُ إِلَيْهِ خَيْرًا

سنگینی بارگناهام و به کاری که موجب خشم پروردگار من است دست زده‌ام و نیافتم کسی را که به او پناه برم بهتر از

لِي مِنْكُمْ أَهْلَ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، فَكُنْ لِي شَفِيعًا يَوْمَ فَقْرِي وَحَاجَتِي، فَقَدْ

شما خاندان رحمت پس تو (ای سرور بزرگوار) شفیعم باش در روز نداری و نیازم که راه پیمودم به سویت

سِرْتُ إِلَيْكَ مَحْزُونًا، وَأَتَيْتُكَ مَكْرُوبًا، وَسَكَبْتُ عَبْرَتِي عِنْدَكَ بَاكِيًا، وَصِرْتُ

غمناک و آمده‌ام به نزدت در حال محنت زدگی و ریختم اشکم را در پشت گریبان و به درگاهت آمده‌ام و

إِلَيْكَ مُفْرَدًا، أَنْتَ مِمَّنْ أَمَرَ لِي اللَّهُ بِصَلَاتِهِ، وَحَثَّنِي عَلَى بَرِّهِ، وَدَلَّنِي عَلَى

تک تنها و تو از کسانی هستی که خداوند به من دستور پیوند او را داده و به نیکی به او وادارم کرده و بر

فَضْلِهِ، وَهَدَانِي لِحُبِّهِ، وَرَغَّبَنِي فِي الْوَفَادَةِ إِلَيْهِ، وَالْهَمَمَنِي

فضل و برتریش را اهنمائیم کرده و به محبتش هدایت نموده و به رفتن سرخوآن کرمش ترغیب کرده و به من الهام کرده

طَلَبَ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ، أَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتٍ لَا يَشْقَى مَنْ تَوَلَّاهُمْ، وَلَا يَخِيبُ مَنْ

که حاجاتم را در پیش او بخواهم شما خاندانی هستید که بدیخت نشود هر که دوستان دارد و نومید نگردد هر که  
اُتَاكُمْ، وَلَا يَخْسِرُ مَنْ يَهْوِيكُمْ، وَلَا يَسْعَدُ مَنْ عَادَاكُمْ».

به درگاهتان آید و زیانکار نشود هر که هوای شما در سر دارد و روی سعادت نبیند هر که شما را دشمن دارد.»

پس رو به قبله بایست و دو رکعت نماز برای او هدیه کن، و می‌گویی:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي تَعَرَّضْتُ لِرَحْمَتِكَ بِرُؤْمِي

» خدا یا درود فرست بر محمد و آل محمد خدایا من خود را در گذرگاه مهتر قرار دادم بدانکه ملازم

لِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، لِيُجِيرَنِي مِنْ نِقْمَتِكَ وَ سَخَطِكَ

قبر عموی پیغمبر ﷺ گشتم تا مرا در پناه خود گیرد از انتقام تو

وَ مَقْتِكَ فِي يَوْمٍ تَكْتُرُ فِيهِ الْأَصْوَاتُ، وَ تَسْغَلُ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا قَدَّمَتْ، وَ تُجَادِلُ

در روزی که صداها در آن روز بسیار گردد و هر کس سرگرم شود بدانچه از پیش فرستاده و از خویشتن

عَنْ نَفْسِهَا، فَإِنْ تَرَحَّمْنِي الْيَوْمَ فَلَا خَوْفَ عَلَيَّ وَ لَا حَزْنَ، وَإِنْ تَعَاقَبَ

دفاع کند پس اگر در آن روز به من رحم کنی که ترس و اندوهی ندارم و اگر کیفرم کنی

فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ، وَ لَا تُخَيِّبْنِي بَعْدَ الْيَوْمِ، وَ لَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ

پس تو مولای هستی که قدرت داری بر بنده خود ولی ناامیدم مکن پس از این روز و بازم مگردان (از اینجا)

حَاجَتِي، فَقَدْ لَصِقْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ، وَ تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ

بدون حاجتم و بوسیله او به درگاه تو تقرب جویم به آرزوی دست رسی به خوشنودیت

وَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ، فَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَ عُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي، وَ بِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ

و به امید دریافت رحمتت پس بپذیر از من و بازگرد به بردباریت بر نادانی من و به مهترت بر

جِنَايَةَ نَفْسِي، فَقَدْ عَظَمَ جُرْمِي، وَمَا أَخَافُ أَنْ تَظْلِمَنِي، وَلَكِنْ أَخَافُ سُوءَ

جنایتی که بر خود کردم چونکه گناهم بزرگ است و ترس از آن ندارم که به من ستم کنی ولی از بدی

الْحِسَابِ، فَبِهِمَا فَكَّنِي مِنَ النَّارِ، وَلَا تُخَيِّبْ سَعْيِي، وَلَا يَهْوُنَنَّ عَلَيْكَ

حساب ترس دارم، پس به حق هر دو آنها که آزادم کن از آتش و نومید مکن کوشش مرا و مبادا زاری من نزد

ابتهالی، وَلَا تَحْجُبَنَّ عَنْكَ صَوْتِي، وَلَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي، يَا غِيَاثَ كُلِّ

تو ناچیز و خوار قرار گیرد و صدای من از تو محجوب گردد و بدون حاجتم مرا باز نگردان، ای فریادرس هر

مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ، وَيَا مُفَرِّجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ الْغَرِيبِ الْمَشْرِفِ عَلَى

مضرت زده و غمناک، و ای گشاینده (اندوه) از اندوهگین سرگردان و غریبی که مشرف بر

الْهَلَاكَةِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ لَا أَشْفَى بَعْدَهَا أَبَدًا،

هلاکت است، پس درود فرست بر محمد و آل محمد و بنگر به من نگر بستنی که هرگز پس از آن بدبخت نشوم

وَأَرْحَمَ تَصَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَأَنْفِرَادِي، فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ، وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ

و رحم کن به زاری و اشک و تنهائیم چونکه من به خوشنودیت امیدوارم، و جویایم آن خیری را که

الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ، فَلَا تَزِدْ أَمَلِي، اَللَّهُمَّ إِنَّ تَعَاقِبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ

عطا نکند آن را احدی جز تو، پس آرزویم را باز مگردان، خدایا اگرکیفر کنی پس مولائی هستی که

عَلَى عَبْدِهِ وَجَزَائِهِ بِسُوءٍ فِعْلِهِ، فَلَا أَخْيِبَنَّ الْيَوْمَ، وَلَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ

بر بندهات قدرت داری و پاداش عمل بدش بوده پس نومیدم مساز امروز و بازم مگردان بدون روا شدن

حَاجَتِي، وَلَا تُخَيِّبَنَّ شُحُوصِي وَوَفَادَتِي، فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفْقَتِي، وَأَتَعَبْتُ

حاجتم، و نا امید مکن حرکت کردن و آمدنم را چونکه پولم را خرج کرده‌ام و بدنم را به تعب

بَدَنِي، وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ، وَخَلَّفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا حَوَّلْتَنِي، وَأَثَرْتُ مَا

افکندم و بیابان‌های بسیاری را پشت سرگذاختم و زن و فرزند و مال و منال و آنچه را به من دادی همه را بجای

عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي، وَلَدْتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتَقَرَّرْتُ بِهِ

گذاردم و آنچه را پیش تو است برای خود اختیار کردم و به قبر عموی پیغمبرت علیه السلام پناه آوردم و بوسیله او

ابْتِغَاءَ فَعْدٍ بِجَلْمِكَ عَلَى جَهْلِي، وَبِرَأْفَتِكَ عَلَى ذَنْبِي، فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي،

برای جستن خوشنودیت تقرب جستم پس بازگرد با بردباریت بر نادانیم و با مهرت بر گناهم که براستی

بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ».

گناهم بزرگ گشته به مهرت، ای بزرگوار.»

### زیارت شهدای اُحُد

در سال سوم هجری در شمال مدینه، در دامنه کوه اُحُد جنگی میان مسلمانان و کفار اتفاق افتاد که ابتدا مسلمانان پیروز شدند، ولی در ادامه جنگ، عده‌ای از سپاهیان از فرمان پیامبر تخلف کردند که منجر به شکست سپاه اسلام شد، و بیش از هفتاد نفر از مسلمانان شهید شدند، که حمزه سیدالشهدا یکی از آنان بود. در زیارت شهدای جنگ اُحُد که در همان جا دفن هستند، چنین می‌گویی:

«الْسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ

«سلام بر رسول خدا، سلام بر پیامبر خدا، سلام بر محمد بن

عَبْدِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ

عبد الله، سلام بر خاندان پاکش، سلام بر شما ای شهیدان

الْمُؤْمِنُونَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا

با ایمان، سلام بر شما ای خاندان ایمان و توحید، سلام بر شما ای یاران

أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ، عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ

دین خدا و یاران رسول خدا - که بر او و آلش سلام باد - سلام بر شما بدان شکیبایی که کردید پس چه خوب است

فَعَيْمَ عَقَبَى الدَّارِ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ، وَأَصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ،

خانه آخرت شما، گواهی دهم که بر اوستی خداوند شما را برای دین خود انتخاب فرمود و برگزیدتان برای رسول خود،

وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَدَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ

و گواهی دهم که شما در راه خدا جهاد کردید آنطور که باید و دفاع کردید از دین خدا و از

نَبِيِّهِ، وَجَدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَتَلْتُمْ عَلِيَّ مِنْهَاجِ رَسُولِ اللَّهِ،

پیغمبر خدا و جانبازی کردید در رکاب رسول خدا، و گواهی دهم که شما بر همان راه رسول خدا کشته شدید،

فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنِ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَعَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ

پس خدا بتان پاداش دهد از جانب پیامبرش و از دین اسلام و مسلمان بهترین پاداش، و بشناساند به ما چهره‌های

فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ، وَ مَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ

شما را در جایگاه رضوان و اکرامش همراه با پیامبران و راستگویان و شهیدان

وَالصَّالِحِينَ، وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ جَزَبَ اللَّهُ، وَأَنَّ مَنْ حَارَبَكُمْ

و صالحان، و چه نیکو رفیقانی هستند آنها، گواهی دهم که شما از حزب خدا، و هر که بر شما بجنگد

فَقَدْ حَارَبَ اللَّهَ، وَأَنَّكُمْ لِمِنَ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ، الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ

مسلماً با خدا جنگ کرده و بر اوستی شما از مقربان و رستگارانید که در پیشگاه پروردگارشان زنده‌اند و

يُرْزَقُونَ، فَعَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، أَتَيْتُكُمْ يَا

روزی می‌خورند پس لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر آنکه شما را کشت، آمده‌ام به نزد شما برای

أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَلِحَقِّكُمْ عَارِفًا، وَيَزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا، وَ بِمَا سَبَقَ

زیارت ای اهل توحید و به حق شما عارفم و بوسیله زیارت شما به سوی خدا تقرب جویم و بدانچه گذشته



مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ، وَمَرْضِيِّ الْأَفْعَالِ عَالِمًا، فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ

از ا عمال شریف و کارهای پسندیده دانایم، پس بر شما باد سلام خدا و رحمت

وَبَرَكَاتُهُ، وَ عَلَى مَنْ قَتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَعَظْبُهُ وَسَخَطُهُ، اللَّهُمَّ أَنْفَعِنِي

و برکاتش، و لعنت خدا و خشم و غضبش بر آنکس که شما را کشت، خدایا بهره مندم ساز

بِزِيَارَتِهِمْ، وَتَبِّتْنِي عَلَى قَصْدِهِمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ، وَاجْمَعْ

به زیارتشان و بر آن نیتی که آنها داشتند مراهم ثابت بدار، و بمیرانم بر آنچه ایشان را بر آن میراندی، و گرد آور

بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ، أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرَطٌ، وَ نَحْنُ بِكُمْ

میان من و ایشان در جایگاه خانه رحمت، گواهی دهم که شما بر ما سبقت گرفتید و ما هم به شما ملحق

لَا حِقُونَ».

خواهیم شد.»

و می خوانی سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را آنچه می توانی، و بعضی

گفته اند که نزد هر مزاری دو رکعت نماز زیارت می خوانی. بنابراین، مناسب

است به نزدیک ترین مسجد بروی، و دو رکعت نماز به قصد رجاء مطلوبیت

و ثواب به جا آوری.

### زیارت وداع رسول اکرم ﷺ

هرگاه خواستی از مدینه بیرون آیی غُسل کن، و نزد قبر پیامبر ﷺ برو، و

عمل کن آنچه را قبلاً انجام می دادی، پس وداع کن آن حضرت را، و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ وَأَسْتَرْعِيكَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای رسول خدا تو را به خدا، می سپارم و عنایت و توجه ترا می طلبم ویر تو درود وداع می فرستم،

السَّلَامَ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَبِمَا جِئْتُ بِهِ وَدَلَّلْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

ایمان دارم بخدا و بدان چه تو آوردی و بدان راهنمایی کردی، خدایا قرار مده این زیارت را آخرین زیارت من

مِنِّي لِزِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَأَنْتَ أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى

از قبر پیامبرت، و اگر پیش از آنکه دوباره موفق به زیارتش شوم مرا میراندی پس من در مرگم نیز گواهم

مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ

و هم بدانچه گواهی بدان دادم در زندگیم که معبودی نیست جز تو، و اینکه محمد بنده و رسول

و رَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

تو است، درود خدا بر او و آتش باد.»

و حضرت صادق علیه السلام در وداع قبر پیامبر صلی الله علیه و آله به یونس بن یعقوب فرموده

که بگو:

«صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ، لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

«درود خدا بر تو، سلام بر تو، قرار ندهد خدا (این سلام را) آخرین سلامم بر تو.»

و به صورتی دیگر گفته‌اند: هرگاه خواستی از مدینه منوره خارج شوی،

پس از اتمام کلیه اعمال غسل کن، و پاک‌ترین لباس‌ها را بپوش، و به

زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شو، و به آنچه قبلاً گفته شد زیارت کن، سپس

در وداع آن حضرت بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَشِيرُ النَّذِيرُ، السَّلَامُ

«سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای مژده دهنده و بیم دهنده سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّرَاحُ الْمُنِيرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّفِيرُ بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ،

بر تو ای چراغ تابناک، سلام بر تو ای سفیر بین خدا و خلق،

أَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ

گواهی دهم ای رسول خدا که تو نوری بودی در صلبهای ارجمند و رحمهای

المطهره، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلَبِّسْكَ مِنْ مُدْلِهِمَاتِ

پاکیزه که آلودهات نکرد دوران جاهلیت به پلیدیها و نیوشانیدت از جامههای

ثيابها، وَأَشْهَدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكَ وَبِالْأَيِّمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ، أَعْلَامِ

چرکینش، و گواهی دهم ای رسول خدا که من به تو ایمان دارم و به امامان از اهل بیت مشعلهای

الهدى، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَالْجَحَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ

هدایت و رسیمان محکم حق و بر اهل دنیا حجت هستند خدایا قرار مده این زیارت را آخرین

العهد مِنْ زِيَارَةِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَإِنْ تَوَقَّيْتَنِي فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي

زیارت پیامبرت - بر او و آتش سلام باد - و اگر مرا میراندی پس من گواهی دهم در مرگم

عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي، أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَحَدِّكَ

بر آنچه گواهی دادم بدان در زندگیم، که همانا تویی خدائی که معبودی جز تو نیست یگانه‌ای

لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ الْأَيِّمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ،

که شریک نداری و همانا محمد بنده و رسول تو است، و امامان از اهل بیت او

أَوْلِيَاؤُكَ وَأَنْصَارُكَ وَحُجَجُكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَاؤُكَ فِي عِبَادِكَ وَأَعْلَامُكَ

اولیا و یاران و حجت‌های تو هستند بر خلقت و جانشینان تو هستند در بندگانت و نشانه‌های تو هستند

فِي بِلَادِكَ، وَخَزَائِنُ عِلْمِكَ، وَحَفَظَةُ سِرِّكَ، وَتَرَاجِمَةُ وَحْيِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ

در شهرهایت و خزینه داران دانشت و نگهبانان را از تو و ترجمانهای وحی تو خدایا درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ رُوحَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فِي سَاعَتِي هَذِهِ

بر محمد و آل محمد و برسان به روح پیامبرت محمد و آل او در این ساعت

وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ تَحِيَّةٌ مِنِّي وَسَلَامًا، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ لِّلَّهِ  
و در هر ساعت تحیت و سلامتی از جانب من و سلام بر تو ای رسول خدا و رحمت و برکاتش  
وَبَرَكَاتُهُ». و بگو: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ، فَإِنْ  
بر شما باد.» خداوند آن را آخرین زیارت از قبر پیامبر قرارنده و چنانچه  
تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ، فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا أَشْهَدُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي،  
پیش از آن مرا میراندی پس من گواهی می‌دهم در حال مرگ به همانگونه که گواهی دادم در حالت حیات  
أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّكَ قَدْ اخْتَرْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ،  
که معبودی جز تو نیست و محمد بنده و پیامبر توست و تو او را بر خلقت برگزیدی  
ثُمَّ اخْتَرْتَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ  
و سپس از میان خاندانش اهل بیت معصومین را انتخاب کردی آنانکه پلیدی گناه را از آنها بر طرف ساختی  
وَطَهَّرْتَ تَهُمْ تَطْهِيرًا، فَأَحْشَرْنَا مَعَهُمْ، وَفِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لَوَائِهِمْ، وَلَا نُفَرِّقُ  
و پاک و پاکیزه‌شان کردی پس ما را با آنان و در زمره آنان و زیر پرچم آنان محشور ساز و میان ما و آنها  
بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ،  
در دنیا و آخرت جدایی نیفکن ای مهربان‌ترین مهربانان، سلام بر تو ای رسول خدا  
لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ».

خداوند قرار ندهد (این سلام را) آخرین سلام من بر تو.»

### زیارت وداع ائمه بقیع علیهم‌السلام

مرحوم شیخ طوسی و سید بن طاوس گفته‌اند که چون خواستی ائمه  
بقیع را وداع کنی، بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْنِكُمْ أَيُّمَّةَ الْهُدَىٰ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، اسْتَوْدِعْكُمْ اللَّهُ وَأَقْرَبَ»

«درود بر شما ای امامان رهبر و رحمت خدا و برکات او، وداع کنم با شما و بخدا می سپارم و به شما

عَلَيْكُمْ السَّلَامُ، آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمْ بِهِ وَدَلَّلْتُمْ عَلَيْهِ، اَللَّهُمَّ

سلام دهم، ایمان داریم به خدا و به رسول و به آنچه شما آوردید و رهنمایی کردید به آن، خدایا

فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ».

بنویس ما را از گواهان.»

پس دعا بسیارکن، و از خدا سؤال کن که بار دیگر تو را به زیارت ایشان برگرداند، و این آخرین عهد و زیارت تو نباشد.

در مکه مکرمه، قبور بزرگانی قرار دارد که در کنار قبور آن بزرگواران،

حجاج محترم می توانند درک فیض نمایند از جمله:

قبرستان ابوطالب است که مزار شریف بزرگانی همچون خدیجه کبری

(همسر گرامی پیامبر اکرم)، حضرت ابوطالب، حضرت عبدالمطلب

و حضرت عبد مناف... در آنجاست. این قبرستان در شمال شرقی مکه

معظمه واقع شده و قبرستان قریش، قبرستان بنی هاشم و حجون نیز خوانده

می شود .

زیارت حضرت خدیجه علیها السلام<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا زَوْجَةَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ،

«سلام بر تو ای مادر مؤمنان، سلام بر تو ای همسر سرور فرستادگان،

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أُمَّ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا

سلام بر تو ای مادر فاطمه زهرا سرور بانوان دو جهان، سلام بر تو ای نخست بانوی مؤمن، سلام بر تو ای

أَوْلَى الْمُؤْمِنَاتِ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ أَنْفَقَتْ مَالَهَا فِي نُصْرَةِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ،

آنکه دارائش را در راه پیروزی اسلام و یاری سرور انبیا هزینه کرد

وَوَصَّرْتَهُ مَا اسْتَطَاعَتْ وَدَافَعَتْ عَنْهُ الْأَعْدَاءَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا مَنْ سَلَّمَ

و دشمنان را از او دور ساخت، سلام بر تو ای آنکه بر او جبرئیل

عَلَيْهَا جَبْرَائِيلُ وَبَلَّغَهَا، السَّلَامُ مِنَ اللَّهِ الْجَلِيلِ، فَهَيَّبْنَا لَكَ بِمَا أَوْلَاكَ اللَّهُ مِنْ

دروود فرستاد، و سلام خدای بزرگ را به او ابلاغ کرد، این فضل الهی گوارایت

فَضْلٍ، وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

باد و سلام و رحمت و برکاتش بر تو باد.»

۱. یکی از چهره‌هایی که در قبرستان ابوطالب مدفون است، حضرت خدیجه (سلام الله علیها) است، او زنی فداکار و ایثارگر و نخستین زن مؤمن به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. وی تمامی اموال خود را وقف پیشبرد اسلام کرد و در برابر فشاری که قریش بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد می‌کردند، بهترین یار صمیمی او در خانه محسوب می‌شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه از او به نیکی یاد می‌کرد تا جایی که حسادت برخی از همسران وی برانگیخته می‌شد، اما آن حضرت از تحسین خدیجه علیها السلام خودداری نمی‌کرد.

زیارت حضرت ابوطالب علیه السلام<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا سَيِّدَ الْبَطْحَاءِ وَابْنَ رَئِيسِهَا، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَاثِرَ

«سلام بر تو ای بزرگ سرزمین بطحا و فرزند رئیس آن، سلام بر تو ای وارث سرپرستی

الْكَعْبَةِ بَعْدَ تَأْسِيسِهَا، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا كَافِلَ الرَّسُولِ وَنَاصِرَهُ، السَّلَامُ

کعبه پس از تجدید بنا، سلام بر تو ای سرپرست و یاور پیامبر، سلام

عَلَیْكَ يَا عَمَّ الْمُصْطَفَى وَأَبَا الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا بَيْضَةَ الْبَلَدِ، السَّلَامُ

بر تو ای عموی حضرت مصطفی و پدر علی مرتضی، سلام بر تو ای بزرگ شهر، سلام

عَلَیْكَ أَيُّهَا الذَّابُّ عَنِ الدِّينِ، وَالْبَادِلُ نَفْسَهُ فِي نُصْرَةِ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ،

بر تو ای مدافع دین و یار جان نثار سرور پیامبران،

السَّلَامُ عَلَیْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

سلام و رحمت و برکات الهی بر تو و بر فرزندت امیر مؤمنان باد.»

۱. چهره شاخص بنی هاشم، ابوطالب فرزند عبدالمطلب و عموی پیامبر علیه السلام است. وی در پرده تقیه توانست حمایتی قابل ستایش از رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر فشار مشرکان به عمل آورد. او در برابر تهدیدهای قریش، حاضر نشد رسول خدا صلی الله علیه و آله را به آنان تسلیم کند و حمایت آشکار خود را از آن حضرت در همه مراحل اعلام کرد. اشعار زیادی از ابوطالب برجای مانده که علاوه بر ایمان عمیق او نشان دهنده چهره ادبی این بزرگمرد هاشمی است. وی بزرگترین حامی پیامبر صلی الله علیه و آله در سالهای خفقان در مکه بود، ابوطالب در همان آغاز بعثت، فرزندانش علی علیه السلام و جعفر را به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و خود نیز تا سال دهم بعثت که زنده بود، هرگز در دفاع از آن حضرت کوتاهی نکرد.

## زیارت حضرت عبدمناف جدّ پیامبر اکرم ﷺ

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّيِّدُ النَّبِيُّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْغُصْنُ الْمُثْمِرُ مِنْ

«سلام بر تو ای سید بی‌همتا، سلام بر تو ای شاخه ثمر بخش از

شَجَرَةِ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّ خَيْرِ الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ

درخت ابراهیم خلیل، سلام بر تو ای جد بهترین انسانها سلام بر تو

يَابْنَ الْأَنْبِيَاءِ الْأَضْفِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَوْصِيَاءِ الْأَوْلِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای فرزند انبیاء برگزیده، سلام بر تو ای فرزند اوصیاء اولیاء سلام بر تو

يَا سَيِّدَ الْحَرَمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

ای آقای حرم، سلام بر تو ای وارث مقام ابراهیم سلام بر تو ای

صَاحِبَ بَيْتِ اللَّهِ الْعَظِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ

صاحب خانه گرامی خدا، سلام بر تو و بر پدران پاک و رحمت و برکات خدا

وَبَرَكَاتِهِ».

بر شما باد»

## زیارت حضرت عبدالمطلب ﷺ، جدّ پیامبر اکرم ﷺ

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْبَطْحَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَادَاهُ هَاتِفُ الْعَيْبِ

«سلام بر تو ای سید سر زمین بطحاء، سلام بر تو ای فراخوانده از سوی فراخوان غیبی

بِأَكْرَمِ نِدَاءٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

به بهترین صورت، سلام بر تو ای پسر ابراهیم خلیل، سلام بر تو ای وارث



الدَّبِيحِ إِسْمَاعِيلَ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَهْلَكَ اللَّهُ بِدُعَائِهِ أَصْحَابِ الْفِيلِ،

اسماعیل ذبیح، سلام بر تو ای آنکه به دعایش اصحاب فیل به نابودی رسید،

وَجَعَلَ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ، وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ، تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ

و توطئه شان خنثی گردید، و بر سرآنان پرندۀ ابابیل را فرستاد، و آنان را با سنگ‌های کوچکی هدف

مِنْ سَجِيلٍ، فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ تَضَرَّعَ فِي

قرار داد، و همه را چون کاه خورده شده قرارشان داد، سلام بر تو ای آنکه متضرعانه عرض حاجت

حَاجَاتِهِ إِلَى اللَّهِ، وَتَوَسَّلَ فِي دُعَائِهِ بِنُورِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

به درگاه الهی نمود، و در دعایش به نور رسول خدا ﷺ توسل

وَسَلَّمَ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اسْتَجَابَ اللَّهُ دُعَاءَهُ، وَتُوْدِيَ فِي الْكَعْبَةِ، وَبُشِّرَ

جست، سلام بر تو ای آنکه خداوند دعایش اجابت نمود، و در کعبه مورد ندای غیبی قرار گرفت، و مؤذنه

بِالْإِجَابَةِ فِي دُعَائِهِ، وَأَسَجَدَ اللَّهُ الْفِيلَ إِكْرَامًا وَإِعْظَامًا لَهُ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

اجابت دعا به او داده شد، و خداوند فیل را به احترام او به زانو در آورد، سلام بر تو ای

مَنْ أَنْبَعَ اللَّهُ لَهُ الْمَاءَ حَتَّى شَرِبَ وَارْتَوَى فِي الْأَرْضِ الْفُقَرَاءِ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ

آنکه به امر خداوند برایش آب از زمین جوشید تا او در سرزمین بی‌آب و علف سیراب گردید، سلام بر تو

يَا بَنَ الدَّبِيحِ وَأَبَا الدَّبِيحِ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَاقِيَ الْحَجِيحِ وَحَافِرَ زَمْرَمَ،

ای پسر و پدر ذبیح، سلام بر تو ای ساقی حجاج و حفر کننده زمزم،

أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ جَعَلَ اللَّهُ مِنْ نَسْلِهِ سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ وَخَيْرَ أَهْلِ

سلام بر تو ای آنکه خداوند در نسل او سرور پیامبران و بهترین آفریده‌های

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، أَلَسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ طَافَ حَوْلَ الْكَعْبَةِ وَجَعَلَهُ سَبْعَةَ

آسمان و زمین را قرار داد، سلام بر تو ای آنکه بر گرد کعبه طواف هفتگانه

أَشْوَاطٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ رَأَى فِي الْمَنَامِ سِلْسِلَةَ النُّورِ وَعَلِمَ أَنَّهُ مِنْ

گزارد، سلام بر تو ای کسی که در خواب رشته نوری مشاهده و فهمید که او

أَهْلِ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَيْبَةَ الْحَمْدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آبَائِكَ

اهل بهشت می‌باشد، سلام بر تو ای شایسته الحمد، سلام بر تو و بر تمام پدر و اجداد

وَأَجْدَادِكَ وَأَبْنَائِكَ جَمِيعاً وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

و فرزندانت، و رحمت و برکات الهی بر همه شما باد.»

### زیارت حضرت آمنه بنت وهب، مادر پیامبر اکرم ﷺ<sup>۱</sup>

«السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَصَّهَا اللَّهُ

«سلام بر تو ای کسیکه پاک و پاکیزه هستی، سلام بر تو ای کسیکه خداوند او را به بالاترین شرافت

بِأَعْلَى الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ سَطَعَ مِنْ جَبِينِهَا نُورٌ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ،

اختصاص داد، سلام بر تو که از پیشانی تو نور سرور انبیاء گسترش یافت،

فَأَضَاءَتْ بِهِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ لِأَجْلِهَا الْمَلَائِكَةُ،

که بوسیله آن زمین آسمان روشن گشت سلام بر تو ای کسیکه بخاطر او فرشتگان نازل شدند،

وَصُرِبَتْ لَهَا حُجُبُ الْجَنَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ لِخِدْمَتِهَا الْحُورُ الْعِينُ،

و برای او حجاب‌های بهشت برداشته شد، سلام بر تو ای کسیکه برای خدمت او حور العین فرود آمدند،

وَسَقَيْنَهَا مِنْ شَرَابِ الْجَنَّةِ، وَبَشَّرْنَاهَا بِوِلَادَةِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

و سیراب نمودند از نوشیدنیهای بهشتی، به ولادت بهترین انبیاء بشارت دادند، سلام بر تو ای

۱. قبر والده ماجده رسول گرامی اسلام، بنا بر نقلی در قبرستان ابوطالب و بنا بر نقل مشهور در

محل بنام «أبواء» بین راه مکه و مدینه واقع شده است.

أَمَّ رَسُولِ اللَّهِ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّ حَبِيبِ اللَّهِ، فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَيْكَ اللَّهُ مِنْ

مادر رسول خدا، سلام بر تو ای مادر حبیب خدا، پس گوارا باد بر تو آنچه را که خداوند از فضلش به تو

فَضَّلَ، وَأَلْسَلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ

عنايت کرد، سلام بر تو و بر رسول خدا ﷺ و رحمت و برکات خداوند بر شما

وَبَرَكَاتُهُ».

باد.»

زیارت حضرت قاسم، فرزند رسول خدا ﷺ

«أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَنَا يَا قَاسِمَ بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ نَسَبِيَّ

«سلام بر تو ای سرور ما؛ ای قاسم پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر پیامبر

اللَّهِ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ حَبِيبِ اللَّهِ، أَلْسَلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَّ الْمُصْطَفَى، أَلْسَلَامُ

خدا، سلام بر تو ای پسر حبیب خدا، سلام بر تو ای پسر حضرت مصطفی، سلام

عَلَيْكَ وَعَلَى مَنْ حَوْلِكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْكُمْ

بر مردان و زنان با ایمان مدفون در اطرافت، خداوند از شما خوشنود

وَأَرْضَاكُمْ أَحْسَنَ الرِّضَا، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكُمْ وَمَسْكَنَكُمْ وَمَأْوِيَّتَكُمْ،

و شما را از خود به بهترین صورت خوشنود گرداند و بهشت را منزل و مأویتان قرار دهد،

أَلْسَلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ».

سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد.»

### زیارت جامعه کبیره

شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه<sup>۱</sup> و عیون اخبار الرضا، از موسی بن عبدالله نخعی روایت کرده که گفت به خدمت حضرت امام علی النقی (ع) عرض کردم که یابن رسول الله مرا زیارتی بلیغ تعلیم فرما، که کامل باشد و هرگاه خواستم یکی از شما را زیارت کنم آن را بخوانم. فرمود که چون به درگاه رسیدی بایست و شهادتین را بگو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَآلِهِ عِبَادَةُ وَرَسُولُهُ».

بر او و آتش باد - بنده و فرستاده او است.»

و با حال غسل باش و چون داخل حرم شدی و قبر را دیدی بایست و سی مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، پس اندکی با آرامش دل و تن راه برو و گامها را نزدیک یکدیگر بگذار، سپس بایست و سی مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو. آنگاه نزدیک قبر مطهر برو و چهل مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو تا صد تکبیر تمام شده باشد، و شاید چنان که مجلسی اول گفته، وجه تکبیر این باشد که چون اکثر طباع به غُلُوّ مایلند، از عبارات امثال این زیارت به غُلُوّ نیفتند یا از بزرگی حق - سبحانه و تعالی - غافل شوند یا غیر اینها. پس بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْنِكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَ مَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ،

«سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت و مرکز رفت و آمد فرشتگان

وَ مَهِيْطِ الْوُحِيِّ، وَ مَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَ خَزَانِ الْعِلْمِ، وَ مُمْتَهِنِي الْجِلْمِ، وَأَصْوَلَ

و جای فرو آمدن وحی (الهی) و معدن رحمت (حق) و گنجینه داران دانش و سرحد نهائی بردباری و اصول

الْكَرَمِ، وَ قَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءَ النَّعْمِ، وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ وَ دَعَايِمَ الْأَخْيَارِ،

و اساس کرم و بزرگواری و پیشوایان ملتها و در اختیار دارندگان نعمتها و ریشه و اصول نیکان

وَ سَانِسَةَ الْعِبَادِ، وَ أَرْكَانَ الْبِلَادِ، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَانِ،

و استوانه‌های خوبان و زمامداران بندگان و پایه‌ها و ستونهای شهرها و بلاد و درهای ایمان و امینهای خدای رحمان

وَ سَلَالَةَ النَّبِيِّينَ، وَ صَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَ عِزَّةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ رَحْمَةً

و نژاد پیامبران و زبده (اولاد) رسولان و عترت انتخاب شدگان پروردگار جهانیان، و رحمت خدا

اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ، السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الْهُدَى، وَ مَصَابِيحِ الدُّجَى، وَ أَعْلَامِ التَّقَى،

و برکاتش (نیز بر آنها باد) سلام بر پیشوایان هدایت و چراغهای تاریکی و نشانه‌های پرهیزکاری

وَ دَوِيِّ النَّهْيِ، وَ أَوْلِيَا الْحِجَى، وَ كَهْفِ الْوَرَى، وَ وَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ، وَ الْمَثَلِ

و صاحبان خرد و دارندگان عقل و فطانت و پناهگاه مردمان و وارثان پیامبران و نمونه‌های اعلی

الْأَعْلَى، وَ الدَّعْوَةَ الْحُسْنَى، وَ حَجَّجَ اللَّهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَوْلَى،

(الهی) و اهل دعوت نیکو (که مردم را به خدا می‌خوانند) و حجتهای خدا بر اهل دنیا و آخرت و این جهان

وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ، السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَ مَسَاكِينِ بَرَكَاتِهِ اللَّهِ،

و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد) سلام بر جایگاههای شناسایی خدا و مسکنهای برکت خدا

وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ، وَ حَفَظَةَ سِرِّ اللَّهِ، وَ حَمَلَةَ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءَ نَبِيِّ اللَّهِ،

و معدنهای حکمت خدا و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و اوصیاء پیامبر خدا

وَدُرِّيَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، أَسْلَامٌ عَلَيَّ

و فرزندان رسول خدا ﷺ و رحمت خدا و برکاتش (نیز بر ایشان باد) سلام بر  
الدُّعَاةِ إِلَيَّ اللَّهُ، وَالْأَدِلَّةِ عَلَيَّ مَرْضَاةِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقْرِبِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ،

خوانندگان بسوی خدا و رهنمایان بسوی موجبات خوشنودی خدا و استقرار یافتگان در فرمان خدا  
والتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ، وَالْمُظَهَّرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ

و کاملان در دوستی و محبت خدا و مخلصان در یگانه پرستی خدا، و آشکار کنندگان امر  
و نَهْيِهِ، وَ عِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَ هُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ،

و نهی خدا و بندگان گرامی خدا آنانکه پیشی نگیرند بر خداوند در گفتار و آنانکه بدستورش عمل کنند،

وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، أَسْلَامٌ عَلَيَّ الْأَيِّمَةِ الدُّعَاةِ، وَالْقَادَةَ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةَ

و رحمت خدا و برکاتش (برایشان باد) سلام بر امامان دعوت کننده (بحق) و پیشوایان راهنما و آفایان

الْوَلَاةِ، وَالذَّادَةَ الْحُمَاةِ، وَأَهْلِي الذِّكْرِ وَأَوْلِي الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، وَحِزْبِهِ

سرپرست و دفاع کنندگان و حامیان (از دین خدا) و اهل ذکر و فرمانداران و نمایندگان خدا و برگزیدگان او و گروه او

وَ عَيْبَةِ عِلْمِهِ وَ حُجَّتِهِ وَ صِرَاطِهِ وَ نُورِهِ وَ بُرْهَانِهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتَهُ، أَشْهَدُ

وگنجینه دانشش و حجت او و راه او و نور او و دلیل روشن او، و رحمت خدا و برکاتش (بر ایشان باد) گواهی دهم

أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ

که نیست معبودی جز خدای یگانه که شریک ندارد چنانچه گواهی داده خدا برای خودش و گواهی دادند برای او

مَلَائِكَتُهُ وَ أَوْلُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لِإِلَهِ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

فرشتگانش و دانشمندان از خلق او معبودی نیست جز او که نیرومند و فرزانه است و گواهی دهم که

مُحَمَّدًا عَبْدَهُ الْمُنْتَجَبَ وَرَسُولَهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ

محمد بنده انتخاب شده او است و رسول پسندیده او است که فرستاده او را با هدایت و آئین حق

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةَ الرُّاشِدُونَ

تایب و زش کند بر همه آئینها و گرچه خوش نداشته باشند مشرکان و گواهی دهم که شما نید پیشوایان راهبر

الْمَهْدِيِّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ

راه یافته معصوم گرامی مقرب پرهیزکار راستگوی

الْمُصْطَفَوْنَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِزَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ

زیده فرمانبرداران خدا و قیام کنندگان به فرمانش و انجام دهندگان خواسته‌اش و آنانکه به مقام کرامت

يَكْرَامَتِهِ، إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ، وَأَزْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاخْتَارَكُم لِسِرِّهِ،

اورسیدند، برگزید شما را به علم خود و پسندیدتان برای جریانات غیب (و پس برده) خود و انتخابتان کرد برای راز خود

وَاجْتَبَيْكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاةٍ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَأَنْتَجَبَكُم

و اختیارتان کرد به قدرتش و عزیزتان کرد به راهنمایی خود و مخصوصتان داشت به دلیل روشنش و برگزید شما را

لِسُورِهِ، وَأَيَّدَكُم بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجًا

برای نور خود و تأیید کرد شما را به روح خود و پسندید شما را برای جانشینی در زمینش و تا اینکه جتهائی باشید

عَلَى بَرِيَّتِهِ، وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَةَ لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةَ لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا

بر مخلوقش و یاورانی برای دینش و نگهبانی برای رازش و گنجینه دارانی برای دانشش و سپردگان

لِحُكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لِرُوحِيهِ، وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا

حکمتش و مفسران وحیش و پایه‌های یگانه شناسیش و گواهایی بر خلقتش و نشانه‌هایی

لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ، وَأَدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ، عَصَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ،

برای بندگانش و مشعلهایی در شهرها و بلادش و راهنمایانی بر راهش خداوند نگهداشت شما را از لغزش

وَأَمَنَكُم مِّنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُم مِّنَ الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنكُمُ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ

و ایمن داشت شما را از فتنه‌ها و آزمایشها و پاکتان کرد از چرکی و دور کرد از شما اهل بیت پلیدی را

وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً، فَعَزَّمْتُمْ جَلَالَهٗ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهٗ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهٗ،

و بخوبی پاکیزه‌تان کرد، شما نیز (در برابر) عظیم شمردید شوکتش را و مقامش را بزرگ دانستید و کرمش را ستودید

وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهٗ، وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهٗ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهٖ،

و به ذکر او ادامه دادید و پیمانش را محکم کردید و آن عهدی را که در فرمانبرداریش داشتید سخت استوار کردید

وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهٖ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ

و در پنهانی و آشکار برای او خیرخواهی کردید و مردم را با حکمت و پند نیکو به راهش دعوت

الْحَسَنَةَ، وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهٖ، وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنَبِهٖ،

کردید و در راه خوشنودی او بذل جان کردید و در مقابل پیش آمدهای ناگوار بخاطر او بردباری کردید.

وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ،

و نماز را بپا داشتید و زکات را پرداختید و امر به معروف و نهی از منکر کردید

وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهٖ، حَتَّىٰ أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهٗ، وَبَيَّنَّتُمْ قَرَائِصَهٗ،

و در راه خدا آن‌طور که باید جهاد و مبارزه کردید تا بالاخره دعوت حق را آشکار و واجبات او را بیان داشتید

وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهٗ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهٖ، وَسَنَّتُمْ سُنَّتَهٗ، وَصِرْتُمْ فِي

و حدود و مقرراتش را بپا داشتید و دستورات و احکامش را منتشر ساختید و روش او را مقرر داشتید و در راه

ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ، وَصَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهٖ مَنْ مَضَىٰ،

رضای او کام برداشتید و تسلیم قضاو قدر او شدید و پیمبران گذشته او را تصدیق کردید پس آنکه از شما روگرداند

فَالرَّاغِبِ عَنْكُمْ مَارِقًا، وَاللَّازِمَ لَكُمْ لَاحِقًا، وَالْمَقْصُرَ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقًا،

از دین خارج گشته و آنکه ملازم شما بود به حق رسیده و آنکه کوتاهی کرد در حق شما نابود گردید

وَالْحَقَّ مَعَكُمْ، وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ، وَمَعْدِنُهُ،

و حق همراه شما و در میان شما خاندان و از جانب شما است و بسوی شما بازگردد و شما نیکو اهل حق و معدن آن



وَمِيزَاتُ النَّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَقَصْلُ

و میراث نبوت نزد شماست و بازگشت خلق خدا بسوی شماست و حسابشان با شماست و سخنی که حق و باطل را جدا کند

الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَأَيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ

نزد شماست و آیات خدا پیش شماست و تصمیمات قطعی او دربارۀ شماست و نور و دلیل روشنش

عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ، مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ، وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ

نزد شماست و امر امامتش محول به شماست، هر که شما را دوست دارد خدای او دوست داشته و هر که شما را دشمن داشته

عَادَ اللَّهُ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ،

خدای او را دشمن داشته و هر کس به شما محبت داشته به خدا محبت داشته و هر کس با شما کینه ورزد یا خدا کینه توزی کرده

وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ [السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ] وَالصَّرَاطُ

و هر که به شما چنگ زند به خدا چنگ زده شما نید شاهراه و راه

الْأَقْوَمُ، وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ، وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْأَيَةُ

راست و گواهان در این دارفانی (دنیا) و شفیعیان در خانه پایدار (قیامت) و رحمت پیوسته (حق) و آن آیت و نشانه پنهان

الْمَخْرُونَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ، وَالْبَابُ الْمُمْتَلِي بِهِ النَّاسُ،

در گنجینه و آن امانتی که نگهداری شده (یا حفظش بر مردم واجب است) و آن درگاهی که مردم بدان آزمایش شوند

مَنْ آتَاكُمْ نَجَا، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ

هر که به نزد شما آمد نجات یافت و هر کس نیامد هلاک شد (شما مردم را) بسوی خدا می خوانید و بر او

تَوَكَّلُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَالْإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ،

راهنمایی کنید و به او ایمان دارید و تسلیم او هستید و بدستورش عمل کنید و بسوی راه او (مردم را) ارشاد کنید

وَيَقُولُ تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ،

و به گفتار او حکم کنید، نیک بخت شد هر که شما را دوست دارد و به هلاکت رسید هر که شما را دشمن داشت

و خَابَ مَنْ جَحَدَكُمُ، وَصَلَّ مَنْ فَارَقَكُمُ، وَفَارَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمُ،

وزبانکار شد آنکه منکر شماگشت وگمراه شد آنکه از شما جداگشت و رستگار شد آن که به شماچنگ زد

وَآمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمُ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمُ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمُ،

وایمن گشت آنکه بدرگاه شما پناه آورد، و سلامت یافت هر که شما را تصدیق کرد و هدایت شد هر که به شماچنگ زد،

مَنِ اتَّبَعَكُمُ فَالْجَنَّةُ مَاؤِيهَهُ، وَمَنْ خَالَفَكُمُ فَالْنَارُ مَثْوِيهَهُ، وَمَنْ جَحَدَكُمُ كُافِرٌ،

هر که پیروی شما کرد بهشت ماوای او است و هر که مخالفت شما را کرد دوزخ جایگاه او است، و هر که منکر شما شد کافر

وَمَنْ حَارَبَكُمُ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمُ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ

و هر که با شما جنگ کرد مشرک است و هر کس شما را رد کرد در ته جهنم جای دارد گواهی دهم که این مقام و منزلت

أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى، وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَتُورَكُمُ

در زمان گذشته برای شما ثابت بوده و در آینده زمان نیز برای شما جاری است و همانا روانهای شما و نورتان

وَطَيْبَتِكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ، خَلَقَكُمُ اللَّهُ أَنْوَارًا،

و سرشتتان یکی است همگی پاک و پاکیزه است و برخی از برخی گرفته شده خداوند شما را بصورت نورهایی آفرید

فَجَعَلَكُمُ بَعْزُ شَيْءٍ مُخَدِّقِينَ، حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمُ «فِي بُيُوتِ أَذْنِ

و گرداگرد عرش خود قرارتان داد تا آنگاه که با آوردنتان در این جهان بر ما منت گذارد و قرارتان داد در خانههایی که

اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ»، وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا حَصَّنَا

اجازه داد بلند گردند و نام او در آنها برده شود و مقرر داشت که دروهای ما بر شما و هم چنین آنچه را از دوستی شما

بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيْبًا لِحَلِّقِنَا، وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا، وَتَرْكِيَةً لَنَا، وَكَفَارَةً لِدُنُوبِنَا،

برای ما مخصوص داشته همه اینها موجب پاکی اخلاق ما و پاک شدن خود ما و تزکیه ما و کفاره گناهان ما باشد

فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِّقِنَا إِيَّاكُمْ، فَبَلَغَ اللَّهُ

و ما در نزد خدا از زمره تسلیم شدگان برتری شما و شناخته شدگان به تصدیق مقام شما بودیم پس خداوند برساند

بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ

شما را به شریفترین جایگاه گرامیان و بلندترین منازل مقربان و بالاترین درجات

الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَمُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ،

رسولان آنجا که کسی بدان نرسد و فوق آن جایگاه کسی راه نیابد و پیش روی بر آن پیشی نکیرد

وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ،

و برای رسیدن بدانجا کسی طمع نبندد، تا اینکه بجای نماند فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل

وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ

و نه صدیق و نه شهیدی و نه عالم و نه جاهلی و نه پست و نه برتری و نه مؤمن

صَالِحٌ، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيهَا

نیکی کردار و نه تبهکار بدکاری و نه گردنکش ستیزه جو و نه اهریمن متمرّدی و نه خلق دیگری که

يَبِينُ ذَلِكَ شَهِيدٌ، إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ، وَعِظَمَ حَظْرِكُمْ، وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ،

در این میان گواه باشد جز آنکه بشناساند به او خداوند جلالت و قدر و عظمت مقام و بزرگی منزلت

وَتَمَامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ، وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ

و کامل بودن نورتان را و درستی منصبها و پابرجا بودنتان را (در اطاعت حق) و شرافت همگان

وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ، وَكِرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ،

و منزلت شمارادر پیش خود و مقام گرامی شمارا و خصوصیتی که در نزد او دارید و جایگاه نزدیکی که نسبت به او دارید

بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ

پدر و مادر و خاندان و مال و فامیلم فدای شما، گواه گیرم خدا را و گواه گیرم شما را که من ایمان دارم به شما

وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدَكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ، مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ

و بدانچه شما بدان ایمان دارید و کافرم نسبت به دشمن شما و بدانچه شما انکار آن را کردید بینایم به مقام شما و به گمراهی

خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ، مُبِغِضٍ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مُعَادٍ لَهُمْ،

آنکه باشما مخالفت کرد دوستدار شما و دوستدار (دوستدار) دوستان شما و بغض دشمنانتان را در دل دارم و دشمن آنهاست.

سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَ حَرْبٍ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٍ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٍ لِمَا

صلح با هر که با شما صلح کند و در جنگ با هر کس که با شما در جنگ است حق می‌دانم آنچه را اشماحق دانستید و باطل را صلح باطل

أَبْطَلْتُمْ، مُطِيعٍ لَكُمْ، عَارِفٍ بِحَقِّكُمْ، مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ،

آنچه را شما باطل دانستید پیرو شما و عارف به حق شما و اقرار به برتری شما دارم بار علم و دانش شما را تحمل کنم

مُخْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِأَيَّابِكُمْ، مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ،

وازمها لکر در برده عهد و امان شمارم و به شما (و حقتان) اعتراف دارم موبه بازگشتن ایمان دارم مور رجعت شمار اتصدیق دارم

مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ، عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ

و چشم براه فرمان شما و منتظر دولت شما و گفتارتان را بگیرم و دستورتان را انجام دهم و به شما پناه

بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَائِدٌ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ، مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ،

جویم و شما را زیارت کنم و به قبرهای شما پناه آرم و شما را بدرگاه خدای عزوجل شفیع آرم

وَ مُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَ مُقَدِّمٌكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ

و بوسیله شما به پیشگاهش تقرب جویم و شما را در پیش روی خواسته و حاجات و اراده‌ام قرار دهم در

أَحْوَالِي وَ أُمُورِي، مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ وَ شَاهِدٌكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ أَوْلَكُمْ

همه حالات و کارهایم، ایمان دارم به نهان شما و آشکارتان و حاضران و غائبتان و اول

وَ آخِرِكُمْ، وَ مَفُوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَ مُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ، وَ قَلْبِي

و آخرتان و در این باره کار را به خودتان وامی‌گذارم (و هیچگونه ایرادی به کارهای شما ندارم) و تسلیم شما و دلم نیز

لَكُمْ مُسَلَّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ، وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مَعْدَةٌ، حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى

تسلیم شما است و رأی من نیز تابع (رای) شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خداوند دینش را بوسیله

دِبْنَهُ بِكُمْ، وَ يَرُدُّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَيُظْهِرُكُمْ لِعَدْلِهِ، وَيُمَكِّنْكُمْ فِي

شما زنده کند و دوباره بازگرداند شما را در روزها(حکومت) خود و آشکارتان سازد برای عدل خود و پابر جایتان کند

أَرْضِهِ، فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ، آمَنْتُ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ

در روی زمینش، پس با شما باشم با شما نه با دشمن شما و ایمان دارم به شما و دوست دارم آخرین فرد

بِهِ أَوْلَكُمْ، وَ بَرَأْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْجِبْتِ

شمارا به همان دلیل که دوست دارم اولین شخص شما را و بیزار می جویم به پیشگاه خدای عزوجل از دشمنانتان و از جبت

وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَ جَزَبَهُمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ، وَالْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ،

و طاغوت (خلفای ناحق) و شیاطین و پیروانشان آن ستمکاران بر شما، منکران حق شما

وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَايَتِكُمْ، وَالغَاصِبِينَ لِأَرْثِكُمْ، وَالشَّاكِينَ فِيكُمْ،

و بیرون روندگان از زیر بار ولایت شما و غصب کنندگان میراث شما، شک کنندگان درباره شما

وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَلِجَةٍ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مَطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنْ

و منحرف شدگان از طریقه شما و از هر همدم و وسیله ای غیر از شما و هر فرمانروائی جز شما و از هر

الْأُمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ، فَتَبَتَّنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّيْتُ عَلَى مَوَالِيكُمْ

پیشوایانی که مردم را به دوزخ می خوانند پس خداوند پابرجایم بدارد همیشه تا زنده ام بر موالات و دوستی

وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ، وَ وَقَفَنِي لِطَاعَتِكُمْ، وَ رَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ، وَ جَعَلَنِي مِنْ

و دین و آئین شما و موقم دارد برای فرمانبرداری شما و روزیم گرداند شفاعت شما را و قرارم دهد از

خِيَارِ مَوَالِيكُمْ، التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ، وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَفْتَضُّ أُنَارَكُمْ،

برگزیدگان دوستانتان آنانکه تابع دعوت شما هستند و بگرداند مرا از کسانی که پیروی کند از آثار شما

وَيَسْأَلُكَ سَبِيلَكُمْ، وَ يَهْتَدِي بِهِدَاكُمْ، وَ يُحْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكْرِ فِي

و می رود به راه شما و راهنمایی جوید به راهنمایی شما و محشور گردد در گروه شما و بازگردد در دوران

رَجَعْتِكُمْ، وَيُمَلِّكَ فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرِّفَ فِي عَافِيَتِكُمْ،

رجعت و بازگشت شما و به فرمانروائی رسد در دوران حکومت شما و مفتخر گردد به عافیت (و حسن عاقبت) از شما

وَيُمْكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ عَدَا بُرُؤَيْتِكُمْ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي

و مقتدر گردد در روزهای (حکومت) شما و روشن گردد دیدگاهش فردای قیامت بدیدار شما پدر و مادرم و خودم

وَأَهْلِي وَمَالِي، مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَاءَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ

و خاندان و دارائیم به فدای شما هر که آهنگ خدا کند از شما (یابد) شروع کند و آنکس که خدا را به یکتائی شناسد

عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ، مَوَالِيٍّ لِأَحْصِي ثَنَائِكُمْ، وَ لِأَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ

(طریقه اش را) از شما پذیرد و هر که قصد او کند به شما رو کند سروران من ثنای شمارا نتوانم کرد و با مدح به کنه و حقیقت

كُنْهِكُمْ، وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَ هُدَاةُ الْأَبْرَارِ، وَ حَجَّجَ

شما ترسم و با توصیف قدر و منزلت شما را بیان نتوانم که شمائید روشنی خوبان و راهنمای نیکان و حجتیهای

الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتِمُ، وَ بِكُمْ يَنْزِلُ الْعَيْثُ، وَ بِكُمْ

خدای جبّار، خداوند (عالم وجود را) به شما آغاز کرد و به شما نیز ختم کند و به خاطر شما فروریزد باران را و بخاطر

يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَ بِكُمْ يَنْفَسُ الْهَمَمُ وَيَكْشِفُ

شما نگه دارد آسمان را از اینکه بر زمین افتد جز به اذن او و بخاطر شما بگشاید آندوه را و بر طرف کند

الضَّرَّ، وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ، وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ إِلَى جَدِّكُمْ.

سختی را و در پیش شماست آنچه را پیمبرانش فرود آورده و فرشتگانش به زمین آورند و بسوی جد شما.

و اگر زیارت امیرالمؤمنین علی علیه السلام باشد به جای: «وَ إِلَى جَدِّكُمْ» بگو: «وَ

إِلَى أَخِيكَ»، «و به سوی برادرت»،

«بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ، أَنْتُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطَا

روح الامین (جبرئیل) نازل گردید، به شما داده است خداوند آنچه را به هیچ یک از مردم جهانان نداده سر (فروتنی)

كُلُّ شَرِيفٍ لِسَرَفِكُمْ، وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لِبَطَاعَتِكُمْ، وَخَصَعَ كُلُّ جَبَّارٍ

بزیر آورده هر شخص شریفی در برابر شرف شما گردن نهاده هر متکبری به فرمانبرداری شما فروتن گشته هر

لِفَضْلِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ إِلَيْكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَارَ

گردنکشی در برابر فضل شما خوار شده هر چیزی برای شما می باشد و روشن شد زمین به پرتو نور شما و رستگار شدند

الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ، بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرَّضْوَانِ، وَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَلَايَتِكُمْ

مردمان بوسیله ولایت و دوستی شما بوسیله شما به بهشت رضوان خواهد رسید و بر آنکس که منکر فرمانروائی شما است

غَضَبَ الرَّحْمَنِ، يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ وَأُمَّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي الذُّكْرِ،

خشم خدای رحمان حتمی است، پدر و مادر، من و خودم و خاندان و دار، ائیم فدایم، ذکر شما در (زبان) ذکر کنندگان

وَأَسْمَاءُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ، وَأَزْوَاحُكُمْ فِي

است و نامهایتان در میان نامها و پیکرتان با سایر پیکرها و روانتان در میان سایر روانها و جانهایتان در (عداد)

الْأَزْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النُّفُوسِ، وَأَنْزَارُكُمْ فِي الْأَنْزَارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ، فَمَا

سایر جانها و آثارتان در میان آثار (دیگران) و قبرهاتان در (شمار) سایر قبرها است و چه شیرین است

أَخْلَى أَسْمَاءَكُمْ، وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَّ خَطَرَكُمْ، وَأَوْفَى

نامهایتان و بزرگواریتان است جانهایتان و بزرگ است مقامتان و برجسته است منزلت و موقعیتتان و با وفا است

عَهْدَكُمْ، كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى، وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ،

عهدتان سخنتان نور و دستورتان یکپارچه رشد و رستگاری است سفارشتان پرهیزکاری و کارتان خیر و خوبی

وَ عَادَاتُكُمْ الْإِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ، وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ، وَالصَّدَقُ وَالرِّفْقُ،

و عادت شما احسان و نیکی و شیوه شما کرم و بزرگواری و رفتارتان حق و راستی و مدارائی است

وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَ حَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَهُ

و گفتارتان مسلم و حتمی است و رأی شما دانش و بردباری و دوراندیشی است اگر از خیر و خوبی ذکری به میان آید

وَأَصْلُهُ وَفَرَعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ، يَا أَيُّهَا أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ

آغاز و ریشه و شاخه و مرکز و جایگاه و پایش شمانید پدر و مادرم و خودم به فدای شما چگونه توصیف کنم  
أَصِيفُ حُسْنًا تَنَائِيكُمْ، وَأُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ مِنَ الدُّلِّ،

ثنای نیکوی شما را و چگونه شماره کنم آزمایشهای خوبی که دادید و بوسیله شما بود که خدا ما را از دلت بیرون آورد  
وَفَرَجَ عَنَّا عَمْرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ، يَا أَيُّ

و گشایش داد به گرفتاریهای سخت ما و نجاتمان داد از پرتگاه هلاکت و نابودی وهم از آتش دوزخ، پدر و مادرم  
أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدًا

و خودم به فدای شما که بوسیله دوستی شما خداوند به ما یاد داد دستورات دینمان را و اصلاح کرد آنچه را که از دنیای  
مِنَ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النَّعْمَةُ، وَأَنْتَلَفَتْ

مانیاه گشته بود و بوسیله شما کلمه (توحید و معارف دین) کامل شد و نعمت بزرگ گشت وجدانی و اختلاف مبدل به الفت  
الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ تَقْبَلُ الطَّاعَةَ الْمُفْتَرَضَةَ، وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ

و اتحاد گردید و بوسیله موالات شما پذیرفته گردد عبادت های واجب (تنها) دوستی شما است که بر خلق لازم  
الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ، وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ

و فرض است و از آن شما درجات بلند و مقام شایسته و جایگاه معین و معلوم در نزد خدای  
عَزَّ وَجَلَّ، وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ، رَبَّنَا آمَنَّا

عزوجل و منزلت عظیم و رتبه بزرگ و شفاعت پذیرفته، پروردگارا ما ایمان داریم بدانچه نازل فرمودی  
بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ

و پیروی کردیم از پیامبرت پس نام ما را با گواهان (به این حقایق) ثبت فرما، پروردگارا منحرف مکن دل های ما را پس از  
إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ

آنکه ر اهنمائیمان کردی و ببخش به ما از نزد خویش رحمتی که برستی تویی بخشایشگر، منزله است پروردگارا ما



وَعَدُّ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي

که براسی وعده او انجام شدنی است ای ولی خدا همانا میان من و خدای عز وجل گناہانی است که محو و پاک نکند

عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَيَحَقُّ مِنِّي أَنْتَمَنَكُمُ عَلَيَّ سِرَّهُ، وَأَسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ

آنها را جز رضایت شما پس به حق آن خدائی که شما را امین به راز خود کرده و سرپرستی کار خلق خود را به شما

خَلْفِهِ، وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي، وَكُنْتُمْ شَفَعَائِي،

و اگر داده و فرمانبرداری شمار اینه فرمانبرداری خود قرین کرده که شما بخشش گناہم را بخواهید و شفیعیان من گردید

فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ، مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ

زیرا که من فرمانبردار شمایم، هر که از شما فرمانبرداری کند خدای را فرمانبرداری کرده هر که نافرمانی شما کند خدای

عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ،

را نافرمانی کرده و هر که شما را دوست دارد خدای را دوست داشته و هر که شما را دشمن دارد خدای را دشمن داشته.

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شَفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيَّمَةِ

خدا یا! اگر من شفیعیانی را می یافتم که نزدیکتر باشند بدرگاہت از محمد و خاندان نیکویش آن پیشوایان

الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتَهُمْ شَفَعَائِي، فَيَحَقُّهُمْ الَّذِي أُوجِبْتَ لَهُمْ عَلَيَّكَ أَسْأَلُكَ أَنْ

نیکوکار به طور مسلم آنها را شفیعیان خود قرار می دادم پس از تومی خواهم بدان حقی که برای ایشان بر خود واجب کردی

تَدْخِلَنِي فِي جَمَلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَيَحَقُّهُمْ، وَفِي زَمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ

مرا در زمره عارفان به مقام آنها و به حق آنها قرارم ده و نیز در زمره کسانی که بوسیله شفاعت آنها مورد

بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَسَلَّمْ

مهر قرار گرفته اند که تو مهربانترین مهربانانی و دورد خدا بر محمد و آل پاکش و سلام

تَسَلِّمًا كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.»

مخصوص و زیاد بر آنها باد و بس است ما را خدا و نیکو و کیلی است.»

## زیارت امین‌الله

زیارت امین‌الله، در نهایت اعتبار است و در تمام کتب مزایرئه و مصابیح نقل شده است و علامه مجلسی رحمته‌الله آورده که آن بهترین زیارات است، از جهت متن و سند، و باید در همه روضات مقدسه بر خواندن آن اهتمام شود.

کیفیت زیارت امین‌الله چنان است که به سندهای معتبر از جابر از امام محمد باقر رحمته‌الله روایت شده که امام زین‌العابدین رحمته‌الله به زیارت امیرالمؤمنین رحمته‌الله آمد و نزد قبر آن حضرت ایستاد و گریست و فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ، أَسْلَامٌ عَلَيْكَ

«سلام بر تو ای امانتدار خدا در زمین او و حجتش بر بندگان او، سلام بر تو

یا مولای، اَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَأَتَّبَعْتَ

ای مولای من، گواهی دهم که تو در راه خدا جهاد کردی چنانچه باید، و رفتار کردی به کتاب خدا (قرآن) و پیروی کردی

سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ

از سنتهای پیامبرش رحمته‌الله تا اینکه خداوند تو را به جوار خویش دعوت فرمود و به اختیار خودش جانت را

بِاخْتِيَارِهِ، وَأَلَزَمَ أَعْدَانِكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ

قبض نمود و ملزم کرد دشمنانت را به حجت و برهان با حجت‌های رسای دیگری که با تو بود بر تمامی

خَلْفِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ

خلق خود، خدا یا قرار ده نفس مرا آرام به تقدیرت، و خوشنود به قضایت، و حریص به ذکر

وَدُعَائِكَ، مُجَبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى

و دعایت، و دوستدار برگزیدگان دوستانت، و محبوب در زمین و آسمانت و شکیبا در مورد

نَزُولِ بَلَاتِكَ، مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةٍ لِقَائِكَ، مُتَزَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ،

نزول بلایت، مشتاق به شاد گشتن دیدارت، توشه‌گیر پرهیزکاری برای روز پاداشت،

مُسْتَتَنَةً بِسُنَنِ أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْعُولَةً عَنِ الدُّنْيَا

پیروی کننده روشهای دوستانت، دوری گزیننده اخلاق دشمنانت، سرگرم از دنیا

بِحَمْدِكَ وَتَنَائِكَ».

به ستایش و ثنایت.»

پس پهلوی روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَيْبَةُ، وَسُبُلَ الرَّاعِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ،

«خدایا برآستی دلهای فروتنان درگاهت بسوی تو حیران است و راههای مشتاقان به جانب تو باز است

وَأَعْلَامُ الْفَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاصِحَّةٌ، وَأَفِيدَةُ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ، وَأَصْوَاتُ

و نشانه‌های قاصدان کویت آشکار و نمایان است و قلبهای عارفان از تو ترسان است و صداهای خوانندگان

الدَّاعِينَ إِلَيْكَ ضَاعِدَةٌ، وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ، وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجَاكَ

بطرف تو ضاعد و درهای اجابت برویشان باز است و دعای آنکس که با تو راز گوید مستجاب

مُسْتَجَابَةٌ، وَتَوْبَةٌ مِنْ أَنْابِ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعَبْرَةٌ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ

است و توبه آنکس که به درگاه تو بازگردد پذیرفته است و اشک دیده آنکس که از خوف تو گریدمورد حرم و مهر

مَرْحُومَةٌ، وَالْإِعَانَةُ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِعَانَةُ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِكَ

است و کمک کاریت برای آنکس که از تو کمک خواهد آماده است. و فریادرسی تو برای کسی که به تو استعانه کنند

مَبْدُوءَةٌ، وَعِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةٌ، وَزَلَمَ مَنِ اسْتَقَالَكَ مُقَالَةً،

رایگان است. و وعده‌هایی که به بندگانت دادی وفایش حتمی است و لغزش کسی که از تو پوزش طلبد بخشوده است

وَأَعْمَالَ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ مَحْفُوظَةً، وَأَرْزَاقَكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةً،

وکارهای آنانکه برای تو کارکنند در نزد تو محفوظ است و روزیهای که به آفریدگانت دهی از نزدت ریزان است

وَعَوَائِدَ الْمَرْبِدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةً، وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةً، وَحَوَائِجَ

و بهره‌های بیشتری هم بسویشان می‌رسد و گناه آمرزش خواهان (از تو) آمرزیده است و حاجتهای

خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةً، وَجَوَائِزَ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُوفَّرَةً، وَعَوَائِدَ الْمَرْبِدِ

آفریدگانت نزد تو روا شده است و جایزه‌های سائلان در پیش تو فراوان است و بهره‌های فزون پیاپی است

مُؤَاتِرَةً، وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةً، وَمَنَاهِلَ الظَّمَاءِ مُتَرَعَّةً، اللَّهُمَّ

و خواندنیهای احسان تو برای طعام خواهان آماده است و حوضهای آب برای تشنگان لبریز است. خدایا

فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَأَقْبَلْ ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ

پس دعایم را مستجاب کن، و بپذیر مدح و ثنایم را، و گردآور میان من و دوستانم به حق محمد

وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَى مَنَائِي وَغَايَةُ

و علی و فاطمه و حسن و حسین که براستی تویی صاحب نعمتهایم و منتهای آرزویم و سر حد نهایی

رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَسْئُوَائِي».

امیدم و بازگشتگاه و اقامتگاهم.»

و در کامل‌الزّیارات، بعد از این زیارت، این فقرات نیز آمده است:

«أَنْتَ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، إِغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا، وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَائِنَا، وَاشْغَلْهُمْ

«تو خدای منی و آقا و مولای منی بیامرز دوستان مرا و دفع کن از ما دشمنان ما را، و بازدار شان

عَنْ أَدَائِنَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا

از آزار ما و پدیدار نما سخن حق را و قرارداده او را برتر و والا، و از میان ببروزیریا قرارداده سخن باطل را

السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

و بگردانش یابین‌تر، زیرا تو بر هرچیز توانایی.»

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: هر کس از شیعیان ما این زیارت و دعا را نزد قبر حضرت علی علیه السلام یا نزد قبر یکی از ائمه علیهم السلام بخواند، البته حق تعالی این زیارت و دعای او را در نامه‌ای از نور بالا می‌برد و مهر حضرت محمد صلی الله علیه و آله را بر آن می‌زند، و چنین محفوظ می‌ماند تا به قائم آل محمد (عج) تسلیم نمایند، پس صاحبش را به بشارت و تحیت و کرامت استقبال می‌نماید، ان شاء الله تعالی.

### دعای عالیة المضامین

بعد از زیارت هر یک از ائمه معصومین علیهم السلام از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السلام

خوانده می‌شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هَذَا الْإِمَامَ مُقَرَّراً بِإِمَامَتِهِ مُعْتَقِداً لِفَرْضِ طَاعَتِهِ فَاقْصِدْتُ

«خدایا من زیارت کردم این امام و پیشوای دین را مقر و معترف بامامت او و معتقد به وجوب طاعت او و قصد

مَشْهُدَهُ بِدُنُوبِي وَعَيْبِي وَمَوْبِقَاتِ آثَامِي وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ

به زیارتگاهش نمودم باگناهان و عیبهایم و جرمهای هلاکت آورم معاصی و بدیهای بسیار و خطاهای بی‌شمار

وَمَا تَعْرِفُهُ مِنِّي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ مُسْتَعِيدًا بِحِلْمِكَ رَاجِيًا رَحْمَتَكَ لِأَجْنًا

و آنچه خود از من میدانی پناهنده‌ام به عفو و بخشش تو پناهنده به برد باریت امیدوار به رحمتت و تجلی

إِلَى رُكْنِكَ عَائِداً بِرَأْفَتِكَ مُسْتَشْفِعاً بِوَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَاكَ وَصَفِيكَ وَأَبْنِ

به استوانه مرحمت در پناه مهتر شفاعت جو به ولیت و فرزند اولیائت و برگزیده‌ات و زاده

أَصْفِيَانِكَ وَأَمِينِكَ وَابْنِ أَمَانَتِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَابْنِ خُلَفَائِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ

برگزیدگان و امینت و فرزند امانت و جانشین تو و فرزند جانشینان آنکه وسیله

الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَالذَّرِيعَةَ إِلَى رَأْفَتِكَ وَغَفْرَانِكَ اللَّهُمَّ وَأَوَّلُ

مرحمت خود ساختی و خوشنودی خودت و واسطه رأفت و مهربانی و آمرزش خودت خدایا نخستین

حَاجَتِي إِلَيْكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي عَلَى كَثْرَتِهَا وَأَنْ تَعِصِمَنِي

حاجت و خواسته‌ام بدرگاه تو اینکه بیامری گناهان گذشته‌ام را هرچه زیاد باشد و اینکه نگهداری مرا

فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَتُطَهِّرَ دِينِي مِمَّا يُدْنِسُهُ وَيَسْبِئُهُ وَيُزْرِي بِهِ وَتُحْمِيَهُ

از گناه در باقی مانده از عمرم و پاکیزه داری دینم را از آنچه پلیدی وزشتی و رسوائی آورده و زبوش نماید

مِنَ الرَّيْبِ وَالشُّكِّ وَالْفَسَادِ وَالشَّرِّكَ وَتُبَيِّنَنِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ

و از شک و ریب و فسادکاری و شرک حمایت کنی و پابر جا و ثابت کنی بر طاعتت و طاعت رسولت

وَذَرِيَّتِهِ النَّجْبَاءِ السُّعَدَاءِ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَتِكَ وَسَلَامِكَ وَبَرَكَاتِكَ

و ذریته پاک و نجیب و سعادتمندش دروهای تو بر آنان و رحمت و تحیت و سلام تو و برکاتت

وَتُحْيِيَنِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَتُمِيتَنِي إِذَا أَمَّتَنِي عَلَى طَاعَتِهِمْ وَأَنْ

وزنده داری تازنده‌ام مرا بر طاعت ایشان و بمیرانی مرا وقت مرگم بر طاعت آنها زایل نکنی از دلم

لَا تَمَحُو مِن قَلْبِي مَوَدَّتَهُمْ وَمَحَبَّتَهُمْ وَبُغْضَ أَعْدَائِهِمْ وَمُرَافَقَةَ أَوْلِيَائِهِمْ

دوستی آنها را و مهر آنان را و خشم بر دشمنانش را و رفاقت دوستان آنان و نیکنوی آنان را از تو

وَبِرَّهُمْ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبَّ أَنْ تَقْبَلَ ذَلِكَ مِنِّي وَتُحِبَّ إِلَيَّ عِبَادَتَكَ وَالْمُواظَبَةَ

مسئلت دارم ای پروردگار که بپذیری آن را از من و عبادت و طاعت را محبوب من گردان و مواظبت

عَلَيْهَا وَتُنَشِّطَنِي لَهَا وَتُبْغِضَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ وَمَحَارِمَكَ وَتَدْفَعَنِي عَنْهَا

بر آن را و بنشاط در آور مرا بر آن و مبعوض سازی برایم گناهان و محرّمات را و دفع کنی آنها را

وَتَجَنَّبَنِي التَّقْصِيرَ فِي صَلَوَاتِي وَالْإِسْتِهَانَةَ بِهَا وَالتَّرَاحِيَّ عَنْهَا وَتَوْفِقَنِي

و برکنارم داری از کوتاهی در نمازهایم و سبک و خوار شمردن به آن و تأخیر و سستی از آن و توفیقم دهی

لِتَأْدِيَتِيهَا كَمَا قَرَضْتَ وَأَمَرْتَ بِهِ عَلَيَّ سُنَّةَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيَّهِ وَآلِهِ

بر اداء و انجامش چنانچه فرض کردی و دستور دادی بآن بر روش رسولت و درودهای تو بر او و بر خاندان او

وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ خُضُوعاً وَخُشُوعاً وَتَشْرِيحَ صَدْرِي لِإِيْتَاءِ الرِّكَوَةِ

و رحمت تو و برکاتت باحال خضوع و خشوع و شرح صدرم دهی برای ادای زکات

وَأَعْطَاءِ الصَّدَقَاتِ وَبَذْلِ الْمَعْرُوفِ وَالْإِحْسَانِ إِلَى شَيْعَةِ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ

و اعطای صدقات و بذل خیر و احسان به شیعه آل محمد بر آنان دور

وَمَوَاسِيَتِهِمْ وَلَا تَتَوَفَّأَنِي إِلَّا بَعْدَ أَنْ تَرَزُقَنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ

و همراهی بآنها و نمیران مرا مگر پس از آنکه روزیم کنی به حج خانه محرمت و زیارت قبر

نَبِيِّكَ وَقَبْرِ الْأَيْمَةِ ﷺ وَأَسْأَلُكَ يَا رَبِّ تَوْبَةَ نَصُوحاً تَرْضَاهَا وَيَسَّهَ تَحْمَدُهَا

پیغمبرت و قبور امامان ﷺ و از تو میخوام ای پروردگار توبه نصوح پسندتو باشد و نیستی که به ستایش تو باشد

وَعَمَلًا صَالِحًا تَقْبَلُهُ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي وَتَسْهَوْنَ عَلَيَّ

و عمل شایسته‌ای که تو بپذیری و اینکه بیامرزی و رحم کنی در وقتیکه بمیرانی مرا و آسان کنی بر من

سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَتَحْشُرَنِي فِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ

سکرات مرگ را و محشورکنی در گروه محمد و خاندان محمد (علیهم السلام) وارد نمائی

وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَتَجْعَلَ دَمْعِي غَزِيْرًا فِي طَاعَتِكَ وَعَسْبْرَتِي

مرا در بهشت برحمت خودت و اشک فراوانم دهی در طاعتت با اشک روان در آنچه

جَارِيَةٌ فِيهَا يُقَرَّبُنِي مِنْكَ وَقَلْبِي عَطُوفًا عَلَى أَوْلِيَائِكَ وَتَصُونَنِي فِي هَذِهِ

مرا بتو نزدیک کند و دلم را مهربان نمائی بر دوستانت و محفوظم داری در این

الدُّنْيَا مِنَ الْعَاهَاتِ وَالْأَفَاتِ وَالْأَمْرَاضِ الشَّدِيدَةِ وَالْأَسْقَامِ الْمُرْمِيَةِ وَجَمِيعِ

دنیا از بلاها و آفات و بیماریهای سخت و بیماریهای مزمن و همه اقسام

أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَالْحَوَادِثِ وَتَصْرِفَ قَلْبِي عَنِ الْحَرَامِ وَتَبَعُّصَ إِلَيَّ مَعَاصِيكَ

بلاها و حوادث و قلبم را از فعل حرام منصرف داری و از معصیت مبعوض و متنفر سازی

وَتُحَبِّبَ إِلَيَّ الْحَلَالَ وَتَفْتَحَ لِي أَبْوَابَهُ وَتَثَبِّتَ نَيْتِي وَفِعْلِي عَلَيْهِ وَتَمُدَّ فِي

و محبوب گردانی نزد من حلال را و بگشائی برای من ابوابش را و ثابت کنی نیت و کردار مرا بدنبالش و

عَمْرِي وَتُعَلِّقَ أَبْوَابَ الْمِحْنِ عَنِّي وَلَا تَسْلُبْنِي مَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ وَلَا تَسْتَرِدَّ

عمرم را طولانی کنی و ببندی بر من ابواب رنج و سختیها را و نگیری از من آنچه را که منت نهادی بدان بر من

شَيْئًا مِمَّا أَحْسَنْتَ بِهِ إِلَيَّ وَلَا تَنْزِعَ مِنِّي النِّعَمَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ وَتَزِيدَ

و بر نگرانی چیزی از آنچه احسان کردی بر من و جدا نکنی از من نعمتهائی که بمن دادی و افزون نهائی

فِيمَا حَوَّلْتَنِي وَتُضَاعِفَهُ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَتَرْزُقْنِي مَا لَكَ كَثِيرًا وَاسِعًا سَائِعًا

بر آنچه بمن عطا کردی و دوچندان کنی به اضعاف مضاعف و روزی کنی دارائی بسیار شایان و باخیر و برکت

هَنِيئًا نَامِيًا وَافِيًا وَعِزًّا بَاقِيًا كَافِيًا وَجَاهًا عَرَبِيًّا مَنِيعًا وَنِعْمَةً سَابِقَةً عَامَّةً

و گوارا و با افزایش و وفادار و با عزتی پایدار و کافی و آبرومندانه و پهناور با مناعت و نعمت شایان و وسیع

وَتُعِينَنِي بِذَلِكَ عَنِ الْمَطَالِبِ الْمُنْكَدَةِ وَالْمَوَارِدِ الصَّعْبَةِ وَتَخْلِصَنِي مِنْهَا

و شامل همه شئونات و بی نیازم کنی بدان از مطالب پر مشقت و درکارهای پر رنج و سخت و خلاصم کنی از

مُعَافًا فِي دِينِي وَنَفْسِي وَوَلَدِي وَمَا أُعْطَيْتَنِي وَمَنْحَتَنِي وَتَحْفَظَ عَلَيَّ

آنها با عافیت در دینم و جانم و فرزندم و آنچه بمن بخشیدی و عطا کردی و نگهداری فرما برام

مَالِي وَجَمِيعِ مَا حَوَّلْتَنِي وَتَقْبِضَ عَنِّي أَيْدِي الْجَبَابِرَةِ وَتَرُدَّنِي إِلَى وَطَنِي

ثروتیم و همه آنچه دادی بمن و نگهداری از من از دست جباران و بازگردان مرا به وطنم



وَتُبَلِّغُنِي نِهَائِيَّةَ أَمَلِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَتَجْعَلَ عَاقِبَةَ أَمْرِي مَحْمُودَةً

و مرا به نهایت آرزویم برسان در دنیا و آخرت و مقزردار سرانجام کارم را پسندیده

حَسَنَةً سَلِيمَةً وَتَجْعَلَنِي رَحِيبَ الصَّدْرِ وَاسِعِ الْحَالِ حَسَنَ الْخُلُقِ بَعِيداً

و نیکو و سالم و سینهام را گشاده گردان با توسعه احوال و خلق خوش دوران

مِنَ الْبُخْلِ وَالْمُنْعِ وَالْبِفَاقِ وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتِ وَقَوْلِ الزُّورِ وَتُرْسِخْ فِي قَلْبِي

بخل و دریع و نفاق و دروغ و بهتان و گفتار ناحق و باطل و ثابت و راسخ گردان در قلبم

مَحَبَّةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشَبِيعَتِهِمْ وَتَحْرَسَنِي يَا رَبِّ فِي نَفْسِي وَأَهْلِي

دوستی محمد و خاندان محمد (علیهم السلام) و پیروان ایشان و نگهبان ای پروردگار درباره خودم و فامیلم

وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَهْلَ حُرَاتِنِي وَإِخْوَانِي وَأَهْلَ مَوَدَّتِي وَذُرِّيَّتِي بِرَحْمَتِكَ

و اموالم و فرزندانم و خاندانم و برادرانم و دوستانم و نژادم برحمت وجودت

وَجُودِكَ اللَّهُمَّ هَذِهِ حَاجَاتِي عِنْدَكَ وَقَدْ اسْتَكْتَرْتُهَا لِلْوَمَى وَشَجِي وَهِيَ

خدایا اینها حاجتهای من است نزد تو، و من چنانچه زیاد شمردم آنها را برای پستی و صفت بخل من است

عِنْدَكَ صَغِيرَةٌ حَقِيرَةٌ وَعَلَيْكَ سَهْلَةٌ يَسِيرَةٌ فَاسْأَلُكَ بِجَاهِ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و حال آنکه نزد تو کوچک و حقیر است و بر تو سهل و آسان است از تو می خواهم بآبروی محمد و خاندان

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَكَ وَبِحَقِّهِمْ عَلَيْكَ وَبِمَا أُوجِبْتَ لَهُمْ

محمد براو و بر شما درود و سلام نزد تو و بحق آنان بر تو و بدانچه واجب کردی برایشان

وَبِسَائِرِ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَأَصْفِيَائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ الْمُخْلِصِينَ مِنْ عِبَادِكَ

و سایر پیغمبران و رسولان و برگزیدگان و اولیایان و مخلصان از بندگانت

وَيَا سَمِيكَ الْأَعْظَمَ الْأَعْظَمَ لَمَّا فَضَيْتَهَا كُلَّهَا وَأَسْعَفْتَنِي بِهَا وَلَمْ تُخَيِّبْ

و بنام تو که بزرگتر و بزرگتر است جز آنکه همه را برآوری و انجام دهی آنها را و نومیدنگردانی

أَمَلِي وَرَجَائِي اللَّهُمَّ وَشَفِّعْ صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ فِي يَأْسِي يَأْسِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ يَا

آرزو و امیدمرا خدایا شفیع قرار بده صاحب این قبر را در باره من ای آقای من ای ولی خدا ای

أَمِينَ اللَّهُ أَسْأَلُكَ أَنْ تَشْفَعَ لِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَذِهِ الْحَاجَاتِ كُلِّهَا

امین خدا از تو در خواست میکنم اینکه شفاعت کنی برای من بدرگاه خدای عزیز و بزرگ در این حاجت‌هایم

بِحَقِّ آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَبِحَقِّ أَوْلَادِكَ الْمُنتَجِبِينَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ تَقَدَّسَتْ

همه را بحق پدران پاکت و بحق فرزندان با نجابتت همانا برای تو نزد خدا مقدس باد

أَسْمَائُهُ الْمَنْزِلَةُ الشَّرِيفَةُ وَالْمَرْتَبَةُ الْجَلِيلَةُ وَالْجَاهُ الْعَرِيفُ اللَّهُمَّ لَوْ

نامهای او و منزلتی است شریف و مرتبتی است والا و مقامی است پهناور خدایا اگر

عَرَفْتَ مَنْ هُوَ أَوْجَهُ عِنْدَكَ مِنْ هَذَا الْإِمَامِ وَمِنْ آبَائِهِ وَأَبْنَائِهِ الطَّاهِرِينَ عليه السلام

می‌شناختم کسی را که از این امام در نزد تو آبرومندتر باشد و بزرگوارتر باشد از پدران و فرزندان پاکش علیهم السلام

وَالصَّلَاةُ لَجَعَلْتَهُمْ شُفَعَاءِي وَقَدَّمْتَهُمْ أَمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَاتِي هَذِهِ

هر آینه آنان را نزد تو شفیع قرار می‌دادم و مقدم میداشتم آنها را جلوی خواسته‌ام و اینست در خواسته‌هایم

فَاسْمَعْ مِنِّي وَاسْتَجِبْ لِي وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ

و بشنو از من و اجابت رسان برایم و بجای آور برایم آنچه سزاوار توست ای مهربانترین مهربانان خدایا

وَمَا قَصَرْتُ عَنْهُ مَسْئَلَتِي وَعَجَزْتُ عَنْهُ قُوَّتِي وَلَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ صَالِحِ

یا هر چه را که درخواست من از آن کوتاه است و توانم از آن در مانده است و هوشمندیم بآن نرسد از امور

دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَخْرَجْتَنِي فَاْمُنُّنْ بِهِ عَلَيَّ وَاحْفَظْنِي وَاحْرُسْنِي وَهَبْ لِي وَأَغْفِرْ

شایسته دین و دنیایم و آخرتم بر من منتگذار بآن و نگهدار مرا و پاسم‌دار و ببخش مرا و بیامرز

لِي وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ أَوْ مَكْرُوهٍ مِنْ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيدٍ أَوْ

مرا و هر که قصد بدی و ناپسند کند یا قصد آزار و آسیبی دارد از شیطان متمرّد و سرکش یا سلطان معاند یا

مُخَالَفٍ فِي دِينٍ أَوْ مُنَازَعٍ فِي دُنْيَا أَوْ حَاسِدٍ عَلَيَّ نِعْمَةً أَوْ ظَالِمٍ أَوْ بَاغٍ

مخالف در دین یا ستیزه جوئی در دنیا یا حسودی که بر من نعمتی را رشک می برد یا ستمکار یا شورشگر

فَاقْبِضْ عَنِّي يَدَهُ وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَأَشْغَلْهُ عَنِّي بِنَفْسِهِ وَاكْفِنِي شَرَّهُ

و برگردان مکر و حيله‌اش را از من و او را از من بخودش مشغول ساز و شر او و شر بیرون او

وَشَرَّ أَتْبَاعِهِ وَشَيَاطِينِهِ وَأَجْزِنِي مِنْ كُلِّ مَا يَضُرُّنِي وَبُجِّحْ بِي وَأَعْطِنِي

و شر شیاطین او را از سر من دور کن و پناهم ده از هرچه زیانم رساند و زور و اجحاف کند و عطا فرما

جَمِيعِ الْخَيْرِ كُلِّهِ مِمَّا أَعْلَمُ وَمِمَّا لَا أَعْلَمُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

همه خیرها و خوبیها را آنچه دانم و آنچه ندانم خدایا رحمت فرست بر محمد و خاندان محمد (علیهم السلام)

وَاعْفُرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِإِخْوَانِي وَأَخَوَاتِي وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي وَأَخْوَالِي

و ببامرز مرا و پدرم و مادرم را و برادران و خواهران و عموهایم و عمه‌هایم و دانی‌ها

وَخَالَاتِي وَأَجْدَادِي وَجَدَّاتِي وَأَوْلَادِهِمْ وَدَرَارِ بِهِمْ وَأَزْوَاجِي وَذُرِّيَّاتِي

و خاله‌هایم و اجداد و جدّه‌هایم و فرزندان آنها و نژاد آنها و همسرانم و نژادم

وَاقْرِبَائِي وَأَصْدِقَائِي وَجِيرَانِي وَإِخْوَانِي فَيْكَ مِنْ أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ

و خویشانم و دوستانم و همسایگانم و برادرانم در راه تو از اهل مشرق و مغرب

وَلْجَمِيعِ أَهْلِ مَوَدَّتِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ

و برای همه دوستانم از مؤمنین و مؤمنات زنده آنها و مرده آنها

وَلْجَمِيعِ مَنْ عَلَّمَنِي خَيْرًا أَوْ تَعَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِ اللَّهِ أَشْرِكُهُمْ فِي صَالِحِ

و برای هرکه بمن خیری آموخت یا از من آموخت دانشی خدایا شریکشان قرارده در دعای خیر

دُعَائِي وَزِيَارَتِي لِمَشْهَدِ حَجَّتِكَ وَوَلِيَّتِكَ وَأَشْرِكُنِي فِي صَالِحِ أَدْعِيَّتِهِمْ

من و زیارتم برای زیارتگاه حجت و ولی تو و شریک کن مرا در دعا‌های خیر آنها

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَبَلِّغْ وَلِيكَ مِنَ السَّلَامِ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

برحمت خودت ای مهربانترین مهربانان و برسان به ولایت از طرف آنها سلام و درود بر تو

وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ يَا سَيِّدِي يَا مُؤَلَّيَّ يَا «فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ» صَلَّى اللَّهُ

و رحمت خدا و برکاتش ای آقای من ای مولای من رحمت و درود خدا بر تو و بر روان تو

عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ أَنْتَ وَسَبِيلَتِي إِلَى اللَّهِ وَذَرِيعَتِي إِلَيْهِ وَوَلِيَّ حَقِّ

و بر جسم پاک تو و توفی وسیله من بدرگاه خدا و واسطه منی بسوی او و برایم حق دوستداری

مُؤَلَّاتِي وَتَأْمِيلِي فَكُنْ شَفِيعِي إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْوُقُوفِ عَلَيَّ قِصَّتِي

و آرزومندی است پس شفیع من باش بدرگاه خدای عزیز و بزرگ در اطلاع و آگاهی بر این داستانم

هَذِهِ وَصَرَفِي عَنْ مَوْقِفِي هَذَا بِالنَّجْحِ بِمَا سَأَلْتُهُ كَلِّهِ بِرَحْمَتِهِ وَقَدَّرْتَهُ اللَّهُمَّ

و برگردان مرا از این موقف شریف کامیاب به تمام آنچه درخواست نموده‌ام برحمتش و قدرتش خدایا

أَرْزُقْنِي عَقْلاً كَامِلاً وَوَلْباً رَاجِحاً وَعِزّاً بَاقِياً وَقَلْباً زَكِياً وَعَمَلاً كَثِيراً وَأَدَباً بَارِعاً

روزی کن مرا عقل کامل و خردی افزون و عزتی پایدار و قلبی پاکیزه و عمل بسیار و فرهنگ عالی

وَأَجْعَلْ ذَلِكَ كَلِّهُ لِي وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.»

و مقرر دار همه آن را برایم و قرار مده بر ضررم برحمت خودت ای مهربانترین مهربانان.»

### دعای کمیل

دعای کمیل از ادعیه معروف است و علامه مجلسی می‌گوید که از

بهترین دعاهاست و آن دعای خضر علیه السلام است و حضرت علی علیه السلام آن را به

۱. به جای فلان بن فلان، نام امام و پدر بزرگوارش علیه السلام را می‌آوریم.

کمیل، که از خواص اصحاب آن حضرت بوده است، تعلیم فرموده است. این دعا در شبهای نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده می شود و برای دوری شرّ اعدا و فتح باب رزق و آمرزش گناهان نافع است؛ و آن دعای شریف این است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ

«خدایا من از تو می خواهم بحق آن رحمتت که همه چیز را فراگرفته و به آن نیرویت که همه چیز را بوسیله

بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَبِجَبَرُوتِكَ الَّتِي

آن مقهور خویش کردی و همه چیز در برابر آن خاضع و همه در پیش آن خوار است و به جبروت تو که

عَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ

بوسیله آن چیره گشتی بر هر چیز و به عزتت که چیزی در برابرش نایستد و به آن عظمت و بزرگیت که

كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ

پرکرده هر چیز را و به آن سلطنتت که بر هر چیز برتری گرفته و به ذات پاکت که پس از نابودی هر چیز

شَيْءٍ، وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ

باقی است و به نامهای مقدست که اساس هر موجودی را پرکرده و به آن دانشت که احاطه یافته به هر چیز

شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ

و به نور ذاتت که روشن شد در پرتوش هر چیز ای نور حقیقی و ای منزّه از هر عیب، ای آغاز موجودات اولین

وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ

و ای پایان آخرین. خدایا! ببامرز آن گناهی را که پردهها را ببرد. خدایا! ببامرز

لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ النَّعْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ.

آن گناهی را که عقاب و کیفرها را فرو ریزد. خدایا! ببامرز آن گناهی را که نعمت‌ها را تغییر دهد.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَخِيسُ الدُّعَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي

خدايا! ببامرز پاک و آن گناہانی را که از (اجابت) دعا جلوگیری کند، خدايا ببامرز آن گناہانی را که

تَنْزِلُ الْبَلَاءَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا، اللَّهُمَّ

بلا نازل کند خدايا ببامرز هر گناہی که کرده‌ام و هر خطایی که از من سر زده خدايا من به

إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ نَفْسِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ

سوی تو تقرب جویم بوسیله ذکر تو و خودت را شفیع آورم بدرگاہت به جود و کرمت از تو می‌خواهم که به

تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ، وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي

مقام قرب خویش نزدیکم سازی و سپاسگذاریت را روزیم کنی و ذکر خود را به من الهام کنی خدايا! از تو

أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ، أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي

خاضعانه، ذلیلانه و خاشعانه درخواست می‌کنم که بر من آسانگیری و رحم کنی و به دادۀ خود

بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا، وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا. اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ

راضی و قانع سازی و در تمام حالات فروتنم کنی. خدايا! از تو درخواست کنم درخواست

مَنْ اسْتَدَّتْ فَاقْتَهُ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَعَظَّمَ فِيهِمَا عِنْدَكَ

کسی که سخت فقیر شده و خواسته‌اش را هنگام سختیها پیش تو آورده و امیدش بدانچه نزد تو است،

رَغَبْتَهُ. اللَّهُمَّ عَظِّمْ سُلْطَانَكَ، وَعَلَا مَكَانَكَ، وَخَفِي مَكْرَكَ، وَظَهَرَ أَمْرَكَ

بزرگ است خدايا سلطنتت بس بزرگ و مقامت بسی بلند است و تدبیرت در کارها پنهان و امر و فرمانت

وَعَلَبَ قَهْرَكَ، وَجَرَّتْ قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ. اللَّهُمَّ

آشکار است، قهرت غالب و قدرت و نیرویت نافذ است و گریز از تحت حکومت تو ممکن نیست خدايا

لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاوِرًا، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ

نیابم برای گناہانم آمرزنده‌ای و نه برای کارهای زشتم پرده‌پوشی و نه کسی را که عمل زشت مرا به کار

بِالْحَسَنِ مُبَدَّلًا غَيْرَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي

نیک تبدیل کند جز تو، نیست معبودی جز تو، منزهی تو و به حمد تو مشغولم من به خوبستن ستم کردم

وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي، وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنْكَ عَلَيَّ.

و در اثر نادانیم جسارت کردم و به اینکه همیشه از قدیم به یاد من بوده و بر من لطف و بخشش داشتی آسوده‌خاطر

اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ، وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ، وَكَمْ مِنْ

نشستم و ای خدا ای مولای من چه بسیار زشتیها که از من پوشاندی و چه بسیار بلاهای سنگین که از من بازگرداندی

عِثَارٍ وَقَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ

و چه بسیار لغزشها که از آن نگهم داشتی و چه بسیار ناراحتیها که از من دور کردی و چه بسیار مدح و ثناء خوبی که

أَهْلًا لَهُ تَشَرَّتَهُ. اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي، وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي،

من شایسته‌اش نبودم و آن را منتشر ساختی. خدایا! بلاهای من بسی بزرگ است و بدی حالم از حد گذشته

وَقَصُرْتُ بِي أَعْمَالِي، وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي، وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَالِي،

و اعمالم نارسا است و زنجیرهای علایق مرا خانه‌نشین و آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به منافعم بازداشتی

وَحَدَّعْتَنِي الدُّنْيَا بَعْرُورِهَا، وَنَفْسِي بِجُنَايَتِهَا، وَمَطَالِي يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ

و دنیا با ظواهر فریبنده‌اش مرا گول زده و نفسم بوسیله خیانتش، و به مسامحه گذراندم ای آقای من پس

بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجَبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفَعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيٍّ

از تو می‌خواهم به عزتت که بدی رفتار و کردار من دعایم را از اجابتت جلوگیری نکند و رسوا نکنی مرا به

مَا أَطْلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي، وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتَهُ فِي

آنچه از اسرار پنهانی من اطلاع داری و شتاب نکنی در عقوبتم برای رفتار بد و کارهای بدی که در

خَلَوَاتِي، مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفَرُّطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةِ

خلوت انجام دادم و ادامه دادنم به تقصیر و نادانی و زیادی

شَهَوَاتِي وَعَفَلْتِي، وَكُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رِءُوفًا، وَعَلَيَّ فِي

شهوت‌رانی و بی‌خبریم و خدا یا به عزتت سوگند که در تمام احوال نسبت به من مهربان باش و در تمام

جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا، إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي، وَالنَّظَرَ

امور بر من عطوفت فرما ای معبود من و ای پروردگار من جز تو که را دارم که رفع گرفتاری و توجه در کارم را از او

فِي أَمْرِي، إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي،

درخواست کنم ای خدای من و ای مولای من تو بر من حکمی را مقرر داشتی که در نتیجه پیروی هوای نفسم را کردم

وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَعَرَّني بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ

و از فریبکاری دشمنم در این باره نهراسیدم پس او هم طبق دلخواه خویش گولم‌زد و قضا (و قدر) هم با او کمک کرد

الْقَضَاءُ، فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ

و در اثر همین ماجرای شومی که بر سرم آمد نسبت به پاره‌ای از حدود و احکامات تجاوز کردم و در برخی از دستورات

أَوَامِرِكَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ

راه مخالفت را پیمودم پس در تمام آنچه پیش آمده تو را سپاس می‌گویم و اکنون از حکمی که درباره‌ی کفر من جاری

قَضَاؤُكَ، وَالزَّمَنِي حُكْمُكَ وَبِلَاؤُكَ، وَقَدْ أَتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي

گشته و قضا و آزمایش تو مرا بدان ملزم ساخته حجت و برهانی ندارم و اینکای معبود من در حالی به درگاهت

وَأَسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا

آمده‌ام که دربارت کوتاهی کرده و بر خود زیاده‌روی نموده و عذرخواه و پشیمان و دل‌شکسته و پوزش‌جو و

مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي،

آمرزش طلب و بازگشت‌کنان و به گناه خویش اقرار و اذعان و اعتراف دارم و راه‌گریزی از آنچه از من سرزده نیابم

غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي، وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ، أَللَّهُمَّ فَاقْبَلْ

و پناهگاهی که بدان رو آورم در کار خویش ندارم جز اینکه تو عذرم بپذیری و مرا در فراخی رحمت در آوری پس ای



عَذْرِي، وَأَرْحَمُ شِدَّةَ ضُرِّي، وَفُكِّنِي مِنْ شِدِّ وَثَاقِي يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ

خدای من عذرم ببذیر و بر سخت‌پیشانی‌م رحم کن و از بند مستحکم گناهانم رهاکنیم ده ای پروردگار من بر ناتوانی

بَدْنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَرَبَّيْتِي

بدنم و نازکی پوست‌م و باریکی استخوانم رحم کن ای کسی که آغاز کردی به آفرینش من و به یاد من

وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرَكَ بِي،

و پیرویشم و به احسان و خوراک دادنم اکنون به همان بزرگواری و کرم نخستت و سابقه احسانی که به من داشتی مرا ببخش

يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي، أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ،

ای معبود من و ای آقای من و ای پروردگار من آیا تو بهر استی‌چنانی که مرا به آتش عذاب‌کنی پس از اینکه به یگانگیت اقرار دارم

وَبَعْدَ مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ

و دلم به نور معرفتت آباد گشته و زبانم به ذکر تو گویا شده

وَأَعْتَقَدَهُ صَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ

و نهادم به دوستی تو بیوند شده و پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه‌ام به مقام ربوبیتت،

هَيْهَاتَ، أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّبْتَهُ أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ، أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ

بسیار دور استاتو بزرگوارتر از آنی که از نظر دور داری کسی را که خود پروریده‌ای یا دورگردانی کسی را که خود نزدیکش

أَوْيْتَهُ، أَوْ تَسْلِمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي

کرده یا تسلیم بلا و گرفتاری کنی کسی را که خود سرپرستی کرده و به لطف پروریده‌ای و کاش می‌دانستم ای آقا

وَالسَّهْمِي وَمَوْلَايَ أَنْتَ سَلَطَ النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهَ حَرَّتِ لِعَظْمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى

و معبود و مولایم آیا چیره می‌کنی آتش دوزخ را بر چهره‌هایی که در برابر عظمتت به سجده افتاده و بر

السُّنِّي نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ

زبان‌هایی که صادقانه به یگانگیت گویا شده و سپاسگزارانه به شکر تو باز شده و بر دل‌هایی که از روی یقین

بِالْهَيْبَتِكَ مُحَقَّقَةً، وَعَلَى صَمَائِرِ حَوْتٍ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى ضَارَتْ خَاشِعَةً،

به خائبیت اعتراف کرده‌اند و بر نهادهایی که علم و معرفت آنها را فرا گرفته تا به جایی که در برابرت خاشع گشته

وَعَلَى جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعَبُدِكَ طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ بِأَسْبِغْفَارِكَ

و بر اعضاء و جوارحی که مشتاقانه به پرستشگاه‌هایت شتافته و با حال اقرار به گناه جویای آمرزش تو

مُدْعِنَةً، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَلَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ، يَا كَرِيمُ يَا رَبَّ وَأَنْتَ

هستند چنین گمانی به تو نیست و از فضل تو چنین خبری به ما نرسیده ای خدای کریم ای پروردگار من و تو

تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعَقُوبَاتِهَا، وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنْ

نا توانی مرا در مقابل اندکی از بلای دنیا و کیفرهای ناچیز آن و ناملایماتی که معمولاً بر اهل آن می‌رسد

الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ، قَلِيلٌ مَكْتَنَةٌ يَسِيرٌ بِقَاتِنَةِ

می‌دانی در صورتی که این بلا و ناراحتی دوامش کم است و دورانش اندک و مدتش

قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلٍ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ

کوتاه است پس چگونه تاب تحمل بلای آخرت و آن ناملایمات بزرگ را در آنجا دارم

بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَيَدُومُ مَقَامُهُ وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِ

در صورتی که آن بلا مدتش طولانی و دوامش همیشگی است و تخفیفی برای مبتلایان به آن نیست زیرا آن بلا از خشم

عَظِيمِكَ وَأَنْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ،

و انتقام و غضب تو سرچشمه گرفته و آن هم چیزی است که آسمانها و زمین تاب تحمل آن را ندارند

يَأْسِيْدِي فَكَيْفَ بِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ

ای آقای من تا چه رسد به من بنده ناتوان خوار ناچیز مستمند

الْمُسْتَكِينُ، يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلِمَا

بیچاره! ای معبود و پروردگار و آقا و مولای من آیا برای کدامیک از گرفتاریهایم به تو شکایت کنم و برای

مِنْهَا أَصْحَى وَأَبْكِي، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ، فَلَيْتَ

کدامیک از آنها شیون و گریه کنم، آیا برای عذاب دردناک و سخت یا برای بلاى طولانى و مدید، پس اگر بنا  
صَبَّرْتُ نَبِيَّ لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ، وَفَرَّقْتَ

شود مرا بخاطر کیفرهایم در زمره دشمنانت اندازی و مرا با گرفتاران در بلا و عذابت در یکجا گردآوری و

بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي،

میان من و دوستانت جدایی اندازی، گیرم که ای معبود و آقا و مولا و پروردگارم من

صَبَّرْتُ عَلَى عَذَابِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبَّرْتُ عَلَى حَرِّ

بر عذاب تو صبر کنم، اما چگونه بر دوری از تو طاقت آورم، و گیرم که ای معبود من حرارت آتشت را

نَارِكَ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كِرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي

تجمل کنم، اما چگونه چشم پوشیدن از بزرگواریت را بر خود هموار سازم، یا چگونه در میان آتش بمانم با اینکه

عَفْوِكَ، فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ أَفْسِمُ صَادِقًا، لَسْتُ تَرَكَتَنِي نَاطِقًا

امید عفو تو را دارم پس به عزتت سوگند ای آقا و مولای من برآستی سوگند می‌خورم که اگر زبانم را آنجا بازنگذاری

لَأُضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمْلِينَ، وَلَا أُضْرَحَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ

حتماً در میان دوزخیان شیون را بسویت سر دهم شیون اشخاص آرزومند و مسلماً چون فریادرس خواهان به

الْمَسْتَضْرِحِينَ، وَلَا بَكِيْنَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ، وَلَا نَادِيَنَّكَ أَيُّنَ

درگاهت فریادبرآرم، و قطعاً مانند عزیز گمگشتگان بر دوری تو گریه و زاری کنم و با صدای بلند تو را می‌خوانم

كُنْتُ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِثِينَ،

و می‌گویم کجایی ای یار و نگهدار مؤمنان، ای منتهای آرمان عارفان، ای فریادرس درماندگان،

يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ، أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي

ای محبوب دلر استگویان، ای معبود عالمیان آیا برآستی چنان می‌بینی ای منزله و معبودم که به ستایشت مشغولم که

وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ

که بشنوی در آن آتش صدای بنده مسلمانی را که در اثر مخالفتش در آنجا زندانی شده و مزه عذاب آتش را به خاطر

عَذَابِهَا بِمَعْصِيَّتِهِ، وَحَسِبَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِّ بَرْتِهِ، وَهُوَ يَصِحُّ إِلَيْكَ

نافرمانیش چشیده و در میان طبقات دوزخ به واسطه جرم و جنایتش گرفتار شده و در آن حال به درگاهت شیون کند

صَاحِبِجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

شیون شخصی که آرزومند رحمت تو است و به زبان یگانه پرستان تو را فریاد زند، و به بنده پروریت

يَرْبُوبِيَّتِكَ، يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُوا مَا سَلَفَ مِنْ

متوسل گردد، ای مولای من پس چگونه در عذاب بماند با اینکه به بردباری سابقه دارت چشم امید

حَلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ وَهُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ

دارد، یا چگونه آتش او را بیازارد با اینکه آرزوی فضل و رحمت تو را دارد، یا چگونه شعله آتش او را

لَهْيِبِهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا

بسوزاند با اینکه توصدایش را بشنوی و جایش را ببینی، یا چگونه شراره های آتش او را دربرگیرد با اینکه توناتوانیش

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ كَيْفَ

دانی، یا چگونه در میان طبقات آتش دست و پا زند با اینکه تو صدق و راستگوش را دانی، یا چگونه موکلان دوزخ

تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتِهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهِ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عَيْتِهِ

اور اباتندی بر آندند با اینکه تو را به پروردگاری بخواند، یا چگونه ممکن است که امید فضل تو را در آزادی خویش داشته باشد

مِنْهَا فَتَتَرَّكُهُ فِيهَا، هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ،

ولی تو او را به حال خود واگذاری، چه بسیار از تودور است و چنین گمانی به توییست، و فضل تو اینسان معروف نیست،

وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ، مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ، فَيَالْيَقِينِ أَقْطَعُ

و نه شباهت با رفتار تو نسبت به یگانه پرستان دارد با آن نیکی و احسانت که نسبت بدانها داری و من بطور قطع

لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيبِ جَاحِدِيكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَايِدِيكَ،

می‌دانم که اگر فرمان تو در معذب ساختن منکرات صادر نشده بود و حکم تو به همیشه ماندن در عذاب بر ای دشمنانت

لَجَعَلْتَ النَّارَ كَلِّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا وَلَا مُقَامًا،

در کار نبود حتماً آتش دوزخ را هر چه بود به تمامی سرد و سالم می‌کردی، و هیچکس در آن منزل و مأوا نداشت.

لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، أَفْسَمْتَ أَنْ تَمْلَاهَا مِنَ الْكَافِرِينَ، مِنَ الْجِنَّةِ

ولی تو ای خدایی که تمام نامهایت مقدس است سوگند یاد کرده‌ای که دوزخ را از کافران از پریان و آدمیان

وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَايِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا،

برکنی و دشمنانت را برای همیشه در آن جا دهی، و تو که حمد ثنایت بر جسته‌است در ابتداء بدون سابقه فرمودی

وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكْرِمًا «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا

و به این انعام از روی بزرگواری تفضل کردی (که فرمودی) «آیا کسی که مؤمن است مانند کسی است که فاسق است.

لَا يَسْتَوُونَ» السَّيِّئِ وَسَيِّدِي، فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا، وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي

نه یکسان نیستند، ای معبود من وای آقای من، به حق آن نیرویی که مقدرش کردی و به فرمانی که مسلّمش

حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَعَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتُهَا، أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ

کردی و صادر فرمودی و بر هر کس آن را اجرا کردی مسلط گشتی، از تو می‌خواهم که ببخشی بر من در این شب

وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ، وَكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ، وَكُلِّ فَبِيحٍ أَسْرَرْتَهُ،

و در این ساعت هر جرمی را که مرتکب شده‌ام، و هر گناهی را که از من سرزده، و هر کار زشتی را که پنهان کرده‌ام،

وَكُلِّ جَهْلٍ عَمِلْتَهُ، كَتَمْتَهُ أَوْ أَعْلَنْتَهُ، أَحْفَيْتَهُ أَوْ أَظْهَرْتَهُ، وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتِ

وهر نادانی که کردم، چه کتمان کردم و چه آشکارا، چه پنهان کردم و چه در عیان، و هر کار بدی را که به نویسنده‌گان گرامیت

يَأْتِبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ

دستور یاراداشت کردنش را دادی، همان نویسندگانی که آنها را موکل بر ثبت اعمال من کردی و آنها را به ضمیمه اعضا

شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ، وَالشَّاهِدَ

وجوارح‌گواه بر من کردی و اضافه بر آنها خودت نیز مراقب من بودی و گواه اعمالی بودی که از ایشان پنهان

لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَحْفَيْتَهُ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ، وَأَنْ تُوقَّرَ

می‌ماند، و البته به واسطه رحمتت بود که آنها را پنهان داشتی و از روی فضل خود پوشاندی و نیز خواهم که بهرام را

حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِرٍ نَشَرْتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ،

والفروسرشار گردانی از هر خیری که فرو ریزی یا احسانی که بفرمایی یا نیکیهایی که پخش کنی یا رزقی که بگسترانی

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَاٍ تَسْتُرُهُ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي

یا گناهی که ببامرزی یا خطایی که ببوشانی، پروردگارا پروردگارا پروردگارا، ای معبود من ای آقا و مولایم

وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِيٍّ يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي، يَا عَلِيمًا بِضُرِّي وَمَسْكِنَتِي،

و ای مالک من ای کسی‌که اختیارم بدست او است ای دانای بر پریشانی و بی‌نوائیم،

يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ

ای آگه از بی‌چیزی و نداریم پروردگارا، پروردگارا پروردگارا، از تو می‌خواهم به حق خودت و به ذات مقدست و به

صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً،

بزرگترین صفات و اسمانت که اوقاتم را در شب و روز به یاد خودت معمور و آباد گردانی

وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً، حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي

و به خدمتت پیوسته داری و اعمالم را مقبول درگاهت گردانی تا اعمال و گفتارم همه یک جهت برای تو

كُلُّهَا وَرِثَةً وَاحِدَةً، وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا، يَا سَيِّدِي، يَا مَنْ عَلَيْهِ

باشد و حالم همیشه در خدمت تو مصروف گردد، ای آقای من، ای کسی که تکیه‌گاهم

مَعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ

و است ای کسی‌که شکایت احوال خویش به درگاه او برم پروردگارا پروردگارا پروردگارا، نیرو ده بر انجام

جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي حَشِيَّتِكَ،

خدمتت اعضای مرا و دلم را برای عزیمت به سویت محکم گردان و به من کوشش در ترس و خشیتت

وَالدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مِيَادِينِ السَّابِقِينَ،

و مداومت در پیوستن به خدمتت عطا فرما تا تن و جان را در میدانهای پیشتازان بسویت برانم

وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَأَشْتَأِقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَأَقِينَ، وَأَدْنُو مِنْكَ

و در زمره شتابندگان بسویت بشتابم و در صف مشتاقان اشتیاق تقربیت را جویم و چون نزدیک شدن

دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ فِي جَوَارِكَ مَعَ

مخلصان به تو نزدیک گردم و چون یقین کنندگان از تو بترسم و در جوار رحمتت با مؤمنان در یکجاگرد

الْمُؤْمِنِينَ. اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ، وَاجْعَلْنِي

آیم، خدایا هر که بد مرا خواهد بدش را بخواه، و هر که به من مکر کند به مکر خویش دچارش نما و نصیبم را بیش خود

مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِيهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِيهِمْ زُلْفَةً

بهتر از دیگر بندگانت برارده و منزلتم را نزد خود نزدیکتر از ایشان کن و رتبه‌ام را در بیشگاهت مخصوص‌تر از دیگران

لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجِدْ لِي بِجُودِكَ، وَأَعْطِفْ عَلَيَّ

گردان که براستی جز به فضل تو کسی به این مقام نرسد و به وجود و بخشش خود به من جود کن و به مجد و بزرگواری خود

بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا، وَقَلْبِي بِحُبِّكَ

بر من توجه خود فرما و به رحمت خود مرا نگهدار، و قرار ده زبانم را به ذکر تو گویا و دلم را به دوستیت

مُنِيمًا، وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَأَقْلِبْ عَثْرَتِي وَأَغْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ

بی‌قرار و شیدا، و با اجابت نیکت بر من منت بنه و لغزشم را نادیده گیر و گناهم را ببامرز زیرا که تو خود

قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ، وَأَمَرَ تَهُمْ بِدُعَائِكَ وَصَمِمْتَ لَهُمْ الْإِجَابَةَ،

بندگانت را به پرستش خویش فرمان دادی و به دعا کردن به درگاهت مأمور ساختی و اجابت دعایشان را ضمانت کردی،

فَالْيُنْكُ يَا رَبِّ نَصَبْتُ، وَجِهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ

پس ای پروردگار من بسوی تو روی خود بداشتم و به درگاه تو ای پروردگارم دست حاجت دراز کردم، پس به عزت

لی دُعَائِي وَبَلَّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ

دعایم را مستجاب کن و به آرزویم برسان، و امیدم را از فضل خویش قطع منما و شر دشمنانم را از جن

وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي يَا سَرِيحَ الرِّضَا، اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ، فَإِنَّكَ

و انس کفایت فرما، ای خدای زودگذر ببامرز کسی را که جز دعا چیزی ندارد که برآستی تو هر چه را

فَعَالَ لِمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ، وَطَاعَتُهُ غِنَى، إِزْحَمَ مَنْ

بخواهی انجام دهی، ای کسی که نامش دوا است و یادش شفاء است و طاعتش توانگری است، ترحم فرما

رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ، يَا سَابِعَ النَّعَمِ، يَا دَافِعَ النَّقَمِ،

بر کسی که سرمایه‌اش امید و ساز و برگش گریه و زاری است، ای تمام دهنده نعمتها و ای برطرف کننده گرفتاریها،

يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ، يَا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

ای روشنی و حشت‌زدگان در تاریکیها، ای دانای بی معلم، درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَالْأَيَّمَةَ الْمَيَامِينَ مِنْ

محمد، و انجام ده درباره من آنچه را که تو شایسته آنی، و درود خدا بر پیامبر و پیشوایان با برکت از

أَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.»

خاندانش و سلام فراوان بر آنان باد.»

### دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه

حضرت سید الشهداء علیه السلام درواپسین روز عرفه در عرفات باگروهی از

اهل بیت و فرزندان و شیعیان از خیمه بیرون آمدند و بانهایت تذلل و خشوع



در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را به سوی کعبه گردانیدند و دستها را برابر رو برداشتند - مانند کسی که طعام طلبد - و این دعا را خواندند:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ، وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ، وَلَا كَصُنْعِهِ صُنْعٌ

سپاس خدایی را سزااست که نیست برای قضايش جلوگیری و نه از عطایش مانعی چون صنع او صنع صانعی

صَانِعٍ، وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ، فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ، وَأَتَقَنَ بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ،

نمی‌باشد و اوست جواد وسعت دهنده پدید آورده اجناس پدید شده‌ها را استوار نمودی به حکمت خود مصنوعات را

لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ، وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوُدَائِعُ، جَازِيَ كُلِّ صَانِعٍ، وَرَائِشِ

نهان نیست بر او رشته‌های پیش‌قراول و ضایع نگردد نزد او امانت‌ها پاداش دهنده هرکارگر و فراهم‌کن

كُلِّ قَانِعٍ، وَرَاجِمٍ كُلِّ ضَارِعٍ، وَمُنْزِلِ الْمَنَافِعِ، وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِاللُّوْرِ

زندگی هر قانع و مهربان بر هر نالان و تضرع کننده نازل کننده همه سودها و منافع و کتاب جامع

السَّاطِعِ، وَهُوَ لِدَعَوَاتِ سَامِعٍ، وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٍ، وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٍ،

درخشان و شنوای دعا گویان و دافع گرفتاری‌ها و بالا برنده درجات

وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٍ، فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْذِلُهُ، وَلَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ

و ریشه‌کن جباران پس نیست معبود به حقی جز او و نیست چیزی برابرش و نیست بمانندش چیزی و اوست شنوا

السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَرْعَبُ

و بینا لطیف و آگاه و او بر هر چیز تواناست خدایا من مشتاق توام

إِلَيْكَ، وَأَشْهَدُ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ، مُفِرًّا بِأَنَّكَ رَبِّي، وَإِلَيْكَ مَرْدِي، اِئْتَدَأْتَنِي

و گواهم به ربوبیت تو معترفم که تو پرورکار منی و به درگاه تو و بسوی تو بازگشت من است آغاز

بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكُورًا، وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ أَسْكَنْتَنِي

وجودم کردی به نعمت خود پیش از اینکه باشم چیزی در یاد و قابل ذکر آفریدی مرا از خاک و جادادی مرا

الأضلاب، آمناً لرب المنون، واختلاف الدهور والسنين، فلم أزل ظاعناً

پشت پدرها آسوده و ایمنم داشتمی از شائبه مرگ و مسیر و گردش دوران و آفات سالها و بی‌دربی و کوچ

من صلب إلى رحم في تقادم من الأيام الماضية والقرون الخالية، لم

کردم از صلب به سوی رحم در ایام گذشته و قرنهای گذشته و مرا به جهان نیاوردی

تخرجني لرافتك بي، ولطفك لي، وإحسانك إلي في دولة أئمة الكفر،

برای مهر و لطف و احسان خود به من در دوران پیشوایان کفر که شکستند

الذين نقضوا عهدك، وكذبوا رسلك، لكنك أخرجتني للذي سبق لي من

پیمان بندی تو را و تکذیب کردند رسولان ترا ولی به مهر خود مرا برآوردی در روزکاریکه به علمت برای

الهدى الذي له يسرتني، وفيه أنشأتني، ومن قبل ذلك رؤفت بي، بجميل

راهنمایی من که میسر کردی برایم و در آن پرورشم دادی و پیش از آن مهر ورزیدی با من خوش رفتاری

صنعك وسوايح نعيمك، فابتدعت خلقي من ميني يمني، وأسكنتني في

و نعمت شایانت پدید آوردی آفرینشم را از قطره منی که ریخته شود جایم دادی در

ظلمات ثلاث، بين لحم ودم وجلد، لم تشهدني خلقي، ولم تجعل إلي

سه تاریکی میان گوشت و خون و پوست و مرا گواه نساختی در خلقتم و کاری از آن به عهده من نگذاشتی

شيئاً من أمري، ثم أخرجتني للذي سبق لي من الهدى إلى الدنيا تاماً

سپس در آوردی مرا بخاطر آنچه در علمت گذشته بود از هدایتم به دنیا خلقتی تمام

سويًا، وحفظتني في المهدي طفلاً صبيًا، ورزقتني من الغداء لبناً مريبًا،

و درست و نگهداریم کردی در گهواره کودک خردی بودم و روزیم دادی از غذای شیرگوارا

وعطفت علي قلوب الحواصين، وكفلتني الأمهات الرواحيم، وكلائتني من

و مهربان کردی بر من دل دایه‌ها را و کفیلیم کردی مادرهای خویش و حفظم کردی از

طَوَارِقِ الْجَانِّ، وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ، فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا

آسیب جتیان و سالم داشتی از زیاد و کاستی برتری تو ای مهربان ای

رَحْمَنُ، حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقًا بِالْكَلامِ، أَنْمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِعَ الْأَنْعَامِ،

بخشنده تا آنکه که آغاز سخن کردم و تمام کردی بنعمت خود را بر من

وَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ، حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي، وَأَعْتَدَلَتْ مِيزَتِي،

به شایانی و پرورشم دادی بفرزونی در هر سال تا آنکه کامل کردی؟ و فطرتم را و اعتدال توانم رسید

أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ، وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ،

لازم آمد بر من حجت تو برای آن که معرفت خود به من الهام کردی و به هراس اندرم نمودی بعجائب حکمت خویش

وَأَيَّقْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ، وَتَبَهَّتَنِي

و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمانت و زمینت از نقشه‌های آفرینش و آگاهم ساختی

لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ، وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ

برای شکر و یاد خودت و واجب کردی بر من اطاعت خود را و عبادتت را و فهماندی بر من آنچه رسولانت

رُسُلُكَ، وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ، وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ

آوردند و هموار کردی بر من پذیرش مرضات و منت‌نهادی بر من در همه اینها به کمک

وَلَطْفِكَ، ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ

و لطف خود سپس چون مرا آفریدی از بهترین خاک و نپسند برابم ای معبودم یک نعمت را فقط بلکه از

أُخْرَى، وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ، وَصُنُوفِ الرِّيشِ، بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ

انواع معاشم روزی دادی و اصناف و ایزار زندگیم عطا کردی به من بزرگت و بزرگتر

الْأَعْظَمِ عَلَيَّ، وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ، حَتَّى إِذَا أَنْمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ،

بر من و احسان دیرین تو به من تاچون هر نعمتی را به من تمام کردی

وَصَرَفْتُ عَنِّي كُلَّ النَّقْمِ، لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجَزَأْتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا

و دور ساختی از من تمام رنجها و بلاها را باز نداشت نادانی و دلیریم بر تو که رهبری کنی مرا به هر چه مرا

يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ، وَوَقَفْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ، فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ

به تو نزدیک کند توفیقم دهی به هر چه مرا خوش آیند باشد تورا اگر دعایت کردم اجابت کردی و اگر

سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي، وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي، وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ

از تو خواستم عطایم کردی و اگر فرمانت بردم قدردانی نمودی و اگر شکر ت بجای آوردم افزودی همه

إِكْمَالًا لِأَنْعَمِكَ عَلَيَّ، وَإِحْسَانًا إِلَيَّ، فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِي مُعْجِدٍ

اینها را پیرو کامل کردن نعمتهایت بر من و احسانت بر من پس منزهی تو منزّه که آغاز کنند و برگرداننده

حَمِيدٍ مُجِيدٍ، تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَعَظُمَتْ أَلْوَاكُ، فَأَيُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصِي

ستوده و بزرگواری مقدّس است نامهايت و بزرگ است مهربانیهات کدام نعمت‌های تورا معبودا به شماره

عَدَدًا وَذِكْرًا، أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا، وَهِيَ يَا رَبَّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ

در آورم و بیادگار یا کدام عطایت توانم شکر کنم و آنها ای پروردگاری بیش از آنهاست که

يُخَصِّبُهَا الْعَادُونَ، أَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ، ثُمَّ مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي،

شمارندگان آمارگیرند یادر دسترس علم به آنها حافظان باشد پس از این هم آنچه گردانیدی و دفع کردی از من

اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ، وَأَنَا أَشْهَدُ

خدایا از زیان و سختی بیشتر است از آنچه پدیداست برآیم از عافیت و خوشی و من گواهم

يَا إِلَهِي بِحَقِيقَةِ إِيمَانِي، وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي، وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي،

معبودا به حقیقت ایمان خود و تصمیمات متقین و توحید صریح و خالص خود

وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي، وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصْرِي، وَأَسَارِيرِ صَفْحَةِ

و باطن نادیدنی نهادم و پیوسته‌های جریان نور دیده‌ام و خطوط صفحه

جَبِينِي، وَخَرَقِ مَسَارِبَ نَفْسِي، وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْزِنِي، وَمَسَارِبِ سِمَاخِ  
 پشیمانیم و رخنه‌های تنفسم و نرمه‌های تیغه بینیام و آزادگی‌ریهای پرده  
 سَمْعِي، وَمَا ضُمَّتْ وَأَطْبَقَتْ عَلَيْهِ شَفَتَايَ، وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي، وَمَعْرَزِ  
 گوشم و آنچه بچسبد و برهم آید بر آن دو لبم و حرکات تلفظ زبانم و گردشگاه  
 حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي، وَمَنَابِتِ أَضْرَاسِي، وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي، وَحِمَالَةِ أُمَّ  
 آرواره‌دهانم و محل روئیدن دندانهایم و مایه گوارائی خوردن و نوشیدن من و بارگیری مغز  
 رَأْسِي، وَتَلْوَعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي، وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُورُ صَدْرِي، وَحَمَائِلِ  
 سرم و لوله بلعیدن درون چنبره گردنم و آنچه درون سیه چال سینهام و حمایل  
 حَبْلِ وَتِينِي، وَبِطَائِ حِجَابِ قَلْبِي، وَأَفْلَاحِ حَوَاشِي كَبِدِي، وَمَا حَوَّثَهُ  
 رشته رگ تینم و آویزه پره‌دلم و پاره‌های گوشه و کنار جگرم و آنچه درون خود گیرد  
 شَرَّاسِيفِ أَضْلَاعِي، وَحِقَاقِ مَفَاصِلِي، وَقَبْضِ عَوَامِلِي، وَأَطْرَافِ أُنَامِلِي،  
 و خمیدگیهای دنده‌هایم و گودیهای مفاصلم و انقباض عضلات بدنم و اطراف انگشتانم  
 وَلَحْمِي، وَدَمِي، وَشَعْرِي، وَبَشْرِي، وَعَصْبِي، وَقَصْبِي، وَعِظَامِي، وَمَسْحِي،  
 و گوشتم و خونم و مویم و پوستم و عصیم و ساقم و استخوانم و مغزم  
 وَعَرُوقِي، وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، وَمَا انْتَسَجَ عَلَي ذَلِكِ أَيَّامِ رِضَاعِي، وَمَا أَقَلَّتْ  
 و رگهایم و همه اعضایم و آنچه بمن روئیده از دوران شیر خوردنم و آنچه بر خود برداشته  
 الْأَرْضِ مِنِّي، وَتَوَمِي، وَيَقَطَّتِي، وَسُكُونِي، وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي، أَنْ  
 زمین از من و خوابم و بیداریم و سکونم و حرکاتم و رکوع و سجودم که اگر  
 لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ، لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أُودِيَ شُكْرُ  
 بخواهم و تلاش کنم در همه اعصار و دوران تاریخ بفرس عمرم وفا کند که شکر

وَاحِدَةٍ مِنْ أَنْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ، الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرَكَ أَبَدًا

یک از این نعمت‌ها گذارم باز هم نتوانم جز به منت خودت که لازم آید بر من از آن شکر  
جدیداً، و ثنأً طارفاً عتیداً، أجل، ولو حرصت أنا والعادون من أنامك أن

ابدی دیگر و ستایش نو ریشه داری آری اگر من حریص باشم و شمارندگان از مردم تو و بشماریم اندازه  
تخصیصی مدی انعامک سالفه و انفه ما حصرناه عدداً، ولا اخصیناه امداً،

نعمت بخشی تو در گذشته و آینده نه شمار آنرا توانم و نه آمار دوران آن را  
هیهات ائی ذلک، وانت المخبیر فی کتابک الناطق، والنسب الصادق، وإن

هیئات چگونه عملی باشد و تو خبرداری از کتاب گویایت و بیان درستت و اگر شماره کند  
تعدوا نعمة الله لا تحصوها، صدق کتابک اللهم و انبأؤک، و بلغت انبیاءؤک

نعمت خدا را و شمار آن نتوانید خدایا کتاب تو و خیری که داده‌اید راست است و رساندی به پیغمبران  
و رسلك ما انزلت علیهم من وحیک، و سرعت لهم و بهم من دینک، غیر

و رسولانت آنچه را نازل کردی بر آنها از وحی خود و تشریح کردی بر آنان وسیله آنان از دینت  
ائی یا الهی اشهد بجهدی و جدی، و مبلغ طاعتی و وسعی، و أقول مؤمناً

دیگر اینکه ای خدای من گواهم به گوشش و تلاش و سعیم و اندازه اطاعت و وسع و کوشش خود می‌گویم  
موقناً، الحمد لله الذي لم يتخذ ولداً فيكون موروثاً، ولم يكن له شريك

از روی عقیده و یقین حمد خدا را که نگیرد فرزندی تا ارث برندش و نباشد برای او شریکی  
فی ملكه فیضاً ده فیما ابتدع، ولا ولی من الدل فیرفده فیما صنع،

در ملک تا با او ضدیت شود در آنچه پدید آرد و نه نگهداری از خواری تا کمک او باشد در آنچه بسازد  
فسبحانه سبحانه، لو كان فيهما الهة إلا الله لفسدتا و تفترتا، سبحان الله

منزه است منزه اگر بود در آنها معبود حقی جز خدا تباه شده بودند و از هم ریخته بودند منزه است خدای

الْوَّاحِدِ الْوَاحِدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ، الْحَمْدُ

یگانه یکتا و بی‌نیاز که فرزند نداشته و فرزند نبوده و نباشد برایش همتا احدی حمد و سپاس

لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَنْبِيَائِهِ الْمُرْسَلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ

برای اوست که برابر حمد فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل اوست و رحمت خدا

عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ

بر بهترین خلق خود حضرت محمد خاتم پیامبران و آلش که پاکند و پاکیزه و اخلاص دارندگان

وَسَلَّمَ».

و درود»

پس آن حضرت شروع به سؤال کرد و به دعا کردن اهتمام نمود، در

حالی که اشک از دیدگان مبارکش جاری بود، پس گفت:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَحْسَنَ كَاتِبِي أَرْكَ، وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ، وَلَا تُشَقِّنِي

خدایا قرار بده مرا ترسان از خودت گویا تورا می‌بینم و خوش بختم کن به تقوای خود و بدبختم مگردان

بِمَعْصِيَتِكَ، وَخَزَلِي فِي قَضَائِكَ، وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا أُجِبَّ تَعْجِيلَ

به نافرمانیت و خیر برایم مقدر کن و برکت برایم مقدر کن تا که دوست نداشته باشم آنچه را که

مَا آخَرْتِ، وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي، وَالْيَقِينَ فِي

پس انداخته‌ای و نه تاخیر آنچه را پیش انداخته‌ای خدایا قرار بده مرا بی‌نیازی در نفسم و یقین در

قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالنُّورَ فِي بَصَرِي، وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي،

قلبم و اخلاص در عملم و روشنی در چشمم و بینایی در دینم

وَمَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي، وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصَرِي الْوَارِثَيْنِ مِنِّي، وَأَنْصُرْنِي عَلَى

و بهره‌ام ده به اعضایم و گوش و چشمم بفرمانم قرار ده و یاورم باش به زیان آنکه

مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَأْرِبِي، وَأَقِرَّ بِذَلِكَ عَيْنِي، أَللَّهُمَّ اكْشِفْ

ستم کند بر من و بنما به من انتقام‌گیری و آرزوهایم را درباره او و روشن کن بدان چشم را خدا یا بر طرف نما

كُرْبَتِي، وَأَسْتُرْ عَوْرَتِي، وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَخْسَأْ شَيْطَانِي، وَفُكَّ رِهَانِي،

گرفتاریم و ببوش عیبم و بپوش خطایم را و دورکن شیطانم را و رهاکن

وَأَجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْأَجْرَةِ وَالْأُولَى، أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا

و مقررکن برایم ای خدای من درجه بلند و والا را در آخرت و دنیا خدا یا سیاس مخصوص توست

خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا، وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا

مرا آفریدی و گردانیدی شنوا و بینا و برای توست حمد که مرا آفریدی و گردانیدی آفریده‌ای درست به

سَوِيًّا رَحْمَةً بِي، وَقَدْ كُنْتَ عَن خَلْقِي عَنِيًّا، رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي،

مهر خودت بر من با آنکه بودی از آفرینشم بی‌نیاز پروردگارا با اینکه پدیدم آوردی و معتدل نمودی آفرینشم را

رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي، رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي

پروردگارا ایجاد کردی مرا چه‌نیکو نقشه‌ام کشیدی پروردگارا به احسانت به من درباره نفسم و عافیتی‌که

عَافَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي، رَبِّ

به من دادی پروردگارا با اینکه حفظم کردی و توفیقم دادی پروردگارا به من نعمت هدایت دادی پروردگارا

بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَطْعَمْتَنِي وَسَقَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا

با اینکه در کنارم گرفتی و هر چیزی به من بخشیدی پروردگارا با اینکه طعام به من دادی و سیراب‌کردی پروردگارا

أَعْنَيْتَنِي وَأَقْنَيْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي، رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ

با اینکه بی‌نیاز کردی و نغمه داشتی پروردگارا با اینکه یاری و عزیزم نمودی پروردگارا با اینکه در برم

بِسِتْرِكَ الصَّافِي، وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ الْكَافِي، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

کردی از پوشش با صفایت و هموار کردی برایم از صنع کافیت رحمت فرست بر محمد و آل



مَحَمَّدٍ، وَأَعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْأَيَّامِ، وَنَجِّنِي مِنْ

محمد و یاریم نما پیش آمدهای ناگوار روزگار و تغییرات و گردش شبها و روزها و نجاتم ده از

أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ الْآخِرَةِ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْأَرْضِ،

هول و هراس دنیا و گرفتاری آخرت و کفایت کن مرا از شر کردارستمگران در روی زمین

اللَّهُمَّ مَا أَخَافُ فَأَكْفِنِي، وَمَا أَحْذَرُ فَكْفِنِي، وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَأَحْرُسْنِي،

خدایا از هرچه ترسم کفایت کن و از هرچه حذر دارم نگاهدار و خودم و دینم را حفظ کن

وَفِي سَفَرِي فَأَحْفَظْنِي، وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَأَخْلِفْنِي، وَفِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ

و در حال سفرم پس نگاهدار مرا و در خاندان و مالم جانشین باش و در هر چه روزیم کنی برکت ده

لِي وَفِي نَفْسِي فَدَلِّلْنِي، وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ

برایم و مرا در پیش خودم خوارکن و در نظر و چشم مردم بزرگم نما و از شر جن

وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي، وَبِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَبِسِرِّ بَرْتِي فَلَا تُخْزِنِي، وَبِعَمَلِي

و انس سالمم دار و به سبب گناهانم رسواکن مرا و بباطنم رسواکن مکن و به دانشم

فَلَا تُبْتَلِنِي، وَنِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي، وَاللَّيْلَ غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي، إِلَهِي إِلَى مَنْ

گرفتارم مکن و نعمتت از من میر و سلب منما و به دیگری مرا وامگذار خدایا به چه کسی

تَكِلْنِي، إِلَيَّ قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي، أَمْ إِلَيَّ بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي، أَمْ إِلَيَّ

واگذاری مرا به خویشاوندی که قطع نظر از من کند یا بیگانه‌ای که با من تر شرویی کند یا کسانی که

الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي، وَأَنْتَ رَبِّي وَمَلِيكَ أَمْرِي، أَشْكُو إِلَيْكَ عُزْبَتِي وَبُعْدَ دَارِي،

خوارم شمرند یا اینکه تو پروردگار من و صاحب اختیار منی به توشکایت برم از غربتی خود و دوری وطن

وَهَوَانِي عَلَيَّ مِنْ مَلَكَتِهِ أَمْرِي، إِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ، فَإِنْ لَمْ تَكُنْ

و خواریم نزد کسیکه او را صاحب اختیار کردی خدایا وارد مکن بر من خشم را اگر تو بر من

غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا أَبَالِي، سُبْحَانَكَ غَيْرَ أَنَّ عَافِيَتَكَ أَوْسَعُ لِي، فَاسْأَلُكَ يَا رَبِّ

خشم کنی باکی ندارم منزهی تو جز اینکه عافیت تو وسیعتر است برایم از تو خواهم پروردگارا

بُنُورٍ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ، وَكُشِفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ،

به نور وجه تو که روشن شده از آن زمین و آسمانها و بر افتاد بدان تاریکیها

وَصَلِّحْ بِهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، أَنْ لَا تُمَيِّتَنِي عَلَى عَذَابِكَ، وَلَا تُنْزِلْ بِي

و نیک شد بدان کار اولین و آخرین که مرا نمیرانی بر خشمت و نازل نکنی بر من

سَخَطَكَ، لَكَ الْعُتْبَىٰ لَكَ الْعُتْبَىٰ حَتَّىٰ تَرْضَىٰ قَبْلَ ذَلِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، رَبِّ

غصبت را از تو عذر خواهم عذر خواهم تا خشنود شوی پیش از آن نیست معبود حق جز تو پروردگارا

الْبَلَدِ الْحَرَامِ، وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَحَلَلْتَهُ الْبِرَكَةَ،

بلد محرم و مشعر حرام و خانه قدیم کعبه که نازل و فرود آوردی برکت را

وَجَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ أَمْنًا، يَا مَنْ عَفَا عَن عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ، يَا مَنْ أَسْبَغَ

و مقرر کردی آن را برای مردم محل امن ای که بگذرد از گناه بزرگ به بردباری ای که شایان

التَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ، يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ، يَا عِدَّتِي فِي شِدَّتِي،

و فروان کند نعمت را به فضل خود ای که عطا کند فراوان به کرم خود ای که آماده برایم در سختی

يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي، يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي، يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا إِلَهِي

ای یارم در تنهایی ای داد رسم در گرفتاری ای سرپرست نعمتم ای معبود من

وَالسَّابِقِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ

و معبود پدرانم حضرت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار جبرئیل و میکائیل

وَأِسْرَافِيلَ، وَرَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَإِلِهِ الْمُنْتَجِبِينَ، وَمَنْزِلَ التَّوْرَةِ

و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و اولاد برگزیده اش نازل کننده تورات

وَالْإِنجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ، وَمُنَزَّلَ كَهَيْعَتِ وَطْنِهِ وَيَسَّ وَالْقُرْآنِ  
و انجیل و زبور و فرقان و نازل کننده کهبعض و طه و یس و قرآن  
الْحَكِيمِ، أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا، وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضَ  
با حکمت تو پناه منی آن گاه که بمانم از همه راهها هرچه وسیع باشند و تنگ شود بر من زمین  
بِرُحْبِهَا، وَلَوْ لَا رَحْمَتَكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ، وَأَنْتَ مُقْبِلٌ عَشْرَتِي، وَلَوْ لَا  
بهناور و اگر نباشد رحمت تو باشم از هلاک شدگان و تویی پذیرنده لغزش من و اگر نبود  
سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَقْضُوحِينَ، وَأَنْتَ مُؤَيَّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي،  
برده پوشی تو بر من میباشم از رسواشدگان و تویی کمک من به یاری بردشمنان خودم  
وَلَوْ لَا نَصْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مَنْ حَصَّ نَفْسَهُ بِالسَّمَوِّ وَالرَّفْعَةِ،  
و اگر یاری تو نباشد میباشم از شکست خوردگان ای که خود را اختصاص دادی به بلندی و برتری  
فَأَوْلِيَانُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَزُونَ، يَا مَنْ جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نَبِيرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ،  
و دوستانش به عزت او عزیزند ای آنکه پادشاهان یوغ خواری او را برگردن دارند  
فَهُمْ مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَغَيْبَ  
و ایشان از سیطره و سطوتش ترسانند میدانند خیانت چشمها را و آنچه نهان کند سینهها و غیب  
مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ مَا  
آینده دورانهارا و روزگارها را ای که نمیداند چگونه است او جز او ای که نمیداند چیست  
هُوَ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا هُوَ، يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَسَدَّ الْهَوَاءَ  
او جز او ای که نداند او را جز او ای که فشرده است زمین را بر آب و بسته است هوا را  
بِالسَّمَاءِ، يَا مَنْ لَهُ أَكْرَمُ الْأَسْمَاءِ، يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ أَبَدًا،  
به آسمان ای که برای او گرامترین نامهاست ای که احسانش قطع نشود هرگز

يَا مُقَيِّصَ الرَّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ، وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجَبِّ، وَجَاعِلَهُ بَعْدَ

ای فرود آورنده کاروان برای نجات یوسف در بیابان بی آب و بیرون آورنده او از چاه و قرار دهنده او پس از

الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، يَا زَادَهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ أَنْ ابْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ

بندگی به سلطنت ای برگرداننده یوسف به یعقوب پس از آنکه سفید شد چشمانش و آکنده از اندوه

كَبُطَيْمٍ، يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلْوَى عَنِ أَيُّوبَ، وَمَمْسِكَ يَدِي إِبْرَاهِيمَ عَنِ ذَبْحِ

بود ای بر طرف کننده زیان و بلا از ایوب و نگهدار دودست ابراهیم از ذبح

ابْنِهِ بَعْدَ كَبْرِ سِنِّهِ وَقَنَاءِ عُمُرِهِ، يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَىٰ، وَلَمْ

فرزندش پس از کبر سن او و رفتن عمرش ای که مستجاب کرد برای ذکر یا و بخشید به او یحیی را و

يَدْعُهُ فَرْدًا وَحِيدًا، يَا مَنْ أَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ، يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ

مگذاشت او را تک و تنها ای که بر آورد یونس پیغمبر را از شکم ماهی ای که شکافت دریا را

لِبَنِي إِسْرَائِيلَ فَأَنْجَاهُمْ، وَجَعَلَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُمْرِقِينَ، يَا مَنْ

برای بنی اسرائیل و نجاتشان داد و مقرر کرد فرعون و لشکرش را از زمره غرق شدگان ای که

أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مَبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ، يَا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ عَلَىٰ مَنْ عَصَاهُ

فرستاد بادها را مژده بخش پیش از باران رحمتش ای که شتاب نکند بر آنکه نافرمانیش کند

مِنْ خَلْقِهِ، يَا مَنْ اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طَوْلِ الْجُحُودِ، وَقَدْ عَدُوا فِي

از خلقش ای که نجات داد ساحران را پس از عمری بی دینی و انکار و هم وارد و در نعمت او بودند

نِعْمَتِهِ يَأْكُلُونَ رِزْقَهُ وَيَعْبُدُونَ غَيْرَهُ، وَقَدْ حَادُّوهُ وَنَادَوْهُ وَكَذَّبُوا رُسُلَهُ،

روزی اومیخوردند و پرستش دیگری می کردند با او مخالفت و برابری می کردند و تکذیب کردند رسولانش را

يَا اللَّهُ يَا اللَّهَ يَا بَدِيءَ، يَا بَدِيعَ لَا نِدْلَكَ، يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ، يَا حَيًّا حِينًا لَا حَيَّ،

ای خدا ای خدا ای آغاز و پدید آورنده بی همتا ای پاینده بی فنا ای زنده آنگاه که زنده ای نباشد

يَا مُخَيَّبِي الْمَوْتِي، يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، يَا مَنْ قَلَّ لَهُ  
 ای زنده کننده مرده‌ها ای که بر سر هر کس آن آوری که کرده است است که اندک تو را  
 شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي، وَعَظَمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي، وَرَأَيْتَنِي عَلَى  
 شکر کرده‌ام و محروم نکردی و بزرگ شد خطایم و رسوایم نکردی و دیدی در  
 الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي، يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صَغَرِي، يَا مَنْ رَزَقَنِي فِي كِبَرِي،  
 گناهم و معرفتم نکردی ای که در کوچکی نگه‌م داشتی ای که روزیم دادی در بزرگسالی  
 يَا مَنْ آيَادِهِ عِنْدِي لَا تُحْصِي، وَيَعْمَهُ لَا تُجَازِي، يَا مَنْ عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ  
 ای که نعمت‌ها او نزد من شماره نشود و نعمت‌های او عوضی ندارد ای که رو برو شد بر من به خیر  
 وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتَهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ، يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ  
 و احسان و رو برو شدم او را بدکرداری و نافرمانی ای که راهنمایی کرد مرا به ایمان پیش از آنکه  
 أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيمَانِ، يَا مَنْ دَعَوْتَهُ مَرِيضاً فَشَفَانِي، وَعُرِيَاناً فَكَسَانِي،  
 شکر احسان او را دریابم ای که خواندم او را در حال بیماری و درمانم کرد و در برهنگی پوشانید مرا  
 وَجَانِعاً فَاشْبَعَنِي، وَعَطَشَاناً فَارْوَانِي، وَذَلِيلًا فَاعَزَّنِي، وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي،  
 و در گرسنگی پس سیرم کرد و در تشنگی پس سیرایم کرد و از خواری پس عزتم داد و در نادانی پس معرفتم بخشید  
 وَوَحِيداً فَكَثَّرَنِي، وَعَائِباً فَردَّنِي، وَمَقِلًّا فَاعْنَانِي، وَمُنْتَصِراً فَتَصَرَّنِي،  
 و در تنهایی فزونم کرد و از غربتم پس بازگردانید و در نداری توانگرم کرد و در کمک جویی پس یاریم کرد  
 وَعَنِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي، وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَأَنِي، فَلَكَ الْحَمْدُ  
 و در توانگری من سلب نفرمود و از همه این‌ها سکوت کردم و تو آغاز نمودی پس برای توست سپاس  
 وَالشُّكْرُ، يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي، وَنَفَسَ كُرْبَتِي، وَأَجَابَ دَعْوَتِي، وَسَتَرَ عَوْرَتِي،  
 و شکر ای که در گذشتی از لغزشم و بر طرف کردی گرفتاریم و اجابت کرد دعایم و پوشید عیبم

وَعَفَرَ ذُنُوبِي، وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي، وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي، وَإِنْ أَعَدَّ نِعَمَكَ

و آمرزید گناهانم و رساندم به مقصودم و یاریم کرد بردشمنم و اگر بشمارم نعمت‌ها

وَمِنَّكَ وَكَرَائِمٍ مِّنْجِكَ لِأَحْصِيهَا، يَا مَوْلَايَ، أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي

و منت‌ها و بخشش‌های گرامیت را نتوانم بشمارم ای مولایم تویی که منت نهادی تویی که

أَنْعَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَفْضَلْتَ، أَنْتَ

نعمت دادی به من تویی که احسانم کردی تویی که رفتار نیک با من داشتی تویی که فضیلتم دادی تویی که

الَّذِي أَكْمَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ، أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْطَيْتَ، أَنْتَ

کاملم کردی تویی که روزیم دادی تویی که توفیقم عطا کردی تویی که عطایم نمودی تویی که

الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَقْنَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَوْبَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ، أَنْتَ

بی‌نیازم کردی تویی که نگهم داشتی تویی که مأوایم دادی و کفایت کارم کردی تویی که

الَّذِي هَدَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ، أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي عَفَرْتَ، أَنْتَ

هدایت نمودی تویی که خوددارم کردی تویی که پرده بر من پوشیدی تویی که آمرزیدی تویی که

الَّذِي أَقَلْتَ، أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعَزَّزْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ، أَنْتَ

از من درگذشتی تویی که پابرجایم کردی تویی که عزیزم داشتی تویی که کمک دادی مرا تویی که

الَّذِي عَضَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ، أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ، أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ، أَنْتَ

بازویم گرفتی تویی که تأییدم کردی تویی که باورم شدی تویی که شفایم بخشیدی تویی که

الَّذِي عَافَيْتَ، أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا، وَلَكَ

عافیتم دادی تویی که گرامیم داشتی تو مبارکی و برتری پس حمد برای توست همیشه و از آن توست

الشُّكْرُ وَاصْبَابًا أَبَدًا، ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَعْفِرْهَا لِي، أَنَا الَّذِي

شکر ثابت و ابدی سپس معبودا منم معترف به گناهان خودم بیامرز برایم آنها را من هستم که

أَسَأْتُ، أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ، أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ، أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ، أَنَا الَّذِي

بد کردم و منم که خطا کردم منم که همت گماردم و منم که نادانی کردم منم که

عَفَلْتُ، أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ، أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ، أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ، أَنَا الَّذِي

غافلیم و منم که فراموش کارم منم که اعتماد دارم منم که تعمد می‌کنم منم که

وَعَدْتُ، وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ، أَنَا الَّذِي نَكَثْتُ، أَنَا الَّذِي أَفْرَزْتُ، أَنَا الَّذِي

وعده میدهم و منم که خلف وعده می‌کنم منم که پیمان شکنم منم که اقرار دارم منم که

اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي، وَأَبُوهُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي، يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ

معترفم به نعمت تو بر من و نزد من و سنگین بارم به گناهانم ببامرز آنها را ای که زیانش ندارد

ذُنُوبُ عِبَادِهِ، وَهُوَ الْغَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ، وَالْمَوْفِقُ مَنْ عَمِلَ صَالِحاً مِنْهُمْ

گناهان بندگانش و اوست بی‌نیاز از طاعت آنها و توفیق ده هر که عمل صالح انجام دهد از آنها

بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي، إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ،

به کمک و رحمتش پس برای توست سپاس خدای من و آقای من معبودا فرمانم دادی و نافرمانیت کردم

وَنَهَيْتَنِي فَأَزْتَكِبْتُ نَهْيَكَ، فَاصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةٍ لِي فَأَعْتَذِرُ، وَلَا ذَا قُوَّةٍ

و نهیم کردی مرتکب شدم قدغن تو را و اکنون بجایی در آمده‌ام که نه اسباب تبرئه دارم تا معذرت خواهم و نه

فَأَتَّنَصِرُ، فَيَأَى شَيْءٍ أَسْتَقْبِلُكَ يَا مَوْلَايَ، أَسْمَعِي أُمَّ بَيْصَرِي أُمَّ بِلِسَانِي أُمَّ

توانایی تاپیروز کردم باجه رویی برابرت آیم ای مولایم آیا با گوشم یا چشم یا زبانم یا

بِيَدِي أُمَّ بِرِجْلِي، أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي، وَيَكُلُّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ،

دستم یا پایم با آن همه نیست این‌ها نعمت تو نزد من؟ و به همه آنها نافرمانیت کردم ای آقایم

فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ عَلَيَّ، يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ

حق با توست و مسئولیت با من ای که پرده پوشم کردی از نظر پدران و مادران تا

يَرْجُرُونِي، وَمِنَ الْعَشَائِرِ وَالْإِخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي، وَمِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ

مرا نرانند و از خویشان و برادران تا سرزنشم نکردند و از سلاطین تا

يُعَاقِبُونِي، وَلَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي،

شکنجهام ندادند و اگر مطلع شده بودند ای آقایم بر آنچه تو مطلعی بر آن از من به من مهلت نمی دادند

وَلَرَفَضُونِي وَقَطَعُونِي، فَهِيَ أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ

ورهایم می کردند و از من قطع می نمودند من اکنون ای معبودم در پیشگاه تو ایستاده ام ای آقایم با حال خضوع

ذَلِيلٌ حَصِيْبٌ حَقِيْبٌ، لَا ذُو بَرَاةٍ فَاعْتَذِرْ، وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ، وَلَا حُجَّةٍ

و خواری و در ماندگی و کوچکی نه وسیله تبرئه جوئی دارم تا عذر خواهم و نه توانایی تا پیروز کردم و نه

فَاحْتِجَّ بِهَا، وَلَا قَائِلٌ لِمَ اجْتَرَحَ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَمَا عَسَى الْجُحُودُ، وَلَوْ

دلیلی دارم که بیارم و نه توانم گفت که بدت کردم و مرتکب کار بد شدم که منکر شوم و اگر

جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي، كَيْفَ وَأَنْتَ ذَلِكَ، وَجَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ

منکر شوم ای مولایم سود میبرم ولی چگونه و کجا با اینکه همه اعضایم گواه بر من می باشد

بِمَا قَدْ عَمِلْتُ، وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنَّكَ سَأَلْتَنِي مِنَ عَظَائِمِ الْأُمُورِ،

بدان چه کردم و میدانم یقین و بی تردید که تو از من سوال خواهی کرد از کارهای بزرگ

وَأَنَّكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ، وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي، وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مُهْرَبِي،

و تو داور عادل که خلاقی در حکمت نیست و عدل تو نابودکن من است و از هرگونه عدالت گریزانم

فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِدُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ، وَإِنْ تَعَفَّ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ

اگر عذابم کنی ای خدا به گناهامم باشم بعد از حجت تو بر من و اگر بگذری از من از بردباری

وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا

و بخشش و کرم توست نیست معبود حقی جز تو منزهی تو من می باشم از ظالمان نیست معبود حقی جز



أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

تو منزهی تو براستی من از آمرزش جویانم نیست معبود حقی جز تو منزهی تو من می‌باشم از

مِنَ الْمُوَحِّدِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْخَائِفِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

موجدان نیست معبود حقی جز تو منزهی تو منم از ترسندگان نیست معبود حقی جز تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

و منزهی تو منم از زمره هراسناکان نیست معبود حقی جز تو منزهی تو منم از

الرَّاجِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاغِبِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ

امیدواران نیست معبود حقی جز تو منزهی تو من می‌باشم از مشتاقان نیست معبود حقی جز تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهَلِّينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ

منزهی تو من می‌باشم از تهلیل گویان نیست معبودی جز تو منزهی تو منم از

مِنَ السَّالِّينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا

سائنان نیست معبودی جز تو منزهی تو من می‌باشم از تسبیح گویان نیست معبودی حقی جز

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُكْبِرِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ

تو منزهی تو من می‌باشم از تکبیر گویان نیست معبودی جز تو منزهی تو پروردگام و پروردگار

أَبَائِي الْأَوْلِينَ، اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مَمَجِّدًا، وَخُلَاصِي لِذِكْرِكَ مُوَحِّدًا،

پدران نخستینم بار خدایا این است ثنای من بر تو برای تمجید و اخلاص من بیاد تو برای توحید

وَاقْرَارِي بِأَلَائِكَ مُعَدِّدًا، وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا

اقرارم بر به مهربانیهات برای شمارش و گرچه معترفم که نتوانم آنها را شمرد برای آنکه بسیارند و فراوانند

وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادِمِهَا إِلَى حَادِثٍ، مَا لَمْ تَزَلْ تَنْعَهْدُنِي بِهِ مَعَهَا مِنْذُ خَلَقْتَنِي

و آشکار و از قدیم تاکنون همیشه مرا یاد آوری کردی بدان به آنها از آنگاه که مرا آفریدی

وَبَرَأْتَنِي مِنَ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِعْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشَفَ الضَّرَّ وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ

و پدید آوردی مرا از آغاز عمرم باتوانگری از فقر و بر طرف کردن تنگدستی و سبب سازی برای سهولت

وَدَفَعَ الْعُسْرَ وَتَفَرَّجَ الْكَرْبَ وَالْعَافِيَةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ، وَلَوْ

و جلوگیری از سختی و گشایش از گرفتاری و عافیت در تن و سلامت در دینت و اگر

رَفَدَنِي عَلَى قَدَرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوْلِينَ وَالْآخِرِينَ مَا

همراه من شوند برای اندازه یاد آوری نعمتت همه جهانیان از اولین و آخرین نه

قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَيَّ ذَلِكَ، تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ،

من توانا بر آن می‌باشم و نه آنان مقدسی و برتری ای پروردگار کریم بزرگ مهربان

لَا تُحْصِي الْأَوْكَ، وَلَا يُبْلَغُ ثَنَاءُكَ، وَلَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَالْ

شمرده نشود نعمت‌های تو و نرسند به ستایش تو و پاداش ندارد نعمت‌هایت درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَتَمِّمُ عَلَيْنَا نِعْمَكَ، وَأَسْعِدُنَا بِطَاعَتِكَ، سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ،

محمد و تمام کن بر ما نعمت خود را و سعادتمندکن ما را به طاعت خود منزهی تو

اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوءَ، وَتُغَيِّبُ الْمَكْرُوبَ، وَتَشْفِي

گرفتار را و شفا دهی بیمار را و بی‌نیاز کنی درویش را و ببندی شکسته را و ترحم کنی خود سال را گرفتار را و شفا دهی

السَّقِيمَ، وَتُعِينُ الْفَقِيرَ، وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ، وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ، وَتُعِينُ الْكَبِيرَ،

بیمار را و بی‌نیاز کنی دوریش را و ببندی شکسته را و ترحم کنی خرد سال را و یاری کنی سالخورده را

وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ، وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ، وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ، يَا مُطْلِقَ الْمُكْبَلِ

جز تو پشتیبانی نیست و نه بالای دست توتوانایی و تویی والا و بزرگ ای رها کننده اسیر

الْأَسِيرِ، يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ، يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، يَا مَنْ

در کننده ای روزی دهنده طفل کوچک ای نگهدار ترسان پناهنده‌ای که

لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعْطَنِي فِي هَذِهِ

شریک ندارد و نه وزیر رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بده به من در این

الْعَبَسِيَّةِ، أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَلَتْ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّفُهَا، وَالْأَيَّ

شب بهتر آنچه دادی و بخشیدی به یکی از بندگانت از نعمتی که عطا کردی و مهربانیها

تُجَدِّدُهَا، وَبَلِيَّةٍ تَصْرِفُهَا، وَكُرْبِيَّةٍ تَكْشِفُهَا، وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا، وَحَسَنَةٍ

که تازه کردی و بلاها که بگردانی و گرفتاری که بر طرف کنی و دعایی که بشنوی و حسنه‌ای

تَتَقَبَّلُهَا، وَسَيِّئَةٍ تَنْعَمُّدُهَا، إِنَّكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ حَبِيبٌ، وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ

که بپذیری و بدکرداری که ببوشی آن را زیرا تو بالطبی به هر چه خواهی آگاه‌هی و بر هر چیز

قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ دُعِيَ، وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ، وَأَكْرَمُ مَنْ عَفِيَ،

توانایی خدایا تو نزدیک‌تر کسی باشی که بخوانند زودتر اجابت کنی و کریم‌تر کسی هستی که بگذری

وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى، وَأَسْمَعُ مَنْ سُئِلَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا،

و پر عطا‌تر هر که عطا کند و شنواتر کسی که از او بخواهند ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان هر دو

لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا بِسِوَاكَ مَأْمُولٌ، دَعَاؤُكَ فَاجْتَبِنِي، وَسَأَلْتُكَ

نیست بمانندت درخواست شده و جز تو آرزو شده‌ای نیست تو را خواندم و اجابت کردی و از تو خواستم

فَأَعْطَيْتَنِي، وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي، وَوَقَفْتُ بِكَ فَجَجَيْتَنِي، وَفَرَعْتُ إِلَيْكَ

عطا کردی به تو رو کردم ترحم نمودی و به تو اعتماد کردم و نجاتم دادی و هراسناک بودم به درگاهت

فَكَفَيْتَنِي، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ، وَعَلَى آلِهِ

کفایتم کردی خدایا پس درود فرست بر محمد بنده تو و رسولت و پیغمبرت و بر خاندانش

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتَكَ، وَهِنَّا عَطَاكَ، وَاکْتُبْنَا لَكَ

که پاک و پاکیزه‌اند همه و تمام کن به مانعتم‌هایت و گواراکن بر ماعطایت را و بنویس مارا برای خود

شَاكِرِينَ، وَلَا لِاتِّكَ ذَاكِرِينَ، أَمِينَ أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ

شکرگذار و برای نعمت‌های خود یاد آور آمین آمین ای پروردگار جهانیان خدایا ای آن که مالک است

فَقَدْرًا، وَقَدَّرَ فَقَهْرًا، وَعَصَى فَسْتَرْ، وَأَسْتُغْفِرَ فَعَفَّرًا، يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ

توانا و تواناییست قاهر و نافرمانیش کردند او پوشاند و آمرزش جویند بیامزد ای نهایت طالبان

الرُّاعِيْنَ، وَمَنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِحِينَ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، وَوَسِعَ

و مشتاقان و منتهای آرزوی امیدواران ای که فراگرفته علمش هر چیز را و در گرفته

الْمُسْتَقْبِلِينَ، رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ،

توبه جوانان را مهر و رحمت و حلمش خدایا ما به تو رو کردیم در این شبی

الَّتِي شَرَفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

که شریفش کردی و بزرگش نمودی به محمد پیغمبرت و رسولت و برگزیده از خلقت

وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، السَّرَاحِ الْمُنِيرِ، الَّذِي أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَى

و امینت بروحی تو بشیر و نذیر چراغ تابان که نعمت دادی به او بر

الْمُسْلِمِينَ، وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

مسلمانان و قرار دادی او را رحمت بر جهانیان خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِّكَ مِنْكَ يَا عَظِيمُ، فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ الْمُؤْتَمِّتِينَ

چنانکه محمد نزد تو اهلیت آن را دارد ای بزرگواری رحمت فرست بر او و بر اولاد نجیب

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ، وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا، فَالْيَاكَ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ

و پاک و پاکیزه‌اش همه و بیوشان مارا بگذشتت از ما زیرا بدرگاهت بلند است شیونها

بِصُنُوفِ اللَّغَاتِ، فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ

به هر زبانی پس مقرر دار برای ما خدایا در این شب بهره‌ای از هر خیری که بخش کنی

تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ، وَتُورِ تَهْدِي بِهِ، وَرَحْمَةً تَنْشُرُهَا، وَبَرَكَهَ تَنْزِلُهَا، وَعَافِيَةَ

میان بندگانت و نوریکه هدایت کنی بدان و رحمتی که پراکنده کنی و برکتی که نازل کنی و لباس عافیتی

تَجَلِّلُهَا، وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ أَقْبِلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ

که در پوشانی و روزی که بهن کنی ای مهربان‌ترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این وقت

مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ، مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْفَانِطِينَ، وَلَا تُخْلِنَا

کامیاب و رستگار و عمل مقبول غنیمت و بهره‌مند و مگردان ما را از نا امیدشدگان و تهی مگذار ما را

مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تَحْرِمْنا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ

از رحمت و دریغ مدار از ما آنچه آرزو داریم از فضلت و ما را از رحمتت

مَحْرُومِينَ، وَلَا لِفَضْلٍ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ فَانِطِينَ، وَلَا تَرُدُّنَا خَائِبِينَ،

محرور مکن و نه از فضل آنچه آرزو داریم از فضلت از عطایات ما یوس مفرما و بازگردان ما را نا امید

وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ، يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ، وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا

و نه از درگاهت رانده ای اجود الاجودین و اکرم الاکرمین بدرگاهت رو کردیم

مُوقِنِينَ، وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ، فَأَعِنَا عَلَى مَنَاسِكِنَا، وَأَكْمِلْ لَنَا

معتقد و برای خانه محترمت آهنگ کننده و قاصد پس کمک کن ما را در مناسکمان و کامل کن حج ما

حَجَّنَا، وَاعْفُ عَنَّا وَعَافِنَا، فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا، فَهِيَ بِذِلَّةِ الْإِعْتِرَافِ

را و بگذر از ما و عافیت بده بما که مددخواستیم بدرگاهت دست خود را دراز کرده و آن دستها چنان است که بخواری

مَوْسُومَةً، اللَّهُمَّ فَأَعِظْنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ، وَأَكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ،

اعتراف بگناه نشاندارشده خدایا بماعظان در این شب آنچه را خواستیم از تو و کفایت کن هرچه را کفایت جوشدیم

فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ، وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرَكَ، نَافِذٌ فِينَا حُكْمَكَ، مُحِيطٌ بِنَا عِلْمَكَ،

زیرا جز تو کفایت نکند کسی و جز تو پروردگار نداریم نافذ است درباره ما حکمت و محیط بنا علمت

عَدْلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ، اِقْضِ لَنَا الْخَيْرَ، وَاجْعَلْنَا مِنْ اَهْلِ الْخَيْرِ، اَللّٰهُمَّ اَوْجِبْ لَنَا

درست است درباره قضاوت خوب قضاوت کن برای ما و بگردان ما را از اهل خیر خدا یا واجب کن برای ما

بِجُودِكَ عَظِيمِ الْاَجْرِ، وَكَرِيمِ الدُّخْرِ وَدَوَامِ السُّسْرِ، وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا

به جودت اجر بزرگ و ذخیره گرامی امکانات دائم و بیامرز برای ما گناهان ما را

اجْمَعِينِ، وَلَا تَهْلِكُنَا مَعَ الْهَالِكِيْنَ، وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ يَا اَرْحَمَ

همه و ما را در ردیف هالکان قرار مده و برمگردان از ما مهر و رحمتت را ای مهربانترین

الرَّاحِمِيْنَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِيْ هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاَعْطَيْتَهُ، وَشَكَرَكَ

مهربانان خدا یا قرار بده برای ما در این هنگام از کسانی که از تو خواستند و به آنها عطا کردی و شکر کردند

فَرِدْتَهُ، وَتَابَ اِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ، وَتَنَصَّلَ اِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَلَّهَا فَغَفَرْتَ لَهَا لَهُ،

و بر آنها افزودی و توبه‌آگشتند و پذیرفتی و از همه گناهان خود بدرشدند و همه را آمرزیدی است

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ، اَللّٰهُمَّ وَتَقْنَا وَسَدَّدْنَا، وَاَقْبَلْ تَضَرُّعَنَا، يَا خَيْرَ مَنْ

ای صاحب جلال و اکرام خدا یا پاکیزه کن ما را و رهبری کن و بپذیر زاری ما را ای بهترین کسی که

سُئِلَ، وَيَا اَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ، يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اِغْمَاضُ الْجَفُّونِ،

درخواست شده و ای مهربان تر کسی که از او طلب رحم شده‌ای که پوشیده نیست بر او بهم نهادن پلک‌ها

وَلَا لِحَظِّ الْعَيُونِ، وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْتُونِ، وَلَا مَا انْطَوَتْ عَلَيْهِ مَضْمَرَاتُ

و برهم زدن چشم‌ها و نه آنچه زیر پرده جای دارد و نه آنچه در نهاد دل‌ها

الْقُلُوبِ، اَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ اَحْصَاهُ عِلْمُكَ، وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ، سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ

نهفته است بلی همه آنها براستی برشمرده دانش تو و فرارگرفته حلم تو منزهی تو و برتری

عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا كَبِيْرًا، تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَنَوَاصِي

از آنچه می‌گویند ستمگران برتری بسیاری تسبیح کند برایت آسمانهای هفتگانه و زمینها و هرکه در

وَمَنْ فِيهِنَّ، وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعَلَوُ الْجَدِّ

آنهاست و نیست چیزی جز تسبیح خوان به سیاست پس برای توست سپاس و بزرگواری و برتری و بلند

يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ، وَالْأَيْدِي الْجِسَامِ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ

ای صاحب جلال و اکرام و فضل و احسان و عطایا و موهبتهای بزرگ و تویی بخشنده

الْكَرِيمِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ، اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَعَافِنِي فِي

و کریم و مهربان و آمرزنده خدایا وسعت ده به من از روزی حلال و عافیت بخش در

بَدَنِي وَدِينِي، وَأَمِنْ خَوْفِي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي،

بدنم و دینم و آسوده‌ام کن از ترس و آزادکن تنم را از آتش خدایا مرا گرفتار مگر مکن

وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، وَلَا تَخْدَعْنِي، وَأَذْرَعْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ.»

و در غفلت مرا بسوی هلاکت میر و مانع فریبم باش و دفع کن از من شر نابکاران و فاسقان از جن و انس.»

پس صورت خود را به سوی آسمان بلند کرد و از دیده‌های مبارکش

اشک می‌ریخت و به صدای بلند می‌فرمود:

«يَا أَسْمَعَ السَّمِيعِينَ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْخَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ

ای شنواتر شنوایان ای بیناتر بینانایان و ای سریع‌تر حساب رس حساب رسان ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ السُّادَةِ الْمَيَامِينِ، وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

مهربانان درود فرست بر محمد و آل محمد آقایان با میمنت و از تو خواهم خدایا

حَاجَتِي الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا

آن حاجتم را که اگر به من عطا کنی زیانم ندارد هرچه را دریغ نمایی و اگر آن را دریغ کنی از من

لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، لِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ

هرچه به من دهی سودی ندمد از تو خواهم آزادی کردنم را از آتش نیست معبودی جز تو یگانه‌ای

لَا شَرِيكَ لَكَ، لَكَ الْمَلِكُ وَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبَّ

و بی شریک از توسست حمد و فرمانروائی از توسست و برای توسست ستایش و تو بر هر چیز توانایی یارب

يَا رَبَّ».

یارب.»

پس مکرر می‌گفت «یا رَبَّ»، و علامه مجلسی در زادالمعاد این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد نموده، لیکن سید بن طاوس در اقبال بعد از «یا رَبَّ يَا رَبَّ» این زیادتی را ذکر نموده:

«إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي، إِلَهِي أَنَا

خدا یا من در توانگری خود نیازمندم و چگونه نیازمند نباشم درنداری خود خدا یا من

الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي، فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهُولًا فِي جَهْلِي، إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ

نادانم در دانش خود و چگونه نادان نباشم از نادانیم خدا یا اختلاف

تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوَاءٍ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا عِبَادَكَ الْغَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى

تدبیرت و سرعت تحول در تقدیرات تو جلوی بندگان عارفان گرفت که دل آرام به

عَطَاءٍ وَالْيَأْسَ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ، إِلَهِي مَتَى مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي، وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ

عطایت باشند یا تو امید از تو در هنگام بلایت خدا یا از من است آنچه شایسته پستی من است و از توسست

بِكْرَمِكَ، إِلَهِي وَصَفْتَ نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي،

آنچه شایان کرم توسست خدا یا ستودی خود را به لطف و مهربانی به من پیش از نادانیم

أَفْتَمَّنَعْنِي مِنْهُمَا بَعْدَ وُجُودِ ضَعْفِي، إِلَهِي إِنَّ ظَهَرَ تِ الْمَحَاسِنِ مِنِّي

آیا دریغ مینمایی از آنها پس از نادانیم؟ خدا یا اگر زیبایی‌هایی از من پدید شود



فَبِقَضْلِكَ وَلَكَ الِئْمَنَةُ عَلَيَّ، وَإِنْ ظَهَرَتِ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ

پس به فضل توست و من از تو باید منت کشم و اگر رخ دهد بدی ها از من به عدل توست و برای توست

عَلَيَّ، إِلَهِي كَيْفَ تَكِلْنِي وَقَدْ تَكَلَّمْتَ لِي وَكَيْفَ أَضَامُ وَأَنْتَ النَّاصِرُ لِي، أَمْ

حجت بر من خدایا واگذاری مرا به آنچه کفیل منی و چگونه زیر باشوم و تو یار منی و آیا

کَيْفَ أَحِبُّبٌ وَأَنْتَ الْحَفِيُّ بِي، هَا أَنَا أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ، وَكَيْفَ

چگونه نومیدم کردم و حال آنکه تو به من مهربانی کنونی بدرگاهت متوسلیم به وسیله نیازم به تو و چگونه

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِمَا هُوَ مَحَالٌ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَشْكُو إِلَيْكَ حَالِي وَهُوَ

تورا وسیله سازم برای آنکه محال است پیرامون تو باشد و چگونه شکایت حال خود کنم بدرگاهت و در

لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ أَتَرْجِمُ بِمَقَالِي وَهُوَ مِنْكَ بَرَزٌ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ تُخَيِّبُ

صورتیکه حالم بر تو پنهان نیست یا چگونه به زبانم شرح دهم و از تو به تورشیده است یا چگونه بیهوده سازی

أَمَالِي وَهِيَ قَدْ وَقَدَّتْ إِلَيْكَ، أَمْ كَيْفَ لَا تُحْسِنُ أَحْوَالِي وَبِكَ قَامَتْ، إِلَهِي مَا

آرزوهایم را که هر تو وارد شده است یا چگونه خوش کنی حالات و حال آنکه احوال من به تو بستگی دارد خدایا چه

الطَّفَكَ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي، وَمَا أَرْحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فِعْلِي، إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ

لطفی به من داری بابرگ نادانیم و چه مهربانی به من داری بازشت کاری من خدایا چقدر به من نزدیکی

مِنِّي وَأَبْعَدَنِي عَنْكَ، وَمَا أَرَأَيْكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ، إِلَهِي عَلِمْتُ

و من از تو دورم و چقدر به من مهربانی پس چیست که محجوب کرده مرا از تو؟ خدایا دانستم

بِاخْتِلَافِ الْآثَارِ وَتَنَقُّلَاتِ الْأَطْوَارِ أَنَّ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كُلِّ

به وسیله اختلاف آثار و زیور و شدن و تغییرا طور هستی که مقصود تواز من اینست که خود را از وجود هر چیز

شَيْءٍ، حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ، إِلَهِي كُلَّمَا أَخْرَسَنِي لُؤْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمُكَ،

به من شناسانی تانادان به تونمانم در هیچ چیزی خدایا هر وقت لالم کند پستی من به سخن آرد مرا کرم تو

وَكَلَّمَا أَيْسْتَنِي أَوْصَافِي أَطْمَعْتَنِي مِثْلَكَ، إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي،

و هر آن گاه ناامید سازد اوصاف خودم به طمع اندازد نعمت‌های تو خدا یا کسیکه خوبیهایش هم بداست

فَكَيْفَ لَا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي، وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي، فَكَيْفَ

چگونه بدیهایش بد نیست و کسیکه حقیقت گوئی او هم صرف ادعاست پس چگونه نباشد

لَا تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي، إِلَهِي حُكْمَكَ النَّافِدُ وَمَشِيَّتَكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكَ

ادعاهای صرف دعوی خدا یا حکم با نفوذ است و خواست قاهره بجانگذاشتند برای صاحب گفتار جای

لِذِي مَقَالٍ مَقَالًا، وَلَا لِذِي حَالٍ حَالًا، إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا، وَحَالَةٍ

گفتاری ونه برای صاحب حال حال دم زدن خدا یا چه بسیاری طاعتی که ساختم و حال عبادتی که

شَيْدَتْهَا، هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ، بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ، إِلَهِي إِنَّكَ

بنیاد کردم واز بن‌کند اعتماد مرا بر آن عدلت بلکه فضلت آن را مورد عفو ساخت خدا یا تو خود

تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدَمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فَعَلَّا جَزَاءً فَقَدْ دَامَتْ مَحَبَّةٌ وَعَزْمًا، إِلَهِي

میدانی که اگر ادامه طاعت از من تصمیمی ندارد ولی دوستی و عزم بر آن ادامه دارد خدا یا

كَيْفَ أَعَزَّمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ، وَكَيْفَ لَا أَعَزَّمُ وَأَنْتَ الْأَمْرُ، إِلَهِي تَرَدُّدِي فِي الْأَثَرِ

چگونه تصمیم بگیرم که در زیر قهر توام و چطور تصمیم نگیرم و توهم فرمان دهی خدا یا تفکر من در آثار

يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ تَوْصُلِنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ

تو مایه دوری از دیدار تو است پس کردار مرا با خودت بوسیله خدمتی که مرا بنو رساند جمع کن چگونه دلیل آرند

عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ، أَيْكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ

به وجودت چیزی را که خودش از نظر هستی نیازمند توست آیا تواند چیزی دیگری پدیدارتر از خود تو

حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُنْظَرُ لَكَ، مَتَى غِبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ،

باشد تا او وسیله ظهور تو گردد کی نهانی تانیازمند برهانی باشی که بر تو دلالت کند

وَمَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تَكُونَ الْأُنْأَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ، عَمِيَّتْ عَيْنِي لَا تَرَكَ

و کی دوری تا به وسیله آثار به تو رسند؟ کور باد آن چشمی که تو را دیده بان خود نیبند

عَلَيْهَا رَقِيبًا، وَخَسِرْتُ صَفْقَةَ عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا، إِلَهِي أَمَرْتُ

و زیان متنباد معامله بنده‌ای که بهره از دوستیت بدو نداده‌ای خدایا دستور دادی

بِالرُّجُوعِ إِلَى الْأُنْأَارِ، فَارْجِعْنِي إِلَيْكَ بِكِسْوَةِ الْأَنْوَارِ وَهِدَايَةِ الْإِسْتِبْصَارِ

مراجعه به آثار کنم پس مرا به خود بطلب از تجلی انوار و راهنمایی بینش دل باصرت

حَتَّى أَرْجِعَ إِلَيْكَ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتُ إِلَيْكَ مِنْهَا مَصُونٍ السَّرِّ عَنِ النَّظْرِ إِلَيْهَا،

تا مراجعه کنم بدرگاهت از آنها چنانچه از همانها بدرگاه تو راه یافتم ونهاد از نگاه به آنها پرداختم

وَمَرْفُوعِ الْهِمَّةِ عَنِ الْإِعْتِمَادِ عَلَيْهَا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، إِلَهِي هَذَا ذَلِّي

و همت خود را از اعتماد بدانها برداشتم زیرا تو بر هر چیز توانایی خدایا این خواری من

ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَهَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ، مِنْكَ أَطْلُبُ الْوُصُولَ إِلَيْكَ،

عیان است در برابر تو و این حال من پوشیده نباشد بر تو از خودت خواهم رسیدن به حضرتت را

وَيْكَ أَسْتَدِلُّ عَلَيْكَ، فَاهْدِنِي بِنُورِكَ إِلَيْكَ، وَأَقِمْنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ

و به وسیله تو دلیل آرم به تو هدایت کن مرا به نور خودت به سویت و برپایم دار تصدیق بندگی در

يَدَيْكَ، إِلَهِي عَلَّمْنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ، وَصَنِّي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ، إِلَهِي

پیش خودت خدایا به من بیاموز از دانش مخزونت و محفوظم دار بستر مصونت خدایا

حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ أَهْلِ الْقُرْبِ، وَاسْلُكْ بِي مَسْلَكَ أَهْلِ الْجَذْبِ، إِلَهِي أَغْنِنِي

بیاریم به حقایق نزدیکان خود و ببر مرا به راه اهل جذب و اشتیاق خدایا بی نیازم کن

بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنْ تَدْبِيرِي، وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي، وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَكَزِ

به تدبیر خودت از تدبیر خودم و به اختیار تو است اختیار من و زیر نظر گیر به هر جای

اضْطِرَارِي، اِلٰهِي اٰخِرِ حِنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي، وَطَهَّرَنِي مِنْ شَكِّي وَشُرْكِي

بیچارگیم را خدایا بیرون آر مرا از خواری نفس و پاک کن مرا از دو دلی و شک و شرک خودم

قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي، بِكَ اَنْتَصِرُ فَاَنْصُرْنِي، وَعَلَيْكَ اَتَوَكَّلُ فَلَا تَكِلْنِي، وَاِيَّاكَ

پیش از رفتن به گورم به تو یاری میطلبم پس یاریم نما و بر تو توکل دارم پس مرا وامگذر و از تو می خواهم

اَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي، وَفِي فَضْلِكَ اَزْ عَبْ فَلَا تَحْرِمْنِي، وَبِحَبَابِكَ اَنْتَسِبُ

و پس نامیدم مکن و از فضل تو مشتاقم پس دریغ مدار و به آستان تو رو آورم

فَلَا تُبْعِدْنِي، وَبِابِكَ اَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي، اِلٰهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ اَنْ يَكُونَ لَكَ عِلَّةٌ

پس دورم مکن و بدرگاه تو ایستاده ام پس مرا مران خدایا مقدس است پسند تو از اینکه خودت سبب ساز

مِنْكَ، فَكَيْفَ يَكُونُ لَكَ عِلَّةٌ مِنِّي، اِلٰهِي اَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ اَنْ يَصِلَ اِلَيْكَ

آن باشی پس چطور می توانم سبب ساز آن گردم خدایا تو به خود بی نیازی از اینکه سودی

الْتَمَعُ مِنْكَ، فَكَيْفَ لَا تَكُونُ غَنِيًّا عَنِّي، اِلٰهِي اِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يَسْمِنِنِي،

از خود جویی پس چطور بی نیاز نیستی از سود جویی من؟ خدایا براستی قضاء و قدر به آرزویم کشند

وَاِنَّ اَلْهُوٰى بُوْثَانِي الشَّهْوَةَ اَسْرَنِي، فَكُنْ اَنْتَ النَّصِيْرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي

و هوای نفس بندهائی بگردن شهوت من نهند و اسیرم کنند پس تو یاور من باش تا پیروز گردم

وَتَبَصَّرَنِي، وَاغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى اَسْتَعْنِيَ بِكَ عَنِ طَلَبِي، اَنْتَ الَّذِي

و بینا شوم و بی نیازم بکن به فضل خود تا بی نیاز باشم به تو از جویندگی خودم تویی که

اَشْرَفْتَ الْاَنْوَارَ فِي قُلُوبِ اَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوْكَ وَوَحَدُوْكَ، وَاَنْتَ الَّذِي اَزَلْتَ

تابیدی انوار معرفت در دلهای دوستانت تا تورا شناختند و یگانه دانستند و تویی که بر طرف ساختی

الْاَغْيَارَ عَنِ قُلُوبِ اَحْبَابِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ، وَلَمْ يَلْجَأُوا اِلَى غَيْرِكَ،

دیگران را از دلهای دوستانت تا دوستی دیگران را جدا ساختند و پناه بردند به دیگری

أَنْتَ الْمُونِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشْتَهُمُ الْعَوَالِمَ، وَأَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ

تویی همدم آنان آن‌جا که عوالم هستی در هراسند و تویی که راهنمای آنهايي آن جا که

اسْتَبَانَتْ لَهُمْ لِمَعَالِمٍ، مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ، وَمَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ، لَقَدْ

چشم‌انداز آنها شود نشانه‌های تو چه دارد آنکه تو را ندارد؟ و چه ندارد آنکه تو را دارد مسلماً

خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا، وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَىٰ عَنكَ مُتَحَوِّلاً،

تهی‌دست باشد آنکه پسندد و بجای تو چیز دیگری محققاً زیان‌مند است آنکه از تو رو گردانید در حال کوچ‌کردن

كَيْفَ يُرْجَىٰ سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ، وَكَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ

چطور می‌شود بغیر تو امیدوار بود و حال آنکه تو قطع احسان نکردی و چگونه از دیگری بجویند و توبه

مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْإِمْتِنَانِ، يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَمَا مَوْا بَيْنَ

شیوه خود عطا بخش می‌باشی ای که چشاند به دوستانش شیرینی انس را و به پاخیزند در برابرش

يَدِيهِ مَتَمَلِّقِينَ، وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَمَا مَوْا بَيْنَ يَدِيهِ

تملق‌گویان وای که ببر اولیانش کرد جامه‌های هیبت خود را و به پاخیزند در برابرش

مُسْتَعْفِرِينَ، أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ الذَّاكِرِينَ، وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ

آمرزش‌جویان تو ذکر‌گویی پیش از ذکر‌گویان و تویی آغاز کننده احسان پیش از توجه

الْعَابِدِينَ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ، وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا

عابدان و تو بخشنده عطایی پیش از خواست طالبان و تویی بسیار بخشنده سپس آنچه خود به

وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ، إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّىٰ أَصِلَ إِلَيْكَ،

ما بخشیدی به عنوان قرض خواهی خدایا مهرت را جویایم تا برسم به کویت

وَأَجْذِبُنِي بِمَنِّكَ حَتَّىٰ أَقْبَلَ عَلَيْكَ، إِلَهِي إِنْ رَجَائِي لِأَيِّنَّقُطِعَ عَنكَ وَإِنْ

و به سوی خود جذبیم نما به فضل خودت تاروی بدرگاهت کنم خدایا برآستی امیدم از قطع نشود و اگر چه

عَصَيْتَكَ، كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ، فَقَدْ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمَ إِلَيْكَ،

نافرمانیت کردم چنانچه ترسم زایل نشود و اگر چه فرمانت برم مرا بدرگاه تو بلند کردی عوالم هستی

وَقَدْ أَوْفَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيَّ، إِلَهِي كَيْفَ أَحِبُّ وَأَنْتَ أَمَلِي، أَمْ كَيْفَ

و علم من بکرم تو مرا به آستانت انداخت خدایا چه طور ناامید شوم و تو آرزوی منی یا چگونه

أَهَانٌ وَعَلَيْكَ مَتَّكَلِي، إِلَهِي كَيْفَ اسْتَعِزُّ وَفِي الدَّلَّةِ أَرْكَزْتَنِي، أَمْ كَيْفَ

خوار شوم و بر تو تکیه زدم خدایا چه طور عزت جویم که در خواری مرا متمرکز کردی یا چگونه

لَا اسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي، إِلَهِي كَيْفَ لَأَفْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقْرَاءِ

عزت جویم که مرا به خودت بستی خدایا چگونه نیازنیارم و تویی که در نیازمندانم

أَقَمْتَنِي، أَمْ كَيْفَ أَفْتَقِرُّ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ أَعْنَيْتَنِي، وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ

جای دادی یا چه طور نیازآرم و تویی که به جودت بی نیازم کردی و تویی که نیست معبود حتی

غَيْرُكَ، تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهَلَكُ شَيْءٌ، وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ

جز تو خود را شناساندی بهرچیز چیزی نیست که تو را نشناسد تویی که معرفی کردی خود را به من در هر

شَيْءٍ، فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ، وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ، يَا مَنْ اسْتَوَى

چیز پس دیدم تو را آشکارا در هر چیز و تو عیبانی برهرچیز ای که بر رحمانیت خود

بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ، مَحَقَّتِ الْأَثَارَ بِالْأَثَارِ، وَمَحَوَّتِ

استواری و عرش در غیبت ذات توست محو کردی آثار را به آثار و نابود کردی

الْأَغْيَارَ بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ، يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ

اغیار به محیطهای افلاک انوار ای که نهان است در سرا پردههای عرش خود از

أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ، يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْإِسْتِوَاءَ،

آنکه دریافت کند او را چشمها ای که پرتو افکند به کمال نور خود و پابرجاشد عظمتش استواری را

---

كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ، أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ الحَاضِرُ، إِنَّكَ عَلَيَّ

چطور پنهانی با این که آشکاری یا چگونه غائبی و تودیدهبان حاضری زیرا تو بر هر چیز

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ».

---

توانایی و حمد و سپاس برای خدای یگانه است.»

---

## واژه نامه

ابطح: نام یکی از وادی‌های شن‌زار و سیل‌گونه اطراف شهر سابق مکه است که اکنون جزو شهر شده و در خیابان مسجدالحرام، پس از پل حجون و نرسیده به میدان معاویه فعلی است.

اجحاف: بی انصافی، بی عدالتی، جور و ستم.

إجزاء: کفایت.

اجنبی: مرد بیگانه، نامحرم.

اجنبیه: زن بیگانه، نامحرم.

اجیر: کسی که طبق قرار مشخص در برابر کاری که انجام می‌دهد، مزد دریافت می‌کند.

احتیاط: پیش‌بینی و انتخاب روشی که موجب اطمینان انسان در رسیدن به واقع است.

احتیاط واجب: احتیاطی که مجتهد، وجوب رعایت آن را از طریق آیات و روایات یافته است و همراه آن فقیه فتوا نداده است، در چنین مسائلی مقلد می‌تواند به همان احتیاط عمل نماید و یا به فتوای مجتهد دیگری که از بقیة مجتهدین اعلم باشد، عمل نماید.



احتیاط مستحب: احتیاطی که غیر فتوای فقیه است و عمل به آن مطلوب است ولی لازم نیست.

احتیاط لازم: احتیاطی که مجتهد وجوب رعایت آن را از طریق ادله عقلی یافته است و مقلد در این گونه مسائل می‌تواند به همان احتیاط عمل نماید و یا به مجتهد دیگری که از بقیه مجتهدین اعلم باشد مراجعه کند.

احراز: کسب اطمینان نسبت به کاری.

ادنی الحل: یعنی نزدیکترین منطقه خارج از حرم به حرم.

استطاعت: توانایی و قدرت داشتن، توانایی به‌جا آوردن فریضه حج از نظر بدن، مال، راه، رجوع به کفایت.

استلام حجرالاسود: دست کشیدن به حجرالاسود.

استمنا: انسان با خود کاری کند که منی از او خارج شود.

اصل ترکیه: مجموعه دارایی میّت است.

اضطرار: ناچاری، درماندگی.

اظهر: روشن‌تر، آشکارتر از نظر تطبیق با ادله فتوا.

اعاده: دوباره آوردن، دوباره گفتن.

اغسال مسنونه: غسل‌های مستحبی.

اقوی: فتوا این است و باید عمل شود.

اولی: سزاوارتر، شایسته‌تر.

اولیا: سرپرستان، نزدیکان.

ایذاء: آزار دادن، اذیت کردن.

بری الذمه: رفع تکلیف.

بعید نیست: فتوا این است (مگر قرینه‌ای بر خلاف آن در کلام باشد).  
 بیتوته: توضیح آن در اول فصل ششم بیان شده است.  
 بومادران: گیاهی است خوشبو و معطر، دارای ساقه‌های بلند و گل‌های سفید رنگ.

تبرّع: انجام دادن کاری مجاناً.

تحیّت: سلام گفتن، درود گفتن، و مستحب است انسان وقتی وارد مسجدی می‌شود دو رکعت نماز به قصد تحیّت و احترام مسجد بخواند.  
 تخمیس: پنج قسمت کردن چیزی و یک پنجم آن را جدا کردن.  
 تدارک: به‌جا آوردن مجدد عمل یا جزئی از آن که فراموش شده یا درست به‌جا آورده نشده است.

تداخل اغسال: جایی که چند غسل با هم تداخل کنند، که جمعاً یک غسل کفایت از همه آنها می‌نماید.

تذکیه: حیوانی که با رعایت موازین شرع کشته شده باشد.

تفحص: کاوش و جستجو کردن، بررسی نمودن.

تقلید: پیروی کردن، عمل به فتوای مجتهد.

تقیّه: خودداری، خودداری از اظهار عقیده و مذهب خویش و عمل به عقیده مخالف اگر لازم باشد، در مواردی که ضرر مالی یا جانی یا عرفی متوجه شخص باشد.

تکبیرة الاحرام: الله اکبر که به قصد ورود به نماز گفته می‌شود.

تلّ سرخ: مکانی است بین راه عرفات به مشعر که به آن کثیب احمر هم می‌گویند.

تلقین: یاد دادن، شخصی را وادار به گفتن کلامی کردن.

ثقه: شخص مورد اعتماد و اطمینان.

ثلث میّت: یک سوم دارایی میّت.

جاهل قاصر: جاهلی که در جهلش مقصّر نیست، یعنی در شرایطی است که امکان دسترسی به حکم خدا برای او وجود ندارد و یا اصلاً خود را جاهل نمی‌داند.

جاهل مقصّر: جاهلی که در جهلش مقصّر است، یعنی امکان آموختن مسائل را داشته ولی کوتاهی نموده است.

جبل الرّحمة: نام کوهی است در سرزمین عرفات که امروزه بعضی از حجاج در روز عرفه بالای آن می‌روند، و وقوف در بالای آن مکروه است. جروح: زخم‌ها.

جُحفه: نام یکی از میقاتهاست که در فاصله «۱۵۶» کیلومتری شمال غربی مکه واقع شده و اهل مصر و سوریه و مغرب از آنجا احرام می‌بندند و نیز هر کسی که از آن راه به مکه مشرف شود.

جعرانه: نام یکی از حدود چهارگانه حرم خداست که از ناحیه شرق مکه بر سر راه طائف در فاصله سی کیلومتری شهر مکه قرار دارد.

جماع: آمیزش جنسی، نزدیکی کردن مرد با زن.

جُنُب: کسی که با دیگری همبستر شده (جماع و دخول کرده) و یا منی از او خارج شده است.

جهر: با صدای بلند چیزی را خواندن.

حائض: زنی است که در ایام قاعدگی می‌باشد.

حجامت: خون گرفتن از بدن انسان به شکل و شیوه خاص.  
 حجة الاسلام: بر هر شخص مستطیع واجب است حداقل یک مرتبه در  
 عمر خود به زیارت خانه خدا برود و آن را «حجة الاسلام» می‌گویند.  
 حج بلدی: حجی را که نایب از شهر منوب‌عنه یا از شهر مورد نظر او به جا  
 می‌آورد.

حج میقاتی: حجی که از میقات آورده می‌شود.  
 حج نیابتی: انجام اعمال حج از طرف دیگری.  
 حدث اصغر: هر امری که موجب وضو شود، مانند بول کردن و یا  
 خوابیدن.  
 حدث اکبر: هر امری که موجب غسل شود، مانند احتلام و نزدیکی کردن  
 با همسر.

حرج: مشقت یا سختی.  
 حنوط: مالیدن کافور به پیشانی، کف دست‌ها، سر زانو‌ها، و سر دو  
 انگشت بزرگ پاهای مرده.  
 خالی از قوت نیست: فتوا این است (مگر اینکه در ضمن کلام قرینه‌ای بر  
 غیر این معنا باشد).  
 خالی از اشکال نیست: نشانه نداشتن فتوای قطعی مرجع می‌باشد، در این  
 گونه موارد، مقلد مخیر است بین عمل به احتیاط و یا رجوع به فتوای مرجع  
 دیگری با شرایطش.  
 خالی از وجه نیست: فتوا این است (مگر اینکه در ضمن کلام قرینه‌ای بر  
 غیر این معنا باشد).

خراج عراقین: «خراج» نوعی مالیات بوده است که حکومت‌های اسلامی از اقشار خاصی می‌گرفتند و «عراقین» یعنی: عراق عرب و عجم. خَصّی: انسان یا حیوانی که بیضه او را کشیده‌اند و از عمل جنسی ناتوان است.

خطور قلبی: توجه نمودن به چیزی در قلب و مجسم نمودن آن در ذهن. خزامی: گیاه صحرایی خوشبو است. خون قروح و جروح: خونریزی‌ای که به سبب دُمَل‌ها یا زخم‌های چرکین به وجود می‌آید.

دُبُر: عقب، پشت.

دِرْمَنه: یک نوع گیاه صحرایی خوشبو.

دَمَل: زخمی که روی پوست بدن پدیدار شود و از آن خونابه و چرک بیاید.

ذهاب حمرة مشرقیه: بر طرف شدن سرخی طرف مشرق آسمان در هنگام غروب آفتاب.

رجا: امیدآوری، انجام عمل به قصد رجا، یعنی به قصد و امید ثواب. ریا: به نیکوکاری تظاهر کردن، ترک اخلاص در عمل به اینکه غیر خدا را در عمل لحاظ کند.

ساتر: پوشاننده.

شأن: همان مجموعه حیثیت شخصی و اجتماعی یک فرد است و خلاف شأن یعنی مراعات نکردن حیثیت ذکر شده می‌باشد. شوط: گشتن یک دور کامل به دور خانه کعبه.

ضیق وقت: تنگی زمان، گنجایش نداشتن وقت و زمان برای انجام عمل با تمام اجزا و شرایطش.

فَحّ: وادی‌ای است در مدخل شهر مکه از راه جدّه و مسجد تنعیم.

طلاق بائن: طلاقى راگویند که پس از طلاق، مرد حقّ رجوع به زنش را بدون عقد جدید ندارد.

طلاق رجعی: طلاقى که مرد در عده طلاق می‌تواند به زن مطلقه‌اش رجوع کند و بعد از رجوع زن او می‌شود و نیاز به عقد جدید ندارد.

طواف نساء: آخرین طواف حج تمتع و عمره مفرده است که ترک آن موجب استمرار حرمت همسر برای او می‌شود.

عادت ماهیانه: قاعدگی و خون دیدن زن در هر ماه به مدت معین.

عُسر و حَرَج: زحمت و مشقت زیاد.

عقبه مدنیین: سابقاً دروازه مدینه در شهر مکه بوده و اکنون جزو شهر شده و جنب حُجون و قبرستان مکه می‌باشد.

قُئِل: جلو (کنایه از عضو - آلت تناسلی).

عذر طاری: عذر و ناتوانی که بعداً بوجود آید.

قصد اقامه: تصمیم مسافر به ماندن ده روز یا بیشتر در محلّ واحد.

قصد قربت: به جا آوردن عمل برای رضا و قرب الهی.

قصد قربت مطلقه: به جا آوردن عملی به قصد تقرب به خدای متعال، بدون قصد واجب یا مستحب بودن عمل.

کثیرالشک: کسی که زیاد شک می‌کند.

ما فی الذمّة: آنچه به عهده انسان است.

مأزمین: تنگه‌ای است بین عرفات و مشعر که حدّ مشعر و خارج از آن است. متنجّس: چیزی که ذاتاً پاک است، ولی در اثر برخورد مستقیم یا غیرمستقیم با شیء نجس، به نجاست آلوده شده باشد.

مَحْرَم: خویشاوندان نزدیک، کسانی که به خاطر نسبت (خویشاوندی) یا رضاع (شیر خوردن) یا ازدواج، ازدواج با آنها حرام ابدی می‌شود مانند خواهر، مادر، دختر، مادر زن، دختر و خواهر رضاعی و غیر اینها که در جای خود بیان شده است.

محاذات: رو به رو، مقابل، برابر.

مُخَدِّث: کسی است که کاری که موجب وضو یا غسل باشد، انجام داده باشد.

مُخْرَم: کسی که در حال احرام عمره تمتع یا حج تمتع یا حج قران و افراد و یا عمره است.

مُحِلّ: کسی که از احرام خارج شده است.

مستطیع: کسی که دارای توانایی است و امکانات و شرایط از نظر مالی، صحت، بدن و راه برایش فراهم است.

مستحاضه: زنی که خون استحاضه از او می‌آید.

مَسّ مِیت: دست زدن به بدن انسان مرده، که قبل از غسل و بعد از سرد شدن بدن او موجب غسل مَسّ مِیت است.

مسکین: کسی است که وضع و حال او از فقیر بدتر است.

محلّ اشکال است: صحیح نیست و در این موارد می‌توان به مجتهد دیگر مراجعه کرد.

محلّ تأمل: باید احتیاط کند.

مطاف: حدّ فاصل بین کعبه و مقام ابراهیم علیه السلام.

مقام ابراهیم: سنگی است در فاصله ۱۳ متری از کعبه بین شرق و شمال آن، که در جایگاه مخصوصی قرار دارد و گفته می‌شود حضرت ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن کعبه، روی آن می‌ایستادند.  
موالات: کار و عملی را پی در پی و پشت سر هم و بدون فاصله انجام دادن.

ناسی: فراموشکار.

نُفساً: زنی است که بعد از وضع حمل خون می‌بیند.

وادی محسّر: محلی است بین راه مشعرالحرام به منی.

وادی عقیق: نام یکی از میقاتها است و در فاصله «۹۴» کیلومتری شمال شرقی مکه قرار دارد. اهل عراق و نجد و هر کسی که از آن راه به مکه مشرف می‌شود از آنجا احرام می‌بندند.

وطی به شبهه: یعنی مردی که به اشتباه با زن بیگانه‌ای به غیر از همسر

خود به خیال اینکه همسرش می‌باشد، نزدیکی نماید.

وقوف: ماندن در محلی است.

ولایت: سرپرستی، تسلط داشتن.

یائسه: زنی که دیگر حیض نبیند.

لَمَلَم: نام کوهی است در جنوب مکه که میقات اهل یمن و هر کسی است

که از آن راه به حج برود، و فاصله آن تا مکه «۸۴» کیلومتر است.